



سَمَحَةُ سَهْلَه 1

(مسائل احکامی در دو مبحث وضو و غسل)

علی کشوری بهار¹

انتقادات و پیشنهادات

09922666320

مؤلف

¹ طلبه مدرسه علمیه امام محمدباقر . علیه السلام . .

« فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ »¹.



¹ سورة نحل ، آية 43 .

فهرست

| | |
|-----|--|
| 6 | مقدمه مؤلف |
| 20 | مبحث وضو |
| 20 | مقدمات مبحث وضو |
| 26 | کیفیت وضو |
| 27 | نیّت |
| 30 | شستن صورت و دست ها |
| 38 | مسح سر |
| 42 | مسح پاها |
| 53 | وضوی ارماسی |
| 55 | شرایط صحت وضو |
| 56 | آب وضو مباح باشد |
| 59 | اعضای وضو پاک باشند |
| 62 | استعمال آب برای وضو گیرنده ضرر نداشته باشد |
| 63 | قصد قربت داشته باشد |
| 63 | تنها خودش وضو بگیرد |
| 63 | در اعضای وضو مانع نباشد |
| 70 | مُوالات |
| 73 | غایات وضو |
| 88 | مبطلات وضو |
| 100 | مستحبات وضو |

| | |
|-----|----------------------------------|
| 109 | مکروهات وضو |
| 111 | مبحث غسل |
| 111 | غسل های واجب |
| 112 | احکام جنابت |
| 119 | کارهای حرام بر جنب |
| 121 | کارهای مکروه بر جنب |
| 123 | غسل جنابت |
| 125 | کیفیت انجام غسل ها |
| 133 | احکام غسل کردن |
| 149 | مستحبات غسل جنابت |
| 151 | غسل های مستحبی |
| 161 | آشنایی با کتب علماء |
| 161 | کتاب مفتاح الفلاح |
| 164 | آشنایی با زندگی نامه علماء |
| 164 | شیخ بهایی |
| 168 | آیت الله سیستانی |
| 172 | آیت الله مکارم |

مقدمه مؤلف

رسول گرامی اسلام - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - :

"بُعِثْتُ بِالْحَنِيفَةِ¹ السَّهْحَةِ² السَّهْلَةِ:

¹ الحنيف

- المسلم الذي يستقبل قبلة البيت الحرام على ملة إبراهيم حنيفاً مسلماً (العين)
- كل من أسلم في أمر الله فلم يلتو في شيء منه (العين)
- آنكه دلبيسته و بيرو دين اسلام است (فرهنگ ابجدی)
- هر كس كه بر دين ابراهيم خليل بود (فرهنگ ابجدی)
- يگانه و يكتا پرست (فرهنگ ابجدی)
- مستقيم. (فرهنگ ابجدی)
- المتمسك بالإسلام او الصحيح الميل اليه (المنجد في اللغة)
- كل من كان على دين ابراهيم (المنجد في اللغة)
- المُوَجَّد في دينه (المنجد في اللغة)
- المستقيم (المنجد في اللغة)

الحنيف

- المائل من خير إلى شر أو من شر إلى خير (لسان اللسان)
- المُسْلِمُ الذي يَتَحَنَّفُ عن الأديان أي يميل إلى الحق (لسان اللسان)
- المُسْتَقِيمُ (لسان اللسان)
- في الجاهلية من كان يَخُج البيت و يغتسل من الجنابة و يَحْتَنُّ، فلما جاء الإسلام كان الحنيف المُسْلِمُ (لسان اللسان)

الدِّينُ الحنيف

- الإسلام (المنجد في اللغة العربية المعاصرة)

حنيف

- [ح] [ع ص ، ا] مایل از هر دين باطل به سوى دين اسلام و ثابت بر آن . ابرگشته از ملت های باطل . اآنکه در ملت ابراهيم (ع) باشد . ج ، خفاء . ااسلمان . مسلمان راست دين . پالدين . فرهودي . راست کيش . اامستقيم . -- دين حنيف ؛ دين راست بدون انحراف . (لغت نامه دهخدا)

² (السَّهْحَةُ): مؤنث السَّهْح. گویند: (شَرِيعَةٌ سَهْحَةٌ): شریعت و دین با گذشت و آسان. ج سَمَاح. (المعجم الوسيط)

سَهْحَةٌ

- ج سَمَاح: فيها يُسْر و سُهولة: «شريعة سَهْحَةٌ» (المنجد في اللغة العربية المعاصرة)
- قوس سَهْحَةٌ
- ضِدُّ كَرَّةٍ (لسان اللسان)
- الْحَنِيفِيَّةُ السَّهْحَةُ
- ليس فيها ضيق و لاشدة (لسان اللسان)

السَّهْحَةُ

- مؤنث السَّهْح ج سَمَاح لا غير (المنجد في اللغة)

بر دین مستقیمی که کژی و انحرافی در آن نیست و از باطل و بدی به حق و خوبی راهنمایی می کند و با گذشت و آسان است و در آن عسر و حرجی نیست، مبعوث شدم.¹

خداوند متعال را شاکر هستم که بر بنده حقیر منت نهاد تا دست به قلم گیرم و شروع به نگارش جزواتی با عنوان سمحه سهله جهت سهولت در امر تبلیغ کرده و اولین جزوه را که پیشاپیش شما قرار گرفته است، با عنوان سمحه سهله¹ به رشته تحریر درآورم.

این جزوه که محصول بیان احکام برای طلبان و مردم بوده، مشتمل بر احکام وضو و غسل می باشد.

ویژگی های این جزوه:

1. نظرات چهار تن از مراجع می باشد که معمول مردم مقلد آنها می باشند.

2. نظرات به صورت پرسش و پاسخ بیان شده است.

3. بحث های بیشتری در پاورقی ها صورت گرفته است.

4. در بعضی مسائل، روایات هم در پاورقی ها ذکر شده است و ...

در متن اصلی این جزوه، سعی شده است فتوای مراجع بدون زیادتی و نقصانی و دخل و تصرفی بیان شود و الفاظ عین الفاظ ایشان باشد، و مباحث بیشتر و بیانات مؤلف در پاورقی ها بیان شده است.

ثواب این رساله را به بی بی سه ساله، حضرت رقیه - سلام الله علیها - تقدیم می کنم.

چند توصیه به مبلغین احکام

توصیه اول: مسائل مورد نیاز مخاطبین را بیان کنید.

یکی از دلایلی که باعث شده مردم نسبت به شنیدن مسائل احکامی، رغبت نداشته یا کم داشته باشند، بیان احکامی است که مورد نیاز مخاطبین نیست، به عنوان مثال:

آیا می شود مسح پای راست را با دست چپ و مسح پای چپ را با دست راست انجام داد؟

آیا می شود هم زمان هر دو پا را مسح کرد؟

آیا می شود مسح پا را برعکس انجام داد (یعنی از بالا به پایین مسح کنیم)؟

آیا می شود مسح سر را بادست چپ انجام داد؟

آیا می شود مسح سر را از سمت جلو به عقب انجام داد؟ و قس علی هذا ...

این مسائل به دو دلیل موجب بی میلی مردم به احکام می شود:

الف. مورد نیاز مخاطبین نیست؛ مسلّم است انسان دنبال چیزی می رود که نسبت به آن در خود نیازی ببیند و اگر این اتفاق نیفتاد، دنبال آن نمی رود. مثلاً بعضی از مردم که به حرم ائمه - علیهم السلام - می روند به خاطر خود حضرات نیست، بلکه معمولاً حوائجی دنیوی دارند که اگر حاجت آنها بر آورده شود دیگر به حرم نمی روند. یکی از اساتید تعریف می کرد که فردی چهل مرتبه به مسجد جمکران رفته بود و حاجتش در همه این چهل دفعه، ماشین بوده است، حال اگر حاجتش بر آورده شود، دیگر به مسجد جمکران نمی رود.

ب. موجب گیج شدن و سردرگمی مخاطبین می شود؛ که این خود به می تواند به یکی از این دو دلیل ذیل باشد:

الف. مسائل جزئی، پیچیده باشند.

ب. مسائل جزئی، پیچیده نباشند، لکن به دلیل بیان شدن آنها با مسائل اصلی، موجب سردرگمی مخاطبین می شود، زیرا ذهن انسان گنجایش همه مسائل را ندارد، چنانچه که حضرت امیر - علیه السلام - می فرمایند:

"إِنَّ رَأْيَكَ لَا يَتَّسِعُ لِكُلِّ شَيْءٍ فَفَرِّغْهُ لِمُهْمٍ:

اندیشه تو گنجایش همه چیز را ندارد، پس آن را برای (کارهای) مهم خالی کن.^۱

حال از کجا متوجه شویم مسائلی که بیان می کنیم مبتلاء به است یا نه؟:

اگر مخاطبین شما به مسائلی که شما بیان می کنید توجه داشتند معلوم می شود که مسائل مبتلاء به است و اگر مخاطبین توجه نداشتند، عکس قبلی معلوم می شود. و این بی میلی می تواند با کارهایی مثل ترک مجلس، مشغول کردن خود به کاری مثل نماز خواندن یا ذکر گفتن یا صحبت با کناری و ... باشد.

باید توجه کنیم که توضیح المسائل همچون داروخانه ای است که باید هر دارویی در آن وجود داشته باشد تا هر بیمار مراجعه کننده ای بتواند طبق نیاز خود از آن استفاده کند، ولی این بدان معنی نیست که ما همه داروهای داروخانه را در اختیار هر بیماری قرار دهیم تا او از تمام داروها استفاده کند!

لذا مبلغ باید مخاطب را بشناسد و سپس نیاز او را تشخیص داده، و احکام را مبتنی بر نیاز او بیان کند، البته خود مبلغین باید نسبت به این مسائل تسلط داشته باشند تا اگر سؤالی در این زمینه از آنها شد، بتوانند - بعد از پرسیدن نام مرجع شخص سؤال کننده - پاسخگو باشند.

توصیه دوم: بیان فتاواهای مشترک.

بیان بعضی از اختلافات بین مراجع در مسائل احکامی، موجب سردرگمی مخاطبین می شود، لذا برای جلوگیری از بروز چنین اتفاقی، به نکاتی که در ذیل بیان می شود توجه کنید:

اختلافات بین مراجع:

1. پیچیده نیستند و بیان آنها موجب گیج شدن مخاطبین نمی شود:

¹ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص 57.

الف: نیازی به بیان اختلاف نیست و می توان به صورت فتوای مشترک بیان کرد، مانند:

مراجع ذیل در مقدار طول مسح پا می فرمایند:

حضرت آقا: باید از سر یکی از انگشتان پا تا مفصل پا (آخر روی پا) را مسح کند.

آیت الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب از سر یکی از انگشتان پا تا مفصل پا (آخر روی پا) را مسح کند.

امام خمینی و آیت الله مکارم: باید از سر یکی از انگشت ها (آیت الله مکارم: غیر از انگشت کوچک که به تنهایی اشکال دارد) تا برآمدگی پشت پا، و بنابر احتیاط مستحب تا مفصل پا مسح کند.¹

می توان این مسأله را به صورت یک جمله بیان کرد:

مقدار طول مسح پا از سر یکی از انگشتان تا مفصل پا می باشد؛ که این کار، موجب باطل شدن عمل کسانی که مرجع تقلیدشان تا برآمدگی پا را واجب می دانند نمی شود، زیرا این مقدار خود به خود مسح خواهد شد، البته روشن است که عکس این مطلب صادق نخواهد بود.

ب. بیان اختلاف لازم است.² مانند نظر مراجع ذیل در خصوص یکی از کارهای حرام بر جنب:

امام خمینی: خواندن سوره ای که سجده واجب دارد و آن چهار سوره است و اگر یک حرف از این چهار سوره را هم بخواند حرام است .

آیت الله سیستانی: خواندن هر یک از آیاتی که دارای سجده واجب هستند و آن در چهار سوره است:

اول: سوره سی و دوم قرآن (السجده) آیه پانزدهم؛

دوم: سوره چهل و یکم (فُصِّلَتْ) آیه سی و هفتم؛

سوم: سوره پنجاه و سوم (النجم) آیه آخر؛

چهارم: سوره نود و ششم (عَلِقَ) آیه آخر .

¹ آموزش مصور احکام عبادات ، حضرت آقا ، ص 118 و همچنین أجوبة الاستفتائات ، م 106 و م 111 ؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی ، ج 1 ، م 277 ، (این مسأله در توضیح المسائل آیت الله سیستانی م 251 به صورت فتوای صریح آمده و فرمودند: باید از سر یکی از انگشتان پا تا مفصل پا (آخر روی پا) را مسح کند) ؛ توضیح المسائل امام خمینی ، م 252 ؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم ، م 272

² تشخیص نیاز و عدم نیاز ، به مهارت خود شخص مبلّغ بستگی دارد.

احتیاط مستحب آن است که فرد، سایر آیات این چهار سوره سجده دار را هم نخواند .
حضرت آقا، آیت الله مکارم : خواندن یکی از آیاتی که سجده واجب دارند؛ ولی خواندن غیر آیه سجده از سوره سجده مانعی ندارد.^۱

در این جا نمی شود مسأله را به صورت ذیل بیان کرد:
خواندن سوره های سجده دار حتی یک حرف از آنها حرام است.
دلیل مطلب واضح است.

2. پیچیده هستند و بیان آنها موجب گیج شدن مخاطبین می شود:

الف. می شود به صورت فتوای مشترکی که به نظر همه مراجع مخاطبین، عمل به آن فتوا صحیح باشد، بیان کرد، همان را ذکر می کنیم. مانند فتوای مراجع ذیل در خصوص کیفیت غسل ترتیبی:

امام خمینی: در غسل ترتیبی باید به نیت غسل، اول سر و گردن، بعد طرف راست و بعد طرف چپ بدن را بشوید. و اگر عمداً یا از روی فراموشی یا بواسطه ندانستن مسأله به این ترتیب عمل نکند غسل او باطل است.

نصف ناف و نصف عورت را باید با طرف راست بدن و نصف دیگر را باید با طرف چپ بشوید، بلکه بهتر است تمام ناف و عورت با هر دو طرف شسته شود.

حضرت آقا: در غسل ترتیبی بنابر احتیاط واجب بعد از سر و گردن باید اول سمت راست بدن را و سپس سمت چپ را به نیت غسل شست. و اگر عمداً یا از روی فراموشی یا بواسطه ندانستن مسأله به این ترتیب عمل نکند غسل او باطل است.

آیت الله سیستانی: در غسل ترتیبی، انسان باید به نیت غسل، بنابر احتیاط لازم، اول تمام سر و گردن و بعد بدن را بشوید و احتیاط مستحب آن است که اول طرف راست و بعد، طرف چپ بدن را بشوید و چنانچه فرد، ترتیب مذکور را عمداً یا از روی ندانستن مسأله رعایت نکرده، بنابر احتیاط واجب غسل وی صحیح نیست؛ مگر آنکه جاهل قاصر محسوب شود؛ البته اگر فرد بدن را در غسل ترتیبی قبل از سر بشوید، لازم نیست غسل را دوباره انجام دهد؛ بلکه چنانچه بدن را دوباره بشوید، غسل او صحیح خواهد بود.

^۱توضیح المسائل امام خمینی ، م 355 ؛ توضیح المسائل آیت الله سیستانی ، م 354 و أيضاً توضیح المسائل جامع ایشان ، ج 1 ، م 442 ؛ حضرت آقا ، آموزش مصور احکام عبادات ، ص 168 ؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم ، م 370 و 371 .

آیت الله مکارم: بعد از نیت، اول سر و گردن را می شوید، سپس طرف راست و بعد طرف چپ را. رعایت این ترتیب در غسل، واجب نیست؛ بلکه مستحب است. احتیاط^۱ آن است که تمام ناف و عورت را با هر دو طرف بشوید.^۲

همانطور که ملاحظه می کنید، بیان این نظرات به دلیل وجود احتیاط واجب و احتیاط مستحب و مستحب و واجب، موجب گیج شدن مخاطب می شود که می توان به صورت ذیل بیان کرد:

در غسل ترتیبی باید به نیت غسل، اول سر و گردن، سپس طرف راست و سپس طرف چپ بدن را بشوید و ناف و عورت را هم با دو طرف بشوید.

ب. نمی شود به صورت فتوای مشترکی بیان کرد: می توان فتوای مرجع اکثریت را بیان کرده و بگوید این مسأله اختلافی است و باید به نظر مرجعتان رجوع کنید و برای این کار می توانید یا با دفتر آنها تماس بگیرید و نظر مرجعتان را جویا شوید^۳ و یا سؤالتان را با ذکر نام مرجع به شماره 30002020 حرم مطهر پیامک کنید و ...

توجه: بیان بعضی از نتایج مسائل به صورت عمومی و گسترده، به مصلحت نیست، مثلاً اگر راه های ثبوت ابتدای ماه را بیان کرد، از گفتن نتایج آن باید پرهیز کند، مثلاً نباید بگوید که فردا به نظر حضرت آقا، عید فطر است ولی به نظر آیت الله سیستانی و ... عید فطر نیست. زیرا بیان این گفتار، غالباً موجب سوء ظن مردم به اسلام و احکام اسلام^۴ و در پی آن موجب سوء استفاده دشمن از این وضعیّت می شود؛

^۱ سؤال: در مسأله 378 توضیح المسائل آیت الله مکارم آمده: "احتیاط آن است که تمام ناف و عورت را با هر دو طرف بشوید". منظور، احتیاط واجب است یا احتیاط مستحب؟

جواب: با توجه به اینکه در غسل ترتیبی رعایت ترتیب لازم نمی باشد، می توان ناف یا عورت را با هر کدام از طرف های بدن شست، ولی احتیاط مستحب آن است که تمام ناف و عورت را با هر دو طرف بدن بشوید. (پرسش پیامکی از دفتر معظم له)

^۲ توضیح المسائل امام خمینی، م 360 و 361 و 362 و 565؛ حضرت آقا، آموزش مصور احکام عبادات، ص 155 و 177 و أيضاً رساله آموزشی ایشان، جلد 1 (احکام عبادات)، درس هجدهم، ص 68؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 444 و 445 و 446 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 360 و 361؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 376 و 377 و 378 و 538.

^۳ شماره دفتر نماینده ولی فقیه در مشهد: 05132259300

شماره دفتر آیت الله سیستانی در مشهد: 05132250091.

شماره دفتر آیت الله مکارم در مشهد: 05132256168 و 05132227879.

^۴ مثلاً با خود می گویند: خدایا! اگر امروز آخر ماه رمضان است، پس چرا نباید روزه بگیریم؟!، و اگر اول ماه سؤال است، پس چرا باید روزه بگیریم؟!، بالآخره نمی شود هم آخر ماه رمضان باشد و هم اول ماه سؤال!.

و وقتی حاکم شرع اعلام ابتدای ماه کردند به مردم تبریک بگویند اگرچه خودشان مقلد آیت الله سیستانی و ... باشد، لکن خودش فردا را روزه بگیرد و برای نماز عید از روحانی ای که مقلد حضرت آقا می شود دعوت کند بیاید و نماز عید را بخواند و به او هشدار دهد که در خصوص عید بودن و نبودن فردا، صحبتی نکند.

مسلم است که وقتی همه (حضرت آقا، آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم) فردا را روز عید اعلام کردند، دیگر لازم به این کارها نیست.

شاید با خوتان بگویید این سخنان، یک مُشت حرف بی پایه و اساس است، لکن این طور نیست و بنده آنچه را که بیان کردم مبتنی بر سخن بعضی بزرگان و تجربه شخصی بوده است.

توصیۀ سوّم: خودداری از گفتن پاسخ های احتمالی و ظنی.

یکی از نکات بسیار مهمی که مبلّغ احکام باید بیش از اندازه به آن توجه کند این است که اگر جواب مسأله ای را به صورت قطعی و یقینی نمی دانست، از پاسخ به آن خودداری کند، اگر چه پاسخ آن مسأله را به طور «احتمالی» و یا حتی «ظنی» بداند.

پاسخ احتمالی را می شود به چند صورت، تصوّر کرد:

1. اصل مسأله را به صورت قطعی و یقینی نمی دانیم:

الف. بیان مسأله به صورت یقینی (یعنی بدون عباراتی که مفید احتمالی بودن پاسخ باشد): کاری غلط و اشتباه است. زیرا ممکن است شنوندگان در آینده یا در همان مجلس به جواب نادرست شما اشکال کنند و این امر موجب تضعیف شما و سلب اعتماد مردم نسبت به گفتار شما حتی در آن مواردی که به صورت یقینی بیان کردید و یا در آینده بیان خواهید کرد، شود.

ب. بیان مسأله همراه با عباراتی مانند «احتمالاً»، «تقریباً»، «به نظرم می آید»، «اگر اشتباه نکنم»، «فکر می کنم این طور باشد»، «شاید این چنین باشد»، «به گمانم این چنین است» و ... : کاری غلط و اشتباه است.

ممکن است شما بگویید که با تبیین علّت اختلاف نظرات برای مردم، آنان را آگاه و مشکل را حل می کنیم، لکن تجربه نشان داده است که این امر در خصوص ثبوت ابتدای ماه رمضان و سؤال، فایده ندارد زیرا این مسأله، مانند مسائلی چون مسح سر و پاها و ... که نتیجه اختلاف معلوم نباشد نیست، بلکه نتیجه ای عمومی و گسترده دارد که قابل انکار نیست. (مؤلف)

دلیلش همان بود که بیان کردیم به علاوه اینکه فردی که در جواب مسأله اش احتمالاً و به گمانم ... می شنود قانع نمی شود که هیچ، در آنچه هم که با علم و یقین بیان کردید تشکیک می کند؛ یعنی با خود می گوید نکند آنچه را هم که بدون احتمالاً بیان کرد، پاسخ احتمالی باشد .

حضرت امیر - علیه السلام - می فرمایند:

لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ فَتُنْتَهَمَ بِإِخْبَارِكَ بِمَا تَعْلَمُ :

آنچه را علم نداری نگو، زیرا در دیگر گفته هایت که از روی علم نیز است، مورد تهمت قرار می گیری [یعنی می گویند این حرف هایش هم مثل قبلی ها بی پایه و اساس است].^۱

همچنین می فرمایند:

... وَ لَا يَسْتَجِيبَنَّ أَحَدٌ مِنْكُمْ إِذَا سُئِلَ عَمَّا لَا يَعْلَمُ أَنْ يَقُولَ لَا أَعْلَمُ ...^۲

... هنگامیکه از شما از آنچه که نمی دانید پرسشی شود ، نباید از گفتن نمی دانم شرم کنید ...^۳

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - قَالَ:

مَنْ أَفْتَى النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ لَا هُدًى لَعَنَتْهُ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ وَ مَلَائِكَةُ الْعَذَابِ وَ لِحَقُّهُ وَزُرُّ مَنْ عَمِلَ بِفُتْيَاهُ.

هر کس مسأله و نظری را بدون علم و دلیل به مردم بگوید، فرشتگان رحمت و عذاب او را نفرین کنند و گناه هر کس که به این مسأله و نظر عمل کرده است دامنگیر او شود.^۴

^۱ تصنیف غررالحکم و درر الکلم ، ص 477.

^۲ روایت به صورت کامل: وَ قَالَ عَلِيٌّ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - : أَوْصِيكُمْ بِخَمْسِي لَوْ صَرَبْتُمْ إِلَيْهَا أَبَاطُ الْإِبِلِ لَكَانَتْ لِذَلِكَ أَهْلًا لَا يَزُجُونَ أَحَدًا مِنْكُمْ إِلَّا رَبَّهُ وَ لَا يَخَافَنَّ إِلَّا ذُنُوبَهُ وَ لَا يَسْتَجِيبَنَّ أَحَدٌ مِنْكُمْ إِذَا سُئِلَ عَمَّا لَا يَعْلَمُ أَنْ يَقُولَ لَا أَعْلَمُ وَ لَا يَسْتَجِيبَنَّ أَحَدٌ إِذَا لَمْ يَعْلَمْ الشَّيْءَ أَنْ يَتَعَلَّمَهُ وَ عَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَ لَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ وَ لَا [خَيْرٌ] فِي إِيْمَانٍ لَا صَبْرَ مَعَهُ: شما را به پنج چیز سفارش می کنم که اگر برای آنها شتران را پر شتاب برانید و رنج سفر را تحمل کنید سزاوار است: کسی از شما جز به پروردگار خود امیدوار نباشد ، و جز از گناه خود نترسد ، و اگر از یکی سؤال کردند و نمی داند ، شرم نکند و بگوید نمی دانم ، و کسی در آموختن آنچه نمی داند شرم نکند ، و بر شما باد به شکیبایی ، که شکیبایی ، ایمان را چون سر است بر بدن و ایمان بدون شکیبایی چونان بدن بی سر ، ارزشی ندارد. (ترجمه از مرحوم محمد دشتی .رحمة الله عليه .)

^۳ نهج البلاغه ، حکمت 82.

^۴ کافی (ط .اسلامیه) ، ج 1 ، ص 42.

2. اصل مسأله را به صورت قطعی و یقینی می دانیم:

الف. معنای مسأله واضح نیست:

الف 1: حقیقتاً واضح نیست و ابهام دارد: [در صورت صلاح دید] می توانیم مسأله را بیان کنیم، و اگر صلاح دانستیم، بگوییم که این مسأله به این دلیل و آن دلیل، ابهام دارد. وگرنه لازم به بیان اصل مسأله و یا دلیل ابهام و یا هر دو نیست.

الف 2: حقیقتاً واضح است، لکن برای بنده واضح نیست: [در صورت صلاح دید] می توانیم مسأله را بیان کنیم، و اگر در خصوص توضیح مسأله سؤال شد، بگوییم: نمی دانم.

ب. معنای مسأله واضح است، لکن بعضی از سؤال هایی که از آن مسأله بر می خیزد، دارای ابهام است: مسأله را بیان می کنیم و در مورد جوانب آن مسأله سخن نمی گوییم.

آنچه که بیان کردیم پیرامون پاسخ احتمالی بود، اما بیان احتمالی مسأله به صورت ابتدائی، نیاز به بحثی جداگانه دارد که انشاءالله در جزوه های دیگر به آن می پردازیم.

از این رو هر استادی - به ویژه استاد احکام - باید در گفتن کلمه «نمی دانم» شهامت داشته باشد و خجالت نکشد.

حضرت امیر - علیه السلام - می فرمایند:

"قَوْلٌ لَا أَعْلَمُ نِصْفُ الْعِلْمِ: گفتن نمی دان نمی از دانش است."¹

بنده این قضیه را تجربه کردم؛ اگر شما پاسخ پرسشی را ندانید و در جواب بگویید نمی دانم این نه تنها از شخصیت شما چیزی کم نمی کند بلکه نشانگر بزرگواری و صداقت شماس، و هم اینکه موجب اعتماد دیگران به شما می شود؛ و اگر پاسخ دادی، اگر چه به زعم خودت در آن مجلس یا پیش آن شخص شکسته نشدی

¹ تصنیف غرر الحکم و درر الکلم ، ص48.

اما قضیه به همین منوال نمی ماند و آن شخص به جواب نادرست شما پی خواهد برد و این، عکس آنچه را که گفتیم، نتیجه می دهد.

البته رعایت این اصل نباید سبب شود که استاد احکام، مطالعه نکند و در پی کسب تسلط علمی بر مسائل نباشد.

توصیه چهارم: پرسش های مردم را با خوش اخلاقی و مهربانی پاسخ دهید.

متأسفانه بعضی از اساتید و مبلغین احکام هستند که وقتی در پاسخ آنها کنکاش می کنی، عصبانی می شوند و می گویند پاسخ همان بود که بیان کردم، یا وقتی از آنها بیشتر از دو - سه سؤال می پرسی، عصبانی می شوند و می گویند چقدر سؤال می پرسی، یا وقت ندارم و باید بروم؛ این امر چیزی جز دلزدگی مردم از احکام اسلام ندارد.

بنده فردی را می شناسم که برای پرسیدن سؤالی با دفتر مرجع تقلیدش تماس می گیرد اما پاسخ او را با مهربانی نمی دهند، و همین امر موجب می شود که آن فرد، مرجع تقلید خود را تغییر دهد.

مگر غیر از این است که خداوند متعال در قرآن کریم، علت گرایش کثیری از مردم را به دین اسلام، مهربانی رسول خاتم معرفی می کند:

"فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفَقَضُوا مِنْ حَوْلِكَ:

رحمت خدا تو را با خلق، مهربان و خوش خوی گردانید، و اگر تند خو و سخت دل بودی مردم از پیرامون تو متفرق می شدند"¹

هنچنین امام صادق - علیه السلام - می فرمایند:

"حُسْنُ الْخُلُقِ مَجْلَبَةٌ لِلْهُدَى:

¹ آل عمران ، 159.

خوش اخلاقی سبب جلب محبت [دیگران] است.¹

¹ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامية)، ج 1، ص 27.

نکته:

* **اجْتَلَبَ - اجْتَلَبًا [جلب]** هُ: او را آورد، جلب کرد. (فرهنگ ابجدی، ص 15)

* (و حسن الخلق مجلبة للمودة) حسن الخلق هو الاعتدال بين طرفي الافراط و التفریط في القوة الغضبية و الشهوية، و مجلبة اسم آله أو مصدر مبني و الحمل هنا للبالغة كما في السوابق. يعني أنّ حسن الخلق مع الناس و مخالطتهم على الوجه الحسن الجميل و التودّد لهم و الاحتمال منهم و الاشفاق عليهم و الحلم و الصبر و غير ذلك من محاسن الصفات الخلقية يجلب إلى صاحبه محبتهم و دادتهم و صدقاتهم و غير ذلك من خير الدنيا و الآخرة حتّى أن العدو يصير بذلك صديقاً شقيقاً و قد رغب فيه أمير المؤمنين عليه السلام بقوله: «خالطوا الناس مخالطة إن متمّ معها بكوا عليكم و إن عشتّم حتّوا إليكم» (مازندرانی، محمد صالح بن احمد، شرح الکافی-الأصول و الروضة (للمولى صالح المازندرانی)، ج 1، ص 420 و 421)

* قوله عليه السلام مجلبة: هي إما مصدر مبني حمل مبالغة، أو اسم مكان أو اسم آله و الأول أوفق بنظائره. (مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول، ج 1، ص 86)

* مصدر مبني: افعال - اعم از ثلاثی و رباعی، مجرد - مزید - غیر از مصدر اصلی، مصدر دیگری دارند که در ابتدای آن، یک «میم زائد» وجود دارد و از همین رو به آن «مصدر میمی» گفته می شود. این مصدر، در معنا همانند مصدر اصلی است. (جزایری، سیّد حمید، دانش صرف، ص 342)

نکته: البته برخی معتقدند معنای مصدر میمی، در مقایسه با مصدر اصلی، دارای نوعی تأکید است:

المصدر الميمي يصاغ من المصدر الأصلي للفعل الثلاثي و غير الثلاثي صيغة قياسية، تلازم الأفراد و التذكير، و تؤدي ما يؤديه هذا المصدر الأصلي من الدلالة على المعنى المجرد و من العمل - كما سيأتي - لكنها تفوقه في قوة الدلالة و تأكيدها. (حسن [فاميل]، عباس، النحو الوافي مع ربطه بالأساليب الرفيعة و الحياة اللغوية المتجددة، ج 3، ص 231)

هو (مصدر مبني) في المعنى كالمصدر الأصلي مع زيادة عليه في قوّة الدلالة و التأكيد. (طباطبایي، سیّد محمدرضا، صرف ساده، ص 209)

وزن و شیوه ساخت:

الف. در ثلاثی مجرد: بر دو وزن «مفعل» یا «مفعول»؛

کاربرد وزن «مفعل» بیشتر است؛ مانند: مسقط، مأكّل، «و من آیاتِهِ منّا کم باللیل و النهار» (روم، 23) و «اللَّهُمَّ اجعلْ مَحِيَّائِ مَحِيًّا مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَمَاتِي مَمَاتٍ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ»

البته در دو صورت، ساختن مصدر میمی بر وزن «مفعل» غالبی است؛ در مثال واوی، مانند: موعِد و مَوْعِد و مَوْضِع؛ در اجوف یائی بر وزن «یفعُل»، مانند مَجِيء، مَحِيض، مَبِيَّت، مَزِيد و «إلى الله المَصِير» (آل عمران، 28). مصدر میمی در موارد دیگری نیز سماعاً بر این وزن آمده است؛ مانند: «إلى الله مَرْجِعُكُمْ» (مائده، 48).

گاهی نیز به انتهای این دو وزن، «ة» اضافه می شود؛ مانند: مفسدة، مسألّة، محبّة، مودّة، مشقّة، معرفّة، معرفّة، معذرة، معيشة، معصية و «أو إطعام في يوم ذي مسغبة» (14) «يبيما ذا مقربة» (15) «أو مسكيناً ذا مقربة» (16) «ثم كان من الذين آمنوا و تواصوا بالصبر و تواصوا بالمزحمة» (17) «أولئك أصحاب الميمنة» (18) «و الذين كفروا بإياتنا هم أصحاب المشأمة» (19) (بلد)

نکته: گاهی وزن «مفعلة» بر سبب تحقق کار یا حالتی دلالت دارد؛ مانند کلام علوی: «السواك مطهرة للقم، مرضاة للرب».

2. در غیر ثلاثی مجرد: بر وزن «اسم مفعول» آن باب؛ مانند: مُحسن، مُستغفر و «و قل ربّ أدخلني مدخل صدقي و أخرجني مخرج صدقي و اجعل لي من لدنك سلطاناً نصيراً» (اسراء، 80)

لذا شایسته است که مبلغین احکام که رهجویان آن حضرات هستند، از سیره آن بزرگواران تبعیت کرده و با خوش اخلاقی و مهربانی با مردم برخورد کنند.

توصیه پنجم: سعی کنید ابتدا در محل زندگی خود مشغول به تبلیغ شوید.

این توصیه به تمام مبلغین (چه در زمینه احکام چه در زمینه های دیگر) می باشد. تبلیغ در محل زندگی خود، به دلایلی تاثیر بیشتری دارد:

1. مردم شما را می شناسند و به شما اعتماد دارند.

2. شما را از خودشان می دانند.

3. شما از حمایت فامیلی برخوردارید. یعنی بقیه به شما بی احترامی نمی کنند، چون یا فامیل شما هستند و یا ترس از فامیل شما دارند.

یکی از دلایل برخی از ازدواج های رسول گرامی اسلام، جلب حمایت قبایل یا خاندان آنها بوده است.¹

خداوند متعال به مبلغین اسلام می فرماید: بعد از فراگرفتن معارف و احکام اسلام، قومتان را انداز کنید.

"وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْ لَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ أَلْعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ:

نکته: مصدر میمی، همانند مصدر اصلی، گاهی در معنای مجهول به کار می رود؛ مانند: «کتابُ مَقْتَلِ الحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ» و «إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ» (قیامة، 30) (جزایری، سید حمید، دانش صرف، ص 342 و 343 و 344)

¹ برخی از مستشرقان، ازدواج های پیامبر اسلام را دستاویز تهمت های ناجوانمردانه قرار داده آن را به هوس بازی و شهوت رانی تفسیر کرده اند؛ در حالی که بررسی منصفانه قضیه نشان می دهد که این ازدواج ها نوعاً انگیزه عادی نداشته؛ بلکه جهات سیاسی و اجتماعی و مصالح اسلام در آنها منظور بوده است. برخی از آن زنان، بی سرپرست و بیوه بودند و پیامبر، با پوشش ازدواج، آنها را تحت سرپرستی قرار داد. برخی دیگر به قبایل یا خاندانهای بزرگ وابستگی داشتند و هدف پیامبر، جلب حمایت قبایل یا خاندان آنها بود. در بعضی موارد نیز مبارزه با برخی سنت های غلط جاهلی مورد نظر بوده است. (پیشوایی، مهدی، تاریخ اسلام، ص 174، برای مطالعه بیشتر به همین کتاب رجوع کنید)

شایسته نیست، مؤمنان همگی (به سوی میدان جهاد) کوچ کنند، چرا از هر گروهی، طایفه‌ای از آنان کوچ نمی‌کند (و طایفه‌ای بماند) تا در دین (و معارف و احکام اسلام) آگاهی پیدا کنند و به هنگام بازگشت به سوی قوم خود آنها را انداز نمایند تا (از مخالفت فرمان پروردگار) بترسند و خودداری کنند.^۱

حاج آقای قرائتی می‌فرماید: برای تبلیغ و کار فرهنگی، زادگاه انسان در اولویت است. «لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ».^۲

لذا شایسته است مبلغین ابتدا در محل زندگی خود مشغول به تبلیغ شوند و بعد از رسیدن به اهداف خود، به مناطق دیگر بروند.

توجه: البته در صورتی که مبلغ، تبلیغ در محل زندگی خود را به مصلحت ندید، می‌تواند در جایی دیگری تبلیغ کند.

و آخر دعوانا أن الحمد لله ربّ العالمین

علی کشوری بهار

پانزدهم ماه رمضان 1444

^۱ توبه / 122 ، ترجمه از آیت الله مکارم می باشد.

^۲ قرائتی ، محسن ، تفسیر نور ، ج 3 ، ص 524.

مبحث وضو

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که برای نماز بپا خاستید صورت و دستها را تا آرنج بشوئید و سر و پاها را تا مفصل (یا برآمدگی پشت پا) مسح کنید. (مائده / 6)

مقدمات مبحث وضو

سؤال: منظور از طهارت چیست؟

«طهارت» غير از «نظافت» و «نجاست» غير از «كثافت» است. ممكن است چیزی تمیز باشد ولی از نظر احكام اسلام پاک نباشد، خواسته اسلام، هم طهارت است و هم نظافت؛ یعنی انسان باید به فکر پاکی و تمیزی خود و محیط و زندگی اش باشد و برای برخی اعمال، طهارت کسب کند.¹

¹ متن الروضة البهیة:

تعريف الطهارة: [الطهارة] مصدر "طهر" بضم العين وفتحها ، و الاسم الطهر بالضم و هي لغة النظافة و النزاهة من الأدناس.

و شرعا - بناء على ثبوت الحقائق الشرعية⁽¹⁾ - استعمال طهور مشروط بالنية فالاستعمال بمنزلة الجنس ، و الطهور بمبالغة في الطاهر ، و المراد منه هنا "الطاهر في نفسه المطهر لغيره" جعل بحسب الاستعمال متعديا⁽²⁾ و إن كان بحسب الوضع اللغوي لازما ، كالأكل⁽³⁾.

و خرج بقوله: "مشروط بالنية" إزالة⁽⁴⁾ النجاسة عن الثوب و البدن و غيرها ، فإن النية ليست شرطا في تحققه ، و إن اشترطت في كماله⁽⁵⁾ و في ترتب الثواب على فعله ، و بقيت الطهارات الثلاث⁽⁶⁾ مندرجة⁽⁷⁾ في التعريف واجبة و مندوبة ، و مبيحة و غير مبيحة ، إن أريد⁽⁸⁾ بالطهور مطلق الماء و الأرض كما هو الظاهر⁽⁹⁾.

و حينئذ⁽¹⁰⁾ ففيه اختيار أن المراد منها ما هو أعم من المبيح للصلاة و هو خلاف اصطلاح الأكثرين و منهم المصنف في غير هذا الكتاب⁽¹¹⁾ ، أو ينتقض⁽¹²⁾ في طرده بالغسل المندوب ، و الوضوء غير الراجع منه⁽¹³⁾ ، و التيمم بدلا منه⁽¹⁴⁾ إن قيل به⁽¹⁴⁾ . و ينتقض في طرده⁽¹⁵⁾ أيضا بأبعض كل واحد من الثلاثة مطلقا⁽¹⁶⁾ فإنه استعمال للطهور مشروط بالنية مع أنه لا يسمى طهارة. و بما لو نذر⁽¹⁷⁾ تطهير الثوب و نحوه من النجاسة ناويا ، فإن النذر منعقد لرجحانه⁽¹⁸⁾.

و مع ذلك فهو من أجود التعريفات ، لكثرة ما يرد عليها: من النقوض في هذا الباب.

و الطهور يفتح الطاء (هو الماء و التراب).

قال الله تعالى وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا و هو دليل طهورية الماء.

و المراد بالسماء هنا جهة العلو.

و قال النبي صلى الله عليه و آله

"جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا و طَهُورًا" و هو دليل طهورية التراب.

و كان الأولى إبداله بلفظ "الأرض" كما يقتضيه الخبر خصوصا على مذهبه: من جواز التيمم بغير التراب من أصناف الأرض. (الروضة البهیة)

فالماء بقول مطلق مطهر من الحدث ، و هو الأثر الحاصل للمكلف و شبهه⁽¹⁹⁾ عند عروض أحد أسباب الوضوء ، و الغسل ، المانع من الصلاة ، المتوقع⁽²⁰⁾ رفعه على النية ، و الخبث و هو النجس - بفتح الجيم مصدر قولك "نجس الشيء" بالكسرينجس فهو نجس بالكسر (الروضة البهیة)

(1) المراد من «الحقائق الشرعية» هو جعل الشارع لفظا موضوعا في اللغة لمعنى موضوعا لمعنى آخر بمعنى نقل الشارع ذلك اللفظ من معناه اللغوي إلى المعنى المقصود منه عند الشارع ، مثل لفظ الصلاة و الحجّ و الصوم و غيرها من أسامي العبادات ، فلها معان في اللغة ، لكنّ الشارع جعلها لمعان آخر مقصودة في الشرع. * من حواشي الكتاب: يمكن أن يكون المراد بقوله «شرعا» هو بيان المعنى الشرعيّ ، سواء كان حقيقة شرعية أو مجازا شائعا ، أو المعنى الحقيقي عند المتشرعة ، و لا ريب في ثبوته ، فلا يلزم جعل بنائه على ثبوت الحقائق الشرعية ، فتدبر (حاشية جمال الدين رحمه الله). (الجواهر الفخرية في شرح الروضة البهیة ، ج 1 ، ص 83)

(2) فإنّ الطهور من طهر يطهر لازم لغة إلا أنه استعمل في الاصطلاح متعديا.

إيضاح: إنّ الفعل لازم هو الذي لا يتجاوز من الفاعل إلى المفعول ، مثل حسن و شرف ، فإنّ الحسن و الشرف لا يتعديان إلى الغير ، و الفعل متعدي هو الذي يتعدى من الفاعل إلى المفعول مثل: ضرب زيد عمرو ، فيتعدى الضرب من الفاعل إلى المفعول و يقع عليه ، و الطهور هو لازم و معناه بالفارسية «پاك» ، لكنّه يستعمل متعديا و معناه بالفارسية «پاك كنده». (الجواهر الفخرية في شرح الروضة البهیة ، ج 1 ، ص 85)

(3) يبدو أن التنظير بالأكل لبيان إمكان مفيرة الوضع و الاستعمال في اللزوم و التعدي. فكما أن كلمة "أكل" بحسب الوضع اللغوي ، بينما هو بحسب الاستعمال لازم. كذلك كلمة "طهور" جعلت متعديا حسب الاستعمال و إن كان بحسب الوضع اللغوي لازما ، على عكس "أكل". فالتشبيه هنا بالعكس. (الروضة البهیة في

شرح اللمعة الدمشقية (10 جلدی)، ج 1 ، ص 246 و 247)

(4) بالرفع ، فاعل لقوله «خرج» ، فإنَّ إزالة النجاسة داخلية في استعمال الطهور ، لكنَّها لا يشترط فيها النية . و الضمير في قوله «غيرهما» يرجع إلى الثوب و البدن . و اعلم أنَّ مقدّمات الصلاة على قسمين :

تعبديّة مثل الوضوء و الغسل و التيمّم التي يشترط فيها النية .

و توصليّة مثل إزالة النجاسة عن الثوب و البدن ، فإنَّها من الواجبات التوصليّة ، فلا يشترط فيها النية كما لا يشترط في غيرها من الواجبات التوصليّة . (الجواهر الفخرية في شرح الروضة البهية ، ج ١ ، ص 85 و 86)

(5) و المراد من الكمال هو ترتّب الثواب على فعل الإزالة ، فلو نوى القربة بإزالة النجاسة ائيب عليه بنية القربة . قوله : «و ترتّب الثواب» عطف تفسيريّ لقوله «كماله» ، و الضمائر في أقواله «تحقّقه» و «كماله» و «فعله» ترجع إلى فعل إزالة النجاسة . (الجواهر الفخرية في شرح الروضة البهية ، ج ١ ، ص 86)

(6) المراد من «الطهارات الثلاث» هو الغسل و الوضوء و التيمّم .

إيضاح: إنّ الطهارات الثلاث إمّا واجبة أو مندوبة ، فتحصل من ضربيهما في الثلاث ستّة أقسام:

و كلّ من الأقسام الستّة إمّا مبيحة للصلاة ، و هي ما يجوز معه إقامة الصلاة أو لا ، فيضرب الاثنان في الستّة المذكورة فتحصل اثنا عشر قسمًا: و إليك الأمثلة:

الواجب المبيح من الطهارات الثلاث:

١ - غسل الجنابة بعد دخول وقت الصلاة .

٢ - الوضوء بعد دخول وقت الصلاة .

٣ - التيمّم في آخر الوقت لذوي الأعذار .

المندوب المبيح للصلاة من الطهارات الثلاث:

٤ - غسل الجنابة قبل دخول وقت الصلاة .

٥ - الوضوء بنية الندب قبل دخول وقت الصلاة .

٦ - التيمّم لذوي الأعذار قبل دخول وقت الصلاة للصلاة المندوبة ، فتجوز إقامة الصلاة الواجبة به أيضا .

المندوب غير المبيح من الطهارات الثلاث:

٧ - الأغمسال المندوبة بناء على المشهور من عدم جواز الصلاة معها .

٨ - وضوء المرأة الحائضة للذكر .

٩ - التيمّم بدل غسل الجمعة بناء على قول بعض .

و سيأتي بيان بقية الأقسام من الطهارات غير المبيحة في التعاليق الآتية إن شاء الله تعالى [به تعاليق كتاب جواهر رجوع كنيدي]. (الجواهر الفخرية في شرح الروضة البهية ، ج ١ ، ص 86 و 87)

(7) قوله «مندرجة» منصوب إمّا للحالية عن الطهارات الثلاث ، أو للخبريّة لقوله «بقيت» ، لكونه بمعنى صارت أيضا . (الجواهر الفخرية في شرح الروضة البهية ، ج ١ ، ص 87)

(8) يعني إن أريد من الطهور في قوله «استعمال طهور... إلخ» مطلق الماء و التراب بقيت الطهارات المذكورة مندرجة في التعريف المذكور ، لصدق استعمال الطهور المشروط بالنية في الجميع .

إيضاح: المراد من الطهور إمّا هو مطلق التراب و الماء أو ما تحصل منه الطهارة الشرعيّة .

فإن أريد المطلق منهما دخلت الطهارات الثلاث واجبة أو مندوبة ، مبيحة أو غير مبيحة في التعريف كما فصلناه ، فيرد عليه أنّ الطهارات غير المبيحة ليست من

أفراد الطهارة التي عرفوها في اصطلاح الأكثرين ، و منهم المصنّف رحمه الله في غير هذا الكتاب .

و إن أريد من الطهور المعنى الاشتقائيّ من الطهارة الشرعيّة - و هي المبيحة للصلاة - لزم الدور الواضح ، لأنّ معرفة الطهور الشرعيّ تتوقّف على معرفة الطهارة و الحال أنّ معرفة الطهارة تتوقّف على معرفة الطهور .

و بعبارة أخرى: إنّ المعرّف هو الطهارة المبيحة للصلاة ، و المعرّف استعمال الطهور الذي تحصل به الطهارة المبيحة ، فما لم تعرف الطهارة المبيحة لم يعرف الطهور الذي به تحصل الطهارة المبيحة ، فمعرفة كلّ منهما يتوقّف على معرفة الآخر ، و هذا دور صريح .

و لا يخفى أنّه لو أريد من الطهور استعمال مطلق التراب و الماء ارتفع إشكال الدور ، لكن يبقى إشكال دخول الطهارات غير المبيحة في التعريف على خلاف ما اصطلاح عليه الفقهاء لمعنى الطهارة . (الجواهر الفخرية في شرح الروضة البهية ، ج ١ ، ص 87 و 88)

(9) يعني أنّ الظاهر من قوله الآتي قريبا «و الطهور هو الماء و التراب» هو إرادة مطلق الماء و الأرض من الطهور. (الجواهر الفخرية في شرح الروضة البهية ، ج ١ ، ص 88)

(10) أي حين إذ أريد من الطهور مطلق الماء و التراب. (الجواهر الفخرية في شرح الروضة البهية ، ج ١ ، ص 88)

(11) فإنّ المصنّف رحمه الله أرد من الطهارة ما هو الأخصّ أعني المبيحة للصلاة مثل الأكثرين ، و قال في كتاب الدروس ص ١: «الطهارة استعمال طهور مشروع بالنية لإباحة الصلاة». (الجواهر الفخرية في شرح الروضة البهية ، ج ١ ، ص 88)

(12) يعني لو لم يرد من الطهور مطلق الماء و التراب بل أريد منه استعمالهما للطهارة المبيحة للصلاة أورد على أطراد التعريف بالغسل المندوب... إلخ. و لا يخفى أنّ الإشكال يتوجّه على سبيل القضية المنفصلة الحقيقية ، لأنّه إن أريد من الطهور معناه العامّ - و هو استعمال الماء و التراب في الطهارة المبيحة و غير المبيحة - لزم إشكال كون التعريف على خلاف اصطلاح الفقهاء ، و إن أريد المعنى الخاصّ - و هو كون استعمال الماء و الطهور لتحصيل الطهارة المبيحة - لزم إشكال عدم كون التعريف مانعا من الأعيان.

* قال المنطقيون بوجوب كون التعريف جامعا للأفراد و مانعا من الأعيان ، و يعبر عن الأوّل بالانعكاس ، و عن الثاني بالأطراد.

فلذا قال الشارح رحمه الله «أو ينتقض في طرده بالغسل المندوب» بمعنى أنّ التعريف لا يمنع من الأعيان الداخلة في التعريف ، و من هذه الأعيان:

الغسل المندوب ، فإنّ المشهور بين الفقهاء هو عدم جواز إقامة الصلاة بالأغسال المندوبة.

و الوضوء المندوب غير الراجع للحدث مثل وضوء الحائض للذكر الذي لا يبيح الصلاة.

و التيمّم بدلا من الغسل و الوضوء المندوبين. (الجواهر الفخرية في شرح الروضة البهية ، ج ١ ، ص 88 و 89)

(13) الضمير في قوله «منه» يرجع إلى المندوب ، و في قوله «منهما» يرجع إلى الغسل و الوضوء. (الجواهر الفخرية في شرح الروضة البهية ، ج ١ ، ص 89)

(14) يعني و يرد أيضا النقض على أطراد التعريف بالتيمّم بدلا عن الغسل المندوب و الوضوء كذلك لو قلنا بجواز البدلية ، لأنّها مختلف فيها بين الفقهاء ، فلو لم نقل بها لم يلزم به نقض. (الجواهر الفخرية في شرح الروضة البهية ، ج ١ ، ص 89)

(15) هذا إيراد ثان على أطراد التعريف ، و هو شمول التعريف باستعمال الطهور لأبعض كلّ واحدة من الطهارات الثلاث ، فإنّ المتوسّط إذا استعمل الماء في غسل وجهه بنية القربة صدق على فعله هذا تعريف «استعمال طهور مشروط بالنية» و الحال أنّ هذا ليس هو الطهارة المقصودة في التعريف ، و كذا استعمال الماء في الجانبين الأيمن و الأيسر من البدن حين الغسل مع نية القربة ، و هكذا الأمر في أبعاض التيمّم. (الجواهر الفخرية في شرح الروضة البهية ، ج ١ ، ص 89 و 90)

(16) إشارة إلى عدم الفرق بين كون المراد من الطهور مطلق الماء و التراب أو استعمالهما بنية الطهارة المبيحة. (الجواهر الفخرية في شرح الروضة البهية ، ج ١ ، ص 90)

(17) و هذا إيراد ثالث على أطراد التعريف لو أريد من الطهور مطلق الماء و التراب ، فإنّ المكلف إذا نذر أن يغسل ثوبه من النجاسة بنية القربة و هكذا بدنه صدق على تطهيرهما كذلك استعمال الطهور بالنية و الحال أنّه ليس هو الطهارة المقصودة في التعريف. (الجواهر الفخرية في شرح الروضة البهية ، ج ١ ، ص 90)

(18) اعلم أنّه يشترط في انعقاد النذر كون متعلّقه راجحا في الدين أو الدنيا ، فلو كان متساوي الطرفين أو مكروها أو حراما لم ينعقد ، كما يأتي في كتاب النذر إن شاء الله تعالى ، و تطهير الثوب - كما صرح به الشارح رحمه الله - أمر راجح ، و مراده من الرجحان هو الرجحان العقليّ أو الشرعيّ. (الجواهر الفخرية في شرح الروضة البهية ، ج ١ ، ص 90)

(19) أي شبه المكلف مثل المجنون و المعفى عليه و النائم ، فإنّ من شأنهم أيضا التكليف لو لا المانع منه ، فلو حصل منهم الحدث المانع من إقامة الصلاة وجب عليهم الطهارة بالماء. (الجواهر الفخرية في شرح الروضة البهية ، ج ١ ، ص 93)

(20) بالرفع ، صفة لقوله «الأثر» ، و الضمير في قوله «رفعه» يرجع إلى الأثر. يعني أنّ الحدث هو الأثر الحاصل لإنسان لا يرتفع إلا باستعمال الماء مع النية ، و هذا القيد إنّما هو لإخراج إزالة النجاسة الظاهرية مثل البول و الفائط و غيرها ، فإنّها لا تحتاج إلى استعمال الماء بالنية. (الجواهر الفخرية في شرح الروضة البهية ، ج ١ ، ص 93)

¹ محمدحسين فلاح زاده ، آموزش فقه ، درس دوازدهم (طهارت 2).

ظاهری: پاک بودن بدن و لباس و خوراک و نوشیدنی از آلودگی ها و نجاسات .

طهارت

باطنی: با انجام دادن برخی اعمال یعنی وضو، غسل و تیمّم به دست می آید.^۱

از خبث : یعنی پاکی بدن و لباس نمازگزار از نجاسات .

یا به عبارتی، طهارت

از حدث

حدث اکبر: آنچه سبب می شود که انسان غسل کند و نماز بخواند؛
مثال جنابت، مسّ میّت، حیض و نفاس و استحاضه کثیره.

حدث اصغر: آنچه سبب می شود که انسان وضو بگیرد و نماز بخواند.^۲

نکته: وضو و غسل با آب انجام می گیرد و تیمّم با خاک و در اصطلاح فقهی آب و خاک، طهور نامیده شده اند .

سؤال: معنای وضو چیست؟

در لغت:

وُضُو با ضَمَّة وَاو، اسم مصدر است و مصدر آن «تَوَضَّؤُ» بر وزن تَعَلَّمَ است و اَمَّا وُضُوءُ با فَتْحَةَ وَاو، آبی است که با آن وضو گرفته می شود. ریشه لغوی وضوء، از وِضَاءَةٌ است که به معنای پاکیزگی از حدث و روشن شدن باطن انسان از تاریکی گناهان می باشد و این عمل را به همین جهت «وضو» نامیده اند.^۳

در اصطلاح:

^۱ محمدحسین فلاح زاده ، آموزش فقه ، درس پنجم (طهارت).

^۲ عبدالمجید دیانی تیلکی ، رساله آموزشی ، ص 44 و 45 .

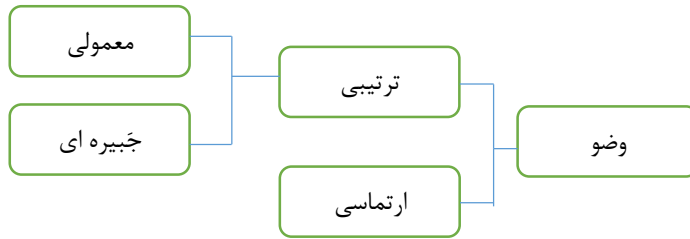
^۳ الوُضُوءُ - بضم الواو - اسم للمصدر فإنَّ مصدره التوضؤُ على وزن التعلّم، و اَمَّا الوُضُوءُ - بالفتح - فهو الماء الذي يُتَوَضَّأُ به، و أصله من الوُضَاءَةِ، و هي التَّطَاةُ و النَّظَارَةُ من ظلمة الذنوب . (الروضة البهیة)

الوُضُوءُ - بضم الواو - ، مأخوذ من الوضوءة - بالهد - ، و هي النَّظَافَةُ و الطَّهَارَةُ ، و هو اسم مصدر، لأنَّ المصدر هو التوضؤُ كالتعلّم و التكلّم، و تقول: توضّأتُ - بالهمز، و يجوز على قلة توضّيتُ، و الوُضُوءُ - بفتح الواو - اسم للماء الذي يُتَوَضَّأُ به ، كالفطور و الوقود و السحور . (الزُّبْدَةُ الفقهية فی شرح الروضة البهیة)

شستن صورت و دست ها و مسح سر و پاها با شرایط و کیفیت خاص.^۱

سؤال: اقسام وضو را بیان نمایید.

وضو به سه قسم تقسیم می شود که هر کدام احکام و شرایط ویژه ای دارد: ترتیبی معمولی، ترتیبی جبیره ای^۲، ارتماسی.^۳



سؤال: در احکام و مسائل وضو چه سؤالهایی مطرح می باشد؟

در احکام وضو چهار پرسش اصلی و دو پرسش فرعی مطرح می باشد.

پرسش های اصلی:

- 1- چگونه وضو بگیریم؟ (کیفیت)
- 2- شرایط وضو کدام است؟ (شرایط)
- 3- چه چیزهایی وضو را باطل می کند؟ (مبطلات^۴)
- 4- برای چه کارهایی باید وضو بگیریم؟ (غایات)

¹ حضرت آقا، آموزش مصور احکام عبادات، ص 108 و أيضاً رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس سیزدهم، ص 50؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 256.

² نکته: چیزی که با آن زخم و شکستگی را می بندند و دوایی که روی زخم و مانند آن می گذارند، جبیره نامیده می شود. (توضیح المسائل امام خمینی، قبل از مسأله 324)

شخصی که در چنین وضعیتی است و می خواهد وضو بگیرد - واجب یا مستحب - در صورتی که شستن آن قسمت ممکن نباشد باید به کیفیتی خاص، وضو بگیرد که به این وضو، وضوی جبیره ای می گویند. (مؤلف)

³ توضیح المسائل امام خمینی، م 236 و 261 و 324؛ حضرت آقا، آموزش مصور احکام عبادات، ص 109 و 140؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 262 و 287 و 363 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 235 و 260 و 323؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 256 و 279 و 345.

⁴ بین مبطل و مبطل تفاوت است، مبطل، اسم فاعل و به معنای باطل کننده است، مانند بول، غائط و ...؛ و مبطل اسم مفعول و به معنای باطل شده است مانند خود وضو و غسل و ... (مؤلف)

پرسش های فرعی:

5. انجام چه کارهایی ثواب وضو را بیشتر می کند؟ (مستحبات)

6. انجام چه کارهایی ثواب وضو را کم می کند؟ (مکروهات)¹

کیفیت وضو

سؤال: واجبات وضو را بیان کنید؟

در وضو، شستن صورت و دست ها و نیز مسح جلو سر و روی پاها واجب است.²

¹ مؤلف.

² توضیح المسائل امام خمینی، م 236؛ حضرت آقا، آموزش مصور احکام عبادات، ص 111؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 262 و ایضاً توضیح المسائل ایشان، م 235؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 256.

بیان چند روایت:

«جَاءَ نَقْرٌ مِنَ الْيَهُودِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَسَأَلُوهُ عَنْ مَسَائِلَ فَكَانَ فِيهَا سَأَلُوهُ أَحْبَبْنَا يَا مُحَمَّدُ لِأَيِّ عِلَّةٍ تُوضَأُ هَذِهِ الْجَوَارِحُ الْأَرْبَعُ وَ هِيَ أَنْظَفُ الْمَوَاضِعِ فِي الْجَسَدِ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَهَا أَنْ وَسَوْسَ الشَّيْطَانُ إِلَى آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَنَا مِنَ الشَّجَرَةِ فَتَنَزَّرَ إِلَيْهَا فَذَهَبَ مَاءٌ وَجْهَهُ ثُمَّ قَامَ وَ مَشَى إِلَيْهَا وَ هِيَ أَوَّلُ قَدَمٍ مَشَتْ إِلَى الْخَطِيئَةِ ثُمَّ تَنَاوَلَ بِيَدِهِ مِنْهَا مَا عَلَيْهَا فَأَكَلَ فَطَارَ الْخَلِيءُ⁽¹⁾ وَ الْخَلَلُ⁽²⁾ مِنْ جَسَدِهِ فَوَضَعَ آدَمُ يَدَهُ عَلَى أَمِّ رَأْسِهِ وَ بَكَى فَلَمَّا تَابَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى ذُرِّيَّتِهِ تَطْهِيرَ هَذِهِ الْجَوَارِحِ الْأَرْبَعِ فَأَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِغَسْلِ الْوَجْهِ لَهَا نَظْرًا إِلَى الشَّجَرَةِ وَ أَمَرَ بِغَسْلِ الْبَيْدَيْنِ إِلَى الْمِرْفَقَيْنِ لَهَا تَنَاوُلَ بِيَهْمَا وَ أَمَرَ بِمَسْحِ الرَّأْسِ لَهَا وَضَعُ يَدِهِ عَلَى أَمِّ رَأْسِهِ وَ أَمَرَ بِمَسْحِ الْقَدَمَيْنِ لَهَا مَشَى بِيَهْمَا إِلَى الْخَطِيئَةِ». (ابن بابويه، محمد بن علی، من لا يحضره الفقيه، ج 1، باب علة الوضوء، ص 55، ح 127)

جماعتی از یهود نزد پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آمده و از آن حضرت سؤالاتی کردند و یکی از سؤالات این بود که: ای محمد به چه سبب این چهار عضو را در وضو باید شست، در حالی که این اعضا پاکیزه‌ترین عضوهاست؟ (منظور از چهار عضو صورت و دو دست و سر و پاهاست که بترتیب مورد شستن و مسح قرار میگیرد).

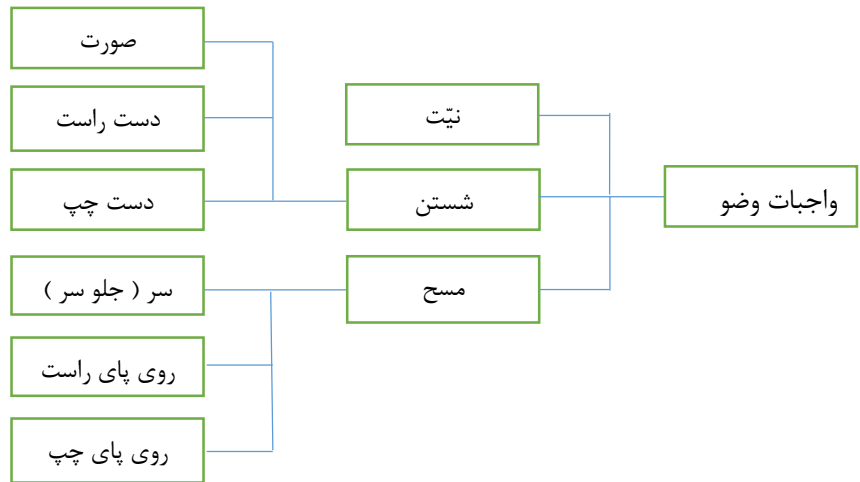
پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: هنگامی که شیطان آدم علیه السلام را وسوسه کرد حضرت آدم نزدیک آن درخت رفته و بان درخت نگریست پس آبروی او برفت (شاید منظور این باشد که آب و رنگ او دگرگون شد چون خود را باخت)، سپس برخاست و بسوی آن درخت رفت و این نخستین گامی بود که به راه خطا برداشته شد، پس با دست از میوه آن چید و خورد و زیورها و جامگان زرین که بر تن داشت از بدنش پرید و آدم دست خود را بر فرق سرش نهاد و گریست. و هنگامی که خداوند عَزَّ وَ جَلَّ توبه او را پذیرفت، بر او و بر فرزندان و ذریه او پاك ساختن این اعضا چهارگانه را واجب گردانید.

پس خداوند بخاطر آنکه بان درخت نگاه کرد او را امر به شستن صورت فرمود، و چون با دستها میوه را چیده بود وی را به شستن دو دست تا آرنجها امر فرمود، و چون دست خود را بر مغز سر نهاده بود او را امر به مسح سرش کرد و بخاطر آنکه با دو پایش به راه خطا گام برداشته بود او را به مسح دو پایش امر فرمود.

(ترجمه من لا يحضره الفقيه، ج 1، باب علّت وضو، ص 85، ح 127)

(1) حَلَى - حَلَى يَحْلَى حَلِيًّا (الْمَرْأَةُ: زبوری به آن زن داد (حَلَى) الْمَرْأَةُ وَ السَّيْفَ وَ غَيْرَهُمَا: آن زن و شمشیر و غیره را با زیور آراست و تزئین کرد.

(حَلَيْتَ حَلِيًّا حَلِيًّا الْجَارِيَةُ: آن دختر، صاحب زیور شد. زیور بر خود بست. از زیور استفاده کرد، یا زیور را به دست آورد و آن را کسب کرد (لَمْ يَحَلَّ مِنْهُ يَطَائِلُ): فائده ای از او به دست نیارد (حَلَيْتَ) الشَّجَرَةَ: درخت، برگ و ثمر کرد.



نیت

سؤال: منظور از نیت در وضو، چیست؟

اولین چیز واجب در وضو، «نیت» است؛ و نیت یعنی قصد انجام فعل و کار؛

(الحلی): زیور، پیرایه، جواهر (الحلّی) مِنَ السَّيْفِ: نقش و نگار و زینت شمشیر. ج حَلَى: خدا می فرماید: «وَ اتَّخَذَ قَوْمٌ مُوسَىٰ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُوَارٌ»: و ساختند قوم موسی علیه السلام پس از او از زیور خویش، پیکری که آن را بود بانگی. (المعجم الوسیط)

(2) (الحلّة): جامه نو و با ارزش، چه ستر باشد و چه نازک. جامه ای است آستردار. دو جامه که از یک جنس باشند. یک دست لباس که از سه چیز تشکیل شده باشد، مثل: پیراهن، و آزار، یا شلوار و ردا، یا عبا. زن. اسلحه. ج حُلَل، و جلال. (المعجم الوسیط)

وَ كَتَبَ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ سَيَّانٍ فِيهَا كَتَبَ مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ «أَنَّ عِلَّةَ الْوُضُوءِ الَّتِي مِنْ أَجْلِهَا صَارَ عَلَى الْعَبْدِ غَسْلُ الْوَجْهِ وَ الدَّرَاعَيْنِ وَ مَسْحُ الرَّأْسِ وَ الْقَدَمَيْنِ فَلِقِيَامِهِ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَعَالَى وَ اسْتِقْبَالِهِ إِيَّاهُ بِجَوَارِحِهِ الظَّاهِرَةِ وَ مَلَاقَاتِهِ بِهَا الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ فَيَغْسِلُ الْوَجْهَ لِسُجُودِ وَ الْخُضُوعِ وَ يَغْسِلُ الْيَدَيْنِ لِيُقَلِّبَهُمَا وَ يَرْغَبَ بِهِمَا وَ يَرْهَبَ وَ يَتَبَتَّلُ⁽¹⁾ وَ يَمْسَحُ الرَّأْسَ وَ الْقَدَمَيْنِ لِأَنَّهُمَا ظَاهِرَانِ مَكْشُوفَانِ يَسْتَقْبَلُ بِهِمَا كُلَّ حَالَاتِهِ وَ لَيْسَ فِيهِمَا مِنَ الْخُضُوعِ وَ التَّبَتُّلِ مَا فِي الْوَجْهِ وَ الدَّرَاعَيْنِ». (ابن بابويه، محمد بن علی، من لا يحضره الفقيه؛ ج 1، باب علة الوضوء، ص 56، ح 128)

(1) الرغبة السؤال و الطلب، و الرهبة: الخوف و الفرع. و التبتل: الانقطاع الى عبادة الله و إخلاص العمل له و أصله من بتلت الشيء أي قطعته و منه التبتل لانقطاعها الى عبادة الله عزّ و جلّ. و قال الفاضل التفرشي: قوله «ليقلبهما» القلب هو التحويل و لعل المراد أن المصلي يحولهما في الصلاة من مكان الى مكان و يجعلهما بحبال وجهه في القنوت و الحاصل أن كثيرا من أفعال الصلاة يتأتى بهما فينبغي أن تغسلا. (محشّى: على أكبر غفّارى)

و امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام در پاسخ نامه ای در جواب به پرسشهای محمد بن سنان چنین نوشت: علت وضو که بخاطر آن شستن صورت و دستها و مسح سر و پاها بر بندگان واجب شده است همانا پیا خاستن در برابر خدای تعالی و روی نمودن بسوی او با اعضای ظاهری و ملاقات همراه با آن اعضاء با فرشتگان نویسنده اعمال است. پس صورت را برای بجا آوردن سجده و حالت خضوع و فروتنی می شوید و دستها را می شوید تا از گناهان پاک و پاکیزه گردد و به این جانب و آن جانب برده بدانها حوائج را درخواست و مسألت نموده و مراتب خوف و ترس خود و اخلاص و از غیر بریدن را معمول دارد. سر و دو پایش را مسح میکشد زیرا آشکار و باز است و در تمام حالات خود همراه با آن دو رو برو می شود، ولی آنچه از خضوع و اخلاص و انقطاع از غیر که در دستها و صورت است در آن دو نیست پس به مسح سر و پا اکتفا می شود. (ترجمه من لا يحضره الفقيه؛ ج 1، باب علت وضو، ص 86، ح 128)

نکته 1: شخصی که می خواهد وضو بگیرد باید به قصد قربت وضو بگیرد؛

امام خمینی: یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم وضو بگیرد، و اگر برای خنک شدن یا به قصد دیگری وضو بگیرد باطل است.

حضرت آقا: شخصی که می خواهد وضو بگیرد باید به قصد قربت (نزدیک شدن به خداوند و کسب رضایت او) و به این انگیزه که وضو دستور و فرمان خداست، آن را به جا آورد و نباید خدای ناکرده برای ریا (خودنمایی) و جلب توجه دیگران وضو بگیرد.

آیت الله سیستانی: انسان برای آنکه وضو را با قصد قربت و اخلاص گرفته باشد، همین که آن را به قصد اطاعت از امر خداوند متعال انجام دهد، کافی است و اگر به قصد ریا و خودنمایی یا برای خنک شدن بدن یا مانند آن وضو بگیرد، باطل است.

آیت الله مکارم: یعنی برای خدا انجام دهد، بنابراین اگر به قصد ریا و خودنمایی یا برای خنک شدن بدن و مانند آن بگیرد باطل است؛ ولی اگر تصمیم قطعی دارد که برای اطاعت فرمان خدا وضو بگیرد در ضمن می داند خنک هم می شود، ضرری ندارد.^{۱ ۲}

¹ توضیح المسائل امام خمینی، شرط هشتم از شرایط صحّت وضو؛ حضرت آقا، آموزش مصوّر احکام عبادات، ص 111 و أيضاً رسالة آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس چهاردهم، ص 54؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 310 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، شرط ششم؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 304.

توجه: نظر هر چهار مرجع در این مسأله، یکی می باشد، و اگر ما جدا بیان کردیم به خاطر اختلاف در عبارات می باشد و گونه مراد و مقصود یکی است.

عباراتنا شتی و حسنک واحد و کلّ إلى ذاک الجمال یشر

بیان مقصود: شخصی که می خواهد وضو بگیرد باید به قصد قربت یعنی برای انجام یا اطاعت یا امتثال فرمان (امر) خداوند عالم، وضو بگیرد. بنابراین اگر به قصد ریا (خودنمایی) یا برای خنک شدن بدن و مانند آن وضو بگیرد، باطل است؛ ولی اگر تصمیم قطعی دارد که برای اطاعت فرمان خدا وضو بگیرد در ضمن می داند خنک هم می شود، ضرری ندارد. (مؤلف)

² (و واجبه) النیّة و هی القصد إلى فعله (مشتغلاً علی التقرّب) به إلی الله تعالی، بأن یقصد فعله لله إمتثالاً لأمره أو موافقةً لطاعته أو طلباً للرفعة عنده بواسطة تشبیهاً بالقرب المکانی، أو مجرداً عن ذلك فإنّه تعالی غایة کلّ مقصد:

اولین واجب وضو، نیت است، و نیت یعنی قصد انجام وضو، در حالیکه مشتعل بر نزدیکی جستن به خداوند عالم باشد، به اینکه وضو را برای امتثال امر خداوند و یا قصد طاعت خداوند و یا طلب رفعت نزد او به واسطه وضو. و این [رفعت نزد او که معنوی است] تشبیه به نزدیکی مکانی شده است. و یا انجام وضو را قصد کند بدون قصد کردن این سه جهت، زیرا خداوند منتهای هر مقصدی است. (الروضة البهیة)

امام خمینی در تحریر الوسيلة می فرماید: "و منها النیّة: و هی القصد إلى الفعل، و لابدّ من أن یكون بعنوان الامتثال أو القرية، و یعتبر فیها الإخلاص، فلو ضمّ إليها ما ینافی بطل خصوصاً الریاء، فإنّه إذا دخل فی العمل علی أي نحو أفسده، و أما غیره من الضمائم فإن کانت راجحةً لا یضّرّ ضمّها، إلا إذا کانت هی المقصودة بالأصل و یكون قصد امتثال الأمر الوضوئی تبعاً، أو ترکیب الداعی منهما بحيث یكون کل منهما جزءاً للداعی. و کذا لو استقلّ الداعیان علی الأحوط و إن کانت مباحةً کالتبرّد یبطل بها، إلا إذا دخل علی وجه التبعية و کان امتثال أمره هو المقصود الأصلي: و از جمله شرایط وضو، نیت است، و آن قصد انجام دادن عمل است. و باید به عنوان اطاعت امر خدا و یا قربتاً إلی الله انجام شود. و اخلاص در نیت شرط است، پس اگر چیزی را که با خلوص نیت منافات دارد به آن

نکته 2: امام خمینی، حضرت آقا: لازم نیست نیت وضو را بر زبان جاری کند، یا از قلب خود بگذراند؛ بلکه باید در تمام وضو متوجه باشد که وضو می گیرد و همین اندازه کافی است که اگر از او بپرسند: چه می کنی؟، بگوید: وضو می گیرم.

آیت الله مکارم: لازم نیست نیت وضو را بر زبان جاری کند، یا از قلب خود بگذراند؛ و همین اندازه کافی است که اگر از او بپرسند: چه می کنی؟، بداند وضو می گیرد.

آیت الله سیستانی: لازم نیست نیت وضو را بر زبان جاری کند یا از قلب خود بگذراند، بلکه اگر تمام کارهای وضو، به انگیزه اطاعت از فرمان خداوند متعال به جا آورده شود، کافی است.¹

ضمیمه کند وضو باطل است، خصوصاً آنکه این ضمیمه ریاء باشد زیرا ریاء به هر صورتی در عمل راه پیدا کند عمل را باطل و فاسد می کند. و اما ضمیمه های دیگر اگر راجح باشند و در نیت داخل شوند ضرری به وضو نمی رسانند، مگر آنکه آن ضمیمه مقصود اصلی و قصد اطاعت امر وضو تابع آن باشد، و یا آنکه محرک به وضو ترکیبی از آن دو قصد باشد به طوری که هر یک از آن دو قصد، جزئی از محرک به وضو محسوب شود و همچنین بنا بر احتیاط واجب اگر هر یک از آن دو مستقل باشد (یعنی هر یک به تنهایی محرک برای عمل باشد) وضو را باطل می کند، و اگر ضمیمه مانند خنک شدن مباح باشد، وضو باطل می شود مگر آنکه قصد ضمیمه تابع و اطاعت امر خداوند متعال مقصود اصلی باشد". (تحریر الوسيلة، ج 1، القول فی شرائط الوضوء، م 17)

توجه: قصد قربت چیزی جدای از خود نیت نیست، و نیت همان داعی (انگیزه) انجام فعل است که این نیت در امور عبادیه، باید به قصد قربت باشد؛ به این دو مثال توجه کنید:

الف) فردی که در وقت گرسنگی، غذا می خورد.

ب) فردی که در وقت نماز، برای نماز وضو می گیرد.

در هر دو مورد، نیت وجود دارد؛ یعنی هر دو فرد قصد انجام فعلی را دارند؛ با این فرق که اولی مقصودش دنیوی است و دومی مقصودش الهی است.

با این توضیحات، کار بسیار آسان است و اینکه بعضی افراد برای وضو و غسل و نماز و مانند آن، نیت را بر زبان جاری می کنند، مثلاً می گویند: وضو می گیرم برای نماز قربه ای الله، و یا نماز می خوانم پشت سر امام حاضر قربه ای الله، کاری غیر لازم می باشد، چرا که نیت، همان انگیزه این فرد است، که عبارت باشد از وضو گرفتن و یا نماز خواندن به قصد قربت؛ و چه بسا افرادی که در انجام عبادات، به زبان می گویند قربه ای الله، اما قلباً عبادت را برای غیر خدا انجام می دهند. (مؤلف)

¹ توضیح المسائل امام خمینی، م 282؛ حضرت آقا، آموزش مصور احکام عبادات، ص 111؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 305؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 311 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 281.

امام خمینی در تحریر الوسيلة می فرماید: لا يعتبر في النية التلفظ ولا الإخطار في القلب تفصيلاً بل يكفيها الإرادة الإجمالية المرتكزة في النفس بحيث لو سئل عن شغله يقول: أتوضأ، وهذه هي التي يسئونها بالداعي، نعم لو شرع في العمل ثم ذهل عنه وغفل بالمرة بحيث لو سئل عن شغله بقي متحيزاً ولا يدري ما يصنع يكون عملاً بلا نية؛ در نیت به زبان آوردن و گذراندن از قلب تفصيلاً معتبر نیست بلکه اراده اجمالی نفسانی به طوری که اگر از او پرسیده شود چه می کند؟ بگوید وضو می گیرم کفایت می کند و این همان حالتی است که آن را داعی (انگیزه) می نامند. ولی اگر شروع به عمل کند سپس فراموش کرده و کاملاً غافل شود که چه می کند، به طوری که اگر از او پرسیده شود چه می کند؟ متحیر مانده و نداند که چه می کند عمل او بدون نیت است (باطل می باشد). (تحریر الوسيلة، ج 1، القول فی شرائط الوضوء، م 18)

توجه: نظر هر چهار مرجع در این مسأله، یکی می باشد، و اگر ما جدا بیان کردیم به خاطر اختلاف در عبارات می باشد و گونه مراد و مقصود یکی است.

نکته 3: امام خمینی: کما اینکه در اول عمل، نیت واجب است، ادامه نیت تا آخر آن نیز واجب است پس اگر در بین عمل به تردید بیفتد یا نیت وضو نگرفتن نماید و با همین حال وضو را تمام کند باطل است، ولی اگر قبل از آنکه مولات بهم بخورد به نیت اول خود برگردد و بقیه اعمال را به آنچه که (قبل از تردید یا نیت عدم) با نیت آورده بود، ضمیمه کند وضو صحیح است.^۱

نکته 4: امام خمینی، آیت الله سیستانی: در صحت وضو، نیت وجوب یا استحباب، لازم نیست.^۲

شستن صورت و دست ها

سؤال: مقدار شستن صورت را بیان نمایید.

درازای صورت را باید از بالای پیشانی جایی که موی سر بیرون می آید (قصاص^۳ یا رستنگاه) تا آخر چانه (ذَقْن) شست، و پهنای آن به مقداری که بین انگشت وسط (وسطی) و شست (بِهام) قرار می گیرد باید شسته

بیان مقصود: به زبان آوردن یا از قلب گذراندن قصد قربت لازم نیست بلکه اگر فرد، توجه داشته باشد که وضو می گیرد، کافی است و نشانه آن این است که اگر از او پرسیدند چه می کنی؟ بداند یا بگوید وضو می گیرم [البته افعال وضو را باید با انگیزه قربت انجام دهد]. (مؤلف)

¹ کما تجب النية في أول العمل كذلك يجب استدامتها إلى آخره، فلو تردّد أو نوى العدم وأتمّ الوضوء على هذه الحال بطل، ولو عدل إلى النية الأولى قبل فوات الهوالة وضمّ إلى ما أتى به مع النية بقیة الأفعال صح. (تحریر الوسيلة، ج 1، القول فی شرائط الوضوء، م 19)

² آیت الله سیستانی: لازم نیست هنگام نیت، مشخص کند وضویی که می گیرد، واجب است یا مستحب؛ بلکه اگر اشتهاً نیت وضوی واجب کند و بعد معلوم شود واجب نبوده، وضویش صحیح است؛ مثلاً کسی که یقین دارد وقت فرا رسیده، اگر نیت وضوی واجب کند و بعد از وضو بفهمد وقت نماز نشده، وضویش صحیح است. (توضیح المسائل جامع، ج 1، م 351)

امام خمینی: "یکفی فی النية قصد القرية، ولا تجب نية الوجوب أو التدب لا وصفاً ولا غاية، فلا يلزم أن يقصد أتی أتوضأ الوضوء الواجب علی، بل لو نوى الوجوب في موضع التدب أو العكس اشتهاً بعد ما كان قاصداً للقرية أو الامتثال على أي حال كفي و صح: در نیت، قصد قربت کفایت می کند، و نیت اینکه وضو واجب یا مستحب یا وضو برای عمل مستحب یا واجب می گیرد، واجب نیست، بنابراین لازم نیست نیت کند، وضوئی را که بر من واجب است، انجام می دهم، بلکه اگر اشتهاً کند و برای وضوی مستحب، وجوب را نیت کند یا بر عکس، اگر قصد قربت و اطاعت خدا را کرده باشد در هر حال کفایت می کند و وضو صحیح است." (تحریر الوسيلة، ج 1، القول فی شرائط الوضوء، م 20)

همچنین امام می فرماید نیت استحباب نماز یا رفع حدث (در جایی که نیت رفع حدث امکان دارد) لازم نیست: "لا يعتبر في صحة الوضوء نية رفع الحدث ولا نية استحباب الصلاة وغيرها من الغايات، بل لو نوى التجديد فتبين كونه محدثاً صحّ الوضوء، ويجوز معه الصلاة وغيرها، ويكفي وضوء واحد عن الأسباب المختلفة وإن لم يلحظها بالنية، بل لو قصد رفع حدث بعينه صح و ارتفع الجميع، نعم لو قصد ذلك على وجه التقييد بحيث كان من نيته عدم ارتفاع غيره ففي الصحة إشكال: در صحت وضو، نیت رفع حدث شرط نیست و نیز نیت اینکه بتواند نماز بخواند یا نیت امور دیگری که برای آنها وضو گرفته می شود، شرط نیست، بلکه اگر نیت تجدد وضو کند سپس معلوم شود که محدث بوده، وضو صحیح است. و نماز و غیر آن با آن وضو جایز است. اگر بعد از چند سبب مختلف وضو، یک وضو بگیرد، هر چند همه آنها را قصد نکرده باشد، کافی است، بلکه اگر رفع یک حدث معین را قصد کند، وضو صحیح است و همه اسباب حدث را برطرف می کند، اما اگر قصد خود را مقید به یکی کند به طوری که نیتش این باشد که سایر حدث ها رفع نشود در صحت وضو اشکال است. (تحریر الوسيلة، ج 1، القول فی شرائط الوضوء، م 21)

³ این کلمه به سه وجه خوانده می شود: قُصاص، قَصاص، قَصاص. (الروضه البهیة)

شود، و اگر مختصری از این مقدار را نشویند وضو باطل است، و اگر انسان یقین نکند که این مقدار کاملاً شسته شده باید برای اینکه یقین کند، کمی اطراف آن را هم بشوید.^۱

^۱ توضیح المسائل حضرت امام، م 237؛ حضرت آقا، آموزش مصوّر احکام عبادات، ص 111 و أيضاً رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس سیزدهم، ص 50؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 263 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 236؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 257.

سخن امام در تحریر الوسيلة: "الواجب في الوضوء: غسل الوجه و اليدين، ومسح الرأس و القدمين. والهراد بالوجه: ما بين قاصص الشعر و طرف الذقن طويلاً، و ما دارت عليه الإبهام و الوسطى من متناسب الأعضاء عرضاً، و غيره يرجع إليه، فما خرج عن ذلك لا يجب غسله. نعم، يجب غسل شيء مما خرج عن الحد المذكور؛ مقدّمهً لتحصيل اليقين بغسل تمام ما اشتمل عليه الحد". (تحریر الوسيلة، ج 1، ص 21، القول في الواجبات، م 1)

شستن صورت و دستها و مسح سر و پاها در وضو واجب است و منظور از صورت از نظر درازا مابین رستنگاه موی سر و انتهای چانه است و از نظر پهنا مقداری است که بین انگشت ابهام (شست) و انگشت وسط کسی که دارای اعضاء متناسب (معمولی) است، قرار گیرد. و کسی که اعضایش متناسب با یکدیگر نباشد باید اندازه افراد عادی و معمولی را مراعات کند^(۱). و شستن آنچه خارج از این مقدار است واجب نیست، ولی برای آنکه یقین کند تمام حد را شسته باید مقداری بیشتر از حد مذکور را بشوید. (ترجمه تحریر الوسيلة، ج 1، ص 33، مبحث واجبات وضو، م 1)

(1) امام خمینی: اگر صورت یا دست کسی کوچکتر یا بزرگتر از معمول مردم باشد باید ملاحظه کند که مردمان معمولی تا کجای صورت خود را می‌شویند، او هم تا همان جا را بشوید و اگر دست و صورتش هر دو بر خلاف معمول باشد ولی با هم متناسب باشند لازم نیست ملاحظه معمول را بکند بلکه به دستوری که در مسأله پیش گفته شد وضو بگیرد، و نیز اگر در پیشانی او مو رویده یا جلوی سرش مو ندارد باید به اندازه معمول پیشانی را بشوید. (توضیح المسائل، م 238)

توجه: اگر صورت فردی در ناحیه چانه، بلندتر از مردم معمولی باشد، لازم است تا نوک چانه را بشوید. (مؤلف)

نکته 1: به این عمل، مقدّمه علمی می‌گویند، یعنی برای اینکه یقین به انجام هر تکلیفی پیدا کنیم، مقداری بیشتر از آن را انجام می‌دهیم تا علم و یقین به بجا آوردن آن حکم داشته باشیم [و چون این عمل، موجب علم و یقین می‌شود، مقدّمه علمی، یعنی مقدمه برای علم و یقین نامیده شده است]. مانند همین شستن کمی اطراف صورت به جهت یقین به اینکه مقدار معلوم، کاملاً شسته شده و یا برای روزه گرفتن که زمان آن از اذان صبح تا مغرب می‌باشد و برای اینکه یقین کند تمام این مدت را روزه بوده، باید مقداری پیش از اذان صبح و مقداری هم بعد از مغرب از انجام کاری که روزه را باطل می‌کند خودداری نماید و ... [البته اگر یقین به انجام تکلیفی داشته باشد، دیگر نیازی به انجام مقدّمه علمی نیست. (مؤلف)] (حکیم زاده، سید مرتضی، احکام قبل از منبر، جلد اول، ص 39)

نکته 2: امام خمینی: شستن توی بینی و مقداری از لب و چشم که در وقت بستن دیده نمی‌شود واجب نیست، ولی برای آن که یقین کند از جاهایی که باید شسته شود چیزی باقی نمانده واجب است مقداری از آنها را هم بشوید. و کسی که نمی‌داندست باید این مقدار را بشوید اگر نداند در وضوهای که گرفته این مقدار را شسته یا نه، نمازهایی که خوانده صحیح است.

حضرت آقا: شستن داخل بینی و مقداری از لب و چشم که هنگام بستن دیده نمی‌شوند، واجب نیست؛ ولی برای آنکه یقین کند از جاهایی که باید شسته شود چیزی باقی نمانده، واجب است مقداری از آنها را هم بشوید.

آیت الله سیستانی: شستن داخل بینی و مقداری از لب و چشم که در وقت بستن دیده نمی‌شود، واجب نیست ولی اگر انسان شک کند از جاهایی که باید شسته شود چیزی باقی مانده یا نه، واجب است برای آنکه یقین به شستن مقدار لازم پیدا کند، مقداری از آنها را هم بشوید؛ البته کسی که این امر را نمی‌داند، چنانچه احتمال معقول دهد در وضویی که گرفته مقدار لازم را شسته، نمازهایی را که با آن وضو خوانده، صحیح است و لازم نیست برای نماز بعدی دوباره وضو بگیرد.

آیت الله مکارم: شستن داخل بینی و مقداری از لب و چشم که در وقت بستن دیده نمی‌شود، واجب نیست.

(توضیح المسائل امام خمینی، م 242، حضرت آقا، آموزش مصوّر احکام عبادات، ص 114؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 268، توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 262)

² (و جرى الماء) بأن ينتقل كل جزء من الماء عن محله إلى غيره بنفسه أو بغيره (على ما دارت عليه الإبهام) بكسر الهمزة (و الوسطى) من الوجه (عرضاً، و ما بين القصاص) - مثلث القاف - و هو منتهى منبت شعر الرأس (إلى آخر الذقن) - بالذال المعجمة و القاف المفتوحة - منه (طويلاً) مراعيّاً في ذلك مستوى الخلقه في الوجه و اليدين: جاری کردن آب به این صورت که هر جزئی از اجزای آب از جای خود به جای دیگر حرکت کند و این انتقال یا به خودی خود است یا به کمک دست است

سؤال: کیفیت شستن صورت را بیان نمایید.

امام خمینی: باید صورت را بنابر احتیاط واجب از بالا به پایین شست و اگر از پایین به بالا بشوید وضو باطل است.

آیت الله مکارم و حضرت آقا: باید صورت را از بالا به پایین شست، و اگر از پایین به بالا بشوید؛ وضو باطل است.

آیت الله سیستانی: شستن صورت بنابر احتیاط واجب، باید با رعایت ترتیب از طرف بالا به پایین باشد¹ و همین که در عرف گفته شود از بالا به پایین شسته شده، کافی است. بنابراین، اگر آب را بر ابتدای پیشانی - محلّ رویدن مو - بریزد، سپس آن را بر هر دو طرف صورت به طور معمول به صورت خطّ منحنی جاری نماید، شستن از بالا به طرف پایین صورت گرفته است؛ اما اگر فرد آب وضو را بر ابتدای پیشانی نریزد، بلکه بر قسمتی پایین تر از آن مانند پایین پیشانی و محلّ ابروها بریزد، سپس بلافاصله قسمت بالای پیشانی را که خشک مانده، دست بکشد تا تر شود و بعد بر محلّ ریختن آب و پایین تر از آن دست بکشد، چنانچه رطوبت باقیمانده در دست به مقداری باشد که عرفاً صدق شستن نماید، کافی است و در غیر این صورت، بنابر احتیاط واجب چنین وضویی صحیح نیست.²

1. جاری ساختن آب از نظر عرض بر مقداری از صورت که دو انگشت ابهام و وسطی آن را فرا گیرد و از نظر طول نیز فاصله میان رستگاه موی سر (قصاص) تا آخر دَقَن (چانه) را شامل شود در حالیکه در این حد معین از صورت، باید صورت و دو دست کسی که متعارف است در نظر گرفته شود. (الروضة البهیة)

¹ آیت الله سیستانی: اگر کسی صورت را از پایین به طرف بالا بشوید، بنابر احتیاط واجب وضویش صحیح نیست، مگر آنکه جاهل قاصر باشد. (توضیح المسائل جامع، ج 1، م 263، پاورقی 1)

² توضیح المسائل امام خمینی، م 243؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 264. حضرت آقا، آموزش مصوّر احکام عبادات، ص 113 و أيضاً رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس سیزدهم، ص 51؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 263.

سخن امام در تحریر الوسيلة: "يجب على الأحوط أن يكون الغسل من أعلى الوجه، ولا يجوز على الأحوط الغسل منكوساً، نعم لو ردّ الماء منكوساً، ولكن نوى الغسل من الأعلى يرجوعه، جاز". (تحریر الوسيلة، ج 1، ص 21، القول فی الواجبات، م 2)

بنا بر احتیاط واجب باید صورت از بالا به پایین شسته شود و شستن از پایین به بالا، بنا بر احتیاط واجب، جایز نیست و اگر آب را از پایین صورت به بالا برگرداند و وقتی که به پایین برمی گردد نیت شستن نماید. جایز است. (ترجمه تحریر الوسيلة، ج 1، ص 33، مبحث واجبات وضو، م 2)

سؤال: آیا کسانی که محاسن دارند، لازم است آب را به پوست صورت برسانند؟

امام خمینی، حضرت آقا و آیت الله مکارم: چنانچه پوست صورت از لای مو پیدا باشد باید آب را به پوست برساند و اگر پیدا نباشد شستن روی مو کافی است و رسانیدن آب به زیر آن لازم نیست. و اگر شک کند پوست صورت از لای مو پیدا است یا نه، بنابراین احتیاط واجب، باید مو را بشوید، و آب را به پوست هم برساند.

آیت الله سیستانی: اگر پوست صورت از بین مو پیدا نباشد، واجب است ظاهر مو شسته شود و رساندن آب به زیر آن لازم نیست؛ مگر آنکه رساندن آب به زیر آنها آسان باشد و نیاز به دقت و بررسی نداشته باشد که در این صورت باید زیر آن شسته شود، مانند سبیل بلندی که از دو طرف روی محاسن یا پوست صورت را پوشانده و به راحتی می توان آن را کنار زد؛ اما در صورتی که پوست صورت از بین مو پیدا باشد، باید آب را به پوست برساند و شستن موهای نازک نیز لازم می باشد، بلکه بنابر احتیاط واجب موهای درشت و زبر نیز شسته شود. و اگر شک کند پوست صورت از بین مو پیدا است یا نه، باید مو را بشوید و آب را به پوست هم برساند.¹

سؤال: مقدار و ترتیب شستن دست ها را بیان نمایید.

بعد از شستن صورت باید دست راست و بعد از آن دست چپ را از آرنج تا سر انگشت ها بشوید و اگر انسان یقین نکند که آرنج را کاملاً شسته، باید برای آنکه یقین کند، مقداری بالاتر از آرنج را هم بشوید.²

¹ توضیح المسائل حضرت امام، م 240 و 241؛ حضرت آقا، آموزش مصور احکام عبادات، ص 114 و أيضاً رسالة آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس سیزدهم، ص 51؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 260 و 261؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 266 و 267. این مسأله در توضیح المسائل ایشان، به این صورت آمده است: چنانچه پوست صورت از لای مو پیدا باشد باید آب را به پوست برساند و اگر پیدا نباشد شستن مو کافی است و رسانیدن آب به زیر آن لازم نیست. و اگر شک کند پوست صورت از لای مو پیدا است یا نه، بنابراین احتیاط واجب، باید مو را بشوید، و آب را به پوست هم برساند. (توضیح المسائل آیت الله سیستانی، م 239 و 240).

توجه: اما از آنجا که توضیح المسائل جامع ایشان، متأخر (جدید) است، به فتوای در آن عمل می شود. (مؤلف)

سخن امام خمینی در تحریر الوسیلة: "لا یجب غسل ما استرسل من اللحیة، أَمَا مَا دَخَلَ مِنْهَا فِي حَدِّ الْوَجْهِ فَيَجِبُ غَسْلُهُ. وَالْوَاجِبُ غَسْلُ الظَّاهِرِ مِنْهُ: مَنْ غَرِبَ فَرَقَ بَيْنَ الْكَثِيفِ وَالْخَفِيفِ مَعَ صَدَقِ إِحَاطَةِ الشَّعْرِ بِالْبَشْرَةِ؛ وَإِنْ كَانَ التَّخْلِيلُ فِي الثَّانِي أَحْوَطٌ". (تحریر الوسیلة، ج 1، ص 21، القول فی الواجبات، م 3)

شستن آن مقدار از ریش که از حد صورت بیشتر است واجب نیست. اما شستن آن قسمتی از ریش که جزء حد صورت محسوب می شود واجب است، و اگر ریش طوری باشد که بگویند صورت را پوشانده واجب است ظاهر آن شسته شود چه پرپشت باشد چه کم پشت، اگر چه بنا بر احتیاط مستحب در صورتی که موی صورت کم پشت باشد باید آب را به زیر مو برساند. (ترجمة تحریر الوسیلة، ج 1، ص 33، مبحث واجبات وضو، م 3)

² توضیح المسائل حضرت امام، م 245 و 246 و أيضاً تحریر الوسیلة، ج 1، ص 21، القول فی الواجبات، م 3؛ حضرت آقا، آموزش مصور احکام عبادات، ص 112 و أيضاً رسالة آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس سیزدهم، ص 50؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 269 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 244 و 245؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 263.

سؤال: کیفیت شستن دست ها را بیان نمایید.

امام خمینی: دست ها را باید از مرفق به طرف سر انگشتان بشوید.

حضرت آقا: دست ها را باید از بالا به پایین بشوید؛ خواه اول قسمت بالای دست و سپس پایین آن را بشوید، یا اینکه ابتدا یک طرف دست را از بالا تا سر انگشتان و سپس طرف دیگر را از بالا تا سر انگشتان بشوید که عرفاً بگویند: از بالا به پایین شسته است. و اگر عمداً از پایین به بالا بشوید، وضوی او باطل است.

آیت الله مکارم: باید دست ها را از بالا به پایین شست، و اگر از پایین به بالا بشوید، وضو باطل است.¹

آیت الله سیستانی: دست ها باید با رعایت ترتیب از بالا به پایین شسته شود و همین که عرفاً بگویند از بالا به پایین شسته کافی است. بنابراین، اگر فرد مثلاً ابتدا قسمت بیرونی دست را از آرنج تا پایین دست بشوید و بعد قسمت داخلی آرنج و پایین تر از آن را دست بکشد و بشوید، شستن از بالا به پایین صورت گرفته و لازم نیست قسمت بیرونی و داخلی هم زمان شسته شود؛²

متن تحریر الوسیله: "و أما الیدان فالواجب غسلهما من المرفقین إلى أطراف الأصابع، ويجب غسل شيء من العضة للمقدمة كالوجه، ولا يجوز ترك شيء من الوجه أو الیدین بلا غسل ولو مقدار مكان شعرة". (تحریر الوسیله، ج 1، ص 21، القول فی الواجبات، م 3)

و در شستن دستها واجب است که از مرفق تا سرانگشتها شسته شود و در شستن دستها مانند صورت باید به عنوان مقدمه مقداری از بالای مرفق شسته شود و ناشسته گذاشتن مقداری از صورت یا دستها، حتی به اندازه یک مو جایز نیست. (ترجمه تحریر الوسیله، ج 1، ص 33، مبحث واجبات وضو، م 3)

(ثم) غسل الید (الیهنی من المرفق) بکسر المیم و فتح الفاء أو بالعکس، و هو مجمع عظمی الذراع و العضد، لا نفس المفصل (إلى أطراف الأصابع، ثم) غسل (الیسری کذلک). (الروضه البهیة)

¹ سؤال: فردی که دستهایش دچار لرزه و زعشه مداوم است، و بی اختیار تکان می خورد، تکلیف او برای وضو چیست؟ (آیت الله مکارم)

جواب: در صورتی که می تواند دستش را حرکت بدهد، وضو گرفتن اشکال ندارد. منتها نیتش این باشد که حرکاتی که از بالا به پایین است جزء وضو باشد، و عکس آن جزء وضو نباشد. (استفتائات جدید، ج 3، ص 46)

² آیت الله سیستانی: در وضو، همین مقدار که عرفاً صدق کند که شستن از بالا به پایین انجام شده کافی است. بنابراین، اگر پس از شستن از بالا به پایین در دست یا صورت مقدار اندکی نشسته باقی بماند، به عنوان مثال مساحت یک بند انگشت یا کمتر، شستن همان نقطه کافی است و نیاز نیست برای رعایت ترتیب، موازات همان نقطه را به طرف پایین مجدداً شست. (توضیح المسائل جامع، ج 1، م 271، پاورقی 1)

سؤال: در وضو، صورت و دست ها از بالا به پایین شسته می شود ولی گاهی اوقات در وسط صورت یا آرنج دست مثلاً، مقدار کمی نشسته باقی می ماند یا فرد شک در شستن آن می کند به عنوان مثال مساحت یک دو ریالی، بعضی از علماء فرموده اند: بعید نیست شستن همان نقطه کافی باشد و نیاز نباشد مُحاذی همان نقطه باقیمانده را به طرف پایین برای رعایت ترتیب مجدداً شست و دست کشید، نظر مبارک حضرت عالی چیست؟ و آیا فرقی بین اینکه شسته نشدن مقدار اندک مذکور سهواً یا غفلتاً بوده و یا از روی عمد واقع شده می باشد؟

آیت الله سیستانی: همین فتوی، صحیح است و ملاک در صحت وضو در مورد مذکور آن است که عرفاً صدق کند که شستن از بالا به پایین انجام شده است و در این صورت فرقی بین حالت عمد و غیر عمد نمی باشد. (استفتائات آیت الله سیستانی، ج 1، ص 19)

اما اگر دست را از پایین به بالا بشوید - هر چند از روی ندانستن مسأله - وضو باطل است. همین طور، اگر مثلاً از نصف ساعد تا سر انگشتان را به نیت وضو بشوید، سپس قسمت آرنج تا نصف ساعد را که خشک مانده بشوید، وضو صحیح نیست؛

البته در صورتی که آب را بر پایین تر از آرنج بریزد، سپس بلافاصله قسمت بالای آرنج را که خشک مانده دست بکشد تا تر شود و بعد بر محل ریختن آب و پایین تر از آن دست بکشد، چنانچه رطوبت باقیمانده در دست به مقداری باشد که عرفاً صدق شستن نماید، کافی است، وگرنه بنا بر احتیاط واجب نمی تواند به این وضو اکتفاء نماید.^۱

سؤال: آیا شستن دست ها تا مچ قبل از وضو، کفایت در وضو می کند؟

برای وضو کافی نیست و باید پس از شستن صورت، تمام دست راست و چپ را تا سرانگشتان شست و شو دهند و اگر فقط تا مچ را بشویند، وضو باطل است. در هنگام شستن دست ها باید بین انگشتان نیز شسته شود.^۲

توجه: برخی از مردم به هنگام وضو گرفتن، دست ها را تا مچ می شویند و در شستن پایین تر از مچ، دقت نمی کنند، در حالی که چنین وضویی اشکال دارد.

سؤال: آیا اگر دست را برای شستن تر کند و به صورت و دست ها بکشد، صدق شستن می کند؟

اگر دست را تر کند و به صورت و دست ها بکشد:

امام خمینی: چنانچه تری دست به قدری باشد که به واسطه کشیدن دست، آب کمی بر آنها جاری شود کافی است.

آیت الله سیستانی: چنانچه تری دست به قدری باشد که به واسطه کشیدن دست، آب آنها را فرا گیرد و عرفاً شستن (غسل) صدق کند، کافی است و در این صورت، لازم نیست آب بر آنها جاری شود.

^۱ توضیح المسائل امام خمینی، م 243؛ حضرت آقا، آموزش مصور احکام عبادات، ص 113؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 264؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 271.

^۲ توضیح المسائل امام خمینی، م 247؛ حضرت آقا، آموزش مصور احکام عبادات، ص 113؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 270 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 246؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 267.

آیت الله مکارم: کافی نیست مگر اینکه تری دست به قدری باشد که آب جاری شود و از دست بریزد.^۱

سؤال: حکم مراتب شستن صورت یا دست ها را در وضو، بیان نمایید.

مراتب شستن در وضو^۲

| آیت الله مکارم | آیت الله سیستانی | امام و حضرت آقا | |
|---------------------------|------------------|-----------------|---|
| واجب | واجب | واجب | مرتبه اول مرتبه دوم مرتبه سوم و بیشتر |
| بنابر احتیاط واجب ترک شود | مستحب | جایز | |
| حرام | حرام | حرام | |

سؤال: آیا سه مرتبه شستن صورت یا دست ها، وضو را باطل می کند؟

سه مرتبه شستن صورت و دست ها به قصد وضو حرام است؛ ولی وضو را باطل نمی کند؛ مگر در دو مورد که وضو را باطل می کند:

الف) فرد قصد تشریح داشته باشد.

ب) مسح سر یا پا با آب وضوی مرتبه سوم^۳ انجام شود، مثل اینکه دست چپ را سه مرتبه با کمک دست راست^۴ به نیت وضو بشوید که در این صورت وضو باطل است.

آیت الله مکارم: بلکه اگر دست چپ را دو مرتبه بشوید، بنابر احتیاط واجب، وضو باطل است.^۵

^۱ توضیح المسائل امام خمینی، م 244؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 272؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 265.

^۲ حضرت آقا، آموزش مصور احکام عبادات، ص 113 و أيضاً رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس سیزدهم، ص 51 و أيضاً أجوبة الاستفتاءات، س 102؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 273؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 268.

^۳ با آب مرتبه سوم نه با آب وضوی مرتبه سوم؛ زیرا درباره مسح آمده است که «يُمسَخُ بِبَلْبَلِهِ»؛ یعنی مسح باید با رطوبت آب وضو باشد و مرتبه سوم رطوبت آب وضو نیست و آب خارجی (زاید) می باشد. (مؤلف)

^۴ یا بدون کمک دست راست و مسح با دست چپ. (مؤلف)

^۵ حکیم زاده، سید مرتضی، احکام قبل از منبر، ج 1، ص 38.

سؤال: ملاک در شستنِ اعضاءِ وضو چیست؟

حضرت آقا: ملاک، قصد انسان است؛ پس اگر به قصد مرتبه اول چند بار آب بریزد اشکال ندارد. (البته نباید به اسراف بینجامد).

امام خمینی، آیت الله مکارم: منظور از مرتبه اول آن است که شستن به قصد وضو باشد و تمام عضو شسته شود؛ خواه با یک مُشت آب باشد یا چندین مُشت و خواه قصد بکند یک مرتبه را، یا قصد نکند.

آیت الله سیستانی: منظور از شستنِ مرتبه اول، آن است که به قصد وضو، صورت یا دست ها را کاملاً بشوید، بنابراین اگر با یک بار آب ریختن به کمک دست کشیدن یا چند بار آب ریختن، آن عضو کاملاً شسته شود، مرتبه اول محقق شده و شستن بعد از آن هر چند به نیت شستن اول هم باشد، جزء شستن اول محسوب نمی شود، بنابراین در تحقق شستن دفعه اول، دو مطلب شرط است:

اول: آنکه شستن به قصد وضو باشد.

دوم: آنکه آب، تمام عضو را کاملاً فرا بگیرد.

و در شستن بعدی اگر این دو شرط موجود باشد «شستن مرتبه دوم» محقق می شود؛ ولی اگر شرط اول موجود نباشد، یعنی بعد از شستن اول، بدون قصد وضو عضو را بشوید، لازم است مراعات مقتضای احتیاط ترک نشود و برای مرتبه سوم، احتیاطاً عضو را نشوید.¹

نکته: تمام مراجعی که مرتبه دوم را مستحب یا جایز دانسته اند، نسبت به دست چپ احتیاط مستحب دارند که یک مرتبه شسته شود، و در نتیجه دست چپ را مستحب است یا جایز است دو مرتبه بشوییم و احتیاط مستحب است که یک بار شسته شود.

¹ در این مورد، مسح کردن با این آب (آب مرتبه دوم که بدون قصد بر عضو، ریخته شده) نیز خلاف احتیاط واجب است. (توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 273، پاورقی)

² توضیح المسائل امام خمینی، م 248؛ آموزش مصور احکام عبادات، حضرت آقا، ص 113 و أيضاً أجوبة الاستفتاءات س 102 و أيضاً رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس سیزدهم، ص 51؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 273؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 268.

در احکام، مسائلی را داریم که احتیاط مستحب و مستحب در یک جا جمع شده است؛ در این موارد، انسان مخیر است بین انتخاب مستحب و بین انتخاب کردن احتیاط مستحب، رعایت مستحب ثواب دارد و رعایت احتیاط مستحب به واقع نزدیک است.^۱

سؤال: آیا وضوی زن و مرد، تفاوت دارد؟

حضرت آقا: وضوی زن و مرد در کیفیت و مقدار واجب آن فرقی ندارد و تنها تفاوت وضوی زن و مرد در شستن دست هاست؛ به این صورت که برای مرد مستحب است در شستن اول، آب را به پشت آرنج بریزد؛ ولی برای زن مستحب است آب را به داخل آرنج بریزد.^۲

مسح سر

سؤال: مقدار و کیفیت مسح سر را بیان نمایید.

مقدار:

یک قسمت از چهار قسمت سر، که مقابل پیشانی است جای مسح می باشد، و هر جای این قسمت را به هر اندازه مسح کند کافی است (به مقداری که به آن «مسح» گفته شود و اگر کسی ببیند، بگوید: مسح صورت گرفته)، اگر چه احتیاط مستحب آن است که از نظر طول به اندازه طول یک انگشت، و از نظر عرض به اندازه عرض سه انگشت بسته مسح نماید.^۳

^۱ حکیم زاده، سید مرتضی، احکام قبل از منبر، ج 1، ص 37 و 38.

^۲ حضرت آقا، آموزش مصور احکام عبادات، ص 113 و أيضاً رسالة آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس سیزدهم، ص 53 و أيضاً أجوبة الاستفتاءات، ص 146.

^۳ توضیح المسائل امام خمینی، م 250؛ حضرت آقا، آموزش مصور احکام عبادات، ص 118؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 275 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 249؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 270.

سخن امام خمینی در تحریر الوسيلة: "و أمّا مسح الرأس: فالواجب مسح شيء من مقدمه، والأحوط عدم الاجتزاء بها دون عرض إصبع، وأحوط منه مسح مقدار ثلاثة أصابع مضمومة، بل الأولى كون المسح بالثلاثة. والمرأة كالرجل في ذلك". (تحریر الوسيلة، ج 1، ص 23، القول في الواجبات، م 12)

اما مسح سر مسح مقداری از قسمت جلوی سر واجب است و احتیاط (مستحب) آنست که به کمتر از پهنای يك انگشت اکتفاء نکند و احتیاط بیشتر از آن این است که به اندازه سه انگشت بهم چسبیده مسح بکند بلکه بهتر آنست که با سه انگشت مسح نماید و در این مسئله زن مثل مرد است. (ترجمة تحریر الوسيلة، ج 1، ص 37، مبحث واجبات وضو، م 12)

کیفیت:

امام خمینی: بعد از شستن هر دو دست باید جلوی سر را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند، و لازم نیست با دست راست باشد یا از بالا به پایین مسح نماید.¹

حضرت آقا: مسح سر و پاها باید با رطوبتی که از آب وضو در دست مانده، کشیده شود و اگر رطوبتی باقی نمانده باید از ریش یا ابرو رطوبت گرفته و مسح نماید و احتیاط (واجب) آن است که مسح سر با دست راست باشد، ولی کشیدن مسح از بالا به پایین لازم نیست.

آیت الله سیستانی: بعد از شستن هر دو دست، باید جلوی سر با تری آب وضو که در دست مانده (نه با آب دیگر)، مسح شود؛ مسح سر با کلیه قسمت های هر یک از دو دست که در وضو شسته می شود - از آرنج تا

¹ سخن امام خمینی در تحریر الوسيلة: "يجب أن يكون المسح بباطن الكف الأيمن على الأحوط، و إن كان الأقوى جوازاً بظاهرة، ولا يتعين الأيمن على الأقوى، والجواز بالذراع لا يخلو من وجه، والأولى المسح بأصابع الأيمن. ويجب أن يكون المسح بما بقي في يده من نداوة الوضوء، فلا يجوز استئناف ماء جديد". (تحریر الوسيلة، ج 1، القول في الواجبات، م 14)

احتیاط مستحب آنست که مسح سر با کف دست راست باشد، اگر چه بنا بر اقوا با پشت دست راست نیز جایز است، بلکه مسح به خصوص با دست راست لازم نیست [و با دست چپ هم جایز است]. و مسح با ذراع نیز جایز است ولی بهتر است با انگشتان دست راست مسح کند و [در هر حال] باید با رطوبتی که از آب وضو در دست باقی مانده مسح کند و با آب جدید جایز نیست. (ترجمه تحریر الوسيلة، ج 1، م 14)

امام خمینی در مسأله 16 می فرماید: "الأحوط المسح بباطن الكف، و إن تعذر مسح⁽¹⁾ بظاهرها، و إن كان الأقوى جوازاً بظاهرها بل بالذراع اختياراً". (تحریر الوسيلة، ج 1، القول في الواجبات، م 16)

احتیاط (مستحب) آن است که مسح با کف دست باشد و اگر نتوانست، آنگاه با پشت دست مسح نماید و اگر این هم ممکن نباشد با ذراع مسح کند، اگر چه اقوا این است که اختیاراً (و بدون عذر) نیز، می تواند با پشت دست بلکه با ذراع مسح کند. (ترجمه تحریر الوسيلة، ج 1، م 16)

(1) (مَسْحٌ يَمَسُّهُ مَسْحاً) الشَّيْءُ الْمُتَلَطِّخُ أَوْ الْمُبْتَلُّ: دست بر روی آن چیز آوده یا تر کشید که آلودگی یا تری آن را پاک کند (مَسْحٌ) عَلَى الشَّيْءِ بِالمَاءِ أَوْ الدُّهْنِ: بر آن چیز روغن یا آب مالید (مَسْحٌ) بِالشَّيْءِ: بر روی آن چیز دست کشید (مَسْحٌ) يَدَهُ عَلَى رَأْسِ الْبَيْتِمْ: دست بر سر کودک بیتیم کشید؛ به او محبت و مهربانی کرد (مَسْحٌ) اللَّهُ الْعِلَّةَ عَنِ الْعَلِيلِ: خدا بیماری بیمار را بر طرف کرد (مَسْحٌ) فَلَانًا بِالقَوْلِ: با شیرین زبانی در صدد برآمد که فلانی را بفریبد (مَسْحٌ) القَوْمِ: بر آن قوم گذری کرد اما در نزد آنان نماند (مَسْحٌ) الحَجَرِ الأسودِ: حجر الأسود را برای تهنیت و تبرک لمس کرد (مَسْحٌ) شعرة: موی خود را شانه کرد (مَسْحٌ) فَلَانًا بِالسَّيْفِ: فلانی را با شمشیر به دو نیمه کرد (مَسْحٌ) القَوْمِ قَتلاً: آن قوم را قتل عام کرد، بسیاری از آنان را کشت (مَسْحٌ) ساقَهُ أَوْ عُقْبَهُ، و بها: ساقی یا پا گردن او را قطع کرد و برید. و به همین معنی تفسیر کرده اند قول خدا را: «فَطَفِقَ مَسْحاً بِالسُّوقِ وَ الأعناقِ»: پس آغاز کرد به بریدن ساقها و گردنها (مَسَحَتْ) الإِبِلُ الأَرْضَ يَوْمَهَا دَأْباً: شترها تمام روزش را با سرعت پیمود و راه رفت (مَسْحٌ) الإِبِلِ: شتران را خسته و پشیشان را زخم و لاغرشان کرد. (المعجم الوسيط)

سؤال: در تحریر الوسيلة امام، القول في الواجبات، م 16 آمده است: "الأحوط المسح بباطن الكف، و إن تعذر مسح بظاهرها، و إن تعذر مسح بذراعه، و إن كان الأقوى جوازاً بظاهرها بل بالذراع اختياراً". این مسأله مربوط به مسح پا می باشد، یا اینکه مربوط به مسح سر و دنباله مسأله 14 می باشد؟

جواب: این مسأله، هم مربوط به مسح سر و هم مربوط به مسح پا می باشد. (پرسش پیامکی از حرم مطهر)

سر انگشتان - جایز است، هر چند احتیاط مستحب آن است که با کف دست راست باشد. همین طور، احتیاط مستحب است مسح از بالا به پایین انجام شود.

آیت الله مکارم: بعد از شستن هر دو دست، باید جلوی سر با تری آب وضو که در دست مانده، مسح کند؛ و بنا بر احتیاط واجب، لازم است با دست راست باشد، و بهتر این است که از بالا به پایین دست بکشد، ولی عکس آن یعنی از پایین به بالا نیز اشکال ندارد.¹

سؤال: آیا مسح سر باید بر پوست آن باشد؟

امام خمینی: لازم نیست مسح سر بر پوست آن باشد بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است. ولی کسی که موی جلوی سر او به اندازه‌ای بلند است که اگر مثلاً شانه کند به صورتش می‌ریزد، یا به جاهای دیگر سر می‌رسد، باید بیخ موها را مسح کند، یا فرق سر را باز کرده پوست سر را مسح نماید، و اگر موهایی را که به صورت می‌ریزد یا به جاهای دیگر سر می‌رسد جلوی سر جمع کند و بر آنها مسح نماید، یا بر موی جاهای دیگر سر، که جلوی آن آمده مسح کند باطل است.²

حضرت آقا: لازم نیست مسح سر بر پوست آن باشد؛ بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است و کسی که موی جلوی سر او به اندازه‌ای بلند است که اگر شانه شود، روی صورتش می‌ریزد یا به قسمت‌های دیگر سر (یکی از سه قسمت دیگر سر) می‌رسد، باید بُن (نزدیک به ریشه و پایین) موها را مسح کند یا فرق سر را باز و پوست سر را مسح کند. در این حالت، اگر موهایی را که به صورت یا قسمت‌های دیگر سر می‌ریزد جلوی

¹ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 274؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 269؛ توضیح المسائل امام خمینی، م 249؛ حضرت آقا، آموزش مصور احکام عبادات، ص 119 و أيضاً أجوبة الاستفتاءات، ص 113 و أيضاً رسالة آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس سیزدهم، ص 52.

توجه: همانطور که ملاحظه فرمودید، در فرمایش حضرت آقا و آیت الله مکارم چنین آمده بود: "بنا بر احتیاط واجب، مسح سر با دست راست باشد". اما این سؤال باقی می‌ماند که مسح سر، با کدام قسمت دست راست باشد؟ (مؤلف)

² سخن امام خمینی در تحریر الوسيلة: "لا يجب كون المسح على البشرة، فيجوز على الشعر النابت على المقدم. نعم، إذا كان الشعر الذي منبته مقدم الرأس طويلاً؛ بحيث يتجاوز بهده عن حده، لا يجوز المسح على ذلك المقدار المتجاوز؛ سواء كان مسترسلاً أو مجتمعاً في المقدم". (تحریر الوسيلة، ج 1، ص 23، القول في الواجبات، م 13)

واجب نیست مسح سر روی بشره باشد بنابراین مسح روی مویی که در قسمت جلوی سر روئیده کفایت می‌کند ولی اگر مویی که در قسمت جلوی سر روئیده به اندازه‌ای بلند باشد که با کشیدن آن (با شانه زدن مثلاً) از قسمت جلوی سر بگذرد مسح روی آن مقدار که از جلوی سر می‌گذرد جایز نیست چه این موها آویزان باشد و چه روی قسمت جلوی سر جمع شده باشد. (ترجمه تحریر الوسيلة، ج 1، ص 37، مبحث واجبات وضو، م 13)

سر جمع کند یا به سمتِ جلوی سر شانه کند و بر آنها مسح نماید، یا بر موی قسمت های دیگر سر که جلوی سر قرار گرفته مسح کند، باطل است. (یعنی باید این شخص مجدداً مسح را به صورت صحیح انجام دهد).^۱

آیت الله سیستانی: لازم نیست مسح سر بر پوست آن باشد، بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است؛ ولی کسی که موی جلوی سر او به اندازه ای بلند است که اگر مثلاً شانه کند به صورتش می ریزد یا به جاهای دیگر سر می رسد، باید قسمتی از موها را که پس از شانه کردن از محدوده جلوی سر خارج نمی شود، مسح کند. همین طور، می تواند فرق سر را باز کرده و بُن موها یا پوست سر را مسح کند؛ اما اگر موهایی را که به صورت می ریزد یا به جای دیگر سر می رسد، جلوی سر جمع کند و بر آنها مسح نماید، یا بر موی جاهای دیگر سر، که جلوی آن آمده مسح کند، چنین مسحی باطل است.

آیت الله مکارم: جایز است مسح سر را بر پوست سر یا بر موهایی که بر آن روییده است بکشند؛ اما کسی که موی سر او به اندازه ای بلند است که اگر مثلاً شانه کند به صورتش می ریزد، یا به جاهای دیگر سر می رسد، باید بیخ موها را مسح کند؛ و بهتر است که قبل از وضو، فرق سر را باز کند تا پس از شستن دست چپ، بن موها یا پوست سر را به راحتی مسح نماید.^۲

سؤال: آیا اگر هنگام مسح سر، دست به صورت برسد، وضو باطل است؟

امام خمینی: بسمه تعالی، وضو و مسح سر باطل نمی شود؛ ولی برای مسح پا نباید با رطوبت گرفته شده از آب وضوی صورت باشد.

حضرت آقا: اگر آب مسح سر با صورت برخورد کند، وضو صحیح است؛ ولی از آنجا که مسح پا باید با رطوبتی که از آب وضو در کف دو دست باقی مانده صورت بگیرد، باید هنگام مسح سر، دست به قسمت بالای پیشانی نرسد و با رطوبت صورت برخورد نکند (تا رطوبت دست با رطوبت صورت مخلوط نشود) و اگر در هنگام مسح

^۱ سخن حضرت آقا در آموزش مصور احکام ، ص 114: اگر موهای جلو سر به قدری زیاد است که به وسط صورت یا قسمت های دیگر سر می ریزد ، مسح قسمت پایین موهای جلو سر (بن موها) که نزدیک پوست سر است ، کافی است .

^۲ توضیح المسائل امام خمینی ، م 251 ؛ حضرت آقا ، آموزش مصور احکام عبادات ، ص 120 و أيضاً رساله آموزشی ، ج 1 (احکام عبادات) ، درس سیزدهم ، ص 51 و أيضاً أجوبة الاستفتاءات ، ص 125 ؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی ، ج 1 ، م 276 ؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم ، م 271 .

سر، دست با پیشانی برخورد کرد، می تواند مسح پا را با قسمتی از کف دست که با آب صورت مخلوط نشده است، بکشد.^۱

سؤال: آیا بستن شیر آب در آثنای وضو (با توجه به وجود آب روی آن)، باعث بروز اشکال در صحت وضو می گردد؟

حضرت آقا: مسح باید با آب اعضای وضو باشد. بنابراین اگر شخص هنگام شستن صورت و دست ها، به قصد وضو اقدام به باز و بسته کردن شیر آب کند، اشکال ندارد و به صحت وضو لطمه ای نمی زند؛ ولی اگر پس از فراغت از شستن دست چپ و قبل از مسح با آن، دستش را روی شیر خیس بگذارد (به طوری که آب دست با آب خارج از وضو مخلوط شود) مسح اشکال دارد.^۲

مسح پاها

سؤال: مقدار مسح پا را بیان نمایید .

بعد از مسح سر، واجب است با تری آب وضو که در دست مانده، روی پاها را مسح کند.

1. مقدار:

الف. عرض (پهنا):

امام خمینی: پهنای مسح پا به هر اندازه باشد کافی است، ولی بهتر، بلکه احوط آن است که با تمام کف دست، روی پا را مسح کند.

¹ استفتائات امام خمینی، ج 1، ص 136، س 286؛ حضرت آقا، آموزش مصور احکام عبادات، ص 119 و أيضاً رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس سیزدهم، ص 52 و أيضاً أجوبة الاستفتائات، ص 142.

² حضرت آقا، آموزش مصور احکام عبادات، ص 120 و أيضاً أجوبة الإستفتائات، ص 112 و أيضاً رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس سیزدهم، ص 52.

توجه: برای اینکه به وضو خللی وارد نشود و اسراف هم در وضو گرفتن نکنیم، شیر آب را بعد از ریختن آب روی دست چپ و قبل از دست کشیدن دست چپ، به قصد وضو ببندیم. و همچنین برای جلوگیری از اسراف، شیر آب را بعد از ریختن آب بر عضو و قبل از شستن آن عضو، به قصد وضو ببندیم. (مؤلف)

حضرت آقا: عرض مسح پا به هر اندازه باشد کافی است ولی احتیاط مستحب آن است که با تمام کف دست روی پا را مسح کند.

آیت الله سیستانی: عرض مسح پا به هر اندازه باشد، کافی است؛ ولی بهتر آن است که به اندازه عرض سه انگشت بسته باشد؛ بلکه بهتر است تمام روی پا با تمام کف دست¹ مسح شود.

و آیت الله مکارم: از نظر عرض، کافی است به اندازه یک انگشت مسح کند، ولی بهتر است که به اندازه پهنای سه انگشت بسته باشد، و بهتر از آن مسح کردن تمام پشت پا با تمام کف دست است.²

¹ آیت الله سیستانی: کف دست ، شامل انگشتان هم می شود. (توضیح المسائل جامع ، ج 1 ، م 279 ، پاورقی 1)

² توضیح المسائل امام خمینی ، م 253 ؛ آموزش مصوّر احکام عبادات ، حضرت آقا ، ص 118 و 119 ؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی ، ج 1 ، م 279 و أيضاً توضیح المسائل ایشان ، م 252 ؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم ، م 273 .

نکته: شیخ بهایی: و ینبغی مسح القدمین بكل الکف کما رواه شیخ الطائفة فی التّهذیب بسند صحیح عن أحمد بن محمد بن أبی نصر البرنطی قال: "سألته أبا الحسن الرضا علیه السلام عن المسح علی القدمین کیف هو فوضع کفّه علی الأصابع ثم مسحها إلی الکعبین فقلت لو أنّ رجلاً قال بإصبعین من أصابعه إلی الکعبین هكذا قال لا إلی بکفّه کلّهما". (شیخ بهایی ، محمد بن حسین ، مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیلة من الواجبات و المستحبات ، ص 26)

منهاج النجاح:

قال: سألت ابا الحسن الرضا علیه السلام عن المسح علی القدمین کیف هو؟

فوضع کفّه علی الاصابع ثم مسحها إلی الکعبین. فقلت: لو أنّ رجلاً قال باصبعین من أصابعه هكذا إلی الکعبین؟ فقال: لا ، الا بکفّه کلّهما.

یعنی: «راوی مذکور گفت که: پرسیدم از حضرت امام رضا- علیه التحية و الثناء- از مسح بر قدمین که به چه کیفیت است؟ پس آن حضرت در مقام بیان آن در آمده ، کف دست مبارک خود را بر انگشتان گذاشتند و بعد از آن مسح کردند تا کعبین. راوی گوید: بعد از آنکه حضرت کیفیت مسح را به این طریق بیان نمودند گفتم: اگر چنانچه شخصی به دو انگشت به این طریق مسح کند تا کعبین؟ پس آن حضرت فرمودند که: نه ، مگر آنکه به تمام کف خود تمام پشت پای را مسح کند».

علی بن طیفور گوید: «مخفی نماند که لفظ قال در حدیث مذکور که لو أنّ رجلاً قال به معنی فعل است ، و استعمال آن به این معنی در کلام عرب شایع است چنانچه مصتّف- طاب ثراه- در حاشیه اشاره به آن کرده است.

و ببايد دانست که مصتّف در کتاب «جبل المتین» گفته که: آنچه این حدیث بحسب ظاهر دلالت دارد بر آنکه مسح پاها را به تمام کف می باید کرد هیچ کس از علما قائل به آن نشده است ، و شیخ ابو القاسم- رحمه الله- در کتاب «معتبر» و علامه در «تذکره» نیز گفته اند که: واجب نیست استیعاب تمام ظهر قدمین به مسح ، بلکه کفاف است آنقدر که مسمای مسح در ضمن آن متحقّق باشد از سر انگشتان تا کعبین و اگر چه به عرض يك انگشت باشد ، و نقل اجماع بر آن کرده اند ، پس باکی نباشد حمل این حدیث بر استحباب. و قول امام علیه السلام: لا ، الا بکفّه از قبیل قول پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلّم است که:

لا صلاة لجار المسجد...⁽¹⁾ ، چنانچه علامه در کتاب «منتهی المطلب» که از مصتّفات اوست بیان آن کرده است لیکن مقام را گنجایش ذکر آن نیست. (منهاج النجاح فی ترجمة مفتاح الفلاح ، متن ، ص: 37)

(1) نماز همسایه مسجد پذیرفته نیست جز اینکه در مسجد بگردد. که البته این بیان به جهت تأکید و استحباب مؤکد است.

ب. طول (درازا) :

حضرت آقا: باید از سر یکی از انگشتان پا تا مفصل پا (آخرِ روی پا) را مسح کند.

آیت الله سیستانی: روی پاها از سر یکی از انگشتان پا تا مفصل مسح شود و بنابر احتیاط واجب، مسح تا برآمدگی روی پا کافی نیست.

امام خمینی و آیت الله مکارم : باید از سر یکی از انگشت ها (آیت الله مکارم: غیر از انگشت کوچک که به تنهایی اشکال دارد) تا برآمدگی پشت پا، و بنابر احتیاط مستحب تا مفصل پا مسح کند.¹

توجه: بعضی از مردم در مسح پا سه مطلب را رعایت نمی کنند:

1. مسح پا را از زیر انگشتان می کشند، در حالیکه زیر انگشتان جزء محدوده مسح نمی باشد [اگر چه مسح آن اشکال ندارد].

2. مسح پا را از روی ناخن ها می کشند، در حالیکه مسح پا باید از سر انگشتان پا باشد .

3. مسح پا را تا برآمدگی می کشند در حالیکه طبق نظر حضرت آقا و آیت الله سیستانی باید (آیت الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب) تا مفصل پا مسح کنند.²

توجه: خوب است کسانی که مرجع آنها امام خمینی یا آیت الله مکارم می باشد، به احتیاط عمل کنند و پا را تا مفصل مسح کنند.³

¹ حضرت آقا ، آموزش مصور احکام عبادات ، ص 118 و همچنین أجوبة الاستفتاءات ، م 106 و م 111 ؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی ، ج1 ، م 277 ، (این مسأله در توضیح المسائل آیت الله سیستانی م 251 به صورت فتوا آمده و فرمودند: باید از سر یکی از انگشتان پا تا مفصل پا (آخرِ روی پا) را مسح کند)؛ توضیح المسائل امام خمینی ، م 252 ؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم ، م 272

² مؤلف.

³ مؤلف.

2. کیفیت:

آیت الله سیستانی: احتیاط مستحب آن است که فرد پای راست را با دست راست و پای چپ را با دست چپ مسح نماید و نیز احتیاط مستحب آن است که شروع مسح پا از سر انگشتان پا باشد و به مفصل ختم گردد، هر چند جایز است بر عکس مسح نماید.^{۱ ۲}

¹ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 278 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 251.

² سؤال: شایع است که مسح سر از پایین به بالا و مسح رجلین از بالا به پایین بی اشکال است، آیا صحیح است؟

امام خمینی: بسمه تعالی، در مسح هر یک از سر و پاها ابتدا و انتهای خاصی معتبر نیست، اگرچه احتیاط در مسح به نحو متعارف است.

(استفتائات امام خمینی، ج 1، ص 138، س 293)

سؤال: آیا مسح سر و پا را از پایین به بالا قبول دارید؟ (یا از بالا به پایین) (آیت الله مکارم)

جواب: در مسح سر هر دو صورت جایز است [البته چنانچه که از توضیح المسائل ایشان بیان شد، از بالا به پایین بهتر است]؛ ولی در مسح پا، از سر انگشتان به بالا باید کشید. (استفتائات جدید، ج 3، م 70)

سؤال: آیا بین پای چپ و راست ترتیب وجود دارد؟

امام خمینی، حضرت آقا: باید ابتدا پای راست و بعد پای چپ را مسح کند.

آیت الله مکارم: شرط هشتم، آن که «ترتیب» را در وضو رعایت کند، یعنی اول صورت، بعد دست راست و سپس دست چپ را بشوید، و بعد از آن مسح سر و سپس مسح پاها را انجام دهد؛ و بنا بر احتیاط [واجب]، پای چپ را پیش از پای راست مسح نکند.

آیت الله سیستانی: بنا بر احتیاط واجب، پای چپ را زودتر از پای راست مسح نکند و احتیاط مستحب آن است که اول پای راست و بعد از آن پای چپ را مسح کند، هر چند مسح هر دو پا به طور همزمان جایز است.

(توضیح المسائل امام خمینی، شرط نهم از شرایط صحّت وضو؛ حضرت آقا، آموزش مصوّر احکام عبادات، ص 121؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، شرط ششم از شرایط صحّت وضو، م 312؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 307، شرط هشتم)

سؤال: در توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 307 آمده است: "بنا بر احتیاط واجب، پای چپ را پیش از پای راست مس نکند".

آیا مسح هر دو پا باهم صحیح است؟

جواب: احتیاط واجب آن است اول پای راست و سپس پای چپ را مسح کند. (پرسش پیامکی از دفتر معظّم له)

سؤال: در توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 307 آمده است: "بنا بر احتیاط واجب، پای چپ را پیش از پای راست مس نکند".

آیا مسح هر دو پا باهم صحیح است؟ (آیت الله مکارم)

جواب: احتیاط واجب آن است اول پای راست و سپس پای چپ را مسح کند. (پرسش پیامکی از حرم مطهر)

سؤال: آیا همزمان کشیدن مسح پا از لحاظ شرعی ایراد دارد یا نه؟

آیت الله مکارم: احتیاط واجب آن است اول پای راست و سپس پای چپ را مسح کند. (وبگاه آیت الله مکارم، وضو)

سؤال: آیا شخصی که وضو می گیرد، مستحب است هنگام مسح قسمت پایین انگشتان پا یعنی جایی را که موقع راه رفتن با زمین تماس پیدا می کند، مسح نماید؟

حضرت آقا: محل مسح پا عبارت است روی پا از سر یکی از انگشتان تا مفصل ساق، و استحباب مسح پایین انگشتان پا ثابت نشده است.

آیت الله سیستانی: مسح مقداری از نوک انگشت پا که نزدیک ناخن است و عرفاً جزء روی پا (ظاهر قدم) محسوب می شود، واجب است و مسح مقداری از آن که عرفاً جزء روی پا شمرده نمی شود (باطن قدم)، لازم نیست و در صورت شک، بنابر احتیاط لازم مقدار مشکوک را مسح نماید.¹

سؤال: مدت زمانی مسح پاهایم را از سر انگشتان انجام نمی دادم، بلکه فقط روی پا و مقداری از انگشتان را مسح می کردم؛ آیا این مسح صحیح بوده است؟ و در صورت عدم صحت، نمازهایی را که خوانده ام باید قضا کنم؟

حضرت آقا: اگر مسح پا شامل سر انگشتان پا نباشد، وضو باطل و قضای نمازهای خوانده شده، واجب است. ولی اگر انسان شک داشته باشد که آیا هنگام مسح، از سر انگشتان پا مسح می کرده است یا نه؟ در صورتی که مسأله را می دانسته و احتمال می دهد که از سر انگشتان مسح کرده باشد وضو و نمازهای خوانده شده محکوم به صحت هستند.²

سؤال: اگر شخصی مسح پا را تا برآمدگی می کشیده، وظیفه اش چیست؟

حضرت آقا: نمازهای گذشته صحیح بوده و از این به بعد تا مفصل ادامه دهد.³

سؤال: آیا می توان پای راست را با دست چپ یا بالعکس مسح نمود؟

آیت الله مکارم: احتیاط واجب آن است که پای راست با دست راست و پای چپ با دست چپ مسح شود. (وبگاه آیت الله مکارم)

¹ حضرت آقا، أجوبة الاستفتاءات، س 111 و أيضاً رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس سیزدهم، ص 51؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 277.

² أجوبة الاستفتاءات، س 105 و أيضاً رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس سیزدهم، ص 51 و 52.

³ (استفتاء کتبی)، حکیم زاده، سید مرتضی، احکام قبل از منبر، ج 1، ص 41.

آیت الله سیستانی: فردی که می داند مسح پای خویش را در وضو تا بر آمدگی روی پا کشیده نه تا مفصل، احتیاط واجب آن است که نمازهای واجبی را که یقین یا اطمینان دارد با چنین وضویی به جا آورده، دوباره خوانده و اگر وقت گذشته، قضا نماید^۱؛ اما اگر احتمال معقول می دهد در وضویی که برای نمازهایش گرفته مسح پا را - هر چند به طور اتفاقی - به قصد وضو تا مفصل کشیده، آن نمازها صحیح می باشد و لازم نیست آنها را دوباره خوانده یا قضا نماید.^۲

سؤال: آیا مسح پا را می توان به صورت دفعی انجام داد؟

امام خمینی، آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم: مسح پا را می توان به دو طریق انجام داد:

تدریجی: از سر انگشتان تا مفصل را به ترتیب مسح کند.

دفعی: تمام دست را روی پا قرار داده و کمی بکشد.^۳

^۱ شایان ذکر است در این احتیاط - همانند بقیه موارد احتیاط واجب - می توان با رعایت الأعم فالأعلم به مجتهد جامع شرایط دیگری که کشیدن مسح پا را تا بر آمدگی پا کافی می داند، رجوع کرد و در این صورت، نمازهای گذشته فرد نیز صحیح محسوب می شود. (توضیح المسائل جامع، ج ۱، م ۲۷۷، پاورقی ۱)

توجه: البته؛ احتیاطاً از این به بعد تا مفصل بکشد. (مؤلف)

^۲ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج ۱، م ۲۷۷.

^۳ توضیح المسائل امام خمینی، م ۲۵۴ و أيضاً تحرير الوسيلة، ج ۱، ص ۲۵، القول في الواجبات، م ۱۹؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج ۱، م ۲۸۰ و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م ۲۵۳؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م ۲۷۳.

متن تحرير الوسيلة: "لا يجب في مسح القدمين وضع أصابع الكف - مثلاً - على أصابعهما وجزها إلى الحدّ، بل يجزي أن يضع تمام كفّه على تمام ظهر القدم، ثم يجرّها قليلاً بمقدار يصدق عليه المسح". (تحرير الوسيلة، ج ۱، ص ۲۵، القول في الواجبات، م ۱۹)

در مسح پاها واجب نیست انگشتان کف دست را روی انگشتان پا بگذارد و تا حد معین (برآمدگی روی پا یا مفصل) بکشد بلکه اگر تمام کف دست را بر تمام روی پا بگذارد سپس کمی - به مقداری که مسح صدق کند - بکشد، کفایت می کند. (ترجمه تحرير الوسيلة، ج ۱، ص ۳۹، مبحث واجبات وضو، م ۱۹)

نکته: آیت الله وحید، در خصوص این مسأله می فرماید: احتیاط واجب آن است که در مسح پا دست را بر سر انگشتها بگذارد و بعد به پشت پا بکشد، یا آن که دست را بر برآمدگی روی پا یا مفصل گذاشته و تا سر انگشتها بکشد، نه آن که تمام دست را روی پا بگذارد و کمی بکشد. (توضیح المسائل آیت الله وحید، م ۲۶۰)

سؤال: در صورتی که برای مسح، رطوبتی در دست نمانده باشد، وظیفه چیست؟

امام خمینی: اگر برای مسح، رطوبتی در کف دست نمانده باشد نمی تواند دست را با آب خارج، تر کند، بلکه باید از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد و با آن مسح نماید.¹

حضرت آقا: مسح سر و پاها باید با رطوبتی که از آب وضو در دست ها مانده، کشیده شود و اگر رطوبتی باقی نمانده باید از ریش یا ابرو رطوبت گرفته و مسح نماید.

آیت الله سیستانی: اگر برای مسح، رطوبت و تری در دست های وضو گیرنده نمانده باشد، به گونه ای که از آرنج تا سر انگشتان هر دو دست خشک شده باشد، نمی تواند دست را با آب خارج از اعضای وضو تر کند،

¹ فرمایش ایشان در تحریر الوسيلة: إذا جفت رطوبة الكف أخذ من سائر مواضع الوضوء من حاجبه أو لحيته أو غيرها ومسح بها، وإن لم يمكن الأخذ منها أعاد الوضوء، ولو لم تنفع الإعادة من جهة حرارة الهواء أو البدن - بحيث كلها توضع جفت ماء وضوءه - مسح بالماء الجديد، والأحوط الجمع بين المسح باليد اليابسة، ثم بالماء الجديد، ثم التيمم. (تحریر الوسيلة، ج 1، القول في واجبات الوضوء، ص 24، م 17)

اگر رطوبت کف دست خشک شود باید از سایر مواضع وضو مانند ابرو، محاسن و غیره رطوبت بگیرد و با آن مسح کند⁽¹⁾ و اگر گرفتن رطوبت از آن مواضع ممکن نباشد باید وضو را اعاده کند و اگر به خاطر گرمای هوا و یا حرارت بدن اعاده وضو مفید نباشد. به طوری که هر بار وضو بگیرد، آب وضو خشک می شود باید با آب جدید (آب غیر وضو) مسح کند. و احتیاط مستحب آن است که اول با همان دست خشک و سپس با آب جدید مسح کند و بعد هم تیمم نماید. (ترجمه تحریر الوسيلة، ج 1، واجبات وضو، ص 39، م 17)

(1) توجه: به این فرمایشات امام بزرگوار توجه فرمایید:

امام خمینی در مسأله 14 تحریر الوسيلة می فرماید: "يجب أن يكون المسح بباطن الكف الأيمن على الأحوط، وإن كان الأقوى جواز بظاهرة، ولا يتعين الأيمن على الأقوى، والجواز بالذراع لا يخلو من وجه، والأولى المسح بأصابع الأيمن. ويجب أن يكون المسح بها بقي في يده من نداوة الوضوء، فلا يجوز استئناف ماء جديد". (تحریر الوسيلة، ج 1، القول في الواجبات، م 14)

احتیاط مستحب آنست که مسح سر با کف دست راست باشد، اگر چه بنا بر اقوا با پشت دست راست نیز جایز است، بلکه مسح به خصوص با دست راست لازم نیست [و با دست چپ هم جایز است]. و مسح با ذراع نیز جایز است ولی بهتر است با انگشتان دست راست مسح کند و [در هر حال] باید با رطوبتی که از آب وضو در دست باقی مانده مسح کند و با آب جدید جایز نیست. (ترجمه تحریر الوسيلة، ج 1، م 14)

امام خمینی در مسأله 16 می فرماید: "الأحوط المسح بباطن الكف، وإن تعذر مسح بظاهرها، وإن تعذر مسح بذراعه، وإن كان الأقوى جواز بظاهرها بل بالذراع اختياراً". (تحریر الوسيلة، ج 1، القول في الواجبات، م 16)

احتیاط (مستحب) آن است که مسح با کف دست باشد و اگر نتوانست، آنگاه با پشت دست مسح نماید و اگر این هم ممکن نباشد با ذراع مسح کند، اگر چه اقوا این است که اختیاراً (و بدون عذر) نیز، می تواند با پشت دست بلکه با ذراع مسح کند. (ترجمه تحریر الوسيلة، ج 1، م 16)

با توجه به این دو مسأله، وقتی می توان از ابرو و محاسن و غیره رطوبت گرفت که رطوبت تمام دست، حتی دست چپ، کف، پشت آن و ذراع خشک شده باشد. (ترجمه تحریر الوسيلة، ج 1، پاورقیها، پاورقی 16)

نکته: بنده در متن عربی نسخه ای که ترجمه، همراه با متن عربی می باشد، دیدم به جای "إذا جفت رطوبة الكف" آمده بود "إذا جفت رطوبة اليد" که می تواند مؤید این حرف باشد که اگر تمام رطوبت دست خشک شد، آنوقت می تواند از اعضای دیگر وضو، رطوبت بگیرد. (ترجمه تحریر الوسيلة، ج 1، القول في الواجبات، ص

بلکه باید از ریش خود رطوبت بگیرد و با آن مسح نماید؛ و گرفتن رطوبت از سایر نقاط (غیر از ریش) مثل ابرو یا گونه‌ها، چه برای کسانی که ریش دارند و چه افرادی که ریش ندارند، بنابر احتیاط واجب کافی نیست. آیت الله مکارم: اگر رطوبت کف دست خشک شود می‌تواند از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد و با آن مسح کند، ولی از آب خارج جایز نیست.¹

¹ توضیح المسائل امام خمینی، م 257؛ حضرت آقا، أجوبة الاستفتائات، س 113 و أيضاً آموزش مصوّر احکام عبادات، ص 119 و أيضاً رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس سیزدهم، ص 52؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 283 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 256؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 276.

البته این مسأله در احکام قبل از منبر، ج 1، ص 42، سید مرتضی حکیم زاده، به این صورت بیان شده است:

سؤال: در صورتی که آب دست هنگام مسح خشک شود وظیفه چیست؟

الف. به صورت غیر طبیعی خشک شده مثلاً هنگام در آوردن جوراب خشک شده: باید دو مرتبه وضو بگیریم. (البته در جایی که مرجع تقلید فرد، مسح با اعضاء دیگر را اجازه ندهد و الا باید با اعضاء دیگر مسح نماید.)

ب. به صورت طبیعی خشک شده: مثلاً بواسطه گرما یا بیماری خشک شده در این صورت باید از قسمت های دیگری که مرجع اجازه داده رطوبت بگیریم:

آیات عظام امام، فاضل، صافی، مکارم: از سایر اعضاء، آب بگیرد.

آیات عظام سیستانی، وحید، خوئی، تبریزی: باید از لویه، آب بگیرد.

مقام معظم رهبری: از لویه (ریش) و یا از ابرو آب بگیرد.

منابعی که ذکر فرمودند از این قرار است: توضیح المسائل مراجع مسأله 258، توضیح المسائل آیت الله وحید مسأله 263، أجوبة الاستفتائات، سؤال 113.

اشکال:

بنده به توضیح المسائل مراجع و أجوبة الاستفتائات مراجعه کردم، لکن به این صورت، بیانی ندیدم.

آنچه که در توضیح المسائل سیزده مرجع آمده:

اگر برای مسح، رطوبتی در کف دست (1) نمانده باشد نمی‌تواند دست را با آب خارج، تر کند، بلکه باید از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد (2) و با آن مسح نماید (3). (1) (سیستانی): رطوبتی در دست... (2) (خوئی، تبریزی، زنجانی، سیستانی): باید (زنجانی: بنابر احتیاط) از ریش خود رطوبت بگیرد.. (3) (خوئی، سیستانی، زنجانی): و گرفتن رطوبت از غیر ریش و مسح نمودن با آن محل اشکال است.

(بهبخت) بنابر احتیاط باید اول از تری موی ریش و ابرو کمک بگیرد و اگر در آنها تری نبود از دست‌ها رطوبت می‌گیرد.

مسأله اختصاصی: (بهبخت): مسأله 258 هرگاه به سبب گرمی هوا یا جهات دیگر، هیچ رطوبتی در اعضاء برای مسح باقی نمی‌ماند، بنابر احتیاط واجب، هم با آب خارج مسح کند و هم بعد از وضو تیمم کند.

و آنچه که در أجوبة الاستفتائات آمده:

س 133: آیا برای مسح می‌توان از غیر آب وضو استفاده کرد؟ و همچنین آیا مسح سر حتماً باید با دست راست و از بالا به پایین باشد؟

سؤال: اگر رطوبت دست فقط به اندازه مسح سر باشد، تکلیف چیست؟

امام خمینی: می تواند سر را با همان رطوبت مسح کند، و برای مسح پاها از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد.

آیت الله سیستانی: احتیاط واجب آن است که سر را با همان رطوبت مسح کند، و برای مسح پاها از ریش خود رطوبت بگیرد.

ج. مسح سر و پاها باید با رطوبتی که از آب وضو در دست ها مانده، کشیده شود و اگر رطوبتی باقی نمانده باید از ریش یا ابرو رطوبت گرفته و مسح نماید و احتیاط (واجب) آن است که مسح سر با دست راست باشد، ولی کشیدن مسح از بالا به پایین لازم نیست.

و آنچه در توضیح المسائل آیت الله وحید آمده:

اگر برای مسح رطوبتی در کف دست نمانده باشد، نمی تواند دست را با آب خارج تر کند، بلکه باید از ریش خود که داخل در حد صورت است رطوبت بگیرد و با آن مسح نماید، و گرفتن رطوبت از غیر ریش و مسح نمودن با آن محل اشکال است. (توضیح المسائل آیت الله وحید، م 263)

همانطور که ملاحظه می کنید، در منابعی که استاد حکیم زاده ذکر فرمودند، هیچ صحبتی مبنی بر خشک شدن به صورت طبیعی و غیر طبیعی نشده است.

اما به این مسأله، در عروة، رجوعی داشته باشیم:

متن عروة: "لا إشكال في أنه يعتبر أن يكون المسح بنداوة الوضوء، فلا يجوز المسح بماء جديد، و الأحوط أن يكون بالنداوة الباقية في الكف، فلا يضع يده بعد تمامية الغسل على سائر أعضاء الوضوء، لئلا يمتزج ما في الكف بما فيها، لكن الأقوى جواز ذلك و كفاية كونه برطوبة الوضوء و إن كانت من سائر الأعضاء فلا يضر الامتزاج المزبور؛ هذا إذا كانت البللة باقية في اليد، و أما لو جفت⁽¹⁾ فيجوز الأخذ من سائر الأعضاء بلا إشكال، من غير ترتيب بينها على الأقوى و إن كان الأحوط تقديم اللحية و الحواجب على غيرهما من سائر الأعضاء؛ نعم، الأحوط عدم أخذها ممّا خرج من اللحية عن حدّ الوجه كالمسترسل منها، و لو كان في الكف ما يكفي الرأس فقط مسح به الرأس، ثم يأخذ للرجلين من سائرهما على الأحوط، و إلا فقد عرفت أن الأقوى جواز الأخذ مطلقاً". (عروة الوثقى، فصل في أفعال الوضوء، م 25)

(1) جَفَّ - جَفَفٌ و جَفَافاً الشَّىءُ: أن جيز خشك شد (جَفَّ الرَّجُلُ: أن مرد سكوت کرد و حرف نزد. (المعجم الوسيط)

بنده در این مسأله از عروة، مطلبی در خصوص خشک شدن به صورت غیرطبیعی مشاهده نمی کنم. البته در مسأله دیگری، مطلبی بیان شده است که اگر کف دست رطوبت نداشت و گرفتن رطوبت از سایر اعضا هم ممکن نبود، باید دوباره وضو بگیرد، که این مطلب هم دلالتی به تقسیمی که استاد حکیم زاده ذکر فرمودند، نمی کند.

متن عروة: "إذا لم يمكن المسح بباطن الكف، يجزي المسح بظاهرها؛ و إن لم يكن عليه رطوبة، نقلها من سائر المواضع إليه ثم يمسح به، و إن تعذر بالظاهر أيضاً مسح بذراعه، و مع عدم رطوبته يأخذ من سائر المواضع، و إن كان عدم التمكن من المسح بالباطن من جهة عدم الرطوبة و عدم إمكان الأخذ من سائر المواضع أعاد الوضوء؛ و كذا بالنسبة إلى ظاهر الكف، فإنه إذا كان عدم التمكن من المسح به عدم الرطوبة و عدم إمكان أخذها من سائر المواضع لا ينتقل إلى الذراع، بل عليه أن يعيد". (عروة الوثقى، فصل في أفعال الوضوء، م 28)

با همه آنچه که بیان کردیم، احتمال دارد ایشان به مطلبی از این مسائل آگاه شدند که دلالت بر تقسیم ایشان از خشک شدن دست می کند، که بنده بر آن آگاه نشدم و یا از منبعی و یا مسأله ای غیر از آنچه که بیان کردیم، چنین تقسیمی را مرقوم فرمودند. (مؤلف)

آیت الله مکارم: سر را با همان رطوبت مسح کند، و برای مسح پاها از اعضای دیگر، رطوبت بگیرد.¹

سؤال: آیا مسح پا از روی جوراب، صحیح است؟

امام خمینی: مسح کردن از روی جوراب و کفش باطل است، ولی اگر به علت سرمای شدید یا ترس از دزد و درنده و مانند این ها نتواند کفش یا جوراب را بیرون آورد، مسح کردن بر آنها اشکال ندارد، و اگر روی کفش نجس باشد باید چیز پاکی بر آن بیندازد و بر آن چیز مسح کند.

آیت الله مکارم: مسح باید روی پوست پا باشد و مسح کردن روی جوراب و کفش فایده ندارد، مگر در حال تقیه، و اگر به واسطه سرمای شدید یا ترس از دزد و درنده و مانند آن نتواند کفش یا جوراب را بیرون آورد، کافی است روی آنها مسح کند؛ و اگر روی کفش نجس است، باید چیز پاکی بر آن بیندازد و بر آن چیز مسح کند.

آیت الله سیستانی: مسح کردن از روی جوراب و کفش باطل است، ولی اگر به علت سرمای شدید یا ترس از دزد و درنده و مانند این ها نتواند کفش یا جوراب را بیرون آورد، احتیاط واجب آن است که مسح بر جوراب و کفش نموده و تیمم نیز بنماید، و اگر تقیه خوفیه در بین باشد مسح بر جوراب و کفش کفایت می کند.²

نکته: حتی اگر آن جوراب، بسیار نازک باشد، مسح بر آن صحیح نمی باشد.³

¹ توضیح المسائل امام خمینی ، م 258 ؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی ، ج 1 ، م 284 و أيضاً توضیح المسائل ایشان ، م 257 ؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم ، م 276 .

² توضیح المسائل امام خمینی ، م 259 و أيضاً تحریر الوسيلة ، ج 1 ، القول فی الواجبات ، ص 25 ، م 20 ؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم ، م 277 ؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی ، ج 1 ، م 285 و أيضاً توضیح المسائل ایشان ، م 258 .

متن تحریر الوسيلة: "يجوز المسح على القناع و الخفّ و الجورب وغيرها عند الضرورة؛ من تقية أو برد أو سح أو عدو ونحو ذلك؛ مما يخاف بسببه من رفع الحائل. ويعتبر في المسح على الحائل كل ما اعتبر في مسح البشرة؛ من كونه بالكفّ، وبنداوة الوضوء، وغير ذلك". (تحریر الوسيلة ، ج 1 ، القول فی الواجبات ، ص 25 ، م 20)

در وقت ضرورت - مانند تقیه ، سرما ، درنده ، دشمن ، و آنچه که به سبب آن برداشتن مانع (که روی سر و پاها را گرفته است) می ترسد - مسح بر مقنعه ، کفش ، جوراب و مانند آنها جایز است ، البته آنچه که در مسح بشره معتبر بوده مانند آنکه مسح با کف دست و با رطوبت وضو و غیر اینها باشد ، در مسح بر روی مانع هم معتبر است. (ترجمه تحریر الوسيلة ، ج 1 ، مبحث واجبات وضو ، ص 39 ، م 20)

³ متن عروة: "إذا كان على الماسح حاجب و لو وصلة⁽¹⁾ رقيقة، لا بدّ من رفعه و لو لم يكن مانعاً من تأثير رطوبته في الممسوح".

سؤال: تفاوت اعضای شستن با اعضای مسح را بیان نمایید.

1. خشک بودن اعضای شستن لازم نیست ولی جای مسح باید خشک باشد و اگر به قدری تر باشد که رطوبت کف دست به آن اثر نکند مسح باطل است. ولی اگر تری آن به قدری کم باشد که رطوبتی که بعد از مسح در آن دیده می شود بگویند فقط از تری کف دست است اشکال ندارد و به عبارت دیگری تری آن به قدری کم باشد که در طوبت دست مستهلک شود.¹

2. در اعضای مسح باید دست (ماسح) را بر روی اعضاء (ممسوح) بکشد، و اگر دست را نگهدارد و سر یا پا را به آن بکشد وضو باطل است (آیت الله مکارم، بنابر احتیاط واجب باطل است)، ولی اگر موقعی که دست را می کشد سر یا پا را مختصری حرکت کند اشکال ندارد، اما در اعضای شستن لازم نیست اعضاء (مغسول) ثابت باشند و دست (غاسل) بر آنها کشیده شود، بلکه اگر عکس این باشد یعنی دست (غاسل) را ثابت نگهدارد و اعضاء (مغسول) را بر آن بکشد، اشکال ندارد.²

(عروة الوثقی با حاشیه امام خمینی، فصل فی افعال الوضوء، م 27؛ عروة الوثقی با حاشیه آیت الله مکارم و تعدادی از فقهاء عظام، فصل فی افعال الوضوء، م 27؛ عروة الوثقی با حاشیه آیت الله سیستانی، فصل فی افعال الوضوء، م 27)

(1) (الوُصلة): اتصال، پیوستگی. گویند: (بَيْنَهُمَا وُصْلَةٌ): میان آن دو پیوند و اتصال وجود دارد. وصله، پینه، آنچه به چیزی متصل شود. ... ج وُصِّلَ. (المعجم الوسيط)

الوُصلةُ

- اتصال (فرهنگ ابجدی)

- چسبیدن (فرهنگ ابجدی)

- آنچه میان دو چیز را وصل کند (فرهنگ ابجدی)

- دوستی (فرهنگ ابجدی)

- سرزمین دور. (فرهنگ ابجدی)

وُصْلَةٌ

- كُلُّ شَيْءٍ اِتَّصَلَ بِشَيْءٍ فَمَا بَيْنَهُمَا: وُصْلَةٌ (المحيط في اللغة)

وُصْلَةٌ

- اتّصال: «بَيْنَهُمَا وُصْلَةٌ» (المنجد في اللغة العربية المعاصرة)

- ما يَصِلُ بَيْنَ شَيْئَيْنِ: «وُصْلَةٌ اَنْبَوِيَّيْنِ» (المنجد في اللغة العربية المعاصرة)

¹ توضیح المسائل امام خمینی، م 256؛ حضرت آقا، آموزش مصوّر احکام عبادات، ص 119 و أيضاً رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس سیزدهم، ص 52؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 282 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 255؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 275.

² توضیح المسائل امام خمینی، م 255؛ رساله آموزشی حضرت آقا، ج 1 (احکام عبادات)، درس سیزدهم، ص 52؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 281؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 274.

وضوی ارتماسی

سؤال: تعریف و کیفیت انجام وضوی ارتماسی را بیان نمایید ؟

تعریف:

امام خمینی، حضرت آقا، آیت الله مکارم: انسان می تواند صورت و دست ها را به قصد وضو در آب فرو برد، یا بعد از فرو بردن در آب به قصد وضو از آب بیرون آورد و آن را «وضوی ارتماسی» می گویند.¹

آیت الله سیستانی: وضوی ارتماسی آن است که انسان صورت و دست ها را به قصد وضو در آب فرو برد. و اگر صورت و دست ها داخل آب باشند و انسان بخواهد به قصد وضوی ارتماسی آنها را از آب خارج کند، وضوی او بنابر احتیاط واجب صحیح نیست.²

کیفیت وضوی ارتماسی :

صورت و دست ها در وضوی ارتماسی (مانند وضوی ترتیبی) باید از بالا به پائین شسته شود؛

آیت الله سیستانی: بنابراین، باید به قصد وضو، صورت را از طرف پیشانی و دست ها را از طرف آرنج در آب فرو برد. [البته؛ شستن صورت از بالا به پایین، بنابر احتیاط واجب است].³

امام خمینی، حضرت آقا، آیت الله مکارم:

روش دوم

روش اول

اگر هنگام بیرون آوردن صورت و دست ها از آب، نیت وضو کند باید صورت را از طرف

اگر در حالی که صورت و دست ها را در آب فرو می برد؛ قصد وضو کند،

¹ توضیح المسائل امام خمینی ، م 261 و 262 ؛ حضرت آقا ، آموزش مصور احکام عبادات ، ص 109 و أيضاً رسالة آموزشی ، ج 1 (احکام عبادات) ، درس شانزدهم ، ص 60 ؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم ، م 279 ؛

² توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی ، ج 1 ، م 287 و أيضاً توضیح المسائل ایشان ، م 260.

³ همانطور که گفته شد ، طبق نظر آیت الله سیستانی ، وضوی ارتماسی آن است که انسان صورت و دست ها را به قصد وضو در آب فرو برد. و اگر صورت و دست ها داخل آب باشند و انسان بخواهد به قصد وضوی ارتماسی آنها را از آب خارج کند ، وضوی او بنابر احتیاط واجب صحیح نیست.

باید صورت را از طرف پیشانی و پیشانی و دست ها را از طرف آرنج بیرون آورد.¹
دست ها را از طرف آرنج بیرون آورد .

نکته 1: مسح با تری دستی که شسته شده:

امام خمینی: لیکن برای اینکه مسح سر و پاها با آب وضو باشد، بایستی در شستن ارتماسی دست ها، قصد شستن وضویی، هنگام بیرون آوردن دست ها از آب باشد، و یا این که مقداری از دست چپ را باقی گذارد، تا آن را با دست راست، ترتیبی بشوید.

حضرت آقا: ولی در وضوی ارتماسی در مورد دستها باید قصد شستن وضویی آنها هنگام خارج کردن آنها از آب باشد، تا بتوان از این طریق مسح را با آب وضو انجام داد.

آیت الله سیستانی: ظاهر آن است که مسح با تری دستی که شسته شده اشکال ندارد هر چند خلاف احتیاط است.

آیت الله مکارم: در وضوی ارتماسی برای این که مسح سر و پاها با آب خارج نباشد، باید هنگامی که دست راست و چپ را وضوی ارتماسی می دهد قصد کند که بعد از خارج شدن از آب تا وقتی که آب روی دست ها جریان دارد جزء وضو است، در غیر این صورت مسح سر و پاها اشکال دارد.²

¹ توضیح المسائل امام خمینی ، م 262 ؛ حضرت آقا ، آموزش مصور احکام عبادات ، ص 110 و أيضاً رسالة آموزشی ، ج 1 (احکام عبادات) ، درس شانزدهم ، ص 60 ؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی ، ج 1 ، م 288 و أيضاً توضیح المسائل ایشان ، م 261 ؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم ، م 280 .

² توضیح المسائل امام خمینی ، م 261 و أيضاً تحرير الوسيلة ، ج 1 ، ص 22 ، القول فی الواجبات ، م 9 ؛ حضرت آقا ، رسالة آموزشی ، ج 1 (احکام عبادات) ، درس شانزدهم ، ص 60 و أيضاً أجوبة الاستفتاءات ، س 103 ؛ توضیح المسائل آیت الله سیستانی ، م 260 ؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم ، م 281 .

متن تحرير الوسيلة: "يصح الوضوء بالارتماس مع مراعاة الأعلى فالأعلى، لكن في اليد اليسرى لا بد من أن يقصد الغسل حال الإخراج؛ حتى لا يلزم المسح بهاء جديد، بل وكذا في اليمنى، إلا أن يبقى شيئاً من اليسرى ليغسله باليمنى؛ حتى يكون ما يبقى عليها من ماء الوضوء". (تحرير الوسيلة ، ج 1 ، ص 22 ، القول فی الواجبات ، م 9)

وضو گرفتن به طریق فرو بردن (دست و صورت) در آب [وضوی ارتماسی] با مراعات شستن از بالا به پایین صحیح است و در شستن دست چپ باید موقع بیرون آوردن دست از آب نیت شستن (برای وضو) بکند تا مسح با آب جدید (که آب وضو نیست) نباشد ، بلکه در شستن دست راست نیز باید به همین ترتیب عمل کند ، مگر اینکه قسمتی از دست چپ را بگذارد که آن را با دست راست بشوید تا آبی که در دست راست می ماند از آب وضو باشد. (ترجمه تحرير الوسيلة ، ج 1 ، ص 35 ، مبحث واجبات وضو ، م 9)

نکته 2: اگر وضوی بعضی از اعضاء را ارتماسی و بعضی را غیر ارتماسی انجام دهد اشکالی ندارد. (آیت الله مکارم: و بهتر است وضوی دست چپ را همیشه غیر ارتماسی بگیرد تا برای مسح سر و پاها مشکلی پیش نیاید.)¹

شرایط صحّت وضو

سؤال: شرایط صحّت وضو را بیان نمایید؟

صحیح بودن وضو مشروط به سیزده شرط می باشد که به صورت خلاصه عبارتند از :

- 1 - سه شرط مربوط به آب است که باید پاک، مُباح² و مطلق باشد.
- 2 - دو شرط مربوط به ظرف است که باید غصبی و از طلا و نقره نباشد.
- 3 - سه شرط مربوط به اعضای وضو است که باید پاک باشد، مانعی در آنها نباشد و آب برای آنها ضرر نداشته باشد.
- 4 - سه شرط به رمز «قوت» است:
«ق»: باید قصد قربت داشته باشد؛
«و»: وقت داشته باشد؛
«ت»: تنها خودش وضو بگیرد و کسی او را وضو ندهد یا کمک نکند، مگر درباره معلول و جانباز که توضیحش بعداً خواهد آمد.
- 5 - دو شرط دیگر یکی ترتیب و دیگری موالات است.³

¹ توضیح المسائل امام خمینی ، م 263 ؛ توضیح المسائل آیت الله سیستانی ، م 262 و أيضاً توضیح المسائل جامع ، ج 1 ، م 289 ؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم ، م 282 .

² "مباح" یعنی غصبی نباشد .

³ دیّانی ، عبدالمجید ، رساله آموزشی ، ص 46 و 47 .

سؤال: حکم وضو با آب های زیر چیست؟

الف) کسی که در تنظیم کنتور (شمارشگر) آب تقلّب کند یا بدون اجازه سازمان آب از لوله، آب بردارد یا قصد داشته باشد پول آب را ندهد؛

ب) وضو با آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است یا نه؛

ج) وضو گرفتن از حوض مدرسه ای که انسان نمی داند آن حوض را برای همه مردم وقف کرده اند یا برای محصلین همان مدرسه؛

د) کسی که نمی خواهد در مسجدی نماز بخواند اگر نداند حوض آن را برای همه مردم وقف کرده اند یا برای کسانی که در آنجا نماز می خوانند؛

ر) وضو گرفتن از حوض تیمچه ها و مسافرخانه ها و مانند این ها برای کسانی که ساکن آن جاها نیستند؛

ز) وضو گرفتن در مدرسه ای که محصل آن مدرسه نیست، ولی میهمان محصلین است؛

س) وضو گرفتن از نهرهای بزرگ و کوچک در صورتیکه نداند صاحب آنها راضی است؛

جواب "الف": وضو و غسل با این آب، باطل است.¹

جواب "ب": امام خمینی، آیت الله سیستانی: حرام و باطل است؛ ولی اگر قبلاً صاحبش راضی بوده و انسان نمی داند از رضایتش برگشته یا نه، وضو با آن صحیح می باشد.

آیت الله مکارم: وضو با آب غصبی یا آبی که معلوم نیست صاحبش راضی باشد، اشکال دارد [و] اگر صاحب آب قبلاً اجازه داده و انسان نمی داند از اجازه اش برگشته یا نه، وضوی او صحیح است.²

¹ دینانی، عبدالمجید، رساله آموزشی، ص 26؛ حکیم زاده، سید مرتضی، احکام قبل از منبر، ج 1، ص 44.

² توضیح المسائل امام خمینی، م 267؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 293؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 286 و 287.

جواب "ج": امام خمینی، آیت الله سیستانی: در صورتی که معمولاً مردم از آب آن وضو می گیرند و کسی منع نمی کند، اشکال ندارد.

آیت الله مکارم: وضو گرفتن از آب مدارس علوم دینی که نمی داند آب آن را برای همه مردم وقف کرده اند یا فقط برای طلاب همان مدرسه، اشکال دارد، مگر در صورتی که معمولاً مردم متدین از آب آنجا وضو بگیرند به طوری که نشانه عمومی بودن وقف باشد.¹

جواب "د": نمی تواند از حوض آن مسجد وضو بگیرد، ولی اگر معمولاً کسانی هم که نمی خواهند در آنجا نماز بخوانند از حوض آن وضو می گیرند و کسی منع نمی کند، می تواند از آن، وضو بگیرد.

آیت الله مکارم: نمی تواند از حوض آن مسجد وضو بگیرد، مگر اینکه از عمل افراد متدین بفهمد که وقف آن، عام است.²

جواب "ر": امام خمینی، آیت الله سیستانی: در صورتی صحیح است که معمولاً کسانی هم که ساکن آن جاها نیستند، از آنها وضو می گیرند و کسی منع نمی کند.

آیت الله مکارم: نمی تواند از آن آب وضو بگیرد، مگر اینکه از عمل افراد متدین بفهمد که وقف آن، عام است.³

جواب "ز": آیت الله سیستانی و آیت الله مکارم: وضو گرفتن او در آن مدرسه اشکال ندارد، به شرط اینکه پذیرفتن چنان مهمانی بر خلاف شرایط وقف نباشد. این حکم، در مورد کسی که مهمان مسافران مسافرخانه یا هتل و مانند آن است نیز جاری می باشد.⁴

¹ توضیح المسائل امام خمینی، م 268؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 288؛ توضیح المسائل آیت الله سیستانی، م 267.

این مسأله در توضیح المسائل جامع ایشان، به این نحو آمده است: جایز نیست، مگر در صورتی که معمولاً مردم متدین از آب آنجا وضو می گیرند و کسی هم آنان را منع نمی کند. (توضیح المسائل جامع، ج 1، م 295)

² توضیح المسائل امام خمینی، م 269؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 296 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 268؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 289.

³ توضیح المسائل امام خمینی، م 270؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 297 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 269؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 289.

⁴ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 298؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 290.

جواب "س":

امام خمینی: وضو گرفتن در نه‌های بزرگ اگر چه انسان نداند که صاحب آنها راضی است، اشکال ندارد ولی اگر صاحب آنها از وضو گرفتن نهی کند احتیاط واجب آن است که با آب آنها وضو نگیرند.

آیت الله مکارم: وضو گرفتن از نه‌های بزرگ و کوچک جایز است، هر چند انسان نداند صاحبان آنها راضی هستند؛ اما اگر صاحب آنها از وضو گرفتن صریحاً نهی کند احتیاط واجب ترک است؛ و اگر مجرای نهر را بدون اجازه صاحبش تغییر داده اند، احتیاط آن است که از آن وضو نگیرند.

آیت الله سیستانی: وضو گرفتن بدون اجازه مالک، از نه‌های کوچک یا بزرگ که بنای عقلا بر جواز تصرف و استفاده از آنهاست، اشکال ندارد، هر چند انسان نداند صاحب آنها راضی است یا نه؛ بلکه اگر صاحب آنها از وضو گرفتن نهی کند یا اینکه انسان بداند مالک راضی نیست یا اینکه مالک، صغیر یا دیوانه باشد، باز هم تصرف در آن جایز است.¹

سؤال: آیا نصب و استفاده از پمپ فشار، و وضو و غسل با آبی که به وسیله پمپ به دست می آید اشکال دارد؟

حضرت آقا: هرگاه سازمان آب، نصب پمپ فشار و استفاده از آن را ممنوع کند، نصب پمپ و استفاده از آن جایز نیست و وضو و غسل با آبی که به وسیله پمپ به دست می آید محل اشکال است، حتی برای ساکنان طبقات بالای ساختمان ها که به دلیل ضعیف بودن فشار آب مجبورند از پمپ استفاده کنند.²

توجه: اگر به خاطر تأمین آب مصرفی، مخزنی را در ساختمان قرار دهیم و کمبود آب را از آنجا جبران کنیم، راه حل خوبی است.

مسأله از آیت الله سیستانی: اگر آبی برای استفاده در جهت خاصی اجازه داده شود، استفاده از آن در غیر آن جهت جایز نیست؛ مثلاً وضو گرفتن از آب سردکن که فقط برای آشامیدن قرار داده شده، جایز نیست و حکم وضو گرفتن با آب غصبی را دارد. (توضیح المسائل جامع، ج 1، م 299)

¹ توضیح المسائل امام خمینی، م 271؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 291، توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 300 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 270.

² حضرت آقا، رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس چهاردهم، ص 55 و أيضاً أجوبة الاستفتاءات، س 109.

سؤال: بعضی از افرادی که در مجتمع های مسکونی زندگی می کنند، از پرداخت هزینه خدماتی که از آنها استفاده می کنند از قبیل هزینه آب سرد و گرم، تهویه، نگهبانی و مانند اینها، خودداری می کنند. آیا وضو و غسل این افراد که بار مالی این خدمات را بدون رضایت همسایگان به دوش آنان می اندازند، از نظر شرعی باطل است؟

حضرت آقا: هر یک از مشترکین ساختمانهای مسکونی و غیر مسکونی، از نظر شرعی به مقداری که از امکانات مشترک استفاده می کند، نسبت به هزینه خدمات (از قبیل هزینه ی آب سرد و گرم، تهویه، نگهبان و مانند آن) مدیون است، و اگر از پرداخت پول آب امتناع کند وضوی او محل اشکال بلکه باطل است.¹

اعضای وضو پاک باشند

سؤال: بعد از شستن دست راست در وضو، زخمی که در آن بود خونی شد، تکلیف وضویم چیست؟

اگر پیش از تمام شدن وضو، جایی را که شسته یا مسح کرده نجس شود، وضو صحیح است. (البته پاک بودن از نجاست برای نماز واجب است).²

نکته: آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم: اگر غیر از اعضای وضو جایی از بدن نجس باشد، وضو صحیح است. ولی اگر مخرج را از بول یا غائط تطهیر نکرده باشد، احتیاط مستحب آن است که اول آن را تطهیر کند و بعد وضو بگیرد.

امام خمینی: اگر غیر از اعضای وضو جایی از بدن نجس باشد، وضو صحیح است. ولی اگر مخرج را از بول یا غائط تطهیر نکرده باشد اولی آن است که اول آن را تطهیر کند بعد وضو بگیرد.³

¹ حضرت آقا، رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس چهاردهم، ص 55 و أيضاً أجوبة الاستفتاءات، ص 129.

² توضیح المسائل امام خمینی، م 276؛ حضرت آقا، آموزش مصور احکام عبادات، ص 126 و أيضاً رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس پانزدهم، ص 57 و أيضاً أجوبة الاستفتاءات، ص 132؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 306 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 275؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 298 و أيضاً استفتاءات جدید، ج 3، ص 92.

³ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 307 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 276؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 299؛ توضیح المسائل امام خمینی، م 277.

سؤال: اگر یکی از اعضای وضو نجس باشد و بعد از وضو شک کند که پیش از وضو آنجا را آب کشیده یا نه، تکلیف چیست؟

امام خمینی: اگر یکی از اعضای وضو نجس باشد و بعد از وضو شک کند که پیش از وضو آنجا را آب کشیده یا نه، چنانچه در موقع وضو ملتفت (متوجه) پاک بودن و نجس بودن آنجا نبوده وضو باطل است، و اگر می داند ملتفت بوده، یا شک دارد که ملتفت بوده یا نه، وضو صحیح است. و در هر صورت جایی را که نجس بوده باید آب بکشد.

حضرت آقا: اگر بعد از وضو شک کند آیا موضعی را که از قبل نجس بوده تطهیر کرده و سپس وضو گرفته یا نه، چنانچه در هنگام وضو توجه به پاکی و نجسی آنجا نداشته است وضو باطل است، ولی اگر می داند یا احتمال می دهد که به پاکی و نجسی آن توجه داشته وضو درست است، ولی در هر صورت باید آن موضع را آب بکشد^۱.

آیت الله سیستانی: اگر یکی از اعضای وضوی فرد، نجس باشد و بعد از وضو شک کند که قبل از وضو آنجا را آب کشیده یا نه، وضوی او صحیح است؛ ولی جایی را که نجس بوده، برای کارهای بعدی که لازم است با طهارت باشد، باید آب بکشد؛ مگر آنکه بداند در صورتی هم که قبل از وضو آن عضو را آب نکشیده باشد با شستن وضویی، خود به خود آن عضو آب کشیده شده است.

آیت الله مکارم: هرگاه یکی از اعضای وضو قبلاً نجس بوده و بعد از وضو شک کند که آن را پیش از وضو آب کشیده یا نه، وضوی او صحیح است، ولی باید برای نماز آن را آب بکشد و اگر چیزی با آن ملاقات کرده تطهیر کند.^۲

سؤال: وضو گرفتن در هنگامیکه در صورت یا دست ها بریدگی یا زخمی باشد که خون آن بند نمی آید و آب برای آن ضرر ندارد، چگونه است؟

^۱ البتّه برای نماز. (مؤلف)

^۲ توضیح المسائل امام خمینی، م 278؛ حضرت آقا، رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس پانزدهم، ص 57؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 308 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 277؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 300.

امام خمینی: اگر در صورت یا دست‌ها بریدگی یا زخمی است که خون آن بند نمی‌آید و آب برای آن ضرر ندارد، باید در آب کر یا جاری فرو برد و قدری فشار دهد که خون بند بیاید، بعد به دستوری که گفته شد وضوی ارتماسی بگیرد.

آیت‌الله مکارم: هرگاه در صورت یا دست‌ها بریدگی وجود دارد که خون آن بند نمی‌آید و آب برای آن ضرر ندارد، باید در آب کر یا جاری فرو برد، یا زیر شیر آب بگیرد و قدری فشار دهد که خون بند بیاید و بعد به دستوری که قبلاً گفته شد وضوی ارتماسی بگیرد، اما اگر آب ضرر دارد باید به دستور وضوی جبیره ای که بعداً می‌آید، عمل کند.^۱

آیت‌الله سیستانی: اگر در صورت یا دست‌ها بریدگی یا زخمی است که خون آن بند نمی‌آید و آب برای آن ضرر ندارد، باید بعد از شستن اجزای سالم عضو، با رعایت ترتیب و به نیت وضو، موضع زخم یا بریدگی را در آب کر یا جاری فرو برد یا زیر شیر آب کر بگیرد و قدری فشار دهد که خون بند بیاید و انگشت خود را روی زخم یا بریدگی در زیر آب از بالا به پایین بکشد تا آب بر آن جاری شود، سپس قسمت‌های پایین‌تر از آن را بشوید و با انجام این روش، وضوی صحیح صورت گرفته است.^۲

سؤال: اگر روی پا نجس باشد و نتواند برای مسح، آن را آب بکشد، تکلیف چیست؟

امام خمینی، حضرت آقا، آیت‌الله سیستانی: اگر روی پا نجس باشد و نتواند برای مسح، آن را آب بکشد باید تیمّم نماید.

آیت‌الله مکارم: اگر روی پا نجس باشد و نتواند آن را آب بکشد بنا بر احتیاط واجب باید چیز پاک‌تری روی آن بیندازد و بر آن مسح کند و بعد تیمّم نماید.^۳

^۱ احکام وضوی جبیره ای، در این جزوه بیان نشده است. (مؤلف)

^۲ توضیح المسائل امام خمینی، م 279؛ توضیح المسائل آیت‌الله مکارم، م 301؛ توضیح المسائل جامع آیت‌الله سیستانی، ج 1، م 309 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 278.

^۳ توضیح المسائل امام خمینی، م 260؛ حضرت آقا، آموزش مصوّر احکام عبادات، ص 120 و أيضاً رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس سیزدهم، ص 52؛ توضیح المسائل آیت‌الله سیستانی، م 259 و أيضاً توضیح المسائل جامع ایشان، ج 1، م 286؛ توضیح المسائل آیت‌الله مکارم، م 278.

توجه: البته، تیمّم در صورتی می‌باشد که تمام روی پا نجس باشد و کمترین مقداری برای مسح باقی نمانده باشد. (مؤلف)

سؤال: در حال وضو یا غیر آن موی سر یا صورت کنده می شود آیا پیاز مو پاک است یا نجس؟

حضرت آقا، آیت الله سیستانی: پاک است.

آیت الله مکارم: پاک است مگر اینکه چیزی از پوست یا گوشت همراه آن باشد.^۱

استعمال آب برای وضو گیرنده ضرر نداشته باشد

سؤال: این جانب مبتلا به سینوزیت هستم و استعمال آب برایم ضرر دارد، البتّه یک بار هم عمل جراحی کردم ولی مؤثر واقع نشد که هیچ، بلکه مضرّ هم واقع شده است. هر وقت که برای وضو آب استعمال می کنم سر دردم بیشتر می شود و گاه خون از مجرای بینی ام ترشح می کند و فعلاً هم با تیمّم نمازهایم را اداء می کنم، با توجّه به مطالب بالا آیا باید تیمّم کنم و یا وضو بگیرم (ضمناً بعضی معتقدند وضو با آب گرم ضرری ندارد)؟

آیت الله مکارم: اگر وضو با آب گرم ضرری ندارد تهیّه آن ممکن است باید وضو بگیرید، در غیر این صورت تیمّم کنید هر چند مدّت طول بکشد جای نگرانی نیست.^۲

سؤال: چشم هایم در جبهه آسیب دیده است. لذا وضو گرفتن همواره برای من مشکل ایجاد می کند، اما من هیچ گاه توجّه نمی کنم و این سختی را تحمل کرده و وضو می گیرم؛ هر چند گاهی باعث می شود که ترشح چشمانم زیاد تر شود. آیا وضوی من اشکالی دارد؟ آیا نمازهایی که با آن خوانده ام دچار مشکل است؟

آیت الله مکارم: در صورتی که رساندن آب به آن ضرر داشته باشد، تیمّم کنید.^۳

^۱ حکیم زاده، سید مرتضی، احکام قبل از منبر، جلد اول، ص 43.

^۲ استفتائات جدید، ج 1، ص 67.

^۳ استفتائات جدید، ج 3، 108.

قصد قربت داشته باشد

سؤال: آیا اگر خانمی، در مکانی وضو بگیرد که نامحرم او را می بیند، وضویش صحیح است؟

حضرت آقا، آیت الله مکارم: هر گاه زن در جایی وضو بگیرد که نامحرم او را می بیند یعنی مواضعی که زن باید از او بپوشاند را می بیند، وضوی او باطل نیست، هر چند گناه کرده است.¹

تنها خودش وضو بگیرد

سؤال: آیا کمک گرفتن در مقدمات وضو مانند ریختن آب، مبطل وضو می باشد؟

کمک گرفتن برای انجام مقدمات وضو مانند آب آوردن، گرم کردن آب و ریختن آب در کف دست وضو گیرنده اشکال ندارد، هر چند مورد آخر، مکروه است.²

در اعضای وضو مانع نباشد

سؤال: آیا موارد زیر در اعضای وضو، مانع محسوب می شود؟

الف. چرک زیر ناخن:

آیت الله سیستانی: اگر زیر ناخن فرد، چرکی باشد که مانع از رسیدن آب به بدن است، چنانچه ناخن کوتاه باشد، وضو اشکال ندارد؛ ولی اگر ناخن بلند باشد، باید چرک زیر آن مقدار از ناخن را که بلند تر از معمول است و جزء ظاهر شمرده می شود، برطرف نماید؛ اما اگر ناخن را بگیرد و چرک در ظاهر انگشت باشد، باید برای وضو آن چرک را برطرف کند.

¹ حضرت آقا، آموزش مصور احکام عبادات، ص 125؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 306.

نکته: البته اگر وضویش برای امری غیر از قربت الی الله باشد، باطل است. (مؤلف)

² آموزش مصور احکام عبادات، حضرت آقا، ص 122؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، م 320؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 310 و أيضاً استفتائات جدید، ج 1، ص 65.

امام خمینی: اگر زیر ناخن چرک باشد، وضو اشکال ندارد، ولی اگر ناخن را بگیرند باید برای وضو آن چرک را برطرف کنند، و نیز اگر ناخن بیشتر از معمول بلند باشد، باید چرک زیر مقداری را که از معمول بلندتر است برطرف نمایند.

حضرت آقا: اگر زیر ناخن چرک باشد، وضو اشکال ندارد، ولی اگر ناخن را بگیرند باید برای وضو آن چرک را برطرف کنند، و نیز اگر ناخن بیشتر از معمول بلند باشد، باید چرک زیر مقداری را که از معمول بلندتر است (چنانچه آن چرک، مانع از رسیدن آب وضو به ناخن است) برطرف نمایند.¹

آیت الله مکارم: اگر زیر ناخن کمی چرک باشد، وضو اشکال ندارد؛ ولی بهتر است آن را تمیز کند. اما اگر ناخن را بگیرد باید آن چرک را که مانع از رسیدن آب به بدن است برطرف کند؛ و نیز اگر ناخن بیش از حد معمول بلند باشد و چرک زیر آن، مانع رسیدن آب وضو است، باید برطرف سازد.²

ب. رنگ روی ناخن:

حضرت آقا: در صورتی که رنگ دارای جرم باشد، مانع از رسیدن آب به ناخن می شود و وضو باطل است.³

¹ به نظر بنده، نظر امام خمینی و حضرت آقا، با نظر آیت الله سیستانی یکی می باشد. یعنی عبارت: "اگر زیر ناخن چرک باشد، اشکال ندارد"، با عبارت: "اگر زیر ناخن فرد، چرکی باشد که مانع از رسیدن آب به بدن است، چنانچه ناخن کوتاه باشد، وضو اشکال ندارد"، یکی می باشد. زیرا به نظر بنده، محل بحث، مانعیت و عدم مانعیت چرک نیست، بلکه محل بحث این است که آن چرک، جزء ظاهر است یا جزء باطن، که اگر ناخن، کوچک باشد، جزء باطن محسوب می شود و برطرف کردن لازم نیست، و اگر ناخن بلند باشد، جزء ظاهر محسوب می شود، و وقتی که ناخن بلند بود و جزء ظاهر شد، در اینجا بحث مانعیت و عدم مانعیت مطرح می شود، که اگر مانع باشد، باید چرک قسمتی از ناخن که از معمول بلندتر است برطرف شود و اگر مانع نباشد، لازم نیست برطرف شود. و شاید اینکه آیت الله مکارم می فرماید: "اگر زیر ناخن کمی چرک باشد اشکال ندارد"، این باشد که در صورت زیادی چرک، آن چرک از حد باطن خارج شده و جزء ظاهر شمرده می شود. با این بیان می شود گفت که هر چهار نظر یکی است.

با توجه به آنچه که بیان کردیم، نظر امام خمینی با حضرت آقا (که به صورت جداگانه بیان کردیم) یکی می باشد. یعنی منظور امام از عبارت: "اگر ناخن بیشتر از معمول بلند باشد، باید چرک زیر مقداری را که از معمول بلندتر است برطرف نمایند." در صورتی است که آن چرک، مانع از رسیدن آب وضو به بدن باشد. (مؤلف)

² توضیح المسائل امام خمینی، م 291 و أيضاً تحرير الوسيلة، ج 1، ص 22، القول في الواجبات، م 5؛ حضرت آقا، آموزش مصور احکام عبادات، ص 115؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 326؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 317.

متن تحرير الوسيلة: "لا يجب إزالة الوسخ تحت الأظفار، إلا ما كان معدوداً من الظاهر، كما أنه لو قصّ أظفاره، فصار ما تحتها ظاهراً، وجب غسله بعد إزالة الوسخ عنه". (تحرير الوسيلة، ج 1، ص 22، القول في الواجبات، م 5)

برطرف کردن چرک زیر ناخنها به غیر از قسمتی که جزء ظاهر حساب می شود واجب نیست. کما اینکه اگر ناخنهای خود را بچیند و آنچه زیر ناخنها است پیدا شود باید اول چرک آن را برطرف کند و سپس (به عنوان وضو) آن را بشوید. (ترجمه تحرير الوسيلة، ج 1، ص 35، مبحث واجبات وضو، م 5)

³ حضرت آقا، رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس پانزدهم، ص 57 و أيضاً أجوبة الاستفتاءات، ص 114.

ج. جوهر خودکار:

حضرت آقا، آیت الله سیستانی: اگر جرم داشته باشد باید برطرف شود.

آیت الله مکارم: جوهر خودکارهای معمولی مانع محسوب نمی شود.^۱

د. اثر مداد چشم، ریمل، پینک، رژلب، لاک ابرو، کرم سفید کننده، طرح روی ناخن و سایر مواد آرایشی که خانم ها در آرایش استفاده می کنند:

حضرت آقا: اگر جرم داشته باشد، باید برطرف شود؛ ولی برطرف کردن مقداری که داخل چشم است، لازم نیست.^۲

نکته: حضرت آقا: باید به مژه هم آب برسد و اگر جرمی روی آن باشد، برای وضو برطرف شود؛ البته برای رسیدن آب به مژه ها در شرایط عادی دقت لازم نیست. زیرا آب به سرعت و به راحتی همه آن را فرا می گیرد.^۳

ر. خال کوبی و تاتو:

حضرت آقا: خال کوبی و تاتو (تتو) اگر تنها رنگ در زیر پوست است و مانع از رسیدن آب به ظاهر پوست نمی شود، برای وضو و غسل اشکالی ندارد؛ ولی اگر به صورت نقاشی و موقت است و روی پوست کشیده می شود باید برای وضو برطرف شود.

آیت الله سیستانی:

الف. اگر تاتوی صورت^۴ یا بدن که به جهت زیبایی چهره و مانند آن صورت گرفته، طوری است که ماده رنگی زیر پوست تزریق شده، وضو و غسل با وجود آن اشکال ندارد؛ چه اینکه تاتو دائم باشد یا موقت.

^۱ حکیم زاده، سید مرتضی، احکام قبل از منبر، جلد اول، ص 40؛ حضرت آقا، رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس پانزدهم، ص 57 و أيضاً أجوبة الاستفتائات، ص 141.

^۲ حضرت آقا، آموزش مصور احکام عبادات، ص 116.

^۳ حضرت آقا، آموزش مصور احکام عبادات، ص 116.

^۴ مانند تاتوی ابرو یا چشم یا لب.

شایان ذکر است، کم رنگ یا بی رنگ شدن تاتو با آب رسیدن به پوست صورت در روزهای اولیه یا بعد از آن و اموری از این قبیل، مجوز ترک وضو و اقدام به تیمم نمی باشد؛¹ البته اگر تاتو موجب ایجاد زخم و جراحت در اعضای وضو گردیده و طوری است که آب برای آن ضرر قابل توجه دارد، وضوی جبیره کافی است؛² اما اگر آب برای زخم ضرر ندارد، ولی موضع نجس بوده و تطهیر آن ممکن نباشد، باید تیمم کند؛ مگر آنکه نجاست مذکور مانع محسوب شود و در اعضای تیمم (مانند پیشانی) باشد که در این صورت، لازم است هم وضو گرفته و هم تیمم کند و در هنگام وضو در صورت امکان، بنابر احتیاط واجب مانند وضوی جبیره بر مانع مسح نماید.

ب. اگر تاتوی صورت یا بدن که به جهت زیبایی چهره و مانند آن صورت گرفته، طوری است که ماده رنگی در سطح پوست می باشد، چنانچه مانند رنگ حنا و امثال آن باشد که مانع محسوب نمی شود، اشکال ندارد و لازم است فرد برای نماز، وضو (یا غسل) انجام دهد.

اما اگر تاتو مانع محسوب شود یا مانع بودن آن مشکوک باشد و در اعضای وضو (یا غسل) باشد، باید آن را برای وضو (یا غسل) برطرف کند.

بنابراین، اگر برداشتن آن مستلزم هزینه ای باشد که پرداخت آن حرجی نیست، فرد باید هزینه کند تا مانعی که ایجاد شده، برطرف گردد؛ ولی اگر برطرف کردن آن مانع، موجب ضرر قابل توجه یا مشقت فوق العاده ای که معمولاً قابل تحمل نیست (حرج) باشد، مانند اینکه پوست صورت یا بدن کنده می شود و عذرش تا آخر وقت باقی است، چنانچه مانع مذکور در اعضای تیمم (مانند پیشانی) است، باید هم تیمم نموده و هم وضو بگیرد و در هنگام وضو در صورت امکان، بنابر احتیاط واجب مانند وضوی جبیره بر مانع مسح نماید و اما اگر مانع مذکور در اعضای تیمم نیست، تیمم کافی می باشد.

¹ البته اگر تاتو در ایام عادت ماهیانه . هر چند اواخر آن . صورت گیرد که زن وظیفه ای برای وضو (یا غسل یا تیمم) ندارد ، مشکل مذکور رفع می شود. (توضیح المسائل جامع ، ج 1 ، م 327 ، پاورقی 2)

² احتیاج به انجام آن در ایام عادت ماهیانه نیست. (توضیح المسائل جامع ، ج 1 ، م 327 ، پاورقی 3)

شایان ذکر است، انجام عمل تاتویی که مانع در اعضای وضو (یا غسل) محسوب شده و قابل برطرف کردن نیست، اگر وقت نماز داخل شده جایز نیست، بلکه قبل از وقت نماز نیز بنا بر احتیاط واجب جایز نمی باشد.^۱ همچنین، کلیه احکام فوق در مورد کاشت ناخن مصنوعی یا مژه و مانند آن نیز جاری است.^۲

سؤال: اگر فردی می داند چیزی به اعضای وضو چسبیده، ولی شک دارد که از رسیدن آب جلوگیری می کند یا نه، آیا باید آن را برطرف کند؟

امام خمینی، آیت الله سیستانی: اگر می داند چیزی به اعضای وضو چسبیده ولی شک دارد که از رسیدن آب جلوگیری می کند یا نه، باید آن را برطرف کند یا آب را به زیر آن برساند.

حضرت آقا، آیت الله مکارم: هرگاه می داند چیزی به اعضای وضو چسبیده، ولی شک دارد که آیا مانع رسیدن آب هست یا نه، باید آن را برطرف کند.^۳

سؤال: آیا بررسی در زمانی که انسان شک کند به اعضای وضوی او چیزی چسبیده یا نه، لازم است؟

امام خمینی، حضرت آقا، آیت الله سیستانی: اگر انسان شک کند که به اعضای وضوی او چیزی چسبیده یا نه، چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا (احتمال معقول) باشد، مثل آنکه بعد از گِل کاری یا گچ کاری یا رنگ کاری شک کند گِل یا گچ یا رنگ به دست او چسبیده یا نه، باید بررسی کند یا به قدری دست بکشد که اطمینان پیدا کند اگر مانعی بوده برطرف شده یا آب به زیر آن رسیده است.

آیت الله مکارم: هرگاه انسان احتمال دهد مانعی در اعضای وضو وجود دارد اگر احتمال آن عقلایی است باید واریسی کند، مثل اینکه بعد از گِل کاری یا رنگ کاری شک کند مقداری گِل یا رنگ به دست او چسبیده است.^۴

^۱ تفصیل مطلب از این قرار است که اگر وقت نماز فرا رسیده و فرد وضو یا غسل نداشته باشد (مُحَدَث باشد) یا تا زمان نماز خواندن وضو یا غسلش باطل می شود، اقدام به تاتوی مذکور برای فرد بنا بر فتوی جایز نیست و اگر وقت فرا نرسیده یا (فرا رسیده و فرد با وضو و غسل است، ولی وضو یا غسل وی برای نمازهایی که بعداً وقت آن فرا می رسد، باطل می شود)، اقدام به تاتوی مذکور برای چنین فردی، بنا بر احتیاط واجب جایز نیست. (توضیح المسائل جامع، ج ۱، م 328، پاورقی 3)

^۲ حضرت آقا، آموزش مصور احکام عبادات، ص 117؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 327 و 328.

^۳ توضیح المسائل امام خمینی، م 290؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 325 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 289؛ حضرت آقا، رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس پانزدهم، ص 58؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 316.

^۴ توضیح المسائل امام خمینی، م 293، حضرت آقا، رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس پانزدهم، ص 58 و أيضاً آموزش مصور احکام عبادات، ص 115 و 139؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 330 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 292، توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 319.

سؤال: اگر پیش از وضو بداند در بعضی از اعضای وضو، مانعی از رسیدن آب هست و بعد از وضو شک کند در موقع وضو آب را به آنجا رسانده یا نه، تکلیف چیست؟

امام خمینی: وضوی او صحیح است، ولی اگر بداند که موقع وضو متوجه آن مانع نبوده، باید دوباره وضو بگیرد. حضرت آقا: چنانچه احتمال بدهد که در حال وضو ملتفت به مانع بوده، وضو صحیح است.

آیت الله سیستانی: وضوی او صحیح است.¹

سؤال: حکم وضو در صورتی که در بعضی از اعضای وضو مانعی است که گاهی آب به خودی خود زیر آن می‌رسد و گاهی نمی‌رسد و انسان بعد از وضو شک کند که آب زیر آن رسیده یا نه، چیست؟

امام خمینی: اگر در بعضی از اعضای وضو مانعی باشد که گاهی آب به خودی خود زیر آن می‌رسد و گاهی نمی‌رسد و انسان بعد از وضو شک کند که آب زیر آن رسیده یا نه، چنانچه بداند موقع وضو ملتفت رسیدن آب به زیر آن نبوده باید دوباره وضو بگیرد.

آیت الله سیستانی: اگر در بعضی از اعضای وضو مانعی باشد که گاه آب، به خودی خود زیر آن می‌رسد و گاه نمی‌رسد، مثل انگشتر، دستبند، النگو و فرد بعد از وضو، شک کند که آب زیر آن رسیده یا نه، وضویش صحیح است؛ ولی در این صورت، چنانچه بداند موقع وضو متوجه رسیدن آب به زیر آن نبوده، احتیاطاً مستحب آن است که دوباره وضو بگیرد.²

سؤال: اگر فرد وضو بگیرد و بعد از وضو مانعی در اعضای وضو مشاهده نماید، تکلیف چیست؟

اگر فرد وضو بگیرد و بعد از وضو مانعی در اعضای وضو مشاهده نماید، مثل چسب، لاک و ... :

الف. بداند که این مانع مربوط به قبل از وضو می‌باشد،

¹ توضیح المسائل امام خمینی، م 295، توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 332 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 294.

² توضیح المسائل امام خمینی، م 296، توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 333 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 295.

توجه: البته اگر طوری باشد که آب به هیچ وجهی زیر آن نمی‌رسد، مطمئناً وضو باطل است و باید بعد از برطرف کردن مانع، دوباره وضو بگیرد. (مؤلف)

آیت الله سیستانی: وضوی او باطل است، هر چند قبل از وضو اعضای وضویش را بررسی کرده باشد و اگر با این وضو نماز خوانده، باید آن را در وقت دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.^۱

ب. نداند که این مانع، موقع وضو بوده یا بعد پیدا شده،

حضرت آقا، آیت الله مکارم: وضوی او صحیح است، به شرط این که احتمال بدهد در حال وضو توجه به این امر داشته است.

امام خمینی: وضوی او صحیح است، ولی اگر بداند که در وقت وضو ملتفت آن مانع نبوده، احتیاط واجب آن است که دوباره وضو بگیرد.

آیت الله سیستانی: وضوی او صحیح است؛ ولی اگر بداند که در وقت وضو متوجه آن مانع نبوده، احتیاط مستحب آن است که دوباره وضو بگیرد.^۲

سؤال: حکم وضو در صورتی که بعد از وضو شک کند چیزی که مانع رسیدن آب است در اعضای وضو بوده یا نه، چیست؟

امام خمینی، حضرت آقا: اگر بعد از وضو شک کند چیزی که مانع رسیدن آب است در اعضای وضو بوده یا نه، وضو صحیح است.

آیت الله سیستانی: اگر بعد از وضو شک کند چیزی که مانع رسیدن آب است در اعضای وضو بوده یا نه، وضو صحیح است و بررسی و جستجو برای پیدا کردن مانع در این حال، لازم نیست.^۳

^۱ به احتمال قوی، نظر مراجع دیگر هم همین باشد. زیرا عدم وجود مانع، از شرایط صحّت وضو می باشد و اگر مانعی باشد. علم به آن داشته باشد یا نداشته باشد. وضو بگیرد، وضو به صورت صحیحی واقع نشده و بنابراین باطل است. (مؤلف)

^۲ توضیح المسائل امام خمینی، م 297؛ حضرت آقا، آموزش مصوّر احکام عبادات، ص 139؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 334 و 335 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 296؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 321.

^۳ توضیح المسائل امام خمینی، م 298؛ حضرت آقا، آموزش مصوّر احکام عبادات، ص 139؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 336 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 297.

سؤال: منظور از موالات چیست؟

امام خمینی: آنکه کارهای وضو را پشت سر هم انجام دهد.

اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که وقتی می خواهد جایی را بشوید یا مسح کند رطوبت جاهایی که پیش از آن شسته یا مسح کرده خشک شده باشد، وضو باطل است. و اگر فقط رطوبت جایی که جلوتر از محلی است که می خواهد بشوید یا مسح کند خشک شده باشد مثلاً موقعی که می خواهد دست چپ را بشوید رطوبت دست راست خشک شده باشد و صورت تر باشد، وضو صحیح است.

اگر کارهای وضو را پشت سر هم به جا آورد ولی بواسطه گرمای هوا یا حرارت زیاد و مانند این ها رطوبت خشک شود وضوی او صحیح است.¹

¹ سخن امام خمینی در تحریر الوسيلة:

ومنها: الموالاة بين الأعضاء؛ بمعنى: أن لا يؤخّر غسل العضو المتأخّر؛ بحيث يحصل بسببه جفاف جميع ما تقدّم.

و از جمله شرایط وضو: موالات بین اعضاء است به این معنا که شستن عضو بعدی را بقدری تأخیر نیندازد که همه اعضاء قبلی خشک شود.

(مسألة ۱۴): إنّما يضمرّ جفاف الأعضاء السابقة إذا كان بسبب التأخير وطول الزمان، وأما إذا تابع عرفاً في الأفعال، ومع ذلك حصل الجفاف بسبب حرارة الهواء أو غيرها، لم يبطل وضوءه.

خشک شدن اعضاء قبلی در صورتی به وضو ضرر می‌رساند که علت آن، تأخیر و فاصله طولانی بین شستن اعضاء باشد. و اما اگر عرفاً افعال وضو را پی‌درپی انجام دهد و با این حال به علت گرمای هوا یا غیر آن، اعضاء قبلی خشک شود، وضو باطل نمی‌شود.

(مسألة ۱۵): لو لم يتابع في الأفعال ومع ذلك بقيت الرطوبة من جهة البرودة ورطوبة الهواء؛ بحيث لو كان الهواء معتدلاً لحصل الجفاف، صحّ فالعبرة في صحّة الوضوء بأحد الأمرين: إمّا بقاء البلل حسّاً، أو المتابعة عرفاً.

اگر کارهای وضو را پی‌درپی انجام ندهد و با این حال به علت سردی و رطوبت هوا، رطوبت اعضاء باقی بماند آن‌گونه که اگر هوا معتدل بود رطوبت خشک می‌شد، وضو صحیح است، بنابراین معیار در صحت وضو یکی از دو چیز است: یا باقی ماندن رطوبت محسوس و یا مراعات موالات عرفی.

(مسألة ۱۶): إذا ترك الموالاة نسبياً بطل وضوءه، وكذا لو اعتقد عدم الجفاف ثمّ تبين الخلاف.

اگر به علت فراموشی، کارهای وضو را پی‌درپی انجام ندهد وضویش باطل است^(۱) و همین‌طور است اگر به خیال اینکه عضو قبلی خشک نشده موالات را رعایت نکند و سپس معلوم شود که خشک شده بوده وضو باطل است.

(مسألة ۱۷): لو لم يبق من الرطوبة إلا في اللحية المسترسلة ففي كفايتها إشكال. وكذا إن بقيت في غيرها ممّا هو خارج عن الحدّ، كالشعر فوق الجبهة، بل هو أشكل.

اگر جز در قسمتی از ریش که از چانه گذشته است در عضو دیگری رطوبت نمانده باشد در کفایت آن رطوبت اشکال است و همین‌طور است اگر فقط در سایر قسمت‌هایی که از حد معین برای وضو خارج است مانند موی بالای پیشانی، رطوبت مانده باشد. بلکه اشکال این صورت بیشتر است.^(۲)

(تحریر الوسيلة، ج ۱، القول فی شرائط الوضوء، ص ۲۵؛ ترجمة تحریر الوسيلة، ج ۱، شرایط وضو، ص ۴۷)

(1) به احتمال قوی در صورتی فراموشی در انجام پی در پی افعال وضو مبطل است که اعضای سابقه هم خشک شود ، چنانچه در مسأله 15 بیان شد. (مؤلف)

(2) با توجه به فرمایش امام خمینی ، می توان فروضی را برای این مسأله بیان کرد:

عرفاً افعال وضو پی در پی باشد:

اعضای سابقه مرطوب باشند:

الف. حسناً و تقدیراً. یعنی افعال وضو ، هم در نگاه عرف ، پی در پی صورت گرفته است و هم بر اعضای وضو رطوبت می باشد و دلیلی خارجی بر بقاء رطوبت مانند سردی هوا و ... نیست ، بلکه دلیل آن پی در پی انجام دادن افعال وضو می باشد.

ب. حسناً نه تقدیراً. یعنی افعال وضو هم در نگاه عرف ، پی در پی صورت گرفته است و هم بر اعضای وضو رطوبت می باشد لکن باقی ماندن این رطوبت به دلیل سرمای هوا می باشد که اگر نبود ، اعضای سابقه خشک می شد.

ج. تقدیراً نه حسناً. یعنی افعال وضو در نگاه عرف ، پی در پی صورت گرفته است لکن رطوبت اعضا به دلیل گرمای هوا یا حرارت زیاد بدن و یا وزش باد ، خشک شده است که اگر این موارد نبود ، رطوبت خشک نمی شد و باقی می ماند.

اعضای سابقه خشک باشند:

الف. حسناً و تقدیراً. یعنی افعال وضو در نگاه عرف ، پی در پی صورت گرفته است لکن رطوبتی بر اعضای وضو باقی نمانده است و این عدم بقاء رطوبت دلیلی خارجی مانند گرمی هوا و ... ندارد بلکه دلیل آن ، فاصله انداختن زیاد بین افعال وضو می باشد. این وجه متصور نمی باشد ، زیرا نتیجه اش این است که افعال وضو ، هم در نگاه عرف پی در پی باشد و هم نباشد.

ب. حسناً نه تقدیراً. یعنی افعال وضو در نگاه عرف ، پی در پی صورت گرفته است لکن رطوبت اعضا به دلیل گرمای هوا یا حرارت زیاد بدن و یا وزش باد ، خشک شده است که اگر این موارد نبود ، رطوبت خشک نمی شد و باقی می ماند. این مورد با مورد "ج" یکی می باشد.

ج. تقدیراً نه حسناً. یعنی افعال وضو هم در نگاه عرف ، پی در پی صورت گرفته است و هم بر اعضای وضو رطوبت می باشد لکن باقی ماندن این رطوبت به دلیل سرمای هوا می باشد که اگر نبود ، اعضای سابقه خشک می شد. این مورد با مورد "ب" یکی می باشد.

فتوای امام در این موارد: وضو صحیح است.

عرفاً افعال وضو پی در پی نباشد:

اعضای سابقه مرطوب باشند:

الف. حسناً و تقدیراً. یعنی افعال وضو در نگاه عرف ، پی در پی نبوده است لکن رطوبت بر اعضا باقی مانده است و دلیل بقاء رطوبت ، پی در پی انجام دادن افعال است و دلیل خارجی مانند سردی هوا و ... نیست. (وضو صحیح است)

ب. حسناً نه تقدیراً. یعنی افعال وضو در نگاه عرف ، پی در پی نبوده است لکن رطوبت بر اعضا به دلیل سردی هوا باقی مانده است که اگر نبود ، اعضای سابقه خشک می شد. (وضو صحیح است)

ج. تقدیراً نه حسناً. یعنی هم افعال وضو در نگاه عرف ، پی در پی نبوده است و هم رطوبتی بر اعضای سابقه به دلیل گرمای هوا یا حرارت زیاد بدن و یا وزش باد باقی نمانده است که اگر این موارد نبود ، رطوبت باقی می ماند. (وضو باطل است)

اعضای سابقه خشک باشند:

ج. حسناً و تقدیراً. یعنی هم افعال وضو در نگاه عرف ، پی در پی نبوده است و هم رطوبتی بر اعضای وضو باقی نمانده است و این عدم بقاء رطوبت دلیلی خارجی مانند گرمی هوا و ... ندارد بلکه دلیل آن ، فاصله انداختن زیاد بین افعال وضو می باشد. (وضو باطل است)

حضرت آقا: لازم است کارهای وضو را به طور متعارف پی در پی انجام دهد، بدین معنی که اگر میان آنها به قدری فاصله بیندازد که در هنگام شستن یا مسح کردن عضوی، جاهایی که پیش از آن شسته شده خشک شده باشد، وضو باطل است.

آیت الله سیستانی: برای آنکه وضو صحیح باشد، لازم است فرد کارهای وضو را پشت سر هم انجام دهد و این امر «موالات» نام دارد. بنابراین، اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که در نظر عرف پشت سر هم نباشند، وضو باطل است؛ ولی در صورت پیش آمد عذر عرفی برای شخص، مانند فراموشی یا تمام شدن آب، موالات عرفی معتبر نیست، بلکه وقتی می خواهد جایی را بشوید یا مسح کند، چنانچه رطوبت تمام جاهایی که پیش از آن شسته یا مسح کرده، خشک شده باشد، وضو باطل است و در غیر این صورت وضویش صحیح است. بنابراین، اگر مثلاً موقعی که می خواهد دست چپ را بشوید، رطوبت دست راست خشک شده باشد و صورت تر باشد یا بر عکس، وضویش صحیح می باشد.

اگر کارهای وضو را پشت سر هم به جا آورد، ولی به علت گرمای هوا یا حرارت زیاد بدن یا وزش باد و مانند این ها، رطوبت جاهای قبلی خشک شود، وضوی او صحیح است.

آیت الله مکارم: اینکه کارهای وضو را چنان به جا آورد که بگویند پشت سر هم انجام می دهد و اگر چنین کند وضوی او صحیح است، هر چند بر اثر گرمی هوا و وزش باد اعضای سابق خشک شده باشد، مثلاً موقعی که می خواهد دست راست را بشوید، صورت او خشک شود؛ ولی اگر طوری انجام دهد که پشت سر هم نباشد وضوی او باطل است، هر چند بر اثر سردی هوا اعضای قبل، خشک نشده باشد.¹

ب. حسناً نه تقدیراً. یعنی هم افعال وضو در نگاه عرف، پی در پی نبوده است و هم رطوبتی بر اعضای سابقه به دلیل گرمای هوا یا حرارت زیاد بدن و یا وزش باد باقی نمانده است که اگر این موارد نبود، رطوبت باقی می ماند. این مورد با مورد "ج" یکی می باشد. (وضو باطل است)

د. تقدیراً نه حسناً. یعنی افعال وضو در نگاه عرف، پی در پی نبوده است لکن بر اعضای سابقه به دلیل سرمای هوا رطوبت باقی مانده است که اگر این سرما نبود، رطوبتی باقی نمی ماند. این مورد با مورد "ب" یکی می باشد. (وضو صحیح است) (مؤلف)

¹ توضیح المسائل امام خمینی، م 283 و 284؛ حضرت آقا، آموزش مصور احکام عبادات، ص 122 و أيضاً رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس پانزدهم، ص 58 و أيضاً أجوبة الاستفتاءات، س 127؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 313 و 314 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 282 و 283؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 308.

سؤال: آیا راه رفتن در أثناء وضو، موالات را بر هم می زند؟

امام خمینی: راه رفتن در بین وضو اشکال ندارد، پس اگر بعد از شستن صورت و دست ها چند قدم راه برود و بعد سر و پا را مسح کند، وضوی او صحیح است.

حضرت آقا: راه رفتن در بین وضو اشکالی ندارد؛ برای مثال فردی که در حال وضو گرفتن است، می تواند پس از شستن صورت، چند قدم حرکت کند و سپس دست ها را بشوید؛ ولی نباید آن قدر زیاد حرکت کند که جاهای شسته قبلی خشک شود.

آیت الله سیستانی: راه رفتن در بین وضو اشکال ندارد، پس اگر بعد از شستن صورت و دست ها چند قدم راه برود و بعد سر و پا را مسح کند، وضوی او صحیح است؛ مگر آنکه بدون عذر آن قدر راه بود که عرفاً نگویند کارهای وضو را پشت سر هم انجام می دهد.

آیت الله مکارم: راه رفتن در بین وضو اشکال ندارد، بنابراین اگر بعد از شستن صورت و دست ها چند قدم راه برود و بعد سر و پا را مسح کند، وضوی او صحیح است.¹

غایات وضو

سؤال: مواردی که به سبب آنها وضو گرفته می شود (غایات وضو) را بیان نمایید.

امام خمینی، آیت الله سیستانی: وضو گرفتن به لحاظ غایات (اهداف) آن، گاه شرط «صحّت عمل» است؛ یعنی اگر آن عمل بدون وضو انجام شود، صحیح نیست، مثل نماز خواندن - چه واجب و چه مستحبّ - و گاه شرط «جایز بودن عمل» و حرام نبودن آن است، یعنی اگر آن عمل بدون وضو انجام گیرد، حرام است، مثل مسّ خط قرآن و گاه شرط «کمال عمل» است، یعنی برای درک ثواب یا ثواب بیشتر مثل نماز میّت، طواف مستحبّی، تلاوت قرآن، قرائت دعا و طلب حاجت از خداوند متعال و اذان نماز و گاهی هم «بر طرف کننده کراهت عمل» است، مانند خوابیدن در حال جنابت، که با وضو، کراهت آن رفع می شود.

¹ توضیح المسائل امام خمینی ، م 285 ؛ حضرت آقا ، آموزش مصوّر احکام عبادات ، ص 122 ؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی ، ج 1 ، م 315 و أيضاً توضیح المسائل ایشان ، م 284 ؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم ، م 309 .

حضرت آقا: وضو:

یا شرط صحت عمل است، یعنی اگر عمل، بدون وضو انجام شود صحیح نیست؛ مانند همه ی نمازهای واجب و مستحب (به جز نماز میت).

یا شرط جواز عمل (حرام نبودن) است، یعنی اگر آن عمل بدون وضو انجام گیرد حرام است؛ مانند مسّ خطّ قرآن.

یا شرط کمال عمل است، مانند وضو برای قرائت قرآن.

یا شرط تحقق عمل است، مانند وضو برای با طهارت بودن.

یا رفع کراهت عمل است، مانند غذا خوردن در حال جنابت که با وضو، کراهت آن برداشته می شود.¹

سؤال: برای چه کارهایی باید وضو گرفت؟

برای شش چیز وضو گرفتن واجب است:

اول: برای نمازهای واجب - چه اداء و چه قضاء - غیر از نماز میت²؛ و در نمازهای مستحب وضو شرط صحت است.

¹ تحریر الوسيلة ، ج 1 ، فصل غایات الوضوء ، ص 33 ؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی ، م 348 ؛ حضرت آقا ، رساله آموزشی ، ج 1 (احکام عبادات) ، درس هفدهم ، ص 63.

متن تحریر الوسيلة: فصل غایات الوضوء: "ما کان وجوب الوضوء أو استحبابه لأجله من جهة كونه شرطاً لصحته كالصلاة، أو شرطاً لجوازه وعدم حرمة كسّ كتابة القرآن، أو شرطاً لکماله كقراءته، أو لرفع کراهته کالأکل حال الجنابة، فأبّه مکروه، وترتفع کراهته بالوضوء". (تحریر الوسيلة ، ج 1 ، فصل غایات الوضوء ، ص 33)

غایات وضو: غایت وضو چیزی است که واجب شدن یا استحباب وضو به خاطر آن است ، به لحاظ اینکه وضو یا شرط صحت آن است مانند نماز ، یا شرط جواز و حرام نبودن آن است مانند مسّ نوشته های قرآن یا شرط کمال آن است مانند خواندن قرآن ، یا سبب برطرف شدن کراهت آن است مانند غذا خوردن در هنگامی که جنب است که مکروه است و با وضو کراهت آن برطرف می شود. (ترجمه تحریر الوسيلة ، ج 1 ، ص 53)

² قانون کلی: تمام نمازها باید با طهارت انجام شود ؛ جز نماز میت که بدون طهارت نیز صحیح است ؛ یعنی لازم نیست شخصی که نماز میت می خواند ، با وضو باشد و همچنین اگر وظیفه اش برای نماز خواندن ، غسل و تیمم است ، برای نماز میت لازم نیست غسل یا تیمم کند ، البتّه مستحب است که با طهارت باشد. (توضیح المسائل امام خمینی ، م 596 و 611 ؛ حضرت آقا ، آموزش مصوّر احکام عبادات ، ص 131 ؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم ، م 562 و 573 ؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی ، ج 1 ، م 799 و 809 و أيضاً توضیح المسائل ایشان ، م 585 و 600) (البتّه در توضیح المسائل جامع ایشان ، در قسمت مستحبات نماز میت ، این چنین بیان شده است: "موارد ذیل در نماز میت ، مستحب شمرده شده است". افا در توضیح المسائل تک جلدی ایشان ، در همین قسمت ، این چنین بیان شده است: "چند چیز در نماز میت مستحب است".)

دوم: امام خمینی، حضرت آقا، آیت الله مکارم: برای سجده و تشهد فراموش شده، اگر بین آنها و نماز حدّثی از او سر زده مثلاً بول کرده باشد.

آیت الله سیستانی: قضای سجده و تشهد فراموش شده،^۱ چنانچه بین آنها و نماز، باطل کننده وضو انجام شده، مثلاً فرد ادرار کرده باشد؛ اما برای سجده سهو، وضو لازم ندارد^۲ و در این حکم، فرقی بین موارد سجده سهو نیست.

سوم: برای طواف واجب خانه کعبه؛^۳

چهارم: اگر نذر یا عهد کرده یا قسم خورده باشد که وضو بگیرد.

پنجم: اگر نذر کرده باشد که جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند؛

آیت الله مکارم: در صورتی که این نذر شرعاً رجحان داشته باشد مثل این که می خواهد از روی احترام خط قرآن را ببوسد.

ششم: امام خمینی: برای آب کشیدن قرآنی که نجس شده یا بیرون آوردن آن از مُستراح و مانند آن، در صورتی که مجبور باشد دست یا جای دیگر بدن خود را به خط قرآن برساند، ولی چنانچه معطل شدن به مقدار وضو، بی احترامی به قرآن باشد باید بدون اینکه وضو بگیرد، قرآن را از مُستراح و مانند آن بیرون آورد، یا اگر نجس شده آب بکشد و تا ممکن است از دست گذاشتن به خط قرآن خودداری کند.

آیت الله مکارم: برای آب کشیدن قرآنی که نجس شده یا بیرون آوردن آن از محل آلوده، هرگاه مجبور باشد دست یا جای دیگر بدن خود را به خط قرآن برساند.

^۱ آیت الله سیستانی: قضای تشهد فراموش شده، واجب نیست و مطابق با احتیاط مستحب است، ولی واجب است برای تشهد فراموش شده، سجده سهو انجام داد. (توضیح المسائل جامع، ج ۱، م 349، پاورقی)

^۲ حضرت آقا: بنا بر احتیاط مستحب. در صورتی که وضوی نمازگزار پس از نماز بر اثر یکی از مبطلات باطل شده. برای سجده سهو وضو بگیرد. (آموزش مصوّر احکام عبادات، ص 131)

^۳ وضو شرط صحیح بودن طواف واجب خانه خداست و بدون آن، این طواف باطل است. منظور از طواف واجب، طوافی است که جزئی از اعمال حج یا عمره است (اگرچه آن حج یا عمره مستحب باشد)؛ ولی برای طواف مستحب (جدای از حج و عمره) وضو لازم نیست. (آموزش مصوّر احکام عبادات، حضرت آقا، ص 131 و ایضاً رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس هفدهم، ص 63؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 337).

آیت الله سیستانی: برای آب کشیدن قرآنی که نجس شده یا بیرون آوردن آن از مُستراح و مانند آن، در صورتی که مجبور باشد دست یا جای دیگر بدن خود را به خط قرآن برساند؛ ولی چنانچه معطل شدن به مقدار وضو، بی احترامی و هتک به قرآن باشد، بنابر احتیاط واجب تیمّم نموده (در صورتی که تیمّم، زمان کمتری نسبت به وضو نیاز دارد) و قرآن را از مُستراح و مانند آن بیرون آورد یا اگر نجس شده آب بکشد و اگر معطل شدن به این مقدار هم بی احترامی و هتک به قرآن باشد، باید بدون وضو و تیمّم، قرآن را از مُستراح و مانند آن بیرون آورد یا اگر نجس شده، آب بکشد.¹

سؤال: آیا برای سجده واجب قرآن باید وضو داشت؟

حضرت آقا: کسی که قرآن تلاوت می کند، هنگامی که به آیه سجده دار رسید، لازم نیست وضو داشته باشد یا رو به قبله شود و یا ذکر² بگوید. تنها شرط سجده واجب قرآن، سجده بر چیزهایی است که در نماز می توان بر آنها سجده کرد؛ مانند: خاک و چوب.

امام خمینی: در سجده واجب قرآن نمی شود بر چیزهای خوراکی و پوشاکی سجده کرد، ولی سایر شرایط سجده را که در نماز است لازم نیست مراعات کنند.

در سجده واجب قرآن باید طوری عمل کند که بگویند سجده کرد.

هرگاه در سجده واجب قرآن پیشانی را به قصد سجده به زمین بگذارد، اگرچه ذکر نگوید کافی است و گفتن ذکر، مستحب است و بهتر است بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَ تَصَدِيقًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عُبودِيَّةً وَ رِقًّا سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعْبُدًا وَ رِقًّا لَا مُسْتَكْبِرًا وَ لَا مُسْتَكْبِرًا بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ ضَعِيفٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ»

آیت الله سیستانی: در سجده واجب قرآن، چند شرط معتبر است:

¹ توضیح المسائل امام خمینی ، م 316 ؛ آموزش مصور احکام عبادات ، حضرت آقا ، ص 131 ؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم ، م 337 ؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی ، ج 1 ، م 349 ؛ (این مسأله در توضیح المسائل ایشان ، م 315 ، به این صورت آمده است: برای آب کشیدن قرآنی که نجس شده یا بیرون آوردن آن از مُستراح و مانند آن ، در صورتی که مجبور باشد دست یا جای دیگر بدن خود را به خط قرآن برساند ، ولی چنانچه معطل شدن به مقدار وضو ، بی احترامی به قرآن باشد باید بدون اینکه وضو بگیرد ، قرآن را از مُستراح و مانند آن بیرون آورد ، یا اگر نجس شده آب بکشد و تا ممکن است از دست گذاشتن به خط قرآن خودداری کند .

² حضرت آقا: گفتن ذکر در سجده واجب قرآن مستحب است و بهتر است بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَ تَصَدِيقًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عُبودِيَّةً وَ رِقًّا سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعْبُدًا وَ رِقًّا لَا مُسْتَكْبِرًا وَ لَا مُسْتَكْبِرًا بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ ضَعِيفٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ» . (آموزش مصور احکام عبادات ، ص 132 ، پاورقی)

1. قرار دادن پیشانی بر زمین، به نیت سجده تلاوت¹ باشد.

2. طوری باشد که اگر مردم دیدند، بگویند سجده کرد.

3. بنا بر احتیاط واجب، مکان سجده تلاوت غصبی نباشد.

4. بنا بر احتیاط واجب، فرد پیشانی را بر مُهر یا شیء دیگری که سجده بر آن صحیح است بگذارد.

احتیاط مستحب آن است که فرد در سجده واجب قرآن، سایر مواضع سجده (غیر از پیشانی) را نیز به دستوری که در سجده نماز ذکر شد، بر زمین بگذارد. همچنین، احتیاط مستحب آن است که در حال سجده، جای پیشانی فرد از جای زانوها و سرانگشتانش بیش از چهار انگشت بسته، بلندتر یا پایین تر نباشد.

در سجده تلاوت لازم نیست فرد با وضو یا غسل یا تیمم باشد. بنابراین، اگر فرد جنب یا حائض هم، آیه سجده دار را بخواند یا گوش دهد، واجب است سجده تلاوت را به جا آورد و جایز نیست انجام آن را تأخیر بیندازد.

در سجده واجب قرآن لازم نیست فرد رو به قبله باشد و عورت خود را بپوشاند یا زن، موی سر و بدنش را بپوشاند؛ همچنین لازم نیست بدن و جای پیشانی او پاک باشد و نیز سایر مواردی که در لباس نمازگزار شرط می باشد، در لباس او شرط نیست.

هرگاه انسان برای به جا آوردن سجده واجب قرآن، پیشانی را به قصد سجده بر زمین بگذارد، هرچند ذکر نگوید، کافی است و گفتن ذکر واجب در سجود نماز، در سجده تلاوت مستحب است و بهتر این است که بگوید: «لا إله إلا الله حقاً حقاً لا إله إلا الله إيماناً و تصديقاً لا إله إلا الله عبودية و رقاً سجدت لك يا ربّ تعبداً و رقاً لا مُستَنكِفاً و لا مُستَكبراً بل أنا عبدٌ ذليلٌ ضعيفٌ خائفٌ مُستَجِبرٌ»

¹ آیت الله سیستانی: در هر یک از چهار سوره علق، نجم، فصلت و سجده، یک آیه سجده دار است که اگر انسان آن را به طور کامل بخواند یا گوش دهد، بعد از تمام شدن آن آیه، واجب است فوراً سجده کند و آن را «سجده تلاوت» می گویند. (توضیح المسائل جامع، م 1418)

آیت الله مکارم: در سجده واجب قرآن، باید پیشانی را بر چیزی بگذارد که سجده نماز بر آن جایز است بنا بر احتیاط واجب، همچنین ستر عورت و غضبی نبودن را رعایت کند، ولی سایر شرایطی که در نماز لازم است در این سجده واجب نیست.

برای سجده واجب قرآن کافی است به سجده رود و ذکر گفتن واجب نمی باشد، اما بهتر است ذکر بگوید و بهتر است این ذکر را انتخاب کند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَتَصَدِّقًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عُبُودِيَّةً وَرِقًّا سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُّدًا وَرِقًّا لَا مُسْتَنْكَفًا وَلَا مُسْتَكْبِرًا بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ ضَعِيفٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ»

در سجده قرآن، رو به قبله بودن شرط نیست و به هر سوی می تواند سجده کند، ولی بهتر رو به قبله بودن است.^۱

سؤال: آیا فردی که وضو ندارد، می تواند خط قرآن را مس کند؟

مس نمودن خط قرآن، یعنی رساندن جایی از بدن به خط قرآن برای کسی که وضو ندارد، حرام است. ولی اگر قرآن را به زبان فارسی یا به زبان دیگری ترجمه کنند مس آن اشکال ندارد؛ مگر ترجمه کلمه «الله».^۲

نکته: در حرام بودن مس قرآن بدون طهارت بین این موارد تفاوتی نیست:

- با دست باشد یا اجزای بدن مانند لب و غیره^۳ (به جز مو)؛

^۱ حضرت آقا، آموزش مصور احکام عبادات، ص 132 و أيضاً رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس چهل و چهارم، ص 153؛ توضیح المسائل امام خمینی، م 1097 و 1098 و 1099؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 1428 و 1429 و 1430 و 1431؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 983 و 984 و 985.

^۲ توضیح المسائل امام خمینی، م 317؛ حضرت آقا، آموزش مصور احکام عبادات، ص 133 و 135 و أيضاً رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس هفدهم، ص 64؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 401 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 316؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 338.

^۳ بیان چند مثال:

1. به گردن آویختن گردنبندی که آیات قرآن بر آن نقش شده است اشکال ندارد [اگرچه مکروه است]، ولی باید نوشته ها با بدن تماس نداشته باشد.
2. هرگاه بخواهند هنگام خوردن غذا از طرفی که آیات قرآنی از جمله آیه الكرسي روی آن نوشته شده استفاده کنند اشکال ندارد، به شرطی که با وضو باشند و یا غذا را با قاشق از ظرف بردارند.
3. کسانی که به وسیله دستگاه تحریر، آیات قرآنی می نویسند لازم نیست در حال تحریر و نوشتن با وضو باشند (این کار مشروط به طهارت نیست)، ولی از مس آنها بدون وضو باید اجتناب نمایند.
4. کلماتی که روی انگشترها نقش می کنند، اگر از کلماتی باشد که شرط جواز مس آن، طهارت است، مثل کلمات قرآنی و مانند آن، مس آن بدون طهارت جایز نیست.

- ابتدای به مسّ باشد یا ادامه آن، بنابراین اگر دست او بر خط قرآن بود و متوجه شد ولی دست را بر نداشت مرتکب حرام شده است؛
- خط آن معمول و متعارف باشد و یا متعارف نباشد؛ مثل خط کوفی؛
- نوشته، با قلم باشد یا چاپ یا گچ یا غیر آن؛
- نوشته برجسته باشد یا گود، مانند سنگ قبر؛
- حرفی که خوانده می شود یا خوانده نمی شود، مانند الف در «قالوا»^۱؛
- نوشته قرآنی در قرآن باشد یا در غیر قرآن، مثلاً آیه ای یا کلمه ای از قرآن در کتابی نوشته شده باشد. و یا حتی مثلاً نصف کلمه را بریده باشند؛
- آن چه قرآن بر آن نوشته شده، کاغذ باشد یا چوب یا سنگ یا لباس یا دیوار و مانند آن؛
- به طور عادی نوشته شده یا بر عکس؛
- کلمات قرآنی نیکو باشد، مانند مؤمن، صبر، یا کلمات ناپسند، مانند ابلیس، شیطان و کافر.^۲

نکته: مسّ در موارد زیر حرام نیست:

5. اگر آیه ای از قرآن بر روی غذایی [مانند شله زرد] نوشته شده باشد، قبل از محو آن نمی توان بدون وضو آن را خورد؛ چون با لب و زبان که حکم دست را دارد، برخورد می کند و حال آنکه شخص وضو ندارد.

مورد اخیر، در آموزش مصوّر احکام عبادات، ص 133 بیان شده؛

سؤال: آیا استفاده از غذای مذکور، بدون وضو اشکال دارد؟

آیت الله سیستانی: در آیات قرآن باید وضو داشته باشد و در نام خدا بنا بر احتیاط واجب نیز لازم است برای استفاده از غذایی که در مورد سؤال پرسیده شده نیز وضو داشته باشد. (پرسش پیامکی از حرم مطهر؛ از مسأله 406 توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، جواب این پرسش، برداشت می شود)

توجه: این احکام در خصوص اسم ذات خداوند و صفات مخصوص الهی و اسماء معصومین علیهم السلام هم جاری می شود. البته در صورتیکه آن مرجع مسّ بدون وضو موارد مذکور (اسم ذات خداوند و ...) را حرام بداند؛ و اگر ترک آن را بهتر بداند، بهتر آن است که مثال های بالا را در خصوص اسم ذات خداوند و دیگر مواردی که بیان شد، رعایت کند.

^۱ این مورد در توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، به این صورت بیان شده است: لمس نقطه، مدّ، تشدید، حرکات اعرابی، سکون و آنچه مربوط به مادّه یا هیأت کلمات قرآن می باشد، بدون وضو حرام است، ولی لمس علائم وقف و مانند آن اشکال ندارد.

همین طور، لمس حروفی که در قرآن خوانده نمی شود، ولی در نگارش عربی نوشته می شود، مانند حروف والی یا (الف) در قالوا و آمنوا، بدون وضو جایز نیست؛

«الف مقصوره» در کلماتی مانند «الرحمن» و «ألمن»، چنانچه به صورت «الرحمان یا لقمان» نوشته شود نیز حکم حروف قرآنی را دارد. (جلد 1، م 403)

^۲ محمدحسین فالّاح زاده، آموزش فقه، درس هشتم (موجبات، شکایات و مبطلات وضو)؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، مسائل 401، 403، 406؛ حضرت آقا، آموزش مصوّر احکام عبادات، ص 133 و 134 و 137 و أيضاً رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس هفدهم، ص 64 و أيضاً أجوبة الاستفتائات، ص

- مس خطوط قرآن با موی بدن، گرچه احتیاط مستحب ترک آن است؛ [البته مسّ خط قرآن بدون وضو با موهای کوتاهی که عرفاً تابع پوست بدن محسوب می شوند، جایز نیست.]
- مسّ از پشت شیشه یا پلاستیک (مانند لایه های پلاستیکی «یووی» و «سلفون») - اگر چه خطّ قرآن بر جسته باشد - ، که در واقع مسّ خطوط نیست؛
- مسّ ما بین حروف و فضای خالی درون حروف؛ مانند فضای «ح» «ن»؛
- مسّ ورق قرآن و حواشی بین سطور و جلد آن؛ گرچه مکروه است؛
- ترجمه قرآن به هر لغتی که باشد، مگر اسم خداوند.^۱

سؤال: نابینایان برای خواندن از خط برجسته‌ای به نام «بریل» که با لمس انگشتان خوانده می‌شود، استمداد می‌گیرند. می‌دانیم که این خط از نقاط ششگانه تشکیل شده است. با توجه به مطلب فوق، آیا بر نابینایان لازم است در موقع فراگیری قرائت قرآن، و در وقت لمس اسامی مقدّسه که با خط برجسته نوشته شده، وضو داشته باشند؟

آیت الله مکارم، آیت الله سیستانی: آری باید وضو داشته باشند، یا از دستکش‌های پلاستیکی نازک استفاده کنند.^۲

سؤال: آیا بر نابینایان لازم است قبل از دست گذاشتن بر نوشته‌ای، مطمئن شوند اسامی مقدّسه بر روی آن نوشته نشده است؟

آیت الله مکارم: تحقیق برای آنها لازم نیست.^۳

^۱ محمدحسین فلاح زاده ، آموزش فقه ، درس هشتم (موجبات ، شکایات و مبطلات وضو) ؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی ، مسائل 402 ، 405 ، 407 ؛ حضرت آقا ، آموزش مصوّر احکام عبادات ، ص 137.

^۲ آیت الله مکارم ، استفتائات جدید ، ج 3 ، ص 135 ؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی ، ج 1 ، م 406 ، پاورقی.

سؤال: نابینایان برای خواندن و نوشتن از خط برجسته ای معروف به خط بریل که با لمس انگشتان خوانده می‌شود، استفاده می‌کنند.

آیا بر نابینایان واجب است که هنگام فراگیری قرآن کریم که با خط برجسته بریل نوشته شده است، وضو داشته باشند یا خیر؟

حضرت آقا: اگر نقاط برجسته علامت حروف هستند ، حکم آن حروف را ندارند ولی اگر در نظر عرف آگاه بعنوان خط محسوب شوند در مسّ آنها رعایت احتیاط لازم است. (أجوبة الاستفتائات ، ص 151)

^۳ آیت الله مکارم ، استفتائات جدید ، ج 3 ، ص 136.

سؤال: آیا جلوگیری بچه و دیوانه از مسّ خطّ قرآن، واجب است؟

امام خمینی: جلوگیری بچه^۱ و دیوانه از مسّ خطّ قرآن واجب نیست، ولی اگر مسّ نمودن آنان بی احترامی به قرآن باشد، باید از آنان جلوگیری کنند.

آیت الله مکارم: هرگاه دیوانه یا بچه ای بدون وضو دست به خطّ قرآن می زند جلوگیری او واجب نیست، اما اگر کاری کنند که بی احترامی به قرآن باشد باید از آنها جلوگیری کرد.

آیت الله سیستانی: حکم حرام بودن مسّ خطّ قرآن، مخصوص افراد مکلف است. بنابراین، جلوگیری بچه و دیوانه از مسّ خطّ قرآن واجب نیست؛ ولی اگر مسّ نمودن آنان بی احترامی و هتک حرمت قرآن باشد - مثل اینکه سبب نجس شدن خطّ قرآن به عین نجاست شود - باید از آن جلوگیری کنند و این حکم، نسبت به سایر اموری که هتک محسوب می شود، مانند پاره کردن یا نشستن روی قرآن نیز جاری است؛ اما دادن قرآن به اطفال برای آموزش و مانند آن بی اشکال است، هر چند بدانند اطفال بدون وضو آن را مسّ می کنند، بلکه سبب شدن در مسّ خطّ قرآن توسط اطفال، مثل اینکه دست طفل را گرفته و بر خطّ قرآن قرار دهد، در صورتی که هتک نباشد، جایز است.^۲

سؤال: آیا مسّ اسم خداوند و ائمه معصومین - علیهم السلام - بدون طهارت، اشکال دارد؟

حضرت آقا: بهتر است از مسّ اسماء جلاله و اسامی انبیاء و معصومین - علیهم السلام - و القاب و کنیه آنها بدون وضو اجتناب شود.^۳

^۱ منظور از بچه، نابالغ می باشد اعم از ممیز و غیر ممیز. (پرسش از سامانه پیامکی حرم مطهر)

^۲ توضیح المسائل امام خمینی، م 318؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 339؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 408 این مسأله در توضیح المسائل ایشان، م 317 به این صورت بیان شده است: "جلوگیری بچه و دیوانه از مسّ خطّ قرآن واجب نیست، ولی اگر مسّ نمودن آنان بی احترامی به قرآن باشد، باید از آنان جلوگیری کنند."

توجه: به احتمال قوی این سه نظر یکی باشد. زیرا احتمالاً محلّ بحث، هتک حرمت باشد. لذا هر آنچه که نسبت به قرآن کریم هتک حرمت نباشد، ایرادی ندارد و جلوگیری از آن واجب نیست و عکس آن، ایراد دارد و جلوگیری از آن، واجب است. پس نفس مسّ خطّ قرآن برای بچه و دیوانه در حالیکه وضو ندارند - چنانچه هتک حرمت محسوب شود، جلوگیری واجب است و اگر هتک حرمت محسوب نشود، جلوگیری واجب نیست. همچنین اموری غیر مسّ خطّ قرآن، چنانچه هتک حرمت محسوب شود مانند پاره کردن قرآن، یا انداختن آن، و یا نجس کردن آن و ... جلوگیری واجب است، و اموری غیر از مسّ، اگر هتک حرمت محسوب نشود جلوگیری واجب نیست. (مؤلف)

^۳ پرسش از سامانه پیامکی حرم مطهر.

امام خمینی: کسی که وضو ندارد، حرام است اسم خداوند متعال را به هر زبانی نوشته شده باشد مسّ نماید. و همچنین است بنا بر احتیاط واجب مسّ اسم مبارک پیغمبر و امام و حضرت زهرا - علیهم السّلام - .

آیت الله مکارم: کسی که وضو ندارد حرام است اسم خداوند متعال را که به هر زبانی نوشته شده باشد مسّ نماید (بنا بر احتیاط واجب) و مسّ اسم مبارک پیامبر و ائمه هدی و حضرت زهرا - علیهم السّلام - نیز اگر هتک حرمت و بی احترامی باشد حرام است.

آیت الله سیستانی: کسی که وضو ندارد، بنا بر احتیاط لازم جایز نیست اسم ذات خداوند متعال را به هر زبانی که نوشته شده باشد (الله، خدا، GOD) با بدنش لمس کند و همین طور است لمس صفات مخصوص الهی به هر زبانی که نوشته شده باشد.

توضیح مطلب در مورد لمس صفات الهی، از این قرار است:

نوع اول: بعضی از صفات برای غیر خداوند متعال به کار برده نمی شود، مانند «الرّحمن» و نیز برخی از صفات، دلالت بر خصوصیتی دارند که تنها خداوند سبحان، آن خصوصیت و ویژگی را دارد، مانند «مقلب القلوب»؛ لمس این موارد، بنا بر احتیاط واجب، بدون وضو جایز نیست.

توجه: این مسأله ، نظر جدید حضرت آقا می باشد. و نظر قبلی ایشان از این قرار است: تماس بدن با اسم ذات . مانند الله . و اسم صفات مخصوص خداوند . مانند رزاق و خالق . بدون وضو حرام است . و تماس با اسامی و القاب پیامبر و ائمه و حضرت زهرا علیهم السّلام برای شخص بی وضو بنا بر احتیاط واجب حرام است . (آموزش مصور ، ص 135 و 136)

نکته: سؤال: در صورت عوض شدن یا اشتباه جواب دادن فتوای مجتهد، وظیفه پاسخگو چیست؟

امام خمینی: اگر کسی فتوای مجتهدی را به دیگری بگوید ، چنانچه فتوای آن مجتهد عوض شود لازم نیست به او خبر دهد که فتوی عوض شده ولی اگر بعد از گفتن فتوی بفهمد اشتباه کرده در صورتی که ممکن باشد باید اشتباه را برطرف کند. (توضیح المسائل امام خمینی ، م 13)

حضرت آقا: در تصدی نقل فتوای مجتهد و بیان احکام شرعی ، اجازه داشتن شرط نیست ، ولی کسی که دچار خطا و اشتباه می شود ، اگر در موردی اشتباه کرد ، چنانچه متوجه اشتباه خود شد ، بر او واجب است شنونده را از آن اشتباه آگاه نماید. به هر حال ، بر مستمع جایز نیست تا اطمینان به صحّت گفتار گوینده پیدا نکرده ، به نقل او عمل کند. (أجوبة الاستفتائات ، ص 28)

آیت الله مکارم: هرگاه کسی در نقل فتوای مجتهدی اشتباه کرده ، بعد از اطلاع ، باید صحیح آن را بگوید ، و اگر در منبر و سخنرانی گفته باید آن را در جلسات مختلف تکرار کند تا کسانی که به اشتباه افتاده اند از اشتباه درآیند ، اما اگر فتوای آن مجتهد تغییر کرده ، اعلام تغییر بر او لازم نیست. (توضیح المسائل آیت الله مکارم ، م 15)

آیت الله سیستانی: اگر کسی فتوای مجتهدی را به شخص دیگری بگوید ، چنانچه فتوای آن مجتهد عوض شود ، لازم نیست به او خبر دهد که فتوای آن مجتهد عوض شده است ؛ ولی اگر بعد از گفتن فتوی بفهمد اشتباه کرده و گفته او موجب آن می شود که آن شخص برخلاف وظیفه شرعی اش عمل کند ، باید بنا بر احتیاط لازم ، اشتباه را در صورت امکان برطرف کند. (توضیح المسائل جامع ، ج 1 ، م 18 و أيضاً توضیح المسائل ایشان ، م 11)

نوع دوّم: بعضی از صفات، معنایش به گونه ای است که غیر خداوند متعال هم می تواند آن ویژگی را داشته باشد و در مورد غیر خدای متعال هم به کار می رود؛ این صفات، دو دسته است:

الف. صفاتی که غالباً برای خداوند متعال به کار می رود، طوری که اگر مطلق و بدون توضیح یا نشانه ای ذکر شود، برداشت می شود که منظور از آن، خداوند متعال می باشد، مانند «ربّ» و «خالق»؛ این صفات اگر بدون نشانه، ذکر شود یا نشانه ای در کلام و عبارت باشد که مشخص کند منظور از آن خداوند متعال است، بنابر احتیاط واجب، لمس آن بدون وضو جایز نیست؛ در غیر این دو صورت، لمس این گونه صفات، بدون وضو جایز است.

ب. صفاتی که برای خداوند متعال و غیر او به کار می رود، طوری که وقتی بدون توضیح و نشانه باشد، معلوم نیست منظور از آن، خداوند متعال است یا غیر او، مانند «رحیم» و «عظیم»؛ لمس این صفات، چنانچه نشانه ای در آن نوشتار باشد که بفهماند منظور از آن، خداوند متعال است، بنابر احتیاط واجب جایز نیست؛ ولی اگر چنین نشانه ای نباشد، چه اینکه بدون نشانه باشد، یا اینکه نشانه ای باشد که بفهماند منظور از آن، خداوند متعال است، لمس آن اشکال ندارد.

احتیاط مستحبّ است که فرد، اسم مبارک پیامبر و امامان - علیهم السّلام - و حضرت زهرا - سلام الله علیها - را هم بدون وضو لمس ننماید.¹

سؤال: هر روزه هزاران اسمای متبرکّ پس از استفاده، در قصّابی‌ها و اغذیه‌فروشی‌ها به سطل‌های زباله و مکان‌های ناپاک ریخته و یا زیر دست و پا می‌افتد. آیا مسئولان روزنامه‌ها که این اسمای متبرکّ را چاپ می‌کنند مسئول هستند؟ در صورت مسئول بودن، آیا نباید آنها را امر به معروف و نهی از منکر نمود؟²

¹ توضیح المسائل امام خمینی، م 319؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 416 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 318؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 340.

² چند استفتاء دیگر از آیت الله مکارم:

سؤال: تمبرهایی وجود دارد که مزین به آیاتی از قرآن شده، و در طول روز افراد زیادی آن را بدون وضو لمس می‌کنند، و حتّی برخی از آنها در خارج از کشور مورد لمس کفار قرار می‌گیرد. نمونه‌های دیگری مزین به جملاتی مانند «مُحَمَّدٌ رَسُوْلُ اللهِ» یا «الله اکبر» یا مثل آن است. آیا چاپ چنین تمبرهایی کار صحیحی است؟

جواب: باید توجه داشته باشید که در عصر پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - ، یا ائمه هدی - علیهم السلام - سگهایی وجود داشته که «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»* و «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» بر آن منقوش بوده ، و مردم همه روز به آن دست می‌زدند. وجود چنین تمبرها یا سگههایی سبب ترویج اسلام و قرآن است. منتها مردم وظیفه دارند که بدون وضو دست بر آن نزنند. ما وظیفه داریم از این طریق شعائر اسلام را تبلیغ کنیم ، مردم هم وظیفه خاص خود را دارند. (استفتائات جدید ، ج 3 ، س 137)

سؤال: اگر سگ ده تومانی که اسم شریف امام رضا (علیه السلام) روی آن نقش بسته است ، در دستشویی بیفتد و نتوان آن را بیرون آورد ، وظیفه چیست ؟

جواب: باید آن دستشویی را تخلیه کند و سگ را بیرون آورد ، و اگر این کار امکان ندارد ، باید آن دستشویی را بسته و در جای دیگر دستشویی بسازند. (استفتائات جدید ، ج 2 ، س 69)

سؤال: اگر حیوان حلال گوشتی صفحه‌ای از قرآن را بلعد ، وظیفه صاحب آن چیست ؟ آیا ذبح آن واجب است ؟

جواب: اگر طوری جویده باشد که صورت قرآن کاملاً محو شده است وظیفه‌ای ندارد ؛ ولی اگر اوراق قرآن به حال خود باقی است ، باید وقتی که از شکم او بیرون آمد آن را تمیز کند ، ولی ذبح آن حیوان واجب نیست. (استفتائات جدید ، ج 2 ، س 70)

سؤال: به موجب فتاوی کلیه علمای اعلام و آیات عظام لیس و تماس بدن با خط قرآن برای کسی که وضو نداشته باشد حرام است ، آیا این فتوا بین مؤمنین و قرآن فاصله ایجاد نمی‌کند ؟ آیا بنده مؤمن متعبد تارك الكبائر به علت نداشتن وضو از لمس قرآن ممنوع است ، در حالی که بنده عاصی به علت داشتن وضو می‌تواند قرآن را لمس کند ؟ آیا وضو ، بنده عاصی را جزء مطهرون و مؤمن را خارج از آن قرار می‌دهد ؟

جواب: دست زدن به جلد و کاغذ قرآن برای کسانی که وضو ندارند اشکالی ندارد ، فقط دست روی خط قرآن نباید بگذارند ، خواندن قرآن نیز با وضو و بی‌وضو هر دو ثواب دارد ، هر چند با وضو بهتر است ، بچه‌ها را نیز نباید از دست زدن به قرآن نهی کرد ؛ بلکه باید آنها را به قرآن آشنا کنید ؛ حتی اگر دست روی خطوط قرآن بگذارند برای بچه‌های نابالغ اشکالی ندارد ؛ اقا باید به آنها توجه داد که احترام قرآن را حفظ کنند. (استفتائات جدید ، ج 2 ، س 73)

سؤال: در صورتی که خطوط قرآن ، یا صفحه‌ای از آن ، در اثر آفتاب و یا باران از بین رفته و قابل خواندن نباشد و فقط مقداری از سیاهی خطوط معلوم باشد ، آیا در موقع لمس و مس آن ، حکم قرآن جاری می‌شود ؟

جواب: این سیاهی حکم قرآن را ندارد. (استفتائات جدید ، ج 2 ، س 74)

سؤال: اسامی متبرکه ، اعم از اسماء الله و اسمای ائمه اطهار (علیهم السلام) ، که زیر دست و پا می‌افتد چه حکمی دارد ؟ و جهت رفع این مشکل چه راه حلی پیشنهاد می‌شود ؟

جواب: احترام آنها باید حفظ شود ؛ بهترین راه همان است که در بعضی از مراکز انتخاب شده است ، که ظرف یا محلی برای نگهداری این گونه اسما و کلمات در نظر گرفته شود و بعد از چند مدت محتوای آن را ، یا در گوشه‌ای از بیابان دفن می‌کنند ، یا در رودخانه‌ای می‌ریزند ، و یا به مراکزی می‌دهند که آنها را خمیر کرده ، برای کارتن از آن استفاده می‌کنند. (استفتائات جدید ، ج 2 ، س 76)

سؤال: آیا سوزاندن آیات قرآن و اسامی مبارکه ائمه معصومین (علیهم السلام) که در روزنامه‌هاست جایز می‌باشد ؟

جواب: جایز نیست ؛ برای محو آنها راههای صحیحی وجود دارد که بیان کرده‌ایم. (استفتائات جدید ، ج 2 ، س 81)

سؤال: آیا سوزاندن یا انداختن اسامی از قبیل «خیابان امام رضا» ، «میدان امام حسین» ، «مسجد موسی بن جعفر» از نظر شرعی حرام است ؟

جواب: در صورتی که نامهای معصومین - علیهم السلام - روی آن نوشته شده باشد ، احترام آنها لازم است. (استفتائات جدید ، ج 3 ، س 129)

سؤال: پاره کردن کاغذی که اسم باری تعالی بر روی آن نوشته شده باشد چه حکمی دارد ؟ در صورتی که قصد بی‌احترامی یا توهین نباشد ؟

جواب: لازم نیست قصد بی‌احترامی کند ، این کار خود بی‌احترامی است ؛ مگر این که منظورش این باشد که آن را از صورت اسم باری تعالی درآورد تا بعداً مورد بی‌احترامی قرار نگیرد. (استفتائات جدید ، ج 2 ، س 83)

آیت الله مکارم: مسئولین مطبوعات در این زمینه مسؤلیتی ندارند. آنها برای نشر اسلام و مسائل دینی ناچار از این کار هستند و هرگز نباید به این بهانه‌ها، آیات الهی و روایات و نام خدا را از نظرها محو کرد؛ ولی مردم در مورد حفظ آنها مسؤلیت دارند. در زمان معصومین - علیهم السلام - اسم خداوند و پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله - روی سگه‌ها بوده و سبب تعظیم شعائر می‌شده و کسی از آن نهی نمی‌کرده است.

حضرت آقا: هر چند ممکن است روزانه هزاران مورد از اسمای مقدسی که در مطبوعات چاپ می‌شود، پس از استفاده در جای مناسبی قرار داده نشود یا بر زمین بیفتد، با این حال نوشتن آیات قرآن یا اسم خداوند در روزنامه‌ها و مجلات اشکال ندارد، اما همه افراد باید مراقب باشند بدون وضو لمس نکنند و بی احترامی به آنها نیز نشود.^۱

^۱ آیت الله مکارم، استفتائات جدید، ج ۲، ص ۶۸؛ حضرت آقا، آموزش مصوّر احکام عبادات، ص ۱۳۷.

چند استفتاء از حضرت آقا:

سؤال: استفاده از تمبرهای پستی که بر روی آنها آیات قرآنی چاپ شده است، و یا چاپ لفظ جلاله و اسماء خداوند عزوجل و آیا قرآنی و یا چاپ آرم مؤسساتی که مشتمل بر آیاتی از قرآن کریم است، در روزنامه‌ها و مجلات و نشریاتی که همه روزه منتشر می‌شوند، چه حکمی دارد؟

جواب: طبع و نشر آیات قرآنی و اسمای جلاله و امثال آن اشکال ندارد، ولی به کسی که به دستش می‌رسد، واجب است که احکام شرعی آنها را رعایت نماید و از بی احترامی و نجس کردن و مسّ بدون وضوی آنها خودداری کند. (أجوبة الاستفتائات، ص ۱۵۹)

سؤال: در بعضی از روزنامه‌ها اسم جلاله یا آیات قرآنی نوشته می‌شود، آیا بیچاندن غذا با آنها، یا نشستن بر آنها و یا استفاده از آنها به جای سفره و یا انداختن آنها در زباله، با توجه به مشکل بودن استفاده از راه‌های دیگر، جایز است یا خیر؟

جواب: استفاده از این روزنامه‌ها در مواردی که از نظر عرف، بی احترامی شمرده شود جایز نیست و اگر بی احترامی محسوب نشود اشکال ندارد. (أجوبة الاستفتائات، ص ۱۶۰)

سؤال: آیا مسّ نقش کلمات روی انگشترها، جایز است؟

جواب: اگر از کلماتی باشد که شرط جواز مسّ آن طهارت است، مسّ آن بدون طهارت جایز نیست. (أجوبة الاستفتائات، ص ۱۶۱)

سؤال: انداختن چیزی که مشتمل بر نام‌های خداوند است در نهرها و جوی‌ها چه حکمی دارد؟ آیا این عمل اهانت محسوب می‌شود؟

جواب: اگر انداختن آنها در نهرها و جویبارها از نظر عرف اهانت محسوب نشود، اشکال ندارد. (أجوبة الاستفتائات، ص ۱۶۲)

سؤال: آیا هنگام انداختن اوراق امتحانی تصحیح شده در زباله یا آتش زدن آنها، باید اطمینان حاصل شود که نامه‌های خداوند و اسمای معصومین - علیهم السلام - در آنها نباشد؟ آیا دور انداختن اوراقی که در یکی از دو طرف آن چیزی نوشته نشده است، اسراف محسوب می‌شود یا خیر؟

جواب: فحص و بررسی لازم نیست و هنگامی که وجود اسماء جلاله در ورقه احراز نشود، انداختن آن در زباله اشکال ندارد. اما اوراقی که امکان استفاده از آن در صنعت کارتن‌سازی و مانند آن وجود دارد و یا بر یک طرف آن نوشته شده است و طرف دیگر آن قابل استفاده برای نوشتن است، سوزاندن و دور انداختن آنها به علت وجود شبهه اسراف، خالی از اشکال نیست. (أجوبة الاستفتائات، ص ۱۶۳)

سؤال: روش های از بین بردن و إمحاء اسماء متبرکه را بیان نمایید.

- داخل آب روان بیندازیم به شرطی که بی احترامی نشود.
- داخل چاهی که غیر قابل استفاده است و استفاده نخواهد شد بیندازیم.
- داخل ظرف آبی بگذاریم تا به مرور زمان نوشته ها پاک شوند.
- دفن کرن آنها در جایی که بی احترامی به آنها نشود.
- خمیر کردن آنها در صورتی که بی احترامی نشود.
- دادن به بازیافت اگر اطمینان به عدم هتک حرمت است، اشکال ندارد و گرنه راه خوبی نیست.^۱

سؤال: آیا اگر شخصی مثلاً ساعت هشت صبح برای نماز ظهر وضو بگیرد، صحیح است؟

امام خمینی و حضرت آقا: اگر پیش از وقت نماز به قصد اینکه با طهارت باشد وضو بگیرد^۲ یا غسل کند صحیح است و نزدیک وقت نماز^۳ هم اگر به قصد مَهیّا بودن برای نماز وضو بگیرد اشکال ندارد.

آیت الله سیستانی: وضو هر وقت بگیرد، چه قبل از وقت نماز - نزدیک به آن یا با فاصله - و چه بعد از داخل شدن وقت، اگر به قصد یکی از مواردی که به سبب آن وضو گرفته می شود مانند نماز، لمس خطّ قرآن یا با طهارت بودن یا هر انگیزه دیگری که به قصد قربت باشد، صحیح است. بنابراین، اگر کسی اوّل صبح برای نماز

سؤال: راههای شرعی محو کردن اسماء مبارک و آیات قرآنی هنگام نیاز کدامند؟ سوزاندن اوراقی که در آن اسم جلاله و آیات قرآنی نوشته شده است، هنگام ضرورت برای حفظ اسرار چه حکمی دارد؟

جواب: دفن آنها در خاک و یا تبدیل آنها به خمیر به وسیله آب اشکال ندارد. ولی جواز سوزاندن آنها مشکل است و اگر بی احترامی محسوب شود، جایز نیست، مگر در صورتی که اضطرار اقتضاء کند و جدا کردن آیات قرآنی و نام های مبارک امکان نداشته باشد. (أجوبة الاستفتاءات، ص 165)

سؤال: قطعه قطعه کردن اسماء مبارکه و آیات قرآنی به مقدار زیاد به طوری که حتّی دو حرف آنها به هم متصل نمانده، و غیر قابل خواندن شوند، چه حکمی دارد؟ آیا در محو کردن اسماء مبارکه و آیات قرآنی و ساقط شدن حکم آنها، تغییر صورت خطّی آنها با حذف و اضافه کردن حروف، کافی است؟

جواب: تقطیع به نحو مذکور اگر بی احترامی محسوب شود جایز نیست و در غیر این صورت نیز اگر موجب محو نوشته لفظ جلاله و آیات قرآنی نشود، کافی نیست، همچنان که تغییر صورت خطّی کلمات با اضافه یا کم کردن بعضی حروف نیز باعث زوال حکم شرعی حروفی که به قصد نوشتن لفظ جلاله به کار رفته اند، نمی شود. بلی، زوال حکم بر اثر تغییر حروف به نحوی که ملحق به محو حروف گردد، بعید نیست، هرچند احتیاط، اجتناب از مسّ آن بدون وضو است. (أجوبة الاستفتاءات، ص 166)

¹ حکیم زاده، سید مرتضی، احکام قبل از منبر، جلد اوّل، ص 61.

² حضرت آقا: وضو به قصد با طهارت بودن، از نظر شرعی مستحب و مطلوب است و خواندن نماز با وضوی مستحب جایز است. (أجوبة الاستفتاءات، ص 122 و أيضاً رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس هفدهم، ص 64)

³ ملاک صدق عرفی نزدیکی وقت نماز است. (أجوبة الاستفتاءات، ص 110 و أيضاً رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس هفدهم، ص 64)

ظهر وضو بگیرد، اشکال ندارد. همین طور، اگر برای نماز ظهر و عصر وضو بگیرد، در صورتی که وضویش باطل نشود، می تواند نماز مغرب و عشاء را با آن بخواند.

آیت الله مکارم: مستحب است انسان برای این که با طهارت باشد وضو بگیرد، خواه نزدیک وقت نماز باشد یا نه؛ و با آن وضو، می تواند نماز بخواند.¹

سؤال: شخصی برای رفتن به حرم امام رضا - علیه السلام - وضو گرفته است، آیا می تواند با این وضو نماز بخواند؟

امام خمینی: مستحب است انسان برای نماز میت و زیارت اهل قبور و رفتن به مسجد و حرم امامان - علیهم السلام - وضو بگیرد، و همچنین برای همراه داشتن قرآن و خواندن و نوشتن آن و نیز برای مس حاشیه قرآن و برای خوابیدن، وضو گرفتن مستحب است، و نیز مستحب است کسی که وضو دارد دوباره وضو بگیرد²، و اگر برای یکی از این کارها وضو بگیرد هر کاری را که باید با وضو انجام داد، می تواند به جا آورد مثلاً می تواند با آن وضو نماز بخواند.

حضرت آقا: مستحب است انسان در همه حال با وضو باشد مخصوصاً در هنگام ورود به مسجد و مشاهده مشرفه و تلاوت قرآن و هنگامی که می خواهد بخوابد و بعضی اوقات دیگر.

¹ توضیح المسائل امام خمینی، م 320؛ حضرت آقا، آموزش مصور احکام عبادات، ص 124 و أيضاً أجوبة الإستفتاءات، س 110 و 119 و 122 و أيضاً رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس هفدهم، ص 64؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 350 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 319؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 341.

نکته: با توجه به فرمایش آیت الله مکارم، همچنان این سؤال باقیست که: آیا می شود فردی مثلاً ساعت هشت صبح برای نماز ظهر وضو بگیرد؟ یا اینکه باید وقت داخل شده یا نزدیک باشد؟

جواب: در هر زمانی می تواند وضو را به نیت طهارت بگیرد و تا زمانی که وضو دارد می تواند با آن هر نمازی بخواند اما احتیاط آن است که اگر به نیت نماز واجب وضو می گیرد، نزدیک وقت نماز باشد (مثلاً 10 الی 15 دقیقه قبل از اذان). (پرسش پیامکی از دفتر معظم له)

² نکته: امام خمینی می فرماید: "يستحب للمتوضي أن يجدد وضوءه، والظاهر جوازُهُ ثالثاً و رابعاً فصاعداً، ولو تبين مصادفته للحدث يرتفع به على الأقوى، فلا يحتاج إلى وضوء آخر". (تحریر الوسيلة، ج 1، فصل غایات الوضوء، ص 33، م 2)

مستحب است کسی که وضو دارد تجدید وضو کند و ظاهر این است که برای سومین و چهارمین بار و بیشتر تجدید وضو جایز است. و اگر به قصد تجدید، وضو گرفت و بعد معلوم شد که وضو نداشته است، اقوا این است که همان وضو رافع حدث است و احتیاج به وضوی دیگری نیست.

آیت الله مکارم: وضو گرفتن در چند جا مستحب است: برای خواندن قرآن، برای نماز میّت، و برای دعا و مانند آن؛ و نیز مستحب است کسی که وضو دارد برای خواندن نماز، تجدید وضو کند؛ و هرگاه به قصد یکی از این کارها وضو بگیرد تمام کارهایی را که مشروط به وضو است می تواند انجام دهد.

آیت الله سیستانی: مستحب است انسان برای این که با طهارت باشد وضو بگیرد و کسی که وضو دارد مستحب است برای هر نماز دوباره وضو بگیرد، خصوصاً برای صبح و مغرب.

بعضی از فقهاء - رضوان الله تعالی علیهم - فرموده اند: "مستحب است انسان برای نماز میّت، و زیارت اهل قبور، و رفتن به مسجد و حرم امامان - علیهم السّلام - ، و برای همراه داشتن قرآن و خواندن و نوشتن آن، و مس حاشیة قرآن، و برای خوابیدن وضو بگیرد". ولی مستحب بودن وضو در این موارد ثابت نیست. البته اگر به احتمال مستحب بودنش وضو بگیرد، وضویش صحیح است و می تواند با آن وضو، هر کاری که باید با وضو انجام شود را به جا آورد، مثلاً می تواند با آن وضو نماز بخواند. بنابراین، کسی که برای خواندن قرآن یا لمس حاشیة قرآن وضو گرفته و وضویش تا هنگام نماز باقی است، می تواند با همان وضو نماز بخواند.¹

مُبْطَلَاتِ وَضُو

سؤال: چیزهایی که وضو را باطل می کند (مُبْطَلَاتِ وَضُو) را بیان کنید.

امام خمینی، حضرت آقا: هفت چیز وضو را باطل می کند:²

آیت الله سیستانی و آیت الله مکارم: هشت چیز وضو را باطل می کند.

¹ توضیح المسائل امام خمینی ، م 322 ؛ حضرت آقا ، رساله آموزشی ، ج 1 (احکام عبادات) ، درس هفدهم ، ص 64 ؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی ، ج 1 ، م 352 و أيضاً توضیح المسائل ایشان ، م 321 ؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم ، م 343 .

² مبطلات وضو در تحریر الوسیلة امام خمینی ، شش چیز بیان شده است .

"الأحداث الناقضة للوضوء و الموجبة له امور:

الأول والثاني: خروج البول وما في حكمه كالبلل المشتهبه قبل الاستبراء، وخروج الغائط من الموضع الطبيعي، أو من غيره مع انسداد الطبيعي أو بدونه؛ كثيراً كان أو قليلاً ولو بمصاحبة دود أو نواة مثلاً. الثالث: خروج الريح عن الذُبُر إذا كان من المعدة أو الأمعاء؛ سواء كان له صوت ورائحة أم لا.

ولا عبارة بما يخرج من قُبَل المرأة ولا بها لا يكون من المعدة أو الأمعاء، كما إذا دخل من الخارج ثم خرج. الرابع: النوم الغالب على حاستي السمع والبصر. الخامس: كل ما أزال العقل، مثل الجنون والإغماء و السكر ونحوها.

السادس: الاستحاضة القليلة و المتوسطة، بل الكثيرة على الأحوط و إن أوجبتا الغسل أيضاً". (تحریر الوسیلة ، ج 1 ، فصل فی نواقض الوضوء و موجباته ، م 1)

اول: خارج شدن بول (ادرار)؛

آیت الله سیستانی: و در حکم بول است ظاهراً بلل مشتبهی که از انسان بعد از بول و قبل از استبراء خارج می شود.¹

دوم: خارج شدن غائط (مدفوع)؛

سوم: باد معده و روده که از مخرج غائط خارج شود؛

چهارم: خوابی که بواسطه آن چشم نبیند و گوش نشنود، ولی اگر چشم نبیند و گوش بشنود وضو باطل نمی شود.

پنجم: چیزهایی که عقل را از بین می برد، مانند دیوانگی و مستی و بیهوشی؛
آیت الله مکارم: بنا بر احتیاط واجب

ششم: استحاضه زنان؛

هفتم: کاری که برای آن باید غسل کرد مانند جنابت، حیض، مس میت .

آیت الله سیستانی: هفتم: جنابت؛

حدث هائی که وضو را باطل کرده و موجب وضو می شوند ، چند چیز است:

اول و دوم: بیرون آمدن بول و آنچه در حکم آن است مانند رطوبت مشتبهی که قبل از استبراء بیرون می آید و بیرون آمدن غائط از مخرج طبیعی یا از غیر آن ، چه مخرج طبیعی مسدود باشد ، چه نباشد غائط زیاد باشد یا کم اگر چه همراه گرم یا مثلاً هسته ای خارج شود سوم: بیرون آمدن باد از دبر اگر از معده یا روده ها باشد ، چه صدا و بو داشته باشد ، چه نداشته باشد ، ولی بادی که از قبل زن خارج می شود و بادی که از معده و یا روده ها نباشد (هر چند از دبر خارج شود) مثل اینکه بادی از بیرون داخل شده سپس خارج گردد ، وضو را باطل نمی کند چهارم: خوابی که بر حس بینائی و شنوائی چیره شود پنجم: هر چیزی که عقل را از بین ببرد مانند دیوانگی ، بیهوشی ، مستی و مانند اینها ششم: استحاضه قلیله و متوسطه بلکه بنا بر احتیاط واجب استحاضه کثیره (نیز وضو را باطل می کند) ، هر چند استحاضه کثیره و متوسطه موجب غسل هم می باشد. (ترجمه تحریر الوسيلة ، ج 1 ، مبحث نواقض و موجبات وضو ، م 1)

¹ البته این دنباله ای که آیت الله سیستانی بیان فرمودند ، فتوای سه مرجع دیگر هم می باشد. لکن در جاهای دیگری متذکر این مسأله شده اند. مانند:

امام خمینی: اگر شك کند که وضوی او باطل شده یا نه ، بنا می گذارد که وضوی او باقی است ، ولی اگر بعد از بول استبراء نکرده و وضو گرفته باشد و بعد از وضو رطوبتی از او بیرون آید که نداند بول است یا چیز دیگر ، وضوی او باطل است. (توضیح المسائل امام خمینی ، م 300)

حضرت آقا: اگر بعد از ادرار ، استبراء نکند و وضو بگیرد و پس از وضو ، رطوبتی از او خارج شود که نداند ادرار است یا چیزی دیگر ، وضوی او باطل است و همچنین آن رطوبت در حکم بول بوده و نجس است. (آموزش مصور احکام عبادات ، ص 128)

آیت الله مکارم: فایده استبراء از بول این است که ، مجرا را از بول پاک می کند ، یعنی اگر آب مشکوکی بعد از آن خارج شود پاک است و وضو را هم باطل نمی کند ، اما اگر استبراء نکرده باشد وضو را اعاده کند و محل را بشوید. (توضیح المسائل آیت الله مکارم ، م 80)

آیت الله مکارم : هشتم : مسّ میّت انسان ^۱ .

آیت الله سیستانی : هشتم: حیض ^۱ . ^۲

^۱ سؤال: در مسأله 344 توضیح المسائل آیت الله مکارم، مورد هشتم آمده: "یکی از مبطلات وضو، مسّ میّت انسان است".

منظور، فقط بعد از سرد شدن است یا اعمّ از قبل و بعد از سرد شدن می باشد؟ زیرا مسّ میّت انسان بعد از سرد شدن، در مورد هفتم یعنی کاری که برای آن باید غسل کرد، داخل است و حال آنکه دوباره در مورد هشتم ذکر شده است؟

جواب: منظور بعد از سرد شدن و قبل از غسل می باشد. (پرسش پیامکی از دفتر معظّم له)

اما اگر مراد بعد از سرد شدن و قبل از غسل باشد، باز هم این سؤال باقیست که چرا به صورت جداگانه بیان شده است در حالیکه مورد هفتم (یعنی کاری که برای آن باید غسل کرد)، شامل مسّ میّت می شد؟

پیرامون پاسخ به این سؤال، می شود احتمالاتی داد:

احتمال اول: متابعت از رساله های گذشته؛ این احتمال صحیح نمی باشد، زیرا گویا رسائل مراجع بر اساس توضیح المسائل آیت الله العظمی بروجردی تنظیم شدند و در توضیح المسائل ایشان، مسّ میّت را به صورت جداگانه مرقوم نفرمودند:

آیت الله العظمی بروجردی: هفت چیز وضو را باطل می کند: اول: بول. دوم: غائط. سوم: باد معده و روده که از مخرج غائط خارج شود. چهارم: خوابی که به واسطه آن چشم نبیند و گوش نشنود، ولی اگر چشم نبیند و گوش بشنود وضو باطل نمی شود. پنجم: چیزهایی که عقل را از بین می برد، مانند دیوانگی و مستی و بیهوشی. ششم: استحاضه زنان، که بعداً گفته می شود. هفتم: کاری که برای آن باید غسل کرد مانند جنابت. (توضیح المسائل آیت الله بروجردی، م 329)

احتمال دوم: به خاطر تأکید بر این امر بوده که مسّ میّت از مبطلات وضو نیز می باشد؛ می تواند صحیح باشد؛ زیرا بعضی از مراجع در خصوص مسّ میّت احتیاط کردند.

مسأله: هفت چیز (۱) وضو را باطل می کند: اول: بول (۲). دوم: غائط. سوم: باد معده و روده که از مخرج غائط خارج شود. (۳) چهارم: خوابی که به واسطه آن چشم نبیند و گوش نشنود، ولی اگر چشم نبیند و گوش بشنود وضو باطل نمی شود. (۵) پنجم: چیزهایی که عقل را از بین می برد، مانند دیوانگی و مستی و بی هوشی. (۶) ششم: استحاضه زنان، که بعداً گفته می شود. هفتم: کاری که برای آن باید غسل کرد مانند جنابت (۷).

(۱) مکارم: هشت چیز..

(۲) بهجت: و در حکم بول است رطوبتی که انسان نداند بول است یا نه اگر قبل از استبراء کردن از او خارج شود..

سیستانی: و در حکم بول است ظاهراً بلل مشتبهی که از انسان بعد از بول و قبل از استبراء خارج می شود..

(۳) بهجت: و یا از غیر مخرج، اگر این عنوان بر آن، صدق نماید..

(۴) مکارم: خوابی که بر عقل غلبه کند و به واسطه آن..

(۵) بهجت: و هم چنین است اگر گوش هم نشنود ولی نخواهید باشد، مثل این که به ادامه فکر سابق مشغول باشد..

(۶) مکارم: بنا بر احتیاط واجب..

(۷) گلپایگانی، صافی: و حیض و نفاس. و حکم مسّ میّت در جای خود گفته می شود.

زنجانی: و حیض. و باطل شدن وضو در مسّ میّت بنا بر احتیاط است.

فاضل: و ثبوت این حکم در مثل مسّ میّت مبنی بر احتیاط است.

نکته: با عارض شدن مبطلات وضو، کودک نابالغ هم (همانند افراد بالغ) محدث می شود (یعنی وضویش باطل می شود).^۳

سؤال: حکم شک در موارد زیر را بیان نمایید.

1. شک در اصل وضو^۴:

الف. قبل از نماز: باید وضو بگیرد.

ب. در بین نماز:

امام خمینی، حضرت آقا: نماز او باطل است و باید وضو بگیرد و نماز را بخواند.

آیت الله سیستانی: بنابر احتیاط واجب نمی تواند به آن نماز اکتفاء کند و باید وضو گرفته و نماز را دوباره بخواند و احتیاط مستحب است نماز را رها نکند، بلکه آن را تمام کند، سپس به دستوری که ذکر شد رفتار نماید.

آیت الله مکارم: بنابر احتیاط واجب نماز را تمام کند و بعد از آن وضو بگیرد و اعاده نماید.

مکارم: [و] هشتم: مسّ میّت انسان.

خوئی، سیستانی: هفتم: جنابت بلکه بنا بر احتیاط مستحب هر کاری که برای آن باید غسل کرد. [مبطلات وضو در توضیح المسائل جامع ایشان، هشت مورد بیان شده است؛ (مؤلف)]

بهجت: هفتم: جنابت و بنا بر احوط مسّ میّت، اگر غسل برای آن کافی نبوده و نیاز به وضو نیز داشته باشد. (توضیح المسائل مراجع، ج 1، ص 188، م 323)

احتمال سوّم: خطا شده است؛ می تواند صحیح باشد.

و شاید هم دلیل دیگری غیر از احتمالات مذکور، داشته باشد. (مؤلف)

¹ الف) مبطلات وضو در توضیح المسائل جامع ایشان، هشت چیز بیان شده که حیض از جمله مبطلات وضو شمرده شده است، ولی مبطلات وضو در توضیح المسائل ایشان، هفت چیز بیان شده و حیض، از مبطلات وضو شمرده نشده است. لکن در خصوص حیض، احتیاط مستحب دارند.

ب) مورد هفتم در توضیح المسائل جامع ایشان فقط جنابت ذکر شده و مطلبی دنباله آن ذکر نشده اما در توضیح المسائل ایشان این مورد به این صورت بیان شده است: "جنابت، بلکه بنابر احتیاط مستحب هر کاری که برای آن باید غسل کرد."

² توضیح المسائل امام خمینی، م 323؛ حضرت آقا، آموزش مصوّر احکام عبادات، ص 128 و أيضاً رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس شانزدهم، ص 61؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 344؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 346 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 322.

³ حضرت آقا، رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس شانزدهم، ص 61 و أيضاً أجوبة الاستفتاءات، ص 131.

⁴ شک دارد وضو گرفته یا نه.

ج. پس از نماز^۱: نمازش صحیح است؛ ولی باید برای نماز بعدی وضو بگیرد.^۲

2. شک در جزئی از وضو:

حضرت آقا:

الف. در بین وضو^۳: باید جزئی را که شک دارد دوباره انجام دهد.

ب. پس از وضو: وضو صحیح است و به شک اعتنا نمی شود.

آیت الله سیستانی: اگر در بین وضو، در شستن یا مسح کردن قسمتی از اعضای وضو شک کند، در صورتی که موالات به هم نخورده، باید به شک خود اعتنا کند و پس از شستن یا مسح کردن عضو مشکوک، وضو را از همان جا ادامه دهد؛

اما اگر بعد از وضو در شستن یا مسح کردن قسمتی از اعضای وضو شک کند، در صورتی که عرفاً از وضو خارج (فارغ) شده است به شک خود اعتنا نکند، مثل اینکه از وضو خانه خارج شده یا مشغول به کار دیگری شده باشد.^۴

3. شک در صحت جزئی از وضو:

حضرت آقا:

الف. در بین وضو شک کند که وضوی اجزای قبلی صحیح بوده یا نه: وضو صحیح است.

ب. پس از وضو در صحیح بودن جزئی از آن شک کند: وضو صحیح است.^۵

^۱ نهی داند نماز خوانده شده با وضو بوده یا نه .

^۲ توضیح المسائل امام خمینی ، م 301 و 303 و 304 ؛ حضرت آقا ، آموزش مصوّر احکام عبادات ، ص 138 و أيضاً رساله آموزشی ، ج 1 (احکام عبادات) ، درس شانزدهم ، ص 62 ؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی ، ج 1 ، م 337 و 338 و 339 و أيضاً توضیح المسائل ایشان ، م 300 و 303 و 304 ؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم ، م 326 و 327 .

^۳ مثلاً شک دارد مسح سر را انجام داده یا نه .

^۴ حضرت آقا ، آموزش مصوّر احکام عبادات ، ص 138 ؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی ، ج 1 ، م 334 .

نکته از آیت الله سیستانی: اگر انسان بعد از وضو یا در بین آن یقین کند بعضی از قسمت ها را نشسته یا مسح نکرده است ، چنانچه فاصله زیادی ایجاد شده و موالات به هم خورده و رطوبت جاهایی که پیش از آن است به جهت طولانی شدن مدت ، خشک شده ، باید دوباره وضو بگیرد ؛ اما اگر خشک نشده یا به جهت گرمی هوا و مانند آن خشک شده ، باید جاهایی را که فراموش کرده و آنچه را بعد از آن است بشوید یا مسح کند (توضیح المسائل جامع ، ج 1 ، م 343 و أيضاً توضیح المسائل ایشان ، م 302).

^۵ حضرت آقا ، آموزش مصوّر احکام عبادات ، ص 138.

4. شک در صحت یا بطلان وضو:

الف. شک دارد وضویش باطل شده یا نه: به شک اعتنا نمی شود و بنا می گذارد که وضویش باقی است. (البته؛ اگر بعد از بول استبراء نکرده و وضو گرفته باشد و بعد از وضو رطوبتی از او بیرون آید که نداند بول است یا چیز دیگر، وضوی او باطل است).

ب. می داند وضو گرفته و کاری که وضو را باطل می کند نیز از او سر زده (مثلاً ادرار کرده) ولی نمی داند کدام یک قبل از دیگری بوده است: قبل از نماز: باید وضو بگیرد.

در بین نماز: امام خمینی، حضرت آقا: نماز را رها کند و وضو بگیرد.

آیت الله سیستانی: باید پس از وضو نماز را دوباره بخواند و بنابر احتیاط واجب نمی تواند به آن نماز اکتفاء کند.

پس از نماز:

امام خمینی و حضرت آقا: باید وضو بگیرد و نماز را دوباره بخواند .

آیت الله سیستانی: نمازی که خوانده صحیح است، و باید برای نمازها و کارهای بعدی که وضو لازم دارد، وضو بگیرد.

ج. بعد از نماز شک کند، که قبل از نماز وضوی او باطل شده یا بعد از نماز: نمازی که خوانده صحیح است.¹

سؤال: وظیفه دائم الحدث را نسبت به طهارت و نمازش بیان نمایید. (با توجه به نظر آیت الله سیستانی)

اگر انسان مرضی دارد که بی اختیار ادرار او قطره قطره می ریزد که به وی «مسلوس» گفته می شود یا نمی تواند از بیرون آمدن مدفوع خودداری کند که به وی «مبطنون» گفته می شود یا مرضی دارد که نمی تواند از

¹ توضیح المسائل امام خمینی ، م 300 و 302 و 305 ؛ حضرت آقا ، آموزش مصور احکام عبادات ، ص 138 ؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی ، ج 1 ، م 340 و 341 و 342 ؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم ، م 323 و 324 ، مورد "ج" در توضیح المسائل آیت الله مکارم بیان نشده است و در خصوص مورد "ب" - (می داند وضو گرفته و کاری که وضو را باطل می کند نیز از او سر زده ، ولی نمی داند کدام یک قبل از دیگری بوده است) - به صورت کلی بیان شده که باید وضو بگیرد.

خارج شدن باد جلوگیری کند یا مرضی دارد که بی اختیار از او منی خارج می شود یا مواردی مانند آن، امثل کسی که مبتلا به بیماری است که بی اختیار خوابش می برد. باید به «احکام دائم الحدث» عمل نماید.

به طور اجمال، چنین فردی نسبت به اینکه از اوّل وقت نماز تا آخر وقت به مقدار انجام طهارت (وضو یا غسل یا تیمّم هر کدام که وظیفه اوست) و خواندن نماز مهلت پیدا می کند یا نه، چهار حالت دارد:

الف. یقین یا اطمینان به مهلت پیدا کردن برای تمام نماز دارد؛

ب. یقین یا اطمینان به مهلت پیدا کردن برای قسمتی از نماز دارد؛

ج. احتمال مهلت پیدا کردن برای همه یا قسمتی از نماز می دهد؛

د. یقین یا اطمینان دارد حتّی برای قسمتی از نماز هم مهلت پیدا نمی کند.

صورت اوّل:

اگر دائم الحدث یقین یا اطمینان داشته باشد که از اوّل وقت نماز تا آخر آن، به مقدار انجام طهارت (وضو یا غسل یا تیمّم، هر کدام که وظیفه اوست) و خواندن تمام نماز مهلت پیدا می کند، باید نماز را در آن مهلت بخواند، چه آن مهلت، اوّل وقت باشد یا وسط وقت یا آخر وقت.

شایان ذکر است، اگر مهلت او به مقدار کارهای واجب نماز است، باید در وقتی که مهلت دارد فقط کارهای واجب نماز را به جا آورد و کارهای مستحبّ، مانند اذان و اقامه و قنوت را ترک نماید.

صورت دوّم:

اگر دائم الحدث یقین یا اطمینان داشته باشد که از اوّل وقت نماز تا آخر آن به مقدار انجام طهارت (وضو یا غسل یا تیمّم، هر کدام که وظیفه اوست) و خواندن قسمتی از نماز مهلت پیدا می کند و پس از آن در بین نماز یک دفعه یا چند دفعه، ادرار یا مدفوع یا باد یا منی از او خارج می شود، احتیاط لازم آن است که در مهلتی که دارد وضو یا غسل یا تیمّم را به جا آورده و نماز را بخواند.

فرد مذکور لازم نیست در بین نماز یا بعد از نماز، به سبب ادرار یا مدفوع یا باد یا منی خارج شده، دوباره وضو یا غسل یا تیمم را انجام دهد؛ بلکه حتی یک وضو برای چندین نمازش کافی است، خواه نماز مستحب باشد، خواه واجب؛

مگر آنکه باطل کننده ای غیر از آنچه مبتلا به آن است از او سر بزند، مثل آنکه بخوابد یا همان باطل کننده ای که به آن مبتلا است در حالی که مربوط به آن مریضی نیست از او سر بزند، مثل اینکه ادرار یا مدفوع به طور طبیعی از او خارج شود، که در این دو صورت، باید وضو یا غسل یا تیمم را دوباره انجام دهد.

صورت سوّم:

دائم الحدّث، چنانچه احتمال می دهد از اوّل وقت نماز تا آخر آن به مقدار انجام طهارت (وضو یا غسل یا تیمم، هر کدام که وظیفه اوست) و خواندن تمام نماز یا قسمتی از آن مهلت پیدا می کند، احتیاط مستحب آن است که صبر نماید، هر چند می تواند در اوّل وقت نماز را بخواند؛

اما اگر بعد از نماز مهلتی پیش آید که حدث از او سر نمی زند و آن مهلت، به اندازه انجام طهارت و خواندن تمام یا قسمتی از نماز باشد، بنابر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند. این حکم، در مورد کسی که به اعتقاد آنکه مهلت پیدا نمی کند نماز را در اوّل وقت خوانده نیز جاری است.

صورت چهارم:

کسی که ادرار یا مدفوع یا باد یا منی، به گونه ای پی در پی از او خارج می شود که به مقدار انجام طهارت (وضو یا غسل یا تیمم، هر کدام که وظیفه اوست) و قسمتی از نماز مهلت پیدا نمی کند، وضو یا غسل یا تیمم، (هر کدام که وظیفه اوست) را انجام دهد و نماز بخواند و به ادرار یا مدفوع یا باد یا منی خارج شده قبل از نماز یا میان نماز یا بعد از نماز اعتنا نکند و لازم نیست وضو، غسل یا تیمم را دوباره انجام دهد؛ بلکه حتی یک وضو برای چندین نمازش کافی است، خواه نماز مستحبی باشد، خواه واجب؛ البته احتیاط مستحب آن است که برای هر نماز یک وضو بگیرد؛ ولی برای سجده و تشهد قضا شده و نماز احتیاط، وضوی دیگری لازم نیست.

شایان ذکر است، این فرد بر وضو یا غسل یا تیمم خود باقی است؛ مگر آنکه باطل کننده ای غیر از آنچه مبتلا به آن است، از او سر بزند، مثل آنکه بخوابد یا همان باطل کننده ای که به آن مبتلا است در حالی که مربوط

به آن مریضی نیست، از او سر زند، مثل این که ادرار یا مدفوع یا باد یا مَنی به طور طبیعی از او خارج شود که در این دو صورت، باید دوباره وضو یا غسل یا تیمّم را انجام دهد.

بیان چند نکته:

نکته 1: کسی که ادرار یا مدفوع یا باد یا مَنی، پی در پی از او خارج می شود، لازم نیست بعد از وضو فوراً نماز بخواند، هر چند احتیاط مستحب است که چنین کند.

نکته 2: کسی که ادرار یا مدفوع یا باد یا مَنی، پی در پی از او بیرون می آید، باید در صورت امکان از رسیدن نجاست به قسمت های دیگر جلوگیری نماید (مثل آنکه با کیسه ای که در آن پنبه یا چیز دیگری وجود دارد، از رسیدن ادرار به قسمت های دیگر جلوگیری کند و یا در مورد مدفوع، به صورتی از سرایت نجاست جلوگیری کند) و احتیاط واجب آن است که اگر سختی فوق العاده ای که معمولاً قابل تحمّل نیست ندارد، قبل از هر نماز مخرج را تطهیر نماید.¹

سؤال: وظیفه دائم الحدث را نسبت به طهارت و نمازش بیان نمایید. (با توجه به نظر امام خمینی رحمه الله علیه)

وظیفه مسلوس:

الف. اگر یقین دارد که از اوّل وقت نماز تا آخر آن به مقدار وضو گرفتن و نماز خواندن مهلت پیدا می کند، باید نماز را در وقتی که مهلت پیدا می کند بخواند، و اگر مهلت او به مقدار کارهای واجب نماز است، باید در وقتی که مهلت دارد فقط کارهای واجب نماز را به جا آورد و کارهای مستحب آن مانند اذان و اقامه و قنوت را ترک نماید.

ب. اگر به مقدار وضو و نماز مهلت پیدا نمی کند و در بین نماز چند دفعه بول از او خارج می شود، وضوی اوّل کافی است.

¹ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 353 تا 360.

ج. کسی که بول پی در پی از او خارج می شود اگر بین دو نماز، قطره بولی از او خارج نشود می تواند با یک وضو هر دو نماز را بخواند و قطره هایی که بین نماز خارج می شود اشکال ندارد.

د. کسی که بول پی در پی از او خارج می شود اگر نتواند هیچ مقدار از نماز را با وضو بخواند، می تواند چند نماز را با یک وضو بخواند، مگر اختیاً بول کند یا چیز دیگر که وضو را باطل می کند پیش آید.¹

وظیفه مَبْطُون:

الف. اگر یقین دارد که از اوّل وقت نماز تا آخر آن به مقدار وضو گرفتن و نماز خواندن مهلت پیدا می کند، باید نماز را در وقتی که مهلت پیدا می کند بخواند، و اگر مهلت او به مقدار کارهای واجب نماز است، باید در وقتی که مهلت دارد فقط کارهای واجب نماز را به جا آورد و کارهای مستحب آن مانند اذان و اقامه و قنوت را ترک نماید.

ب. اگر به مقدار وضو و نماز مهلت پیدا نمی کند و در بین نماز چند دفعه غائط از او خارج می شود که اگر بخواهد بعد از هر دفعه وضو بگیرد سخت نیست، باید ظرف آبی پهلوی خود بگذارد و هر وقت غائط از او خارج شد وضو بگیرد² و بقیه نماز را بخواند.

ج. کسی که غائط طوری پی در پی از او خارج می شود که وضو گرفتن بعد از هر دفعه برای او سخت است، اگر بتواند مقداری از نماز را با وضو بخواند، باید برای هر نماز یک وضو بگیرد.

د. کسی که غائط پی در پی از او خارج می شود اگر نتواند هیچ مقدار از نماز را با وضو بخواند، می تواند چند نماز را با یک وضو بخواند، مگر اختیاً غائط کند یا چیز دیگر که وضو را باطل می کند پیش آید.

¹ احتمالاً تفاوت مورد «ج» و «د» در این باشد که مورد «ج» در صورتی است که می تواند مقداری از نماز را با طهارت بخواند، که در این صورت اگر در بین دو نماز قطره بولی از او خارج نشود می تواند هر دو نماز را با یک وضو بخواند اگرچه که در بین نماز از او قطرات بول خارج شده باشد، اما مورد «د» در صورتی است که نتواند هیچ مقدار از نماز را با طهارت بخواند، که در این صورت می تواند دو نماز را با یک وضو بخواند حتی اگر قطرات بولی بی اختیار در بین دو نماز از او خارج شده باشد. (مؤلف)

² باید وضو را در بین نماز بگیرد، نه اینکه نماز را رها کند و برود وضو بگیرد و بعد برگردد و نماز را ادامه دهد. (مؤلف)

ر. کسی که غائط پی در پی از او خارج می شود، باید برای هر نمازی وضو بگیرد و فوراً مشغول نماز شود^۱، ولی برای به جا آوردن سجده و تشهد فراموش شده و نماز احتیاط که باید بعد از نماز انجام داد در صورتی که آنها را بعد از نماز فوراً به جا بیاورد وضو گرفتن لازم نیست.

بیان چند نکته:

نکته 1: اگر مرضی دارد که نمی تواند از خارج شدن باد جلوگیری کند، باید به وظیفه کسانی که نمی توانند از بیرون آمدن غائط خودداری کنند عمل نماید.^۲

نکته 2: کسی که بول او قطره قطره می ریزد باید برای نماز به وسیله کیسه ای که در آن، پنبه یا چیز دیگری است که از رسیدن بول به جاهای دیگر جلوگیری می کند، خود را حفظ نماید، و احتیاط واجب آن است که پیش از هر نماز مخرج بول را که نجس شده آب بکشد، و نیز کسی که نمی تواند از بیرون آمدن غائط خودداری کند، چنانچه ممکن باشد باید به مقدار نماز از رسیدن غائط به جاهای دیگر جلوگیری نماید، و احتیاط واجب آن است که اگر مشقت ندارد، برای هر نماز مخرج غائط را آب بکشد.

نکته 3: کسی که نمی تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند در صورتی که ممکن باشد و مشقت و زحمت و خوف ضرر نداشته باشد باید به مقدار نماز از خارج شدن بول و غائط جلوگیری نماید.^۳

^۱ احتمالاً اینکه باید برای هر نمازی وضو بگیرد، در خصوص شخص مورد «ج» باشد یعنی مبطونی که بتواند مقداری از نماز را با وضو بخواند، به دلیل اینکه چنانچه در مورد «د» بیان شد، کسی که نتواند هیچ مقدار از نماز را با وضو بخواند، لازم نبود برای هر نماز وضو بگیرد و می توانست چند نماز را با یک وضو بخواند پس این شخص منظور نیست، لذا می ماند شخص مورد «ج»، که باید برای هر نمازی، وضو بگیرد.

لکن این قسمت مسأله که چنین شخصی باید بعد از طهارت فوراً مشغول نماز شود، شاید فقط در خصوص مبطونی باشد که بتواند مقداری از نماز را با طهارت بخواند یا اعم از این مبطون و مبطونی که نتواند هیچ مقدار از نماز را با طهارت بخواند. البته شکی در این نیست، مبطونی که می تواند مقداری از نماز را با طهارت بخواند باید بعد از طهارت، فوراً مشغول نماز شود اما شک در این است که آیا این مسأله، فرد مبطونی را هم که نتواند هیچ مقداری از نماز را با طهارت بخواند شامل می شود یا نه. (مؤلف)

^۲ در تحریر الوسیله حضرت امام آمده است: "و الأقوی إلحاق مسلوس الريح بالمبטون، بل لا یبعد دخوله فیہ موضوعاً: بنابر اقوی کسی که بی اختیار از او باد بیرون می آید حکم مبطون را دارد، بلکه بعید نیست چنین کسی مبطون شمرده شود. (تحریر الوسیله، م 3).

نکته: در کلام فقهاء اصطلاحاتی آمده که بعضی از آنها، مفید فتوا و بعضی، مفید احتیاط واجب و بعضی، مفید احتیاط مستحب هستند؛ لذا لازم است برای شناخت حکم شرعی، این اصطلاحات را بشناسیم. در این قسمت از مسأله 3 تحریر الوسیله، دو اصطلاح به کار برده شده است یکی "الأقوی" و دیگری "لا یبعد" که هر دوی آنها مفید فتوا می باشد. (سید مرتضی، حکیم زاده، احکام تقلید، ص 69 و 70)

^۳ توضیح المسائل امام خمینی، از مسأله 306 تا 314.

سؤال: وظیفه دائم الحدث را نسبت به طهارت و نمازش بیان نمایید. (با توجه به نظر آیت الله مکارم)

الف. هر گاه انسان مرضی دارد که ادرار او قطره قطره خارج می شود، یا نمی تواند از بیرون آمدن مدفوع خودداری کند، چنانچه می داند که از اوّل وقت نماز تا آخر آن به مقدار وضو گرفتن و نماز خواندن مهلت پیدا می کند، باید نماز را در همان وقت مهلت بخواند، و به واجبات نماز قناعت کند، و اذان و اقامه و قنوت را اگر مهلت نمی دهد ترک کند.

ب. اگر به مقدار وضو و نماز مهلت پیدا نمی کند کافی است برای هر نماز یک وضو گرفته و بلافاصله نماز را بخواند ولو اینکه در بین نماز چیزی از او خارج شود.

ج. چنانچه که گفته شد هر گاه بول یا غائط طوری پی در پی از او خارج شود که وضو گرفتن بعد از هر دفعه برای او بسیار مشکل است، یک وضو کافی است، بلکه می تواند دو نماز مانند ظهر و عصر را با همان یک وضو بخواند، اگر چه احتیاط آن است که برای هر نماز یک وضو بگیرد.

بیان چند نکته:

نکته 1: هر گاه این افراد با اختیار خود بول یا غائط کنند باید وضو بگیرند.

نکته 2: هر گاه مرضی دارد که نمی تواند از خارج شدن باد جلوگیری کند، باید به وظیفه کسانی که نمی توانند از بیرون آمدن بول یا غائط خودداری کنند عمل نماید.

نکته 3: کسی که بول یا غائط پی در پی از او خارج می شود باید بعد از هر وضو فوراً مشغول نماز شود، و برای به جا آوردن نماز احتیاط و سجده و تشهد فراموش شده، وضو گرفتن دیگری لازم نیست، به شرط اینکه میان نماز و این کارها فاصله ای نیندازد.

نکته 4: کسی که بول یا غائط از او بی اختیار خارج می شود باید برای نماز بوسیله کیسه و مانند آن از آلودگی جاهای دیگر بدن جلوگیری کند و احتیاط آن است که پیش از از هر نماز مخرج را آب بکشد.¹

¹ توضیح المسائل آیت الله مکارم ، م 328 تا 334 .

سؤال: آیا شخص دائم الحدث، باید بیماری خود را درمان کند؟

امام خمینی: بنابر احتیاط واجب اگر چه خرج داشته باشد، بلکه اگر مرض او به آسانی معالجه شود، خود را معالجه نماید.

آیت الله سیستانی: کسی که نمی تواند از بیرون آمدن ادرار یا مدفوع یا باد یا منی خودداری کند، اگر بیماری او به آسانی معالجه شود، احتیاط مستحب آن است که خود را معالجه نماید.

آیت الله مکارم: کسانی که دارای چنین بیماری هستند، اگر به آسانی قابل معالجه باشند واجب است معالجه کنند و اگر نکنند برای آنها اشکال دارد.¹

سؤال: آیا مسلوس و مبطون، بعد از خوب شدن، باید نمازهایی را که خوانده اند قضا کنند؟

امام خمینی: کسی که نمی تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند، بعد از آنکه بیماری او خوب شد، لازم نیست نمازهایی را که در وقت بیماری مطابق وظیفه اش خوانده قضا نماید. ولی اگر در بین وقت نماز بیماری او خوب شود، باید¹ نمازی را که در آن وقت خوانده دوباره بخواند.

1. آیت الله سیستانی و آیت الله مکارم: بنابر احتیاط واجب، نمازی را که در آن وقت خوانده دوباره بخواند.²

مستحبات وضو

سؤال: مستحبات وضو را بیان نمایید.

برخی از مستحبات وضو عبارتند از:

1. مصرف آب بیش از یک مُدّ نباشد. (یک مُدّ حدود 750 گرم است).³

¹ توضیح المسائل امام خمینی، م 314؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 361؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 335.

² توضیح المسائل امام خمینی، م؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 362 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 313؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 336.

³ آب وضوی امام خمینی - رحمة الله علیه - .

2. مسواک زدن اگر چه با انگشت باشد؛

دکتر بروجردی (داماد امام) می گوید:

یک روز شیشه کوچک قرصی در دست پسرم دیدم که مایعی داخل آن بود. پرسیدم: این چیست؟

گفت: دوستان مدرسه ام از من خواسته بودند مقداری از آب وضوی امام را به عنوان تبرک برای آنها ببرم. من هم هنگام وضو طشتی بردم و زیر دست پدر بزرگ گذاشتم؛ اما آبی که از وضوی ایشان توی ظرف ریخت، آن قدر کم بود که ناچار شدم سرنگ بیاورم و با آن این شیشه را پر کنم که تازه پر هم نشد. به امام گفتم: آقا! آب وضوی شما همین است؟ لبخند زدند و گفتند: این باقی مانده آب واجبات وضوی من است. (آموزش مصور احکام عبادات، ص 127)

¹ إذا أردت الوضوء فابدأ قبله بالسواك و لیكن علی عرض الأسنان لا طولها و یجزی الإصبع عن المسواك؛

رَوَى شَيْخُ الطَّائِفَةِ فِي التُّهْدِيبِ بِسَنَدٍ صَحِيحٍ عَنِ الصَّادِقِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - قَالَ: السِّوَاكُ بِالْإِبْهَامِ وَ الْمَسْحَةُ عِنْدَ الْوُضُوءِ سِوَاكٌ⁽¹⁾ . (شيخ بهایی، محمد بن حسین، مفتاح الفلاح في عمل اليوم و الليلة من الواجبات و المستحبات، ص 21)

(1) أي سواك شرعي يترتب عليه الثواب فلا يرد أن الخبر عين المبتدأ: سواك در خبر، یعنی سواک شرعی، که بر آن ثواب داده می شود؛ بنابراین خبر عین مبتدا نمی باشد.

هر گاه که اراده کنی وضو ساختن را باید که اول ابتدا به مسواک کردن کنی و مسواک را بر عرض دندانها بمالی نه بر طول آن، و اگر عوض مسواک انگشت را بر دندان بمالی مجزی است، چنانچه شیخ الطائفة و امام الشیعة در کتاب «تهذیب الاحکام» بسند صحیح از امام بحق ناطق امام جعفر صادق - علیه السلام - روایت کرده است که حضرت پیغمبر - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - فرموده اند که: مسواک کردن به انگشت ابهام و مسبحة در وقت وضو مثل سواک کردن به مسواک است. یعنی هر دو انگشت را بر دندان مالیدن در وقت وضو ساختن مجزی از مسواک است و قائم مقام آنست.

علی بن طیفور بسطامی گوید: «باید دانست که مراد از سواک، راندن چیزی است بر دندانها خواه به چوب باشد و خواه به انگشت و خواه به لته (تکه پارچه)، و افضل آن است که به چوب تر باشد، و افضل از آن آنکه به چوب اراک باشد که از مگه می آورند. و مسواک کردن در وقت وضو از سنن مؤکده است چنانچه روایت شده است از حضرت پیغمبر - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ - که: لو لا أن أشق علی امتی لأمرتهم بالسواک عند کلّ وضوء یعنی: «اگر بر امتم سخت نمی دانستم، آنان را به مسواک زدن هنگام هر وضوئی امر می کردم». چه هیچ شک نیست که لأمرتهم به معنی لواجبته علیهم است زیرا که استحباب آن واقع است.

و مصنف - طاب ثراه - در رساله «اثنای عشریه طهارتیة» گفته است که: ظاهر این است که مسواک کردن را بر شستن سر دستها مقدم باید داشت بنا بر روایت معلی بن خنیس که از حضرت امام جعفر صادق - علیه السلام - روایت کرده است که: «مسواک کردن، پیش از وضو ساختن است». و در وقت مضضه و بعد از وضو نیز تجویز شده است چنان که شیخ شهید - طاب ثراه - در کتاب «ذکری» ذکر آن کرده. و استحباب آن در ضمن هر کدام از آنها که به عمل آید مجمع علیه علماست.

و بعضی گفته اند که: نزد هر نمازی سنت است خصوصاً در نماز شب بنا بر روایت ابن بکیر (با فتح کاف) که از ابی عبد الله - علیه السلام - روایت نموده که: «هر گاه به نماز شب برخیزی اول مسواک کن، بدرستی که ملکی می آید و دهان خود را در دهان تو می گذارد، و هر حرفی که از دهان تو بیرون می آید در حال ریوده به آسمان می برد. پس باید که در آن وقت دهنت خوشبو باشد تا موجب نفرت آن ملک نشود».

و در فضیلت مطلق مسواک و اگر چه وقت وضو و وقت اراده نماز نباشد نیز روایت شده است، از آن جمله از پیغمبر - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ - روایت شده است که: لکل شیء طهور، و طهور الفم السواک یعنی: «هر چیزی را پاک کننده ای است، و پاک کننده دهن مسواک [کردن] است».

و هم از آن حضرت روایت شده است که: نَطِّفُوا طَرِيقَ الْقُرْآنِ. قالوا: یا رسول الله و ما طریق القرآن؟ قال: أفواهکم. قالوا: بماذا؟ قال بالسواک.

یعنی: «پاکیزه کنید راه قرآن را، گفتند: یا رسول الله کدام است راه قرآن؟ فرمودند: دهان های شما. گفتند: به چه چیز؟ فرمودند: به مسواک».

و از امام بحق ناطق امام جعفر صادق - علیه السلام - روایت شده است که آن حضرت فرموده اند: فِي السِّوَاكِ اثْنَا عَشْرَةَ حَصَلَةً هُوَ مِنَ السُّنَّةِ وَ مَطَهْرَةٌ لِلْفَمِّ وَ مَجَلَّةٌ لِلْبَصْرِ وَ يُرْضِي الرَّحْمَنَ وَ يَبَيِّضُ الْأَسْنَانَ وَ يَذْهَبُ بِالْحَفْرِ¹ وَ يَشُدُّ اللَّيْثَةَ وَ يُشَوِّي الطَّعَامَ وَ يَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ وَ يَزِيدُ فِي الْجَفْطِ وَ يُضَاعَفُ الْحَسَنَاتُ وَ تَفْرَحُ بِهِ الْمَلَائِكَةُ.

3. اگر از ظرف، وضو می گیرد، آن را سمت راست خود قرار دهد.¹

4. شستن دو دست تا مچ قبل از شروع در وضو؟

یعنی: «در مسواک دوازده خصلت است، و آن اینست که: از سنن مؤگده است، و پاکیزه کننده دهن، و جلا دهنده چشم، و سبب رضا و خشنودی رحمان، و سفیدکننده دندان، و بر طرف کننده پوستهائی است که از دندان بر می خیزد، و فایم کننده بن دندانها (لثه را استحکام می بخشد)، و مذهب طعم، و دافع بلغم، و زیادکننده در حفظ، و سبب تضاعف حسنات، و موجب فرشتگان است.»

1. (الخفر): چیز حفر شده یا چیز خورده شده. [مثل: دندان کرم خورده و غیره.] چاهی که بیش از اندازه خودش گشاد شده است. خاک حفاری شده. لاغری. زردی تولید شده بر روی دندانها یا پوست پوست شدن بیخ دندانها. جح آحفار. جح آحافیر. (المعجم الوسیط) (مؤلف)

و امثال این احادیث بسیار در این باب روایت شده است. و بعضی وجوب آن را از خصایص حضرت رسالت - صلی الله علیه و آله و سلم - دانسته اند، مثل نماز شب و چند چیز دیگر که در محل خود مذکور است، و الله أعلم». (بسطامی، علی بن طیفور، منهاج النجاح فی ترجمة مفتاح الفلاح، متن، ص 23 و 24 و 25)

¹ ثم إن كان وضوءك من إناء يمكن الاعتراف منه فضعه على يمينك و لو توضأت من نهر أو حوض مثلاً فينبغي أن تجلس بحيث يكون على يمينك و لو تعارض جعله على اليمنى و استقبال القبلة فالظاهر ترجيح الاستقبال. (شيخ بهایی، محمد بن حسین، مفتاح الفلاح فی عمل اليوم و الليلة من الواجبات و المستحبات، ص 21) پس اگر وضوی تو از ظرف سر گشاده باشد که ممکن باشد که به دست از آن آب برداری باید آن ظرف را بر جانب دست راست خود بگذاری.

علی بن طیفور بسطامی گوید: «باید دانست که مترجم «اربعین»- آدام الله للال افضاله الی یوم الدین- در حاشیه «جامع عباسی» ذکر کرده اند که: این طریق که ظرف سر گشاده را بر جانب دست راست باید گذاشت میان علما مشهور است و در کتابها مذکور، نهایتش بعضی احادیث صحیحه دلالت دارد بر آنکه ظرف سر گشاده را در پیش رو باید گذاشت و به دست راست آب از آن برداشته بر عضو ریخت، و اگر ظرف سرگشاده نباشد و نتوان آب از آن برداشت مثل آفتابه و مانند آن، سنت است که بر جانب چپ گذاشته شود تا به دست چپ به آن ظرف آب به دست راست ریخته شود و به دست راست بر اعضای دیگر- و الله أعلم.»

و اگر از نهری یا حوضی مثلاً وضو سازی پس باید که بنشین به حیثیتی که آن حوض یا نهر بر جانب راست تو باشد، و اگر چنانچه رو به قبله نشستن و حوض بر جانب راست گذاشتن با هم معارضه کنند ظاهر آنست که ترجیح روی به قبله نشستن راست. (بسطامی، علی بن طیفور، منهاج النجاح فی ترجمة مفتاح الفلاح، ص 25 و 26)

² ثم اغسل يديك إلى الزندين قبل إدخالهما الإناء مرة واحدة إن كان وضوءك من حدث البول أو النوم لا من حدث الريح مثلاً و مرتين إن كان من حدث الغائط و لا يستحب عد غسلهما من غير هذه الأحداث الثلاثة و لو كان وضوءك من حوض أو إبريق مثلاً فالأكثر على سقوط غسل اليدين و مال بعضهم إلى بقاءه و لا بأس به. (شيخ بهایی، محمد بن حسین، مفتاح الفلاح فی عمل اليوم و الليلة من الواجبات و المستحبات، ص 22)

پس از آن بشوی هر دو دست خود را تا زندها که عبارت از مفصل کف دستهاست پیش از دست در آوردن در ظرف، یک بار اگر وضو در عقب حدث بول یا حدث خواب باشد نه از حدث باد مثلاً، و دو بار اگر وضو بعد از حدث غایط باشد.

علی بن طیفور بسطامی گوید: «و اگر احداث ثلاثه که خواب و بول و غایط است هر سه جمع شوند دو بار شستن از همه کافی است چنانچه از فقها تصریح به آن واقع شده است، و مصتف- طاب ثراه- در رساله «اثناعشریه طهارتیه» نیز تصریح به آن کرده است- و الله أعلم.»

و شستن سر دستها از غیر این احداث ثلاثه سنت نیست. و اگر مثلاً وضو از حوض یا آفتابه و مانند آن بوده باشد استحباب شستن دستها پیش اکثر علما ساقط است و پیش بعضی به حال خود باقی است، یعنی اگر ظرف سر گشاده نباشد یا آب کثیر باشد مثل حوض و نهر و چشمه و امثال آن شستن سر دستها پیش اکثر علماء سنت نیست نه یک مرتبه و نه دو مرتبه. و بعضی این حکم را عام دانسته اند و شستن سر دستها را مطلقاً سنت دانسته اند خواه آب قلیل باشد خواه کثیر، نهایتش این قول ضعیف است، و مصتف- طاب ثراه- گفته که: لا بأس به یعنی «در عمل به این قول کردن باکی نیست». (منهاج النجاح فی ترجمة مفتاح الفلاح؛ متن؛ ص 26 و 27)

5. سه مرتبه مضمضه قبل از شروع در وضو، یعنی آب را در دهان بگرداند و خالی کند؛

6. سه مرتبه استنشاق قبل از شروع در وضو، یعنی آب را داخل بینی کند و سپس، خارج نماید؛¹

7. گفتن «بسم الله» هنگامی که دست را در آب می برد یا آب را بر آن می ریزد و بهتر است بگوید «بسم الله

و بالله، اللهم اجعلني من التوابين، و اجعلني من المتطهرين».²

¹ ثم تَمْضِضُ ثَلَاثًا بَثَلَاثِ أَكْفٍ ثُمَّ اسْتَنْشِقُ كَذَلِكَ وَ قَلَّ عَقِيبُ كُلِّ مِنْهُمَا مَا يَأْتِي ذَكَرَهُ فِي الْفَصْلِ الْآتِي. (شيخ بهایی، محمد بن حسین، مفتاح الفلاح في عمل اليوم و الليلة من الواجبات و المستحبات، ص 22)

مترجم مفتاح الفلاح (علی بن طیفور بسطامی) گوید: «باید دانست که مشهور میان علما این است که هر کدام از مضمضه و استنشاق می باید به سه کف آب واقع شود چنانچه در کتاب مذکور است، و اگر به دو کف آب یا یک کف سه مرتبه مضمضه کند یا استنشاق ثلثه را نیز به همان کف آب به عمل آورد نیز مجزی است و سنت مضمضه و استنشاق بجا آمده است، نهایتش ثواب سنت سه کف آب از برای هر کدام را در نیافته مگر آنکه آب وضو کمی کند و به واسطه ضرورت آنچنان کند، چه گفته اند که در آن وقت ثواب تعدد را در می یابد. و همچنین جمعی از علما شرط کرده اند که می باید که مضمضه بر استنشاق مقدم باشد، و تصریح کرده اند به آنکه اگر استنشاق را مقدم دارد، سنت است که بعد از مضمضه باز استنشاق را اعاده کند، و علامه حلی - طاب ثراه - تجویز کرده است که هر دو را با هم مخلوط سازند به این طریق که به یک کف آب مضمضه کند و به کف دیگر استنشاق و همچنین تا هر کدام سه مرتبه واقع شود، نهایتش ثواب این شق کمتر خواهد بود. و ثواب مضمضه و استنشاق چنانچه در احادیث مقدسه نبوی صلی الله علیه و آله و سلم وارد است بسیار است از آن جمله رئیس المحدثین در کتاب «ثواب الأعمال» روایت کرده است از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم که آن حضرت فرموده اند: لِيُبَالِغَ أَحَدُكُمْ فِي الْمَضْمُضَةِ وَالِاسْتِنْشَاقِ فَإِنَّهُ عُفْرَانٌ لَكُمْ وَمَنْفَرَةٌ لِلشَّيْطَانِ : یعنی: «هر که از شما باید مبالغه کند در مضمضه کردن و استنشاق نمودن، پس بدرستی که موجب آمرزش گناهان شما و سبب نفرت شیطان از شما خواهد بود»- و الله الموفق». (بسطامی، علی بن طیفور، منهاج النجاح في ترجمة مفتاح الفلاح، ص 27 و 28)

² ثم ضع يدك اليمنى في الماء أتيا بالتسمية كما رواه شيخ الطائفة في التهذيب بسند صحيح عن الباقر ع أنه قال: إِذَا وَضَعْتَ يَدَكَ فِي الْمَاءِ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ. (شيخ بهایی، محمد بن حسین، مفتاح الفلاح في عمل اليوم و الليلة من الواجبات و المستحبات، ص 22)

پس درآر دست راست خود را در آب و بگوی: بسم الله. چنان که روایت کرده است شیخ الطائفة در کتاب «تهذیب» بسند صحیح از امام الباطن و الظاهر امام محمد باقر - علیه السلام - که آن حضرت فرموده اند که: هر گاه از برای وضو ساختن دست در آب درآری بگوی: بسم الله و بالله، اللهم اجعلني من التوابين، و اجعلني من المتطهرين. (منهاج النجاح في ترجمة مفتاح الفلاح، ص 27)

نکته: شیخ بهایی بعد از بیان مضمضه و استنشاق می فرماید: ثم اعترف قل [عند غسل أعلى وجهك] بسم الله كما رواه ثقة الإسلام في الكافي عن الباقر ع بسند صحيح [حسن] و الظاهر عدم إغناء التسمية الأولى عن هذه لأنها للشروع في الواجب و تلك للشروع في المستحب. (شيخ بهایی، محمد بن حسین، مفتاح الفلاح في عمل اليوم و الليلة من الواجبات و المستحبات، ص 23)

و در حالت شستن روی نیز بسم الله بگوی چنانچه روایت کرده است آن را ثقة الاسلام در کتاب «کافی» بسند حسن از امام الباطن و الظاهر امام محمد باقر - علیه السلام -، و ظاهر آنست که مستغنی نتوان شد به تسمیه اولی از این تسمیه، چه این تسمیه به واسطه شروع در افعال واجب است، و تسمیه اولی به واسطه شروع در افعال سنتی. (منهاج النجاح في ترجمة مفتاح الفلاح، ص 27)

توجه: بیان چند روایت در اهمیّت گفتن "بسم الله" هنگام وضو گرفتن:

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ تَوَضَّأَ فَذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ طَهَّرَ جَمِيعَ جَسَدِهِ وَ كَانَ الْوُضُوءُ إِلَى الْوُضُوءِ كَقَارَةِ لِمَا يَبْنِيهِمَا مِنَ الذُّنُوبِ وَ مَنْ لَمْ يُسَمِّ لَمْ يَطْهَرْ مِنْ جَسَدِهِ إِلَّا مَا أَصَابَهُ الْمَاءُ. (ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ابن بابویه، محمد بن علی، ص 15)

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ ذَكَرَ اللَّهَ عَلَى وَضُوءِهِ فَكَانَتْهَا اغْتَسَلًا. (ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ابن بابویه، محمد بن علی، ص 15 و 16)

8. آب را در دست راست بریزد، هر چند برای شستن دست راست؛ بدین معنا که اول آب را در دست راست بریزد سپس در دست چپ و بعد بر دست راست بریزد.

9. خواندن دعاهای وضو^۱.

10. ریختن آب بر عضو (وضوی ترتیبی) نه فرو بردن عضو در آب (وضوی ارتماسی).

11. کشیدن دست بر اعضاء، هر چند بدون کشیدن دست، شسته شود.

12. انجام دادن تمام اعمال وضو با حضور قلب^۲.

13. خواندن سوره «قدر» هنگام وضو^۳.

14. خواندن «آیه الکرسی» پس از وضو.

15. بازگذاشتن چشم ها هنگام شستن صورت^۴.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ عَلَى وَضُوئِهِ فَكَانَتْهَا اغْتَسَلَ. (وسائل الشيعة؛ شيخ حر عاملی، محمد بن حسن، ج 1؛ ص 425)
عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا أَبَا مُحَمَّدٍ مَنْ تَوَضَّأَ فَذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ طَهَّرَ جَمِيعَ جَسَدِهِ وَ مَنْ لَمْ يُسَمِّ لَمْ يَطْهَرْ مِنْ جَسَدِهِ إِلَّا مَا أَصَابَهُ الْمَاءُ. (وسائل الشيعة؛ شيخ حر عاملی، محمد بن حسن، ج 1؛ ص 423)

و يَهَذَا الْإِسْنَادَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَلَيْهِ السَّلَامُ - قَالَ: إِنَّ رَجُلًا تَوَضَّأَ وَ صَلَّى فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ أَعَدُّ وَضُوءَكَ وَ صَلَاتَكَ فَفَعَلَ فَتَوَضَّأَ وَ صَلَّى فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ أَعَدُّ وَضُوءَكَ وَ صَلَاتَكَ فَفَعَلَ فَتَوَضَّأَ وَ صَلَّى فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ أَعَدُّ وَضُوءَكَ وَ صَلَاتَكَ فَأَتَى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَشَكَا ذَلِكَ إِلَيْهِ فَقَالَ لَهُ هَلْ سَهَّيْتِ حَيْثُ تَوَضَّأْتَ قَالَ لَا قَالَ سَمِّ عَلَى وَضُوءِكَ فَسَمِّي وَ تَوَضَّأَ وَ صَلَّى فَأَتَى النَّبِيَّ فَلَمْ يَأْمُرْهُ أَنْ يُعْبِدَ. (وسائل الشيعة؛ شيخ حر عاملی، محمد بن حسن، ج 1؛ ص 424)

¹ و ينبغي الإتيان عند كل فعل من الغسلات والمسحات بدعائه الموظف له كما يأتي في الفصل الآتي. (شيخ بهایی، محمد بن حسين، مفتاح الفلاح في عمل اليوم و الليلة من الواجبات والمستحبات، ص 26)

² نکته: حضرت آقا: خوردن و آشامیدن در حال وضو اشکال ندارد؛ ولی بهتر است از کارهایی که حضور قلب را هنگام وضو از بین می برد، پرهیز شود. (آموزش مصوّر احکام عبادات، ص 122)

³ در روایت وارد شده است که هر کس سوره قدر را هنگام وضو گرفت بخواند، از گناهان خود در آید مثل روزی که از مادر متولد شده است. (سراج الشيعة، ص 212)

⁴ و افتح عينيك حال الوضوء-

فَقَدْ رَوَى رَئِيسُ الْمُحَدِّثِينَ فِي الْفَقِيهِ عَنِ النَّبِيِّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - أَنَّهُ قَالَ: افْتَحُوا أَعْيُنَكُمْ [غَيُوثَكُمْ] عِنْدَ الْوُضُوءِ لَعَلَّهَا لَا تَرَى نَارَ جَهَنَّمَ.

16. و نیز مستحب است برای شستن بار اول دست ها، مردان آب را بر قسمت بیرونی آرنج، و زنان بر قسمت داخلی، جایی که دست خم می شود بریزند.^۱

17. خواندن این دعا بعد از وضوء. (این مورد در توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی بیان شده است.)

و أكثر علمائنا -رحمهم الله- لم يذكروا ذلك في مستحبات الوضوء و قد يظن أن سبب إهمالهم له نقل الشيخ الإجماع على عدم استحباب إيصال ماء الوضوء إلى داخل العينين و قال شيخنا في الذكرى أنه لا منافاة بين الأمرين لعدم التلازم بين فتح العينين و إيصال الماء إلى داخلهما و هو جيد و لا يبعد ترتب الثواب على رؤية ما يأتي به المتوضئ من أفعال الوضوء. (شيخ بهایی ، محمد بن حسين ، مفتاح الفلاح في عمل اليوم و الليلة من الواجبات و المستحبات ، ص 24)

و گشاده دار چشمهای خود را در حالت وضو که ثواب بسیار و فضل بی شمار دارد ، چنانچه روایت کرده است رئیس المحدثین در کتاب «من لا يحضره الفقيه» از حضرت پیغمبر- علیه و آله صلوات الله الملك الأكبر- که آن حضرت فرموده اند:

افتحوا عيونكم عند الوضوء لعلها لا ترى نار جهنم.

یعنی: «گشاده دارید چشمهای خود را در حالت وضو تا آنکه نبیند آتش دوزخ را»، کنایه از آنکه گشاده داشتن چشمها در وقت وضو سبب ندیدن آتش دوزخ می شود. و اکثر علمای ما -رضوان الله عليهم- این را در مستحبات وضو ذکر نکرده اند ، و به خاطر می رسد که سبب اهمال ایشان از ذکر آن بنا بر نقل اجماعی است که شیخ - طاب ثراه - کرده است به آنکه رسانیدن آب وضو به درون چشمها سنت نیست ، و شیخ ما در کتاب «ذکرى» گفته است که منافات ندارد استحباب گشادن چشمها با نرسانیدن آب به درون آنها ، چه ممکن است که متوضئ چشم بگشاید به نوعی که اصلاً آب وضو در چشم او داخل نشود. و این وجه بغایت نیکوست ، و دور نیست که بنا بر رویت افعال وضو در حالت بجا آوردن آن ، متوضئ را ثواب حاصل آید ، یعنی دیدن افعال وضو سبب ترتب ثواب شود. و الله أعلم بمقاصد انبیائه. (منهاج النجاح في ترجمة مفتاح الفلاح ، ص 34 و 35)

عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ ابْنِ جَرِيحٍ عَنْ عَطَاءٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: افْتَحُوا عُيُونَكُمْ عِنْدَ الْوُضُوءِ لَعَلَّهَا لَا تَرَى نَارَ جَهَنَّمَ. (ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ؛ ص 17)

¹ شیخ بهایی می فرماید: و ابدأ بغسل ظاهر الذراع و المرأة بباطنه. (شیخ بهایی ، محمد بن حسين ، مفتاح الفلاح في عمل اليوم و الليلة من الواجبات و المستحبات ، ص 25)

² العروة الوثقى ، ج 1 ، فصل في بعض مستحبات الوضوء ، ص 198 تا 200 . (به نقل از محمد حسين فلاح زاده ، آموزش فقه ، درس هشتم)

« سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّكَ وَخَلِيفَتَكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ عَلَى خَلْقِكَ وَأَنَّ أَوْلِيَاءَهُ خُلَفَاؤُكَ وَأَوْصِيَاءَهُ أَوْصِيَاؤُكَ¹ »²

¹ وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا تَوَضَّأَ فَغَسَلَ وَجْهَهُ تَنَاءَرَتْ⁽¹⁾ عَنْهُ ذُنُوبٌ وَجْهَهُ وَإِذَا غَسَلَ يَدَيْهِ إِلَى الْمِرْفَقَيْنِ تَنَاءَرَتْ ذُنُوبُ يَدَيْهِ وَإِذَا مَسَحَ رَأْسَهُ تَنَاءَرَتْ عَنْهُ ذُنُوبُ رَأْسِهِ وَإِذَا مَسَحَ رِجْلَيْهِ أَوْ غَسَلَهُمَا لِلتَّيْبَةِ تَنَاءَرَتْ عَنْهُ ذُنُوبُ رِجْلَيْهِ وَإِذَا قَالَ فِي أَوَّلِ وُضُوئِهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * طَهَّرَتْ أَعْضَاؤَهُ كُلَّهَا مِنَ الذُّنُوبِ وَإِنْ قَالَ فِي آخِرِ وُضُوئِهِ أَوْ غَسَلَهُ لِلجَنَابَةِ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ وَأَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّكَ وَخَلِيفَتَكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ عَلَى خَلْقِكَ وَأَنَّ أَوْلِيَاءَهُ خُلَفَاؤُكَ وَأَوْصِيَاءَهُ أَوْصِيَاؤُكَ تَحَاتَّتْ⁽²⁾ عَنْهُ ذُنُوبُهُ كُلُّهَا كَمَا تَحَاتُّ وَرَقُ الشَّجَرِ وَخَلَقَ اللَّهُ بَعْدَ كُلِّ قَطْرَةٍ مِنْ قَطْرَاتِ وُضُوئِهِ أَوْ غَسَلِهِ مَلَكًا يُسَبِّحُ اللَّهَ وَيَقْدِّسُهُ وَيَهْلِلُهُ وَيَكْبِّرُهُ وَيُصَلِّيُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ وَتَوَابُ ذَلِكَ لِهَذَا الْمَوْضِعِ ثُمَّ يَأْمُرُ اللَّهُ بِوُضُوئِهِ وَبِغَسَلِهِ فَيَحْتَمِلُ عَلَيْهِ⁽³⁾ بِخَوَاتِيمِ رَبِّ الْعِزَّةِ ثُمَّ يَرْفَعُ تَحْتَ الْعَرْشِ حَيْثُ لَا تَنَالُهُ⁽⁴⁾ الْأَلْصُوصُ⁽⁵⁾ وَلَا يَلْحَقُهُ⁽⁶⁾ السُّوسُ⁽⁷⁾ وَلَا تَفْسِدُهُ الْأَعْدَاءُ حَتَّى يَرُدَّ عَلَيْهِ وَيُسَلِّمَ إِلَيْهِ أَوْفَرًا مَا هُوَ أَحْوَجُ وَأَفْقَرُ مَا يَكُونُ إِلَيْهِ فَيُعْطِي بِذَلِكَ فِي الْجَنَّةِ مَا لَا يَخْصِيهِ الْعَادُونَ وَلَا يَجِيهِ⁽⁸⁾ الْإِحْفَظُونَ وَيَغْفِرُ اللَّهُ لَهُ جَمِيعَ ذُنُوبِهِ حَتَّى تَكُونَ صَلَاتُهُ نَافِلَةً فَإِذَا تَوَجَّهَ إِلَى مُصَلَّاهُ يُصَلِّيَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمَلَائِكَتِهِ يَا مَلَائِكَتِي أَلَا تَرَوْنَ إِلَى عَبْدِي هَذَا قَدِ انْقَطَعَ عَنْ جَمْعِ الْخَلَائِقِ إِلَيَّ وَ أَمَلِ رَحْمَتِي وَ جُودِي وَ رَأْفَتِي أَشْهَدُكُمْ أَنِّي أَخْصُهُ بِرَحْمَتِي وَ كَرَامَاتِي. (بحار الأنوار - ط - بيروت) ؛ ج 77 ؛ ص 316 و 317

أقول: تمامه في باب فضل الصلاة.

بيان في النهاية تحاتت عنه الذنوب تساقطت وقوله عليه أوفر حال عن فاعلي يرد ويسلم وقوله أوفر حالان عن الضميرين في عليه و إليه أي يرد ويسلم إليه الوضوء والغسل أي ثوابهما في نهاية الوفور والكمال في حال يكون هو في غاية الاضطراب والافتقار إلى الثواب.

قوله نافلة أي زيادة لا يحتاج إليه في غفران الذنوب. (مجلسي ، محمد باقر بن محمد تقی ، بحار الأنوار (ط - بيروت) ج 77 ، ص 317)

(1) (تَنَاءَرَتْ) الشَّجَرَةُ حَمَلَهَا: درخت بار خود را ریخت. (المعجم الوسيط)

(2) حَتَّ - (حَتَّ يَحْتُ حَتًّا) الْوَرَقُ عَنِ الشَّجَرِ: برگ درخت ریخت ، فروریخت (حَتَّ) الشَّجَرُ: برگ درخت را ریخت یا پوستش را کند ...

(تَحَاتَّتْ يَحَاتُّ تَحَاتًّا) الشَّيْءُ: آن چیز پاشیده و پراکنده شد (تَحَاتَّتْ) أَسْنَانُهُ: دندنهايش پوسید و خورده شد. پوست آن چیز کنده شد (تَحَاتَّتْ) الْوَرَقُ عَنِ الْعَصْنِ: برگ های شاخه فروریخت (تَحَاتَّتْ) الشَّجَرَةُ: برگهای درخت فرو افتاد (تَحَاتَّتْ) عَنْهُ ذُنُوبُهُ: گناههای او ریخت. (المعجم الوسيط)

(3) خَتَمَ - (خَتَمَ يَخْتِمُ خَتْمًا ، وَ خَتَامًا) التَّلْحُلُ: زنبور عسل کندوی خود را پر از عسل کرد (خَتَمَ) عَلَى الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ وَ غَيْرِهِمَا: ظرف غذا یا ظرف نوشیدنی خود را با گل یا با شمع و غیره مهر کرد که چیزی از آن بر ندارند یا بر آن نیفزایند (خَتَمَ) عَلَى قَمِيهِ: دهان او را مهر زد ؛ نگذاشت حرف بزند. خدا می فرماید. «اليوم نَخْتِمُ عَلَى أَفْوَاهِهِمْ وَ نَكَلِّمُنَا أَيْدِيَهُمْ»: امروز مهر می زنیم بر دهانهایشان و سخن می گوید با ما دست هایشان. ... (المعجم الوسيط)

الْخَاتَمُ - ج خَوَاتِيمٍ [ختم]: انگشتری یا حلقه که در انگشت کرده و بر روی آن نام خود را نقش کنند ، مهر که با آن نام و نشان یا موضوعی را چاپ یا نقش زند. (فرهنگ ابجدی ، ص 27)

(4) (تَنَالُوا يَتَنَاوَلُونَ تَنَاوُلًا) الشَّيْءُ: آن چیز را گرفت ، برداشت ... (المعجم الوسيط)

(5) (اللِّصُّ): دزد ، سارق. ج لُصُصٌ ، وَ لِصَصَةٌ.

(اللِّصُّ): دزد ، سارق. ج لُصُوصٌ. (المعجم الوسيط)

(6) (لِحَقٍّ يَلْحَقُ لِحْقًا ، وَ لِحَاقًا): به او در رسید و او را دریافت و به وی ملحق شد. (المعجم الوسيط)

سؤال: خواندن چه دعاهایی در هنگام انجام افعال وضو مستحب می باشد؟

امام خمینی: کسی که وضو می گیرد مستحب است:

آیت الله سیستانی: دعاهایی که بیان می شود در وضو مستحب شمرده شده است^۳:

آیت الله مکارم: شایسته است کسی که وضو می گیرد:

(7) (السُّوس): به معنی الساس است (سُوس) كَلِّ شَيْءٍ: خورنده هر چیز ، کرم باشد یا غیر کرم. ... (المعجم الوسيط)

السُّوس - [سوس]: (ح): حشره ی بید که در پشم و جوب و جامه و مانند آنها پدید می آید ، و نیز بر هر حشره ی خورنده ی چیزی اعم از کرم و جز آن اطلاق می شود. ... (فرهنگ ابجدی ، ص 505)

(8) وعی - (وَعَى يَعَى وَعِيًا) ... (وَعَى) الخَدِيثُ: آن سخن را حفظ کرد و معنای آن را فهمید و آن را قبول کرد و پذیرفت. ... (المعجم الوسيط)

¹ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی ، ج 1 ، م 480 ، مورد دهم.

مستحبات موارد 2 و 4 و 5 و 6 و 7 و 9 و 13 و 17 در توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی ، ج 1 ، م 347 و م 480 ، بیان شده است ؛ لکن در خصوص سوره قدر این چنین آمده است: خواندن سوره قدر ، هنگام وضو یا بعد از آن ، مستحب می باشد.

توجه: البته در خصوص این مستحباتی که در توضیح المسائل جامع بیان شده است ، این چنین گفته شده است: "موارد ذیل در وضو مستحب شمرده شده است."

² توجه: شیخ بهایی ، ترتیب بین مستحبات را تا قبل از شستن صورت به این صورت بیان می فرماید:

1. إذا أردت الوضوء فابدأ قبله بالسواك و لیکن علی عرض الأسنان لا طولها و یجزی الإصبع عن المسواك [البته صاحب منهاج بیان کردند: "و مصنف - طاب ثراه - در رساله «أثنا عشرية طهارتية» گفته است که: ظاهر این است که مسواک کردن را بر شستن سر دستها مقدم باید داشت بنا بر روایت معلی بن خنیس که از حضرت امام جعفر صادق - علیه السلام - روایت کرده است که: «مسواک کردن ، پیش از وضو ساختن است». و در وقت مضمضه و بعد از وضو نیز تجویز شده است چنان که شیخ شهید - طاب ثراه - در کتاب «ذکری» ذکر آن کرده. و استحباب آن در ضمن هر کدام از آنها که به عمل آید مجمع علیه علماست".]

2. و ینبغي استقبال القبلة حال الوضوء (رو به قبله بودن)؛ ثم إن كان وضوؤك من إناء یمكن الاعتراف منه فضعه علی یمینك و لو توضأت من نهر أو حوض مثلاً فینبغي أن تجلس بحيث یكون علی یمینك و لو تعارض جعله علی الیمنی و استقبال القبلة فالظاهر ترجیح الاستقبال.

3. وَ قُلْ عِنْدَ النَّظَرِ إِلَى الْمَاءِ " الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وَ لَمْ يَجْعَلْهُ نَجَسًا "

4. ثم اغسل يديك إلى الزندين قبل إدخالهما الإناء

5. ثم ضع يدك اليمنى في الماء أتياً بالتسمية

كما رواه شيخ الطائفة في التهذيب بسند صحيح عن الباقر ع أنه قال: إِذَا وَضَعْتَ يَدَكَ فِي الْمَاءِ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ.

6 و 7 و 8. ثم تمضمض ثلاثاً ثلاثاً أكف ثم استنشق كذلك و قل عقيب كل منهما ما يأتي ذكره في الفصل الآت . (شيخ بهایی ، محمد بن حسين ، مفتاح الفلاح في عمل اليوم و الليلة من الواجبات و المستحبات ، ص 21 و 22)

توضیح این موارد در پاورقی ها بیان شده است.

³ البته در توضیح المسائل تک جلدی ایشان این چنین آمده است: "کسی که وضو می گیرد مستحب است ... (توضیح المسائل آیت الله سیستانی ، م 263)

هنگامی که نگاهش به آب می افتد، بگوید: « بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وَ لَمْ يَجْعَلْهُ نَجَسًا ».

و هنگامی که پیش از وضو دست خود را می شوید، بگوید: « اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ ».

آیت الله سیستانی: « بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ ...

و در وقت مضمضه کردن بگوید: « اللّٰهُمَّ لَقِّنِي حُجَّتِي يَوْمَ الْفَاكِ وَ أَطْلِقْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ » .

آیت الله سیستانی: « اللّٰهُمَّ لَقِّنِي ¹ (یا به جای "لَقِّنِي" بگوید: "لَقِّنِي" با تشدید نون) حُجَّتِي يَوْمَ الْفَاكِ وَ أَطْلِقْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ ».

و در وقت استنشاق، یعنی آب در بینی کشیدن بگوید: « اللّٰهُمَّ لَا تُحَرِّم عَلَيَّ رِيحَ الْجَنَّةِ وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يَشُمُّ رِيحَهَا وَ رُوْحَهَا وَ طَيْبَهَا ».

و هنگام شستن صورت بگوید: « اللّٰهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُ فِيهِ الْوُجُوهُ وَ لَا تَسْوَدْ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيَضُ فِيهِ الْوُجُوهُ ».

و هنگام شستن دست راست بگوید: « اللّٰهُمَّ اعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي وَ الْخُلْدَ فِي الْجَنَانِ بَيْسَارِي وَ حَاسِبِنِي جِسَابًا يَسِيرًا ».

و هنگام شستن دست چپ بگوید: « اللّٰهُمَّ لَا تُعْطِنِي كِتَابِي بِشِمَالِي وَ لَا مِنْ وَرَاءِ ظَهْرِي وَ لَا تَجْعَلْهَا مَعْلُولَةً إِلَى عُنُقِي وَ اغْوُدْ بِكَ مِنْ مُقَطَّعَاتِ النَّيْرَانِ ».

و هنگامی که سر را مسح می کند، بگوید: « اللّٰهُمَّ غَشِّنِي بِرَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ عَفْوِكَ ».

و هنگام مسح پاها بگوید: « اللّٰهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ نَزُلُ فِيهِ الْأَفْدَامُ وَ اجْعَلْ سَعْيِي فِي مَا يُرْضِيكَ عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ ».²

¹ در توضیح المسائل جامع آمده است: یا آنکه به جای "لَقِّنِي" بگوید: "لَقِّنِي". (توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 347، پاورقی شماره 1)

² توضیح المسائل امام خمینی، م 264، توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 347 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 263؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 283.

نکته: آیت الله سیستانی: مستحب است بعد از وضو بگوید: « الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ »؛ و نیز بگوید: « اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَمَامَ الْوُضُوءِ وَ تَمَامَ الصَّلَاةِ وَ تَمَامَ رِضْوَانِكَ وَ الْجَنَّةِ ».¹

مکروهات وضو

سؤال: انجام چه کارهایی ثواب وضو را کم می کند؟

برخی از مکروهات وضو عبارتند از:

1. کمک گرفتن از دیگران در مقدمات قریبه وضو؛ مثل ریختن آب در دست وضو گیرنده.

2. خشک کردن آب وضو.²

¹ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی ، ج 1 ، م 347 ، مورد هفتم .

شیخ بهایی می فرماید: فَإِذَا قُرِئَتْ مِنَ الْوُضُوءِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَمَا رَوَاهُ شَيْخُ الطَّائِفَةِ فِي التَّهْذِيبِ بِسَنَدٍ صَحِيحٍ ثُمَّ قُلِ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَمَامَ الْوُضُوءِ وَ تَمَامَ الصَّلَاةِ وَ تَمَامَ رِضْوَانِكَ وَ الْجَنَّةِ . (شیخ بهایی ، محمد بن حسین ، مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیلة من الواجبات و المستحبات ، ص 26 و 27)

² حکیم زاده ، سید مرتضی ، احکام قبل از منبر ، جلد اول ، ص 47 و 48 .

أَبِي رَه قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ سَلْمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَعْلَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ حُبْرَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: مَنْ تَوَضَّأَ وَ تَمَدَّدَ لَهُ حَسَنَةٌ وَ مَنْ تَوَضَّأَ وَ لَمْ يَتَمَدَّدْ حَتَّى تَجِفَّ وَضُوءُهُ كَتَبَتْ لَهُ ثَلَاثُونَ حَسَنَةً . (ابن بابویه ، محمد بن علی ، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال ، ص 16 و 17)

(1) تَمَدَّدٌ - تَمَدَّدًا [ندل] بالمندبل: گونه‌ی خود را با دستمال پاک و خشک کرد ، دستمال را بر سر خود پیچید و بگونه‌ی عمامه بر سر نهاد.

تَمَدَّدٌ - تَمَدَّدًا [ندل] بالمندبل: با دستمال دست خود را پاک کرد ، دستمال را بگونه‌ی عمامه بر سر خود پیچید.

الْمُنْدَل - ج مَنَادِل [ندل]: دستمال ، دزد زبردست .

الْمُنْدِيل - ج مَنَادِيل [ندل]: مرادف (الْمُنْدِيل) است .

الْمُنْدِيل - ج مَنَادِيل [ندل]: روسری زن و گاهی مرد بر سر خود می بندد ، دستمال یا حوله که با آن صورت را خشک کنند . (فرهنگ ابجدی)

شیخ بهایی گوید: و ينبغي ترك التمدل من الوضوء -

فَقَدْ رَوَى ثِقَّةُ الْإِسْلَامِ فِي الْكَافِي عَنِ الصَّادِقِ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - أَنَّهُ قَالَ: مَنْ تَوَضَّأَ فَتَمَدَّدَ كَانَتْ لَهُ حَسَنَةٌ وَ مَنْ تَوَضَّأَ وَ لَمْ يَتَمَدَّدْ حَتَّى يَجِفَّ وَضُوءُهُ كَانَتْ لَهُ ثَلَاثُونَ حَسَنَةً .

و الظاهر أن تعمد التجفيف بالشمس أو النار مثلا كالتمدل و لا بأس بالوضوء في المسجد من غير حدثي البول و الغائط أما منعهما فيكره كما رواه ثقة الإسلام في الكافي بسند صحيح (شيخ بهایی ، محمد بن حسین ، مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیلة من الواجبات و المستحبات (ط - القديمة) - بیروت ، ص 27)

3. وضو گرفتن با آبی که با نور خورشید گرم شده، و علت کراهت چنانچه در روایت وارد شده است، انسان به بیماری برص (لکه های سفیدی که روی پوست بدن پیدا می شود) دچار می شود.¹

مسأله: اگر آب وضو هنگام وضو گرفتن در سنگ توالت ریخته شود کراهت دارد، اما وضو گرفتن در قسمتی از دستشویی که برای شستن دست هاست اشکال ندارد.²

و سزاوار آنست که ترك تمندل از وضو نهائی یعنی آب وضو را به رو پاك خشك نکني ، چه روایت کرده است ثقة الاسلام در کتاب «کافی» از امام بحق ناطق امام جعفر صادق - علیه السلام - که آن حضرت فرموده اند:

من توضأ فتمندل کانت له حسنة ، و ان توضأ و لم يتمندل حَتَّى يجفَّ وضوؤه کانت له ثلاثون حسنة .

خلاصه کلام بلاغت نظام امام علیه السلام آنکه: «هر کس که وضو سازد و بعد از آن آب وضو را به رو پاك خشك کند او را نزد خدای تعالی يك حسنه باشد ، و اگر وضو سازد و آب آن را به رو پاك خشك نکند تا زمانی که خود خشك شود او را نزد خدای تعالی سی حسنه بوده باشد». و ظاهر آنست که عمداً به آفتاب و آتش خشك گردانیدن آب وضو نیز مثل تمندل باشد ، یعنی کراهت آن نیز مثل کراهت خشك کردن به رو پاك باشد.

علی بن طیفور بسطامی گوید: «بباید دانست که بعضی از علما کراهت را مخصوص به خشك کردن رو مال و رو پاك دانسته اند ، و خشك کردن به غیر رو مال و رو پاك را مثل دامن و سر آستین مکروه نمی دانند ، و بعضی به دامن و آستین و امثال آن را نیز مکروه می دانند ، اما خشك کردن به آفتاب و آتش را مکروه نمی دانند. و مصتف- طاب ثراه- آن را نیز مکروه می داند ، چنانچه در کتاب ، مذکور است. و منطوق احادیث إشعار بر قول اول دارد چه در حدیث تمندل وارد است و تمندل خشك کردن به رو پاك است که عرب آن را منديل گویند- و الله الهادی».

و باکی نباشد از وضو ساختن در مسجد گاهی که وضو از غیر حدث بول و غایط باشد ، اما اگر از حدث بول و غایط باشد وضو ساختن مکروه است چنان که روایت کرده است آن را ثقة الاسلام در کتاب «کافی» بسند صحیح. (بسطامی ، علی بن طیفور ، منهاج النجاح في ترجمة مفتاح الفلاح ، ص 39 و 40)

سؤال: آیا خشك کردن رطوبت بعد از وضو ، مکروه است ؟ در مقابل ، آیا خشك نکردن آن مستحب است ؟

حضرت آقا: اگر دستمال یا پارچه معینی را مخصوص این کار قرار دهد ، اشکال ندارد. (أجوبة الاستفتاءات ، ص 139)

¹ سراج الشیعة ، ص 214.

² حکیم زاده ، سید مرتضی ، احکام قبل از منبر ، ج 1 ، ص 47 و 48.

مبحث غسل

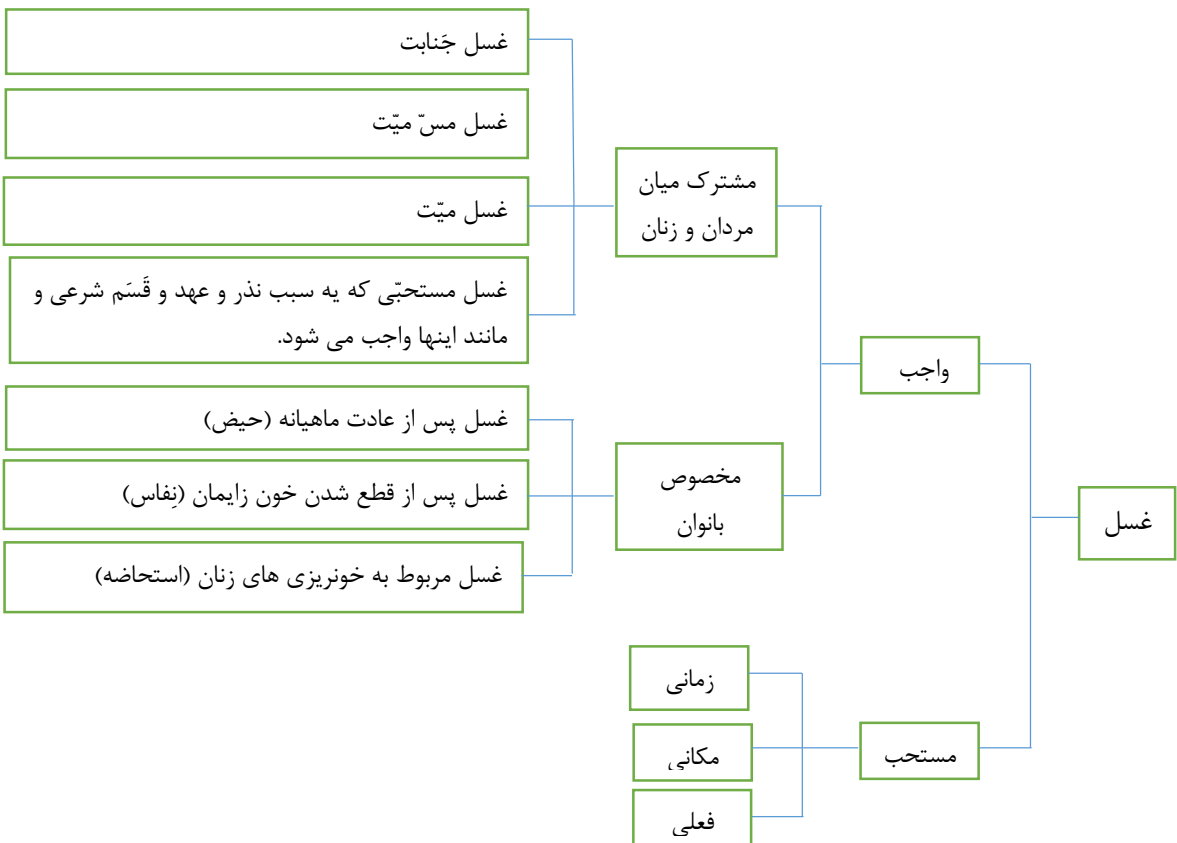
«وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا»

و اگر جنب باشید خود را بشوئید (غسل کنید). (مائده/6)

غسل های واجب

سؤال: اقسام غسل را از لحاظ حکم شرعی بیان کنید.

غسل ها از نظر حکم شرعی به دو دسته تقسیم می شوند:



توجه: آیت الله سیستانی می فرمایند: غسل های واجب هشت مورد می باشد و هشتمی آنها را این چنین بیان می فرمایند: بنابر احتیاط واجب، غسل برای قضای نماز آیات؛ در صورتی که کسوف کلی، یا خسوف

کلی شود و مکلف عمداً نماز آیات را نخواند تا قضا شود. ولی حضرت امام، این غسل را از اقسال مندوبه (مستحبی) می‌شمارند.^۲

احکام جنابت^۳

^۱ توضیح المسائل امام خمینی، م 644، مورد چهاردهم و همچنین تحریر الوسيلة، القول فی الاغسال المندوبه (و منها للتفریط فی أداء صلاة الكسوفین مع احتراق القرص، فأنته يستحب أن يغتسل عند قضائها، بل لا ينبغي ترك الاحتياط فيه: و از جمله اغسال مستحبی فعلی، غسل به خاطر کوتاهی کردن در ادای نماز کسوف یا خسوف در صورتی که تمام قرص خورشید یا ماه گرفته باشد که مستحب است هنگام قضای آنها غسل نماید بلکه سزاوار نیست در آن احتیاط ترک شود.

^۲ توضیح المسائل امام خمینی، قبل از مسأله 345 و أيضاً تحریر الوسيلة، مبحث "فصل فی الاغسال" و مبحث "القول فی الاغسال المندوبه"؛ حضرت آقا، آموزش مصور احکام عبادات، ص 164 و أيضاً رساله آموزشی، حضرت آقا، ج 1 (احکام عبادات)، درس هجدهم، ص 67؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 429 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، قبل از مسأله 344؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 359.

نکته: غسل زمانی: غسلی که برای زمان خاصی مستحب است.

غسل مکانی: غسلی که به جهت رفتن به مکان معینی مستحب می‌شود.

غسل فعلی: غسلی که برای انجام کار خاصی مستحب است. [که بر دو قسم می‌باشد: اول: غسل برای کاری که می‌خواهد آن را انجام دهد و برای چیزی که دوست دارد واقع شود. دوم: غسل به خاطر کاری که انجام داده است.]

^۳ مصدر جنب و أجنب و اجتنب، و هو فی اللغة البعد، و فی الشرع البعد عن أحكام الطاهرین. (الرُبْدَةُ الفقهية فی شرح الروضة البهیة، الفصل الثانی: فی الغسل، ص 170، پاورقی 4)

احتمالاً "جنب" از باب "ن" باشد. یعنی جُنِبَ یَجْنُبُ جَنْبًا: دور شد. (المعجم الوسیط) (مؤلف)

در کتاب "الروضة البهیة" آمده است که جنابت را به فتح جیم بخوانید.

الفصل الثانی: فی الغسل؛ و موجبهُ ستة الجنابة بفتح الجیم و الحيض و الاستحاضة مع غمس القطنة، سواء سال عنها أم لا، لأنه موجب حينئذ فی الجملة. و النفاس، و مس الميت النجس فی حال كونه آدمياً فخرج الشهيد و المعصوم، و من تمَّ غسَلُهُ الصحيح، و إن كان متقدماً علی الموت، كمن قدمه ليقتل فقتل بالسبب الذي اغتسل له. و خرج بالأدمي غيره من الميتات الحيوانية، فإنها و إن كانت نجسة إلا أن مسها لا یوجب غسلاً، بل هي كغيرها من النجاسات فی أصح القولین. و قيل: یجب غسل ما مسها و إن لم یكن برطوبة. و الموت المعهود شرعاً: و هو موت المسلم، و من بحكمه غیر الشهيد. (الروضة البهیة)

بیان چند روایت:

«جاء نَقْرٌ مِنَ الْيَهُودِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله فَسَأَلَهُ أَغْلَبُهُمْ عَنْ مَسَائِلَ وَ كَانَ فِيهَا سَأَلَهُ أَنْ قَالَ لِأَيِّ شَيْءٍ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى بِالْإِغْتِسَالِ مِنَ الْجَنَابَةِ وَ لَمْ يَأْمُرْ بِالْغُسْلِ مِنَ الْغَائِطِ وَ الْبَوْلِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله إِنَّ آدَمَ لَمَّا أَكَلَ مِنَ الشَّجَرَةِ دَبَّ ذَلِكَ فِي غُرُوقِهِ وَ شَفَرِهِ فَإِذَا جَامَعَ الرَّجُلُ أَهْلَهُ خَرَجَ الْهَاءُ مِنْ كُلِّ عِرْقٍ وَ شَفَرَةٍ فِي جَسَدِهِ فَأَوْجَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى ذُرِّيَّتِهِ الْإِغْتِسَالَ مِنَ الْجَنَابَةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ الْبَوْلُ يَخْرُجُ مِنْ فَضْلَةِ الشَّرَابِ الَّذِي يَشْرَبُهُ الْإِنْسَانُ وَ الْغَائِطُ يَخْرُجُ مِنْ فَضْلَةِ الطَّعَامِ الَّذِي يَأْكُلُهُ الْإِنْسَانُ فَعَلَيْهِ مِنْ ذَلِكَ الْوُضوءُ قَالَ الْيَهُودِيُّ صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ.»

(ابن بابویه، محمد بن علی، من لا يحضره الفقيه، من لا يحضره الفقيه، ج 1، باب العلة التي من أجلها وجب الغسل من الجنابة و لم يجب من البول و الغائط، ص 75، ح 170)

عده‌ای از یهود خدمت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله رسیدند و داناترین آنان از آن حضرت پرسشهایی کرد و در میان آن سؤالها یکی این بود که: به چه سبب خداوند تعالی به غسل از جنابت امر فرموده ولی به غسل از بول و غائط امر نفرموده است؟ رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله پاسخ فرمود: همانا آدم ابو البشر هنگامی که از میوه آن درخت خورد، نوش و لذت آن در رگها و موی و پوستش جریان یافت، پس هنگامی که مرد با همسرش نزدیکی کند آب منی از هر رگ و مویی که در بدن اوست خارج میگردد، پس خداوند عزّ و جلّ بر ذریّه و نسل او غسل از جنابت را تا روز قیامت واجب ساخته است، ولی بول ما زاد و سموم آنچه که انسان مینوشد، میباشد

سؤال: اسباب جنابت را بیان نمایید.

به دو چیز انسان جنب می شود:

اول: جماع (آمیزش جنسی)؛

دوم: بیرون آمدن منی، در خواب باشد یا بیداری، کم باشد یا زیاد، با شهوت باشد یا بی شهوت، با اختیار باشد یا بی اختیار.

نکته 1: اگر رطوبتی از انسان خارج شود و نداند منی است یا ادرار یا غیر این ها،

در مرد ها (سالم):

امام خمینی، حضرت آقا و آیت الله سیستانی: چنانچه با شهوت و جهش بیرون بیاید و بعد از بیرون آمدن آن، بدن سست شود، آن رطوبت حکم منی را دارد، ولی اگر هیچ یک از این سه نشانه یا بعضی از این ها را نداشته باشد، حکم منی را ندارد.

آیت الله مکارم: اگر رطوبتی از انسان خارج شود و نداند منی است یا رطوبت دیگر، چنانچه همراه با جستن (فشار) و شهوت بوده باشد، آن رطوبت حکم منی دارد؛ و اگر این دو نشانه، یا یکی از آنها را نداشته باشد،

که از بدن خارج می شود، و غائط ما زاد خوراکی است که آدمی خورده و به آن شکل خارج میگردد. پس به سبب آن وضو بر او لازم می آید. آن مرد یهودی گفت: ای محمد راست گفتی.

(ترجمه من لا یحضره الفقیه؛ ج 1، باب علّتی که به خاطر آن غسل از جنابت واجب است و برای بول و غائط کردن غسل واجب نیست، ص 106، ح 170)

وَ كَتَبَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ - فِيمَا كَتَبَ مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ - «عَلَّةُ غُسْلِ الْجَنَابَةِ التَّطَاةُ لِتَطْهِيرِ الْإِنْسَانِ مِمَّا أَصَابَ مِنْ آذَاهُ»⁽¹⁾ وَ تَطْهِيرِ سَائِرِ جَسَدِهِ لِأَنَّ الْجَنَابَةَ خَارِجَةٌ مِنْ كُلِّ جَسَدِهِ فَلِذَلِكَ وَجِبَ عَلَيْهِ تَطْهِيرُ جَسَدِهِ كُلِّهِ وَ عَلَّةُ التَّخْفِيفِ فِي الْبَوْلِ وَ الْغَائِطِ أَنَّهُ أَكْثَرُ وَ أَدْوَمُ⁽²⁾ مِنَ الْجَنَابَةِ فَرَضِي فِيهِ⁽³⁾ بِالْوُضُوءِ لِكَثْرَتِهِ وَ مَشَقَّتِهِ وَ مَجِيئِهِ بِغَيْرِ إِزَادَةٍ مِنْهُ وَ لَا شَهْوَةٍ وَ الْجَنَابَةُ لَا تَكُونُ إِلَّا بِالْإِسْتِلْدَازِ مِنْهُمْ وَ الْإِكْرَاهِ لِأَنْفُسِهِمْ».

(ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج 1، باب العلّة التي من أجلها وجب الغسل من الجنابة و لم يجب من البول و الغائط، ص 76، ح 171)

(1) أي اذى الجنابة و تذكير الضمير بتأويل ما يوجب الغسل. (محشّي، علی اکبر غفّاری)

(2) قوله: «أدوم» عطف تفسيري للاكثر. (محشّي، علی اکبر غفّاری)

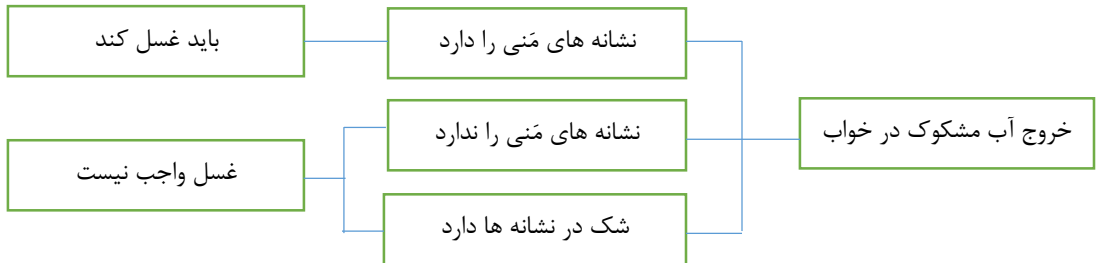
(3) الضمير راجع الى كل من البول و الغائط. (محشّي، علی اکبر غفّاری)

امام رضا علیه السلام در پاسخ کتبی به سؤالات محمد بن سنان چنین مرقوم فرمود: علّت غسل جنابت پاکیزگی است که انسان را از زحمتی که به او رسیده است پاک سازد و نیز پاک گردانیدن باقی بدنش. زیرا منی از تمامی بدن بیرون می آید، بنابراین پاک ساختن تمام بدن بر او واجب است، و سبب تخفیف و سبک ساختن تکلیف در مورد بول و غائط آنست که آنها بیشتر واقع می شود و شمار دفعاتش بیش از جنابت است. پس خدای تعالی در این مورد به خاطر بیشتر واقع شدن و سختی و رنجش و آمدن بدون اراده و بدون لذّت و شهوت آن به وضو ساختن تنها راضی گردید، در صورتی که جنابت حاصل نمیشود مگر با لذّت جوئی و واداشتن خویشتن بدان.

(ترجمه من لا یحضره الفقیه؛ ج 1، باب علّتی که به خاطر آن غسل از جنابت واجب است و برای بول و غائط کردن غسل واجب نیست، ص 107، ح 171)

حکم مَنی ندارد؛ و غالباً بعد از بیرون آمدن مَنی، بدن سست می شود، ولی این موضوع جزء شرایط قطعی و نشانه ها نیست.¹

بنابر این اگر مایعی در خواب از انسان خارج شود و نداند چیست:



¹ چند استفتاء از آیت الله مکارم:

سؤال: اگر رطوبتی از مرد خارج شود که نداند مَنی است یا آب دیگر، آیا ملاحظه این رطوبت جهت فهمیدن آن که چه نوع رطوبتی است ضروری است؟ یا بدون مشاهده هم می توان رأی به پاک بودن آن داد؟

جواب: اگر با مختصر بررسی روشن می شود باید بررسی کند و الا لازم نیست. (استفتائات جدید، ج 2، س 94)

سؤال: در رساله حضرت امام (قدس سره الشریف) مطالعه کردم که اگر مَنی از انسان خارج شود با اختیار یا بدون اختیار یا شهوت یا بدون شهوت انسان جنب می شود. در حال حاضر من سرباز هستم و دستشوییهای این پادگان که ما در آن مستقر هستیم بسیار تاریک است و مدتی است که (بعضی مواقع) بی اختیار بعد از بول یا به هنگام بول از من مَنی دفع می شود (در این مورد مطمئن هستم) طبق فتوای حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) من جنب می شوم. مشکل من این است که در شب که نمی شود دقیقاً ادرار را مشاهده کرد، اگر شك کنم که از من مَنی دفع شده یا نه باید غسل نمایم یا خیر، و در ضمن اینجا حَمَامها آبگرمکن ندارد (چون فقط در شب می توانیم حَمَام برویم) و حالا هم زمستان است و آب در شب سرد است و چند بار که حَمَام رفتم کلیه درد گرفته ام و حَمَام رفتن هم قدری زحمت دارد لطف بفرمایید و بنویسید که چه کار باید بکنم و آیا در موارد ذکر شده جنب هستم؟

جواب: برای شناختن مَنی نشانه هایی است و برای شناخت آنها به مسأله 361 توضیح المسائل ما مراجعه کنید، ولی اگر رطوبتی از انسان خارج شود و نداند مَنی است یا رطوبت دیگر (یعنی مَذی، و ذی و ودی که هر سه پاکند و غسل ندارند و وضو را هم باطل نمی کنند) چنانچه همراه با جستن و شهوت (یعنی لذت و خوش آمدن) بوده باشد، آن رطوبت حکم مَنی دارد اما رطوبت لُزج که بعد از بول خارج می شود مَنی نیست و هرکجا که شك دارید واجب نیست غسل کنید و هرکجا به خروج مَنی یقین کردید اگر به واسطه نبودن آب گرم یا جهت دیگری نتوانید غسل کنید، تیمم بدل از غسل کنید و بدن را تطهیر کنید و با لباس طاهر نماز بخوانید و هرچند مدّت آن طولانی شود برای شما اشکال ندارد. (استفتائات جدید، ج 1، س 81)

سؤال: گاه در موقع عمل جراحی لوله انزال مَنی در مثانه قرار گرفته و مَنی با ادرار دفع می شود، این ترشحات چه حکمی دارد؟ آیا با این وضعیت فرایض دینی (نماز، روزه، مسّ خطّ قرآن و توقّف در مساجد) را چگونه انجام دهد؟

جواب: هرگاه مَنی در ادرار مستهکک شود، یعنی به صورت چیز ناپیدایی درآید، موجب جنابت نمی شود؛ ولی اگر مَنی بطور آشکار دفع می گردد باید غسل کند و اگر مشقّت دارد تیمم کند؛ ولی در این گونه موارد معمولاً از قبیل قسم اول است. (استفتائات جدید، ج 2، س 92)

سؤال: کسانی که بر اثر عمل جراحی پروستات، در بیشتر اوقات، همراه ادرارشان مَنی خارج می شود، آیا با خروج یقینی، غسل بر آنها واجب می گردد، هر چند دفعات آن فراوان باشد؟ یا ادلّه وجوب غسل فقط شامل خروج متعارف می شود؟

جواب: با توجه به این که خروج مَنی در چنین فرضی، داخل ادرار به صورت مستهکک خواهد بود، سبب غسل نمی شود؛ ولی اگر به صورت مستقلّ و یا شبه مستقلّ خارج شود، غسل واجب می شود. ولی چنانچه تکرار غسل موجب عسر و حرج شدید گردد، تیمم بدل از غسل می کند. (استفتائات جدید، ج 3، س 146)

در خانم ها و مریض^۱:

امام خمینی: در زن و مریض لازم نیست آن آب با جستن بیرون آمده باشد، بلکه اگر با شهوت بیرون آمده باشد در حکم مَنی است و لازم نیست بدن او سست شود.

حضرت آقا: اگر زن به اوج لذت جنسی برسد و در آن حال، مایعی از او خارج شود، جنابت محقق شده و غسل بر او واجب می شود و اگر شک کند که به این مرحله رسیده یا نه و یا شک در خروج مایع داشته باشد، غسل واجب نیست.

آیت الله مکارم: در زن و مریض لازم نیست با جستن بیرون آید، بلکه اگر رطوبت هنگامی بیرون آید که به اوج شهوت جنسی رسیده است، حکم مَنی دارد.
آیت الله سیستانی:

الف. در مریض (در موارد شک)، لازم نیست آن رطوبت با جهش بیرون آمده باشد و در موقع بیرون آمدن بدن سست شود، بلکه اگر با شهوت بیرون آید، در حکم مَنی است.

ب. رطوبتی که زنان در موقع ملاعبه یا تصوّرات شهوت انگیز در موضع فرج احساس می کنند و آن رطوبت به اندازه ای زیاد نیست که جاهای دیگر را آلوده کند، پاک است و غسل ندارد و وضو را نیز باطل نمی کند؛ اما اگر این رطوبت زیاد باشد، به حدّی که عرفاً صدق «إنزال» کند و لباس ها را آلوده نماید، در صورتی که همراه با رسیدن زن به اوج لذت جنسی و ارضای کامل (ارگاسم) باشد، نجس و موجب جنابت است؛ بلکه اگر همراه با آن هم نباشد - بنا بر احتیاط لازم - نجس و موجب جنابت می باشد و در مواردی که زن، شک داشته باشد به این حد رسیده یا نه و یا شک در اصل خروج آب داشته باشد، غسل بر او واجب نیست و وضو و غسل او هم باطل نمی شود و هر گاه بعد از غسل، مَنی مرد از زن خارج شود، غسل بر زن واجب نمی شود؛ ولی آن مَنی، نجس است و اگر به ظاهر بدن یا لباس برسد، آن را نجس می کند.

نکته^۲: امام خمینی: مستحب است انسان بعد از بیرون آمدن منی بول کند، و اگر بول نکند و بعد از غسل رطوبتی از او بیرون آید، که نداند منی است یا رطوبت دیگر، حکم منی دارد.^۲

^۱ منظور از بیماری که در آن نشانه های جنابت نمایان نمی شود، نوعی ضعف عمومی است که باعث کاهش فعالیت های بدنی عادی فرد می شود. (پرسش پیامکی از حرم مطهر؛ پرسش پیامکی از دفتر آیت الله مکارم (10000100))

^۲ فرمایشات امام خمینی در تحریر الوسيلة:

"یَنْبَغِي لِلْمَجْنُبِ - إِذَا أَنْزَلَ - الْإِسْتِبْرَاءَ بِالْبَوْلِ قَبْلَ الْغَسْلِ، وَلَيْسَ هُوَ شَرْطًا فِي صِحَّةِ غَسَلِهِ، وَلَكِنْ فَائِدَةٌ أَنَّهُ لَوْ فَعَلَهُ وَاعْتَسَلَ، ثُمَّ خَرَجَ مِنْهُ بَلَلٌ مُشْتَبِهٌ، لَا يَجِبُ عَلَيْهِ إِعَادَةُ الْغَسْلِ، بِخِلَافِ مَا لَوْ اغْتَسَلَ بَدُونَهُ، فَإِنَّ الْبَلَلَ الْمَشْتَبِهَ حِينَئِذٍ مُحْكَمٌ بِكُونِهِ مَنِيًّا؛ سِوَاءِ اسْتِبْرَاءِ بِالْخُرْطَاتِ لَتَعَدَّرَ الْبَوْلُ عَلَيْهِ أَمْ لَا. نَعَمْ، لَوْ اجْتَهَدَ فِي

آیت الله مکارم: مستحبّ است بعد از بیرون آمدن منی بول کند تا ذرات باقیمانده خارج شود و اگر نکند و بعد از غسل رطوبتی از او بیرون آید که نداند منی است یا رطوبت دیگر، حکم منی دارد و باید دوباره غسل کند.

آیت الله سیستانی: مستحبّ است مرد بعد از بیرون آمدن منی، ادرار کند و این کار، استبراء از منی می باشد و اگر ادرار نکند و بعد از غسل رطوبتی از او بیرون آید که نداند منی است یا رطوبت دیگر، حکم منی را دارد و جنب می شود؛ اما برای زنان، استبراء نیست و رطوبت مشکوکی که از آنان خارج می شود، حکم منی را ندارد.

الاستبراء: بحيث قطع بقاء الهلّ وعدم بقاء المنی في المجری، واحتمل أن يكون حادثاً، لا تجب الإعادة على الأقوی، وكذا لو كان طول الهدّة منشأ لقطعها. لكن الأحوط الإعادة في صورتين". (تحریر الوسيلة، ج 1، القول فی واجبات الغسل، ص 44، م 15)

جنبی که از او منی بیرون آمده سزاوار است پیش از غسل کردن با بول کردن مجری را تمیز (استبراء) نماید ولی شرط صحت غسل نمی باشد، لیکن فایده اش اینست که اگر بعد از استبراء غسل کرد و پس از آن رطوبت مشکوکی از او خارج شد اعاده غسل بر او واجب نیست، اما اگر بدون استبراء به بول غسل کرد سپس رطوبت مشکوکی از او خارج شد حکم منی را دارد، چه به خاطر تعذر بول استبراء به خرطات⁽¹⁾ کرده باشد یا نه، ولی اگر در اثر کوشش در استبراء به خرطات، به پاک شدن و باقی نماندن منی در مجری، یقین کند و احتمال بدهد که آنچه خارج شده منی جدیدی باشد بنا بر اقوا اعاده غسل واجب نیست و همچنین است اگر با گذشتن مدت زیادی یقین کند که منی در مجری نمانده است، ولی احتیاط مستحب اعاده غسل در هر دو صورت است. (ترجمه تحریر الوسيلة، ج 1، واجبات غسل، ص 75، م 15)

(1) استبراء به خرطات همان استبرائی است که بعد از بول کردن مستحب است. (مؤلف)

"الهنجب بسبب الإنزال لو اغتسل، ثم خرج منه بلل مشتبه بين المنی و البول، فإن لم يستبرئ بالبول يحكم بكونه منياً، فيجب عليه الغسل خاصة، و إن بال ولم يستبرئ بالخرطات بعده يحكم بكونه بولاً، فيجب عليه الوضوء خاصة. ولا فرق في هاتين صورتين بين احتمال غيرهما من المذي وغيره وعدمه. و إن استبرأ بالبول وبالخرطات بعده، فإن احتمل غير البول و المنی أيضاً ليس عليه غسل ولا وضوء، و إن لم يحتمل غيرهما، فإن أوقع الأمرين قبل الغسل، و خرج البلل المشتبه بعده، يجب الاحتياط بالجمع بين الغسل و الوضوء، و إن أوقعهما بعده ثم خرج البلل المزبور يكفي الوضوء خاصة".

(تحریر الوسيلة، ج 1، القول فی واجبات الغسل، ص 45، م 16)

کسی که با بیرون آمدن منی جنب شده، اگر استبراء به بول نکرده و رطوبتی که مردّد بین منی و بول است بعد از غسل از او بیرون آید حکم منی را دارد و باید فقط غسل نماید. و اگر بول کرده و استبراء به خرطات را انجام نداده حکم بول را دارد، و فقط باید وضو بگیرد، و در این دو صورت فرقی نیست که احتمال غیر منی و بول مثل مذی و مانند آن را بدهد یا نه و اگر بعد از استبراء به بول و سپس استبراء به خرطات احتمال غیر منی و بول را هم بدهد نه غسل بر او واجب می شود و نه وضو. و اما اگر فقط منی و بول را احتمال می دهد پس اگر هر دو استبراء را قبل از غسل انجام داده و این رطوبت مشتبه بعد از غسل خارج شده واجب است، احتیاطاً، هم غسل کرده و هم وضو بگیرد و اگر هر دو استبراء را بعد از غسل انجام داده باشد و سپس رطوبت مذکور خارج شود تنها وضو کافی است. (ترجمه تحریر الوسيلة، ج 1، واجبات غسل، ص 75، م 16)

"لو خرجت بعد الإنزال و الغسل رطوبة مشتبهة بين المنی وغيره، وشك في أنه استبرأ بالبول أم لا، بنى على عدمه، فيجب عليه الغسل، ومع احتمال كونه بولاً الأحوط ضمّ الوضوء أيضاً". (تحریر الوسيلة، ج 1، القول فی واجبات الغسل، ص 45، م 17)

اگر بعد از بیرون آمدن منی غسل کند سپس رطوبت مشتبه بین منی و غیر آن خارج شود و شک کند که استبراء به بول کرده یا نه بنا بر عدم آن بگذارد پس غسل بر او واجب است و اگر احتمال بول بودن رطوبت را هم می دهد احتیاط مستحب آنست که علاوه بر غسل وضو هم بگیرد. (ترجمه تحریر الوسيلة، ج 1، واجبات غسل، ص 75، م 17)

حضرت آقا: مستحب است انسان پس از بیرون آمدن منی، بول کند و اگر چنین نکند و بعد از غسل، رطوبتی از او بیرون بیاید که نداند منی است یا رطوبتی دیگر، حکم منی را دارد، (به این کار در اصطلاح، استبراء به بول گویند) ولی اگر پیش از غسل بول کرده باشد یا از زمان جنابت فاصله زیادی گذشته باشد و رطوبتی بیرون آید که نداند چیست، پاک است و غسل ندارد.^۱

سؤال: فردی در هنگام استحمام در لباس خود منی مشاهده می کند، تکلیف این فرد نسبت به نمازهای خوانده شده، چیست؟

اگر فرد در لباس خود منی ببیند و یقین یا اطمینان داشته باشد که از خود اوست و برای آن غسل نکرده، جنب می باشد و نمازهایی را که یقین دارد بعد از بیرون آمدن منی خوانده، باید در صورتی که وقت هست دوباره بخواند و چنانچه وقت گذشته، قضا کند، ولی نمازهایی را که احتمال می دهد قبل از بیرون آمدن آن منی خوانده، لازم نیست قضا نماید.^۲

سؤال: حکم استمناء را بیان نمایید.

خود ارضایی و برانگیختن شهوت، [چه زن، چه مرد] حرام است؛ حتی اگر به حدّ خروج منی نرسد؛ البته در صورتی که منی خارج نشود، غسل واجب نیست.

توجه: استمناء آن است که انسان با خود یا دیگری کاری کند که از او منی بیرون آید و در هیچ شرایطی جایز نیست.

^۱ توضیح المسائل امام خمینی، م 345 و 346 و 348؛ حضرت آقا، آموزش مصوّر احکام عبادات، ص 173 و 172 و أيضاً أجوبة الاستفتاءات، ص 171 و 174 و 177 و 180 و أيضاً رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس بیستم، ص 72؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 360 و 361 و 362 و 363 و أيضاً استفتاءات جدید ایشان، ج 1، ص 78؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، م 430 و 431 و 432 و 434 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 344 و 345 و 347.

^۲ توضیح المسائل امام خمینی، م 354 و أيضاً تحریر الوسيلة، ج 1، فصل فی غسل الجنابة، القول فی السبب، م 2؛ حضرت آقا، رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس بیستم، ص 74؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 439 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 253؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 369.

متن تحریر الوسيلة: "لو رأى في ثوبه منياً وعلم أنه منه ولم يغتسل بعده، يجب عليه قضاء الصلوات التي صلاها بعده، و أما التي يَحْتَمِل وقوعها قبله فلا يجب قضاؤها، ولو علم أنه منه، ولم يعلم أنه من جنابة سابقة اغتسل منها، أو جنابة أخرى لم يغتسل منها، فالظاهر عدم وجوب الغسل عليه و إن كان أحوط". (تحریر الوسيلة، ج 1، فصل فی غسل الجنابة، القول فی السبب، م 2)

اگر منی در لباسش ببیند و بداند که از خودش می باشد و بعد از آن غسل نکرده نمازهایی که بعد از آن خوانده باید قضا نماید، و اما قضای نمازهایی که احتمال بدهد قبل از خروج منی خوانده است واجب نیست ولی اگر بداند از خود او است و نداند از جنابتی است که بعد از آن غسل کرده و یا از جنابت دیگری است که بعد از آن غسل نکرده، ظاهر اینست که غسل بر او واجب نیست اگر چه احتیاط مستحب است. (ترجمه تحریر الوسيلة، ج 1، مبحث غسل جنابت، و علت جنابت، م 2)

کسی که شرایط ازدواج برایش فراهم نیست و از نظر غریزه جنسی در سختی به سر می برد، به این بهانه نمی تواند دست به «خودارضایی» بزند. بنابراین اگر بر اثر نگاه به نامحرم و مناظر شهوت انگیز، دیدن عکس ها و فیلم های مبتذل، خواندن داستان و مطالب جنسی، گوش دادن به موسیقی مبتذل و ... شهوت بر او غالب شود، مرتکب گناه بزرگی شده است.

نکته: گاهی پزشکان متخصص برای تشخیص توانایی مرد در تولید مثل یا به منظور لقاح مصنوعی و مانند آن، از بیمار می خواهند که منی خود را با عمل استمناء گرفته و در اختیار آنان قرار دهد تا آزمایش هایی بر روی آن انجام دهند. در چنین مواردی نیز واجب است استمناء و خروج منی به وسیله همسر انجام شود، نه با تحریک اعضا توسط خود شخص.^۱

سؤال: فلسفه حرمت استمناء را بیان نمایید.

از امام صادق علیه السلام درباره حرمت استمناء و خودارضایی پرسش شد. حضرت فرمودند: «گناهی بزرگ است و خداوند در کتاب خود از این عمل نهی فرموده است. کسی که به این عمل دست می زند، گویا با خود ازدواج کرده است، و اگر از کار وی آگاه شوم، با وی غذا نمی خورم.» (وسائل الشیعه، چاپ آل البیت، ج 28، ص 364)

حرمت استمناء تنها به سبب آثار و زیان های جسمانی آن نیست؛ بلکه حکمت های دیگری نیز دارد که از ما پنهان است.

پاره ای از زیان های جسمانی، روانی و اجتماعی استمناء عبارتند از:

1. خستگی و کوفتگی
2. عدم تمرکز حواس
3. ضعف حافظه و بینایی

^۱ حضرت آقا، آموزش مصور احکام عبادات، ص 166 و 167.

سؤال: جوانی بر اثر نادانی، قبل از چهارده سالگی و بعد از آن، اقدام به استمناء می کرده که بر اثر آن از او منی خارج می شده، ولی نمی دانسته که خروج منی باعث جنابت می شود و باید برای نماز و روزه غسل کند، تکلیف او چیست؟ آیا برای مدتی که استمناء می کرده و منی از او خارج می شده، غسل بر او واجب است؟ آیا نماز و روزه های او از گذشته تا حال که در حال جنابت انجام گرفته باطل بوده و قضای آنها واجب است؟

حضرت آقا: برای هر چند بار خروج منی اگر تا به حال غسل نکرده است یک غسل جنابت کافی است، و باید همه نمازهایی را که یقین دارد در حال جنابت خوانده است، قضا نماید. و اگر این عمل در شب های ماه رمضان انجام گرفته و جاهل به موضوع جنابت بوده، روزه های او قضا ندارد و محکوم به صحت است. ولی اگر عالم به خروج منی و جنابت بوده و نمی دانسته که برای صحت روزه، غسل بر او واجب است، باید روزه همه روزهایی را که در حال جنابت گرفته است قضا نماید. (أجوبة الاستفتاءات، ص 195)

4. استرس و اضطراب
5. حساسیت بیش از حد و زود رنجی
6. احساس طرد شدن
7. کمر درد
8. ریزش مو
9. ناتوانی جنسی زودرس در جوانی
10. بی خوابی و بد خوابی و مشکلات مشابه
11. انزال زودرس و غیر ارادی و خروج منی به صورت قطره قطره
12. بی میلی به همسر و ازدواج، ناتوانی در ارتباط با همسر¹.

کارهای حرام بر جنب

سؤال: چه کارهایی بر جنب، حرام است؟

پنج چیز بر جنب حرام است:

اول: امام خمینی: رساندن جایی از بدن به خط قرآن یا به اسم خدا، و اسامی مبارکه پیامبران و امامان - علیهم السلام - ، به احتیاط واجب حکم اسم خدا را دارد.
آیت الله مکارم: مسّ خطّ قرآن یا اسم خدا و پیامبران و امامان بنا بر احتیاط واجب، همانطور که در وضو گفته شد.

آیت الله سیستانی: رساندن جایی از بدن به خط قرآن؛
بنابر احتیاط واجب، رساندن جایی از بدن به اسم مبارک ذات خداوند متعال، به هر لغتی که باشد و صفات مخصوص او؛

بنابر احتیاط مستحب رساندن جایی از بدن به اسماء پیغمبران، و امامان و حضرت زهرا - علیهم السلام - .
دوم: رفتن در مسجدالحرام و مسجد پیغمبر - صلی الله علیه و آله - اگر چه از یک در داخل و از در دیگر خارج شود.

سوم: امام خمینی، آیت الله مکارم: توقف در مساجد دیگر، ولی اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود، یا برای برداشتن چیزی برود مانعی ندارد. و احتیاط واجب آن است که در حرم امامان - علیهم السلام - هم توقف نکند. [توجه: امام در تحریر الوسیله در خصوص مشاهده مشرفه می فرمایند: و بنابر احتیاط واجب مشاهده

¹ حضرت آقا، آموزش مصوّر احکام عبادات، ص 167.

مشرّفه (حرم شریف امامان - علیهم السّلام -) ملحق به مساجد است و احتیاط بیشتر آنست که مشاهد مشرفه ملحق به مسجدالحرام و مسجد النّبی باشد کما اینکه در مشاهد مشرفه بنا بر احتیاط واجب رواق ملحق به داخل حرم می باشد.

حضرت آقا: توقف در مساجد دیگر، ولی اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود مانعی ندارد. و احتیاط واجب آن است که در حرم امامان - علیهم السّلام - هم توقف نکند.¹

آیت الله سیستانی: توقّف در مساجد دیگر؛ ولی اگر از مسجد عبور کند، مثل اینکه از یک در مسجد داخل و از در دیگر خارج شود، مانعی ندارد.

مشاهد مشرفه معصومین و حرم امامان - علیهم السّلام - ، بنا بر احتیاط لازم، در این رابطه، حکم مساجد را دارند و منظور از حرم، روضه منوره است، یعنی قسمتی که ضریح مقدّس یا قبر مطهر در آن قرار دارد و رواق ها و صحن های متبرّکه و نیز تمام حرم امام زادگان، حکم مشاهد مشرفه معصومین - علیهم السّلام - را ندارند؛ مگر جایی که مسجد بودنش ثابت باشد.

شایان ذکر است، نمازخانه های منازل، ادارات، کارخانجات، مدارس و مانند آن و همین طور حسینیه ها، مزار شهداء، قبرستان مؤمنین و مانند آن، که مسجد نیستند، حکم مساجد را ندارند.

چهارم: امام خمینی و حضرت آقا: گذاشتن چیزی در مسجد.

آیت الله مکارم: داخل شدن در مسجد برای گذاشتن چیزی در آن.

آیت الله سیستانی: داخل شدن در مسجد برای برداشتن چیزی، و همچنین داخل شدن به مسجد برای گذاشتن چیزی در آن؛ البته این حکم در صورتی که قرار دادن شیء در مسجد، در حال عبور از آن باشد یا فرد خودش وارد مسجد نشده و از بیرون چیزی را در مسجد بگذارد، بنا بر احتیاط واجب است.

پنجم: امام خمینی: خواندن سوره ای که سجده واجب دارد و آن چهار سوره است و اگر یک حرف از این چهار سوره را هم بخواند حرام است.

آیت الله سیستانی: خواندن هر یک از آیاتی که دارای سجده واجب هستند و آن در چهار سوره است:

اول: سوره سی و دوم قرآن (السجده) آیه پانزدهم؛

¹ چند نکته از حضرت آقا:

الف. مقصود از حرم، زیر گنبد و اطراف ضریح است؛ بنابراین توقّف این اشخاص در رواق ها اشکالی ندارد.

ب. توقّف در حرم امام زادگان. علیهم السّلام. اشکالی ندارد.

ج. تکیه ها، حسینیه ها، مهدیه، نمازخانه و از این قبیل مکان ها حکم مسجد را ندارند.

د. در بعضی از نقاط اطراف حرم امامان معصوم. علیهم السّلام. مساجدی وجود دارد که به جهت مسجد بودن، توقّف جنب، حیض و نفسا در آنها جایز نیست.

(آموزش مصوّر احکام عبادات، ص 168 و 169)

دوم: سوره چهل و یکم (فُصِّلَتْ) آیه سی و هفتم؛

سوم: سوره پنجاه و سوم (النجم) آیه آخر؛

چهارم: سوره نود و ششم (علق) آیه آخر.^۱

احتیاط مستحب آن است که فرد، سایر آیات این چهار سوره سجده دار را هم نخواند.

حضرت آقا، آیت الله مکارم: خواندن یکی از آیاتی که سجده واجب دارند؛ ولی خواندن غیر آیه سجده از سوره سجده مانعی ندارد.^۲

کارهای مکروه بر جنب

سؤال: چه کارهایی بر جنب مکروه است؟

امام خمینی، حضرت آقا: نه چیز بر جنب مکروه است:

¹ سوره هایی که دارای آیات سجده هستند (عزائم) را می توان به صورت رمز «عَنْفُس» بیان کرد. «ع» یعنی سوره علق؛ «ن» یعنی سوره «نجم»؛ «ف» یعنی سوره فُصِّلَتْ؛ «س» یعنی سوره «سجده».

² توضیح المسائل امام خمینی، م 355؛ توضیح المسائل آیت الله سیستانی، م 354 و أيضاً توضیح المسائل جامع ایشان، ج 1، م 442؛ حضرت آقا، آموزش مصوّر احکام عبادات، ص 168 و 169 و 170 و أيضاً رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس بیستم، ص 73؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 370 و 371.

سخن امام خمینی در تحریر الوسیله: "ومنها: أنه يحرم على الجنب أمور:

الأول: مسّ كتابة القرآن على التفصيل المتقدم في الوضوء، ومسّ اسم الله تعالى وسائر أسمائه وصفاته المختصة به. وكذا مسّ أسماء الأنبياء و الأئمة عليهم السلام على الأحوط. الثاني: دخول المسجد الحرام ومسجد النبي صلى الله عليه وآله وسلم وإن كان بنحو الاجتياز. الثالث: المكث في غير المسجدين من المساجد، بل مطلق الدخول فيها إن لم يكن ماراً - بأن يدخل من باب ويخرج من آخر - أو دخل فيها لأجل أخذ شيء منها، فإنه لا بأس به. ويلحق بها المشاهد المشرفة على الأحوط، وأحوط من ذلك إلحاقها بالمسجدين، كما أنّ الأحوط فيها إلحاق الرواق بالروضة المشرفة. الرابع: وضع شيء في المساجد وإن كان من الخارج أو في حال العبور. الخامس: قراءة السور العزائم الأربع - وهي: «اقرأ»، و «النجم»، و «الم تنزيل»، و «حم السجدة» - ولو بعض منها حتّى البسيلة بقصد إحداها". (تحریر الوسیله، ج 1، القول فی احکام الجنب، ص 40)

از جمله احکام جنب آن است که - چند چیز بر جنب حرام است: (أول) مس نوشتن قرآن به شرحی که در احکام وضو گذشت و مس نام خدای تعالی و سایر اسامی و صفات مختص خدا و همچنین است بنا بر احتیاط واجب مس اسامی پیامبران و ائمه - علیهم السلام - . (دوم) داخل شدن در مسجد الحرام و مسجد النبی - صلی الله علیه و آله - اگر چه بطور عبور باشد (سوم) توقف در سایر مساجد بلکه دخول در آنها به هر نحوی که باشد، مگر آنکه به نحو عبور از مسجد باشد به اینکه از دری وارد شده و از درب دیگر خارج شود و یا برای برداشتن چیزی از این مساجد داخل شود که در این صورت اشکالی ندارد و بنا بر احتیاط واجب مشاهد مشرفه (حرم شریف امامان - علیهم السلام -) ملحق به مساجد است و احتیاط بیشتر آنست که مشاهد مشرفه ملحق به مسجد الحرام و مسجد النبی باشد که اینک در مشاهد مشرفه بنا بر احتیاط واجب رواق ملحق به داخل حرم می باشد (چهارم) گذاشتن چیزی در مساجد اگر چه از خارج مسجد و یا در حال عبور باشد (پنجم) خواندن سوره های عزائم چهارگانه - اقرأ، النجم، الم تنزیل و حم السجده - هر چند قسمتی از آنها باشد حتی خواندن بسم الله الرحمن الرحیم به نیت یکی از این سوره ها بر جنب حرام است. (ترجمه تحریر الوسیله، ج 1، احکام جنب، ص 67)

نکته 1: در دعای کبیل آیه 18 سوره سجده آمده است، که باید طبق نظر امام خمینی، این عبارت را فرد جنب نخواند: "أَفْهَنْ كَانْ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانْ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ".

نکته 2: گوش کردن آیه سجده دار برای جنب حرام نیست، فقط خواندن آن حرام است. (حکیم زاده، سید مرتضی، احکام قبل از منبر، ج 1، ص 75)

آیت الله سیستانی: نه چیز، بر جنب مکروه شمرده شده است:

آیت الله مکارم: شایسته است جنب، چند چیز را ترک کند:

اول و دوم: امام خمینی، حضرت آقا، آیت الله مکارم: خوردن و آشامیدن، ولی اگر وضو بگیرد مکروه نیست.

آیت الله سیستانی: ... ولی اگر وضو بگیرد یا صورت و دست ها را بشوید و مضمضه کند، مکروه نیست و اگر تنها دست ها را بشوید کراهت کمتر می شود.

سوم: امام خمینی: خواندن بیشتر از هفت آیه از سوره هایی که سجده واجب ندارند.

حضرت آقا، آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم: خواندن بیشتر از هفت آیه از قرآن که سجده واجب ندارند.

چهارم: رساندن جایی از بدن به جلد و حاشیه و بین خط های قرآن.

پنجم: امام خمینی، حضرت آقا، آیت الله سیستانی: همراه داشتن قرآن.

این مورد، در توضیح المسائل آیت الله مکارم نیامده است .

ششم: امام خمینی، آیت الله سیستانی: خوابیدن، ولی اگر وضو بگیرد یا به واسطه نداشتن آب، بدل از غسل تیمم کند، مکروه نیست.

آیت الله مکارم: خوابیدن بدون وضو.

حضرت آقا: خوابیدن، ولی اگر وضو بگیرد، مکروه نیست.

هفتم: امام خمینی، حضرت آقا، آیت الله سیستانی: خضاب کردن به حنا و مانند آن^۱.

آیت الله مکارم: رنگ کردن موها به حنا و مانند آن^۲.

هشتم: امام خمینی، حضرت آقا: مالیدن روغن به بدن.

آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم: مالیدن روغن و انواع کرم ها به بدن.

^۱ سؤال: در صفحه 171 آموزش مصور احکام عبادات حضرت آقا، آمده: "یکی از کارهایی که برای فرد جنب مکروه است، خضاب کردن با حنا و مانند آن است."

منظور رنگ کردن کدام عضو می باشد؟ دست یا پا یا مو یا ریش؟

جواب: در این مسأله تفاوتی بین بدن و مو نیست و در کل کراهت دارد. (پرشش پیامکی از حرم مطهر)

^۲ سؤال: در مسأله 372 توضیح المسائل آیت الله مکارم آمده: "یکی از کارهایی که شایسته است فرد جنب ترک کند، رنگ کردن موها به حنا و مانند آن است."

آیا اگر فردی در حال جنابت، دست یا پایش را با حنا رنگ کند، کراهت دارد؟

جواب: خضاب کردن مو به رنگ و حنا برای جنب، زن حائض و نساء، کراهت دارد و رنگ باقیمانده پس از شستن، مانعی برای غسل محسوب نمی شود. البته مکروه بودن این کار مربوط به موی سر است و بقیه جاهای بدن را شامل نمی شود. البته در مورد مردان احتیاط در ترک رنگ کردن ریش است. (پرشش پیامکی از دفتر معظم له)

نهم: جماع کردن بعد از آنکه محتلم شده، یعنی در خواب منی از او بیرون آمده است.^۱

غسل جنابت

سؤال: آیا غسل جنابت، واجب است؟

امام خمینی و حضرت آقا: غسل جنابت به خودی خود مستحب است و برای خواندن نماز واجب و مانند آن واجب می شود؛ لذا واجب فوری نیست. ولی برای نماز میت و سجده شکر و سجده های واجب قرآن، غسل جنابت لازم نیست.^۲

^۱ توضیح المسائل امام خمینی، م 356؛ حضرت آقا، آموزش مصور احکام عبادات، ص 171؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 443 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 355؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 372.

توجه: در تحریر الوسيلة امام، جنب کردن شخصی که خضاب کرده، خود را قبل از آنکه رنگ را بشوید از مکروهات شمرده شده است لکن این مورد در توضیح المسائل ایشان بیان نشده است و در توضیح المسائل ایشان، مالیدن روغن به بدن از مکروهات شمرده شده است که این مورد، در تحریر الوسيلة ذکر نشده است؛ البته در تعلیقات امام بر عروة الوثقی، هر دو مورد از مکروهات شمرده شده است. فرمایش امام در تحریر الوسيلة: "ومنها: یکره علی الجنب امور: الأکل و الشرب، ویرتفع کراهتهما بالوضوء الكامل، و تخفّف کراهتهما بغسل ید و الوجه و المضمضة ثم غسل یدین فقط. و کقراءة ما زاد علی سبع آیات من غیر العزائم، و تشتدّ الکراهة إن زاد علی سبعین آية. و کمسّ ما عدا خطّ المصحف من الجلد و الورق و الهامش وما بین السطور. و کالنوم، و ترتفع کراهته بالوضوء، و إن لم یجد الماء یتیم بدلاً عن الغسل أو عن الوضوء، و عن الغسل أفضل. و کالخضاب، و کذا إجناب المختضب نفسه قبل أن يأخذ اللون. و کالجماع لو کان جنباً بالاحتلام، و کحمل المصحف و تعلیقه". (تحریر الوسيلة، ج 1، القول فی احکام الجنب، ص 41، بعد از مسأله 2)

از جمله احکام جنب اینست که - چند چیز بر جنب مکروه است: مانند خوردن و آشامیدن و با وضو کراهت آنها برطرف می شود و با شستن دست و صورت و مضمضه کردن کراهت تخفیف پیدا کرده و با شستن تنها دو دست تا حدی سبک می شود و مانند خواندن بیش از هفت آیه از غیر سوره های عزائم. و خواندن بیش از هفتاد آیه کراهت شدید دارد و مانند مس جلد و ورق و حاشیه و بین خطوط قرآن مجید غیر از نوشته آن، و مانند خوابیدن که کراهت آن با وضو رفع می شود و اگر آب نیافت تیمم بدل از غسل و یا وضو بکند، و تیمم بدل از غسل افضل است و مانند خضاب کردن به حنا و غیر آن، و همچنین جنب کردن شخصی که خضاب کرده، خود را قبل از آنکه رنگ را بشوید مکروه است، و مانند جماع کردن، اگر به سبب احتلام جنب شده باشد و مانند حمل قرآن یا آویزان کردن آن (مثل به گردن آویختن). (ترجمه تحریر الوسيلة، ج 1، احکام جنابت، بعد از مسأله 2)

متن عروة: "فصل: فیما یکره علی الجنب و هی امور: الأول: الأکل و الشرب، و یرتفع^(۱) کراهتهما بالوضوء، أو غسل یدین و المضمضة و الاستنشاق، أو غسل یدین فقط. الثاني: قراءة ما زاد علی سبع آیات من القرآن ما عدا العزائم، وقراءة ما زاد علی السبعین أشدّ کراهة. الثالث: مسّ ما عدا خطّ المصحف؛ من الجلد و الأوراق و الحواشي وما بین السطور. الرابع: النوم إلا أن یتوضأ، أو یتیمم إن لم یکن له الماء بدلاً عن الغسل^(۲). الخامس: الخضاب؛ رجلاً کان أو امرأة، و کذا یکره للمختضب قبل أن يأخذ اللون إجناب نفسه. السادس: التدهين. السابع: الجماع، إذا کان جنباً بالاحتلام. الثامن: حمل المصحف. التاسع: تعلیق المصحف".

(1) ارتفاعها فی غیر الوضوء محلّ تأمل، نعم یوجب الأمور المذكورة تخفیفاً.

(2) أو عن الوضوء، و عن الغسل أفضل.

(عروة الوثقی با تعلیقات امام خمینی، ج 1، فصل فیما یکره علی الجنب، ص 196)

^۲ سخن امام در تحریر الوسيلة: "منها: أنه یتوقّف علی الغسل من الجنابة امور؛ بمعنی أنه شرط فی صحتها: الأول: الصلاة بأقسامها عدا صلاة الجنابة، و کذا لأجزائها الهنسیة، و الأقوی عدم الاشتراط فی سجدة السهو؛ و إن کان أحوط. الثاني: الطواف الواجب، بل لا یبعد الاشتراط فی المندوب أيضاً. الثالث: صوم شهر رمضان وقضاؤه؛ بمعنی بطلانه إذا أصبح جنباً متعمداً أو ناسياً للجنابة. و أما سائر أقسام الصيام فلا تبطل بالإصباح جنباً فی غیر الواجب منها، ولا یتروک الاحتیاط

آیت الله مکارم: غسل جنابت را هر گاه برای رفع جنابت و پاک شدن انجام دهد، مستحب است؛ اما برای خواندن نماز واجب و مانند آن، واجب می شود. برای نماز میّت، سجده شکر، سجد های واجب قرآن (هنگامی که آیه سجده را از دیگری بشنود) غسل جنابت واجب نیست، بلکه در همان حال نیز انجام این کارها جایز است، هر چند بهتر است که برای نماز میّت و سجده شکر و امثال آن غسل کند.

آیت الله سیستانی: غسل جنابت به خودی خود واجب نیست و برای اموری انجام می شود:

1. مواردی که غسل جنابت، واجب است:

برای انجام واجباتی که شرط آنها با طهارت بودن است، مثلاً برای خواندن نماز واجب و اجزای فراموش شده آن و طوافی که به احرام واجب شده - هر چند جزء حج یا عمره مستحبی باشد - غسل جنابت واجب است؛ اما برای نماز میّت، سجده سهو، سجده شکر، سجد واجب قرآن، غسل جنابت لازم نیست و این اعمال بدون غسل جنابت صحیح می باشد.

2. مواردی که غسل، باعث جایز شدن عمل است:

در بعضی از موارد، برای آنکه انجام عملی حرام نباشد، باید غسل انجام شود؛ یعنی اگر بدون غسل انجام پذیرد حرام است، مثل مس خط قرآن در حال جنابت و

3. مواردی که غسل جنابت، باعث صحیح بودن عمل می شود:

بعضی از اعمال هر چند خود واجب نیستند، اما برای آنکه آن عمل صحیح انجام شود، لازم است با غسل جنابت انجام شود مثل نماز مستحبی.

4. مواردی که غسل جنابت، باعث کامل تر شدن عمل می شود:

بعضی از اعمال برای آنکه ثواب بیشتری داشته باشد، با غسل جنابت انجام می شود، مثل نماز میّت، تلاوت قرآن، قراءت دعا و طلب حاجت از خداوند متعال و اذان نماز که اگر بدون غسل انجام شوند نیز صحیح می باشد.

في ترك تعمّده في الواجب منها. نعم، الجنابة العمدية في أثناء النهار، تبطل جميع أقسام الصيام حتى المندوب منها، وغير العمدية - كالاغتلام - لا يضر بشيء منها حتى صوم شهر رمضان". (تحریر الوسيلة، ج 1، القول في أحكام الجنب، ص 39)

از جمله احکام جنب اینست که: اموری بر غسل جنابت متوقف است، به این معنی که غسل شرط صحت آن اعمال می باشد: (اول) تمام اقسام نماز و اجزاء فراموش شده آن به جز نماز میت و اقوا آنست که دو سجده سهو مشروط به آن نیست، اگر چه احوط است (دوم) طواف واجب است بلکه بعید نیست در طواف مستحب هم شرط باشد (سوم) روزه ماه رمضان و قضاء آن است به این معنی که اگر عمدتاً یا از روی فراموشی بدون غسل داخل صبح شود روزه اش باطل است، اما سایر روزه ها، اگر واجب نباشند و در حال جنابت داخل صبح شود روزه اش باطل نمی شود، و اگر روزه واجب باشد احتیاط واجب آنست که عمدتاً تا صبح جنب باقی نماند ولی جنابت عمدی در بین روز تمام اقسام روزه حتی روزه مستحب را باطل می کند، و جنابت غیر عمدی (در روز) مثل احتلام، به روزه ها حتی روزه ماه رمضان ضرر نمی رساند. (ترجمه تحریر الوسيلة، احکام جنب، ص 65)

5. مواردی که غسل جنابت، باعث بر طرف شدن کراهت می گردد:

در بعضی از موارد، انجام غسل جنابت باعث می شود مکروه بودن عملی از بین برود، مثل خوابیدن در حال جنابت که غسل (یا وضو) کراهت آن را بر طرف می سازد.¹

سؤال: آیا هنگام غسل جنابت، نیت وجوب یا استحباب لازم است؟

امام خمینی، آیت الله مکارم: لازم نیست در هنگام غسل جنابت، نیت کند که غسل واجب یا مستحب می کند و اگر فقط به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم غسل کند کافی است. آیت الله سیستانی: لازم نیست در هنگام غسل جنابت، نیت کند که غسل واجب یا مستحب می کند؛ بلکه اگر فقط به قصد قربت، یعنی برای تذلل در پیشگاه خداوند عالم غسل کند کافی است.²

نکته:

امام خمینی و آیت الله سیستانی: اگر یقین کند وقت نماز شده و نیت غسل واجب کند بعد معلوم شود که پیش از وقت غسل کرده، غسل او صحیح است. آیت الله مکارم: اگر یقین کند وقت نماز شده و نیت غسل واجب کند بعد معلوم شود که پیش از وقت غسل کرده، غسل او صحیح است؛ همچنین اگر به نیت نماز واجب غسل کند، بعد معلوم شود وقت گذشته بوده است، غسل او صحیح می باشد.³

کیفیت (چگونگی) انجام غسل ها

سؤال: کیفیت (چگونگی) انجام غسل را بیان کنید.

¹ توضیح المسائل امام خمینی، م 357؛ حضرت آقا، آموزش مصور احکام عبادات، ص 165 و 171؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 373؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 440.

² توضیح المسائل امام خمینی، م 358؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 374؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 441 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 357.

توجه: قصد قربت مصادیق مختلفی دارد، امثال امر، تذلل در پیشگاه خدا و ...؛ لذا هر دو نظر، یکی می باشد. (مؤلف)

³ توضیح المسائل امام خمینی، م 359؛ توضیح المسائل آیت الله سیستانی، م 358؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 375.

غسل جنابت و سایر غسل ها را - چه واجب و چه مستحب به جز غسل میّت^۱ - به دو صورت می توان انجام داد: «ترتیبی»^۲ و «ارتماسی»؛

غسل ترتیبی:

امام خمینی: در غسل ترتیبی باید به نیت غسل، اول سر و گردن، بعد طرف راست و بعد طرف چپ بدن را بشوید. و اگر عمداً یا از روی فراموشی یا بواسطه ندانستن مسأله به این ترتیب عمل نکند غسل او باطل است. نصف ناف و نصف عورت را باید با طرف راست بدن و نصف دیگر را باید با طرف چپ بشوید، بلکه بهتر است تمام ناف و عورت با هر دو طرف شسته شود.

حضرت آقا: در غسل ترتیبی بنابر احتیاط واجب بعد از سر و گردن باید اول سمت راست بدن را و سپس سمت چپ را به نیت غسل شست. و اگر عمداً یا از روی فراموشی یا بواسطه ندانستن مسأله به این ترتیب عمل نکند غسل او باطل است.^۳

آیت الله سیستانی: در غسل ترتیبی، انسان باید به نیت غسل، بنابر احتیاط لازم، اول تمام سر و گردن و بعد بدن را بشوید و احتیاط مستحب آن است که اول طرف راست و بعد، طرف چپ بدن را بشوید^۴ و چنانچه فرد، ترتیب مذکور را عمداً یا از روی ندانستن مسأله رعایت نکرده، بنابر احتیاط واجب غسل وی صحیح نیست؛

^۱ امام خمینی، حضرت آقا: بنابر احتیاط واجب، تا غسل ترتیبی ممکن است، میّت را به صورت ارتماسی غسل ندهند.

آیت الله سیستانی: در مورد غسل میّت، احتیاط واجب آن است که تا غسل ترتیبی ممکن است، میّت را غسل ارتماسی ندهند.

آیت الله مکارم: احتیاط مستحب آن است که تا غسل ترتیبی ممکن است، میّت را غسل ارتماسی ندهند.

(توضیح المسائل امام خمینی، م 565؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 444؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 538).

^۲ آیت الله سیستانی: البته غسل ترتیبی در صورتی که ترتیب بین راست و چپ بدن در آن مراعات گردد، بهتر از غسل ارتماسی است. (توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 444)

^۳ سؤال: به قصد انجام یکی از غسل های واجب غسل کردم. پس از خروج از حجام شک کردم که آیا ترتیب را رعایت کرده ام یا نه، و چون احتمال می دادم که نیت ترتیب کافی است، دوباره غسل نکردم. اکنون در کارم متحیر هستم، آیا قضای همه نمازهایی که خوانده ام، واجب است؟

حضرت آقا: اگر احتمال صحت غسل را می دهید و در وقت غسل متوجه انجام آنچه در صحت غسل معتبر است بوده اید، چیزی بر عهده شما نیست. بله، اگر یقین به بطلان غسل پیدا کنید، قضای همه نمازها بر شما واجب است. (أجوبة الاستفتاءات، س 197)

سؤال: من غسل جنابت را به این ترتیب انجام می داده ام که ابتدا سمت راست بدن بعد سر و سپس قسمت چپ بدن را می شستم. در سؤال و تحقیق در این زمینه هم کوتاهی کرده ام، نماز و روزه ام چه حکمی دارند؟

حضرت آقا: غسل به کیفیت مذکور باطل است و موجب رفع حدث نمی شود. لذا نمازهایی که با چنین غسلی خوانده شده، باطل و قضای آنها واجب است. ولی روزه ها با فرض اینکه معتقد به صحت غسل مذکور بوده اید و بقای شما بر جنابت، عمدی نبوده است، محکوم به صحت است. (أجوبة الاستفتاءات، س 198)

^۴ آیت الله سیستانی: مگر در غسل میّت که لازم است طرف راست را قبل از طرف چپ بشوید. (توضیح المسائل جامع، ج 1، م 445 و م 741)

مگر آنکه جاهل قاصر محسوب شود؛ البته اگر فرد بدن را را در غسل ترتیبی قبل از سر بشوید، لازم نیست غسل را دوباره انجام دهد؛ بلکه چنانچه بدن را دوباره بشوید، غسل او صحیح خواهد بود.

آیت الله مکارم: بعد از نیت، اول سر و گردن را می شوید، سپس طرف راست و بعد طرف چپ را. رعایت این ترتیب در غسل، واجب نیست؛ بلکه مستحب است. احتیاط^۱ آن است که تمام ناف و عورت را با هر دو طرف بشوید.^۲

نکته: امام خمینی: برای آنکه یقین کند هر سه قسمت، یعنی سر و گردن و طرف راست و طرف چپ را کاملاً غسل داده، باید هر قسمتی را که می شوید مقداری از قسمت های دیگر را هم با آن قسمت بشوید. بلکه

^۱ سؤال: در مسأله 378 توضیح المسائل آیت الله مکارم آمده: "احتیاط آن است که تمام ناف و عورت را با هر دو طرف بشوید". منظور، احتیاط واجب است یا احتیاط مستحب؟

جواب: با توجه به اینکه در غسل ترتیبی رعایت ترتیب لازم نمی باشد، می توان ناف یا عورت را با هر کدام از طرف های بدن شست، ولی احتیاط مستحب آن است که تمام ناف و عورت را با هر دو طرف بدن بشویند. (پرسش پیامکی از دفتر معظم له)

^۲ توضیح المسائل امام خمینی، م 360 و 361 و 362 و أيضاً تحرير الوسيلة، ج 1، القول في واجبات الغسل، مورد الثالث؛ حضرت آقا، آموزش مصور احکام عبادات، ص 155 و 177 و أيضاً رسالة آموزشی ایشان، جلد 1 (احکام عبادات)، درس هجدهم، ص 68 و أيضاً أجوبة الاستفتاءات، ص 191 و 192؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 444 و 445 و 446 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 360 و 361؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 376 و 377 و 378.

متن تحرير الوسيلة: "الترتيب في الترتيب، الذي هو أفضل من الارتعاسي: الذي هو عبارة عن تغطية البدن في الماء مقارناً للنية، ويكفي فيها استمرار القصد ولو ارتكازاً. والترتيب: عبارة عن غسل تمام الرأس - ومنه العنق - مُدْخِلاً لبعض الجسد معه مقدّمة، ثم تمام النصف الأيمن مُدْخِلاً لبعض الأيسر وبعض العنق معه مقدّمة. والأحوط الأولى إدخال تمام الجانب الأيمن من العنق في النصف الأيمن، وإدخال بعض الرأس معه مقدّمة. ثم تمام النصف الأيسر مُدْخِلاً لبعض الأيمن والعنق معه مقدّمة. والأحوط الأولى إدخال تمام الجانب الأيسر من العنق في الجانب الأيسر، وإدخال بعض الرأس مقدّمة. وتدخل العورة والسرة^(۱) في التنصيف المذكور، فيغسل نصفهما الأيمن مع الأيمن، ونصفهما الأيسر مع الأيسر، إلا أن الأولى غسلهما مع الجانبين. واللازم استيعاب الأعضاء الثلاثة بالغسل بصبّة واحدة أو أكثر بفرك أو ذلك أو غير ذلك". (تحرير الوسيلة، ج 1، القول في واجبات الغسل، مورد ثالث)

سوم: (از واجبات غسل) ترتیب در غسل ترتیبی که از غسل ارتعاسی افضل است و غسل ارتعاسی عبارت است از فرا گرفتن آب، تمام بدن را در حال نیت غسل. و ادامه نیت تا آخر غسل و لو اجمالاً کفایت می کند و ترتیب عبارت است از شستن تمام سر، که گردن نیز جزء آن است، با مقداری از بدن از باب مقدمه شستن سر و گردن. پس از آن شستن تمام نیمه راست بدن با مقداری از طرف چپ و مقداری از گردن، از باب مقدمه، و احتیاط مستحب آنست که هنگام شستن نیمه راست بدن، تمام طرف راست گردن و مقداری از سر را از باب مقدمه بشوید. سپس پس از آن شستن تمام نیمه چپ بدن با مقداری از طرف راست و مقداری از گردن از باب مقدمه و احتیاط مستحب آنست که هنگام شستن نیمه چپ بدن، تمام طرف چپ گردن و مقداری از سر را از باب مقدمه بشوید. و عورت و ناف به دو قسمت تقسیم می شوند بنابراین نیمه راست آنها با طرف راست بدن و نیمه چپ آنها با طرف چپ بدن باید شسته شود ولی بهتر آنست که تمام آنها با هر طرف شسته شود.

و آنچه لازم است این است که شستن، تمام این سه قسمت را فراگیرد، خواه با یک بار آب ریختن باشد یا بیشتر، خواه با راه باز کردن (برای رسیدن آب) باشد و خواه با دست مالیدن، و خواه با غیر اینها. (ترجمه تحرير الوسيلة، ج 1، واجبات غسل، مورد سوم)

(1) (السُّرَّة): ناف (سُرَّة) الرُّوْضِيَّة: ناف گلزار، بهترین قسمت باغ (سُرَّة) الوادي: بهترین قسمت دره از نظر گیاه یا درخت (سُرَّة) الخَوْض: ته حوض که آب در آن می ایستد، محل استقرار آب در حوض (سُرَّة) البَدْرَة: چاله بسیار ریز حیوانات. ج سُر. (المعجم الوسيط)

احتیاط مستحب آن است که تمام طرف راست گردن را با طرف راست بدن و تمام طرف چپ گردن را با طرف چپ بدن بشوید.^۱

آیت الله سیستانی: اگر انسان در غسل ترتیبی، یقین یا اطمینان نکند که هر دو قسمت، یعنی سر و گردن و بقیه بدن را کاملاً غسل داده، باید برای آنکه یقین یا اطمینان کند، هر قسمتی را که می‌شوید، مقداری از قسمت دیگر را هم با آن قسمت بشوید.

آیت الله مکارم: برای اینکه یقین کند هر سه قسمت بدن یعنی سر و گردن و طرف راست و طرف چپ را کاملاً غسل داده، احتیاط مستحب آن است که کمی از قسمت‌های دیگر را با آن قسمت بشوید.^۲

غسل ارتماسی:

آیت الله سیستانی: غسل ارتماسی به دو روش انجام می‌گیرد: «دفعی» و «تدریجی».

در غسل ارتماسی دفعی، باید در یک لحظه آب تمام بدن را فرا بگیرد، ولی لازم نیست قبل از شروع در غسل، تمام بدن بیرون آب باشد؛ بلکه اگر مقداری از آن بیرون باشد و به نیت غسل در آب فرو رود، کافی است.

در غسل ارتماسی تدریجی باید بدن به نیت غسل، تدریجاً در آب فرو برده شود طوری که فاصله بین فرو بردن اعضا زیاد نباشد و موالات در شستن اعضا رعایت گردد به گونه‌ای که بگویند مشغول انجام غسل ارتماسی است و در این صورت لازم است هر عضو، قبل از غسل دادن آن عضو، بیرون آب باشد.

شایان ذکر است، در این نوع غسل لازم نیست تمام بدن در یک لحظه زیر آب باشد. بنابراین، فرد می‌تواند پس از فرو بردن بعضی از اعضا به نیت غسل در آب، آن قسمت را بیرون بیاورد و بعد قسمت دیگری را فرو برد.

امام خمینی: در غسل ارتماسی اگر به نیت غسل ارتماسی به تدریج در آب فرو رود تا تمام بدن زیر آب رود غسل او صحیح است و احتیاط آن است که یک دفعه زیر آب رود.^۳

^۱ سؤال: در توضیح المسائل امام خمینی، مسأله 363 آمده: "احتیاط مستحب آن است که تمام طرف راست گردن را با طرف راست بدن و تمام طرف چپ گردن را با طرف چپ بدن بشوید." آیا منظور این است که بعد از شستن سر و گردن، دوباره گردن را در حین شستن بدن بشویم یا منظور این است که در غسل، ابتدا فقط سر را بشویم و سپس هنگام شستن سمت راست و چپ بدن، گردن را هم بشویم؟

جواب: منظور از این احتیاط مستحب، بعد از شستن سر و گردن است. (پرسش پیامکی از حرم مطهر)

^۲ توضیح المسائل امام خمینی، م 363؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 459 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 362؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 379.

^۳ فرمایش امام در تحریر الوسیله: "الظاهر حصول الارتماسی بالغسل^(۱) فی الهاء تدریجاً، واللازم - علی الأحوط - أن یکون تمام البدن فی الهاء فی آن واحد، فلو خرج بعض بدنه من الهاء قبل أن ینغمس البعض الآخر، لا یتحقق الارتماس. نعم، لا یضّر دخول رجله فی الطین یسیراً عند انغماسه للغسل، ففي الأثر و

حضرت آقا: غسل ارتماسی به یکی از روش های زیر صحیح است:

الف. تمام بدن را یکباره در آب فرو ببرد؛ به طوری که آب به همه جا برسد.

ب. به تدریج زیر آب برود، که در نهایت تمام بدن در آب قرار گیرد.

آیت الله مکارم: غسل ارتماسی آن است که بعد از نیت، تمام بدن را یک دفعه یا به تدریج در آب فرو ببرد، خواه در مثل حوض و و استخر باشد و یا زیر آبخاری که آب آن یک مرتبه تمام بدن را فرا می گیرد؛ اما غسل ارتماسی زیر دوش معمولی ممکن نیست.¹

نکته 1: در غسل ارتماسی باید پاها را نیز از زمین بلند کند تا آب به زیر آن برسد.²

الجداول التي تدخل الرجل في الطين يسيراً يجوز الارتماسي؛ و إن كان الأحوط اختيار الترتيبي. والأحوط أن يكون الغمس بالدفعه العرفية". (تحریر الوسيلة، ج 1، القول في واجبات الغسل، م 6)

ظاهر اینست که غسل ارتماسی با فرو رفتن تدریجی در آب (نیز) حاصل می شود. و احتیاط لازم آنست که تمام بدن در یک لحظه زیر آب باشد. بنابراین اگر قبل از آنکه قسمتی از بدن داخل آب شود، قسمت دیگر از آب خارج شود، غسل ارتماسی حاصل نمی شود.⁽²⁾ ولی فرو رفتن کمی از پا، در گل، موقع فرو رفتن در آب به غسل ضرر نمی رساند پس غسل ارتماسی در نرها و جویهائی که اندکی پا در گل فرو می رود جایز است، اگر چه احتیاط مستحب اینست که در این موارد غسل ترتیبی کند، و احتیاط مستحب (در غسل ارتماسی) آنست که طوری در آب فرو رود که عرفاً بگویند یک دفعه فرو رفت. (ترجمه تحریر الوسيلة، ج 1، واجبات غسل، م 6)

(1) (غَمَسَ يَغْمِسُ غَمْسًا) الشَّيْءُ فِي الْمَاءِ وَ نَحْوَهُ: آن چیز را در آب و امثال آن فرو برد، غوطه ور ساخت (غَمَسَ) اللَّقْمَةَ فِي الْإِدَامِ: لقمه را در خورش فرو برد (غَمَسَتْ) الْيَمِينُ الْكَادِبَةَ صَاحِبَهَا فِي الْإِثْمِ: سوگند دروغ، خورنده سوگند را در گناه افکند.

(إِنْقَمَسَ يَنْقَمِسُ إِنْقِمَاسًا) فِي الْمَاءِ: در آب غوطه ور شد، فرو رفت. (المعجم الوسيط)

(2) اظهاراً مراد آنست که بنا بر احتیاط لازم باید تمام بدن هم در غسل ارتماسی دفعی و هم تدریجی در آن واحد زیر آب باشد. (مؤلف) و تعلیقات امام بر این مسأله در عروة الوقتی می تواند مؤید این حرف باشد.

متن عروة: "الثانية: الارتماس وهو غمس تمام البدن في الماء دفعة واحدة عرفية⁽¹⁾، واللازم أن يكون تمام البدن تحت الماء في آن واحد؛ وإن كان غمسه على التدریج، فلو خرج بعض بدنه قبل أن ينغمس البعض الآخر لم يكف، كما إذا خرجت رجله، أو دخلت في الطين قبل أن يدخل رأسه في الماء، أو بالعكس؛ بأن خرج رأسه من الماء قبل أن تدخل رجله، ولا يلزم أن يكون تمام بدنه أو معظمه خارج الماء، بل لو كان بعضه خارجاً فارتمس كفي، بل لو كان تمام بدنه تحت الماء فنوى الغسل وحرك بدنه كفي على الأقوى⁽²⁾، ولو تيقن بعد الغسل عدم انفسال جزء من بدنه وجبت الإعادة، ولا يكفي غسل ذلك الجزء فقط، ويجب تخليل الشعر إذا شك في وصول الماء إلى البشرة التي تحته، ولا فرق في كيفية الغسل بأحد النحويين بين غسل الجنابة وغيره من سائر الأغسال الواجبة و الهندوبة، نعم في غسل الجنابة لا يجب الوضوء، بل لا يشرع بخلاف سائر الأغسال، كما سيأتي إن شاء الله".

(1) على الأحوط.

(2) و إن كان الأحوط خروج شيء من الجسد، وأحوط منه خروج معظم الجسد.

(عروة الوقتی با تعلیقات امام خمینی، ج 1، فصل في كيفية غسل الجنابة، ص 198)

¹ توضیح المسائل امام خمینی، م 367؛ حضرت آقا، آموزش مصور احکام عبادات، ص 156؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 449 و 450 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 366 و 367؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 382.

² توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 385.

البته زمانیکه پاها به زمین چسبیده و می خواهد غسل کند. (مؤلف)

نکته 2: امام خمینی: کسی که روزه واجب گرفته یا برای حج یا عمره احرام بسته، نمی تواند غسل ارتماسی کند ولی اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی کند صحیح است.¹

آیت الله سیستانی: کسی که برای حج یا عمره احرام بسته، نباید غسل ارتماسی کند؛ ولی اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی کند، غسلش صحیح است.²

آیت الله مکارم: احتیاط واجب آن است کسی که روزه واجب گرفته، یا برای حج یا عمره احرام بسته، غسل ارتماسی نکند و سر خود را زیر آب فرو نبرد؛ ولی اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی کند، صحیح است؛ و ضرر به روزه و احرام او نمی زند.³

سؤال: آیا در غسل ارتماسی دفعی، باید بدن بیرون آب باشد؟

امام خمینی: در غسل ارتماسی اگر همه بدن زیر آب باشد و بعد از نیت غسل، بدن را حرکت دهد غسل او صحیح است.

آیت الله سیستانی: در غسل ارتماسی دفعی، باید در یک لحظه آب تمام بدن را فرا بگیرد، ولی لازم نیست قبل از شروع در غسل، تمام بدن بیرون آب باشد؛ بلکه اگر مقداری از آن بیرون باشد و به نیت غسل در آب فرو رود، کافی است.

آیت الله مکارم: هرگاه مقداری از بدن بیرون آب باشد و نیت غسل ارتماسی کند و در آب فرو رود کافی است؛ اما اگر تمام بدن زیر آب باشد و آن را تکان دهد مشکل است.⁴

¹ فرمایش امام در تحریر الوسيلة: "یتعیّن علی المجنب فی نهار شهر رمضان أن یغتسل ترتیباً، فلو اغتسل ارتماساً بطل غسله وصومه علی الأحوط فیهما".

(تحریر الوسيلة، ج 1، القول فی واجبات الغسل، ص 44، م 13)

کسی که در روز ماه رمضان جنب باشد باید غسل ترتیبی بکند بنابراین اگر غسل ارتماسی نماید بنا بر احتیاط واجب غسل و روزه اش باطل می شود.

(ترجمة تحریر الوسيلة، ج 1، واجبات غسل، ص 73، م 13)

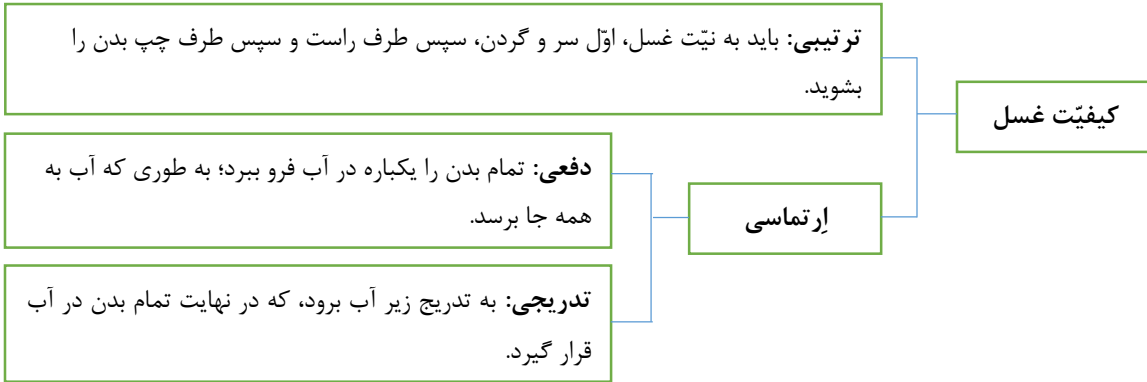
² فرو بردن تمام سر در آب، مبطل وضو می باشد. و در غسل ارتماسی باید تمام بدن از جمله سر، زیر آب برود. لذا اگر فردی روزه داشته باشد و غسل ارتماسی انجام دهد، روزه اش باطل می شود. و در روزه واجب مانند ماه رمضان نباید سرش را زیر آب ببرد. اما آیت الله سیستانی فرو بردن تمام سر در آب را از مبطلات روزه نمی داند و می فرماید کراهت شدید دارد و احتیاط مستحب در ترک آن است. و ظاهراً دلیل اینکه ایشان در این مسأله، این مورد را ذکر نفرمودند، عدم مبطلت مورد مذکور باشد. (توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 2، م 143 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 1589) (مؤلف)

³ توضیح المسائل امام خمینی، م 371؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 453 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 370؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 387.

⁴ توضیح المسائل امام خمینی، م 368؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 449؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 383؛

خلاصه مطلب:

غسل ها به غیر از غسل میّت را به دو شیوه می توان انجام داد:



سؤال: آیا غسل ترتیبی را می توان با فرو رفتن در آب هم انجام داد؟

امام خمینی: احتیاط مستحب ان است که در غسل ترتیبی هر یک از سه قسمت بدن را در آب فرو نبرند بلکه آب را روی آن بریزند.¹

آیت الله مکارم: در غسل ترتیبی می تواند سه بار در آب فرو رود، یکبار به نیت سر و گردن، دیگری به نیت طرف راست و دیگری را به نیت طرف چپ.

¹ فرمایش امام خمینی در تحریر الوسيلة: "لا ترتیب فی العضو، فیجوز غسله من الأسفل إلى الأعلى و إن كان الأولى البدأة بأعلى العضو فالأعلى. كما أنه لا کیفیت مخصوصة للغسل هنا، بل يكفي مسّاه، فیجزي رمس⁽¹⁾ الرأس في الماء، ثمّ الجانب الأيمن ثمّ الأيسر. و یجزیه أيضاً رمس البعض و الصبّ علی آخر. ولو ارتمس ثلاث ارتماسات ناویاً بکلّ واحد غسل عضو صح، بل یتحقّق مسّاه بتحريك العضو في الماء علی وجه یجری الماء علیه، فلا یحتاج إلى إخراج منه ثمّ غمسه فيه". (تحریر الوسيلة، ج 1، القول فی واجبات الغسل، م 5)

در شستن عضو، ترتیب شرط نیست و شستن از پایین به بالای عضو جایز است اگر چه بهتر این است که از بالای عضو شروع کرده و به ترتیب بشوید. کما اینکه در شستن عضو شکل مخصوصی شرط نیست بلکه همین که شستن صدق کند کفایت می کند، بنابراین فرو بردن سر سپس طرف راست و بعد از آن طرف چپ بدن در آب کفایت می کند، و نیز فرو بردن بعضی از اعضاء در آب و ریختن آب بر بعض دیگر از اعضاء کفایت می کند. و اگر سه مرتبه و هر مرتبه به نیت شستن یک قسمت در آب فرو رود غسل صحیح است. بلکه مسّاه شستن با حرکت دادن عضو بدن در آب به صورتی که آب روی آن حرکت کند، محقق می شود پس لازم نیست آن را از آب بیرون آورده و دوباره فرو برد. (ترجمه تحریر الوسيلة، ج 1، واجبات غسل، م 5)

(1) رمس - (رَمَسَ يَرْمَسُ رَمْسًا) المَهَيّت: مرده را دفن کرد و گورش را با زمین یکسان کرد (رَمَسَ) الشّيء: آن چیز را زدود و اثرش را پاک کرد. گویند: (الرَّيْحُ تَرْمَسُ الْأَثَارَ بِهَا تُثْبِتُهُ): باد با وزش خود نشانه ها را از بین می برد (رَمَسَ) القَبْرُ: گور را با زمین یکسان و روی آن را صاف و هموار کرد (رَمَسَ) عَلَيهِ الخَبْرُ: آن خبر را از او پوشیده داشت (رَمَسَ) فَلَانًا بِحَجَرٍ: فلانی را با سنگ زد.

(الرَّمَسُ يَرْمَسُ إِرْتِمَاسًا) فِي الْمَاءِ: کاملاً در آب فرو رفت، حتّی سرش را هم به زیر آب کرد. (المعجم الوسيط)

آیت الله سیستانی: غسل ترتیبی را می توان با فرو رفتن در آب هم انجام داد. بنابراین، اگر فرد دو بار در آب فرو رود، یکبار به نیت سر و گردن و بار دوم به نیت بدن، غسل او صحیح است، هر چند احتیاط مستحب است سه بار در آب فرو رود، یکبار به نیت سر و گردن، بار دوم به نیت طرف راست و بار سوم به نیت طرف چپ. نکته از آیت الله سیستانی: چنانچه فردی تمام یا قسمتی از بدنش، قبل از اینکه آن قسمت را به نیت غسل ترتیبی بشوید زیر آب باشد و بخواهد با حرکت دادن یا بدون حرکت دادن آن در زیر آب نیت غسل کند، بنا بر احتیاط واجب غسلش صحیح محسوب نمی شود؛

بنابراین، اگر فرد داخل حوض یا استخر آب است و می خواهد غسل ترتیبی نماید، احتیاط واجب آن است که از آب بیرون آید یا حداقل محلی را که می خواهد غسل دهد از آب بیرون آورد و بعد به قصد غسل ترتیبی وارد آب نماید.

همین طور، اگر سر یا بدن فرد زیر دوش بوده و آب بر آن جریان داشته باشد، بنا بر احتیاط لازم، محلی را که می خواهد غسل دهد از دوش کنار ببرد و بعد به قصد غسل زیر دوش قرار دهد¹.

¹ سؤال: در مسأله 448 ج 1 توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی آمده است: "... اگر سر یا بدن فرد زیر دوش بوده و آب بر آن جریان داشته باشد، بنا بر احتیاط لازم، محلی را که می خواهد غسل دهد از دوش کنار ببرد و بعد به قصد غسل زیر دوش قرار دهد."

آیا دست کشیدن اعضاء، کفایت از خروج از زیر دوش می کند یا نه و حتماً (بنا بر احتیاط واجب) باید از زیر دوش خارج شود؟

جواب: اگر بخواهد به احتیاط واجب عمل کند دست کشیدن کفایت نمی کند و باید از زیر دوش خارج شود. (پرسش پیامکی از حرم مطهر؛ پرسش تلفنی از دفتر معظم له)

سؤال: در مسأله 448 ج 1 توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی آمده است: "... اگر سر یا بدن فرد زیر دوش بوده و آب بر آن جریان داشته باشد، بنا بر احتیاط لازم، محلی را که می خواهد غسل دهد از دوش کنار ببرد و بعد به قصد غسل زیر دوش قرار دهد."

آیا نظر حضرت آقا هم همین است؟

جواب: لازم نیست از زیر دوش خارج شود. (پرسش پیامکی از حرم مطهر)

سؤال: در مسأله 448 ج 1 توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی آمده است: "... اگر سر یا بدن فرد زیر دوش بوده و آب بر آن جریان داشته باشد، بنا بر احتیاط لازم، محلی را که می خواهد غسل دهد از دوش کنار ببرد و بعد به قصد غسل زیر دوش قرار دهد."

آیا نظر آیت الله مکارم هم همین است؟

جواب: لازم نیست سر یا بدن را از زیر آب بیرون آورد. (پرسش پیامکی از حرم مطهر)

سؤال: آیا بیرون آمدن از زیر دوش هنگام شستن سر و گردن و بدن لازم است؟

آیات عظام امام، رهبری، مکارم: لازم نیست.

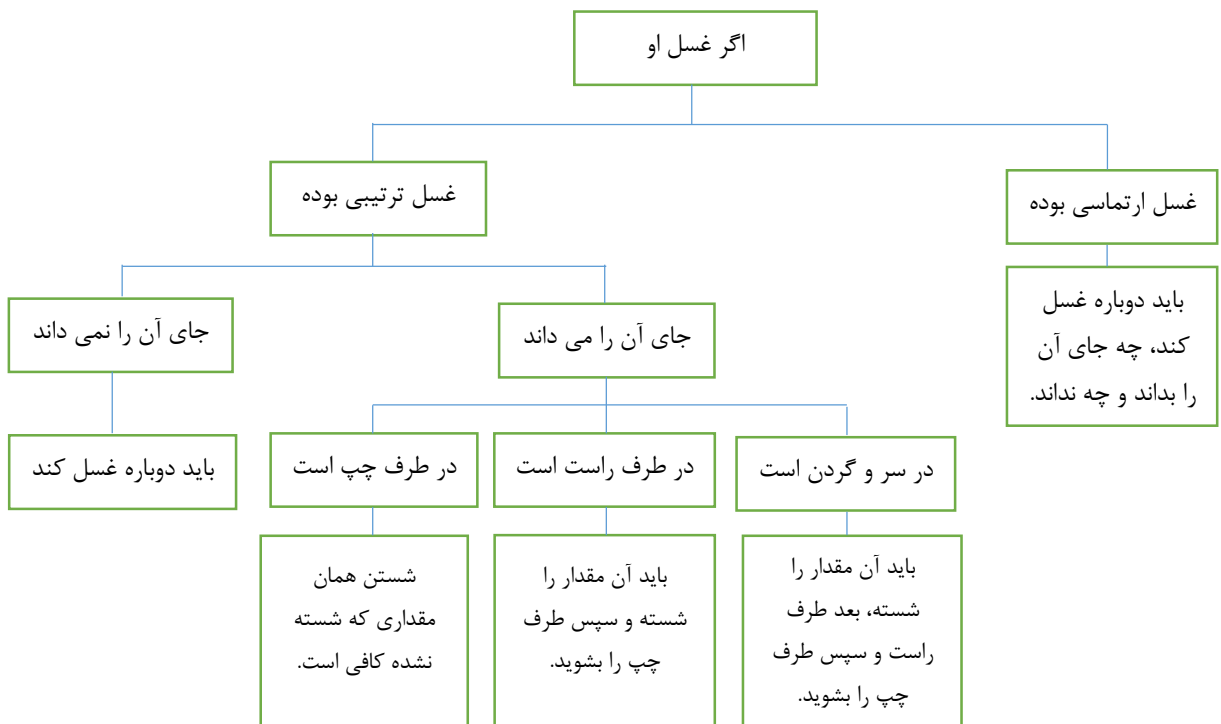
آیت الله سیستانی: بنا بر احتیاط واجب پس از شستن سر و گردن از آب یا زیر دوش خارج شود.

شایان ذکر است، کسی که این مسأله را نمی دانسته و آن را در غسل های گذشته مراعات نمی کرده، از آنجا که حکم مذکور بنا بر احتیاط واجب است، می تواند - مانند سایر موارد احتیاط واجب - به مجتهد دیگری که از سایر مجتهدین اعلم است، رجوع کند و اگر وی رعایت این نکته را لازم نمی دانست، در این مسأله از او تقلید نماید تا غسل هایی که بدون رعایت این نکته انجام داده و از این به بعد به این گونه انجام می دهد، بدون اشکال باشد.¹

احکام غسل کردن

سؤال: اگر شخصی بعد از غسل بفهمد آب به قسمتی از بدنش نرسیده، تکلیف چیست؟

حضرت امام، حضرت آقا: در حالت های مختلف وظایفی دارد که در نمودار زیر آمده است:



البته - طبق نظر آیت الله سیستانی، چنانچه که بیان شد - اگر سر فرد هم زیر دوش باشد، بنا بر احتیاط واجب باید این محل را از زیر دوش خارج کند. (مؤلف)

¹ توضیح المسائل امام خمینی، م 565؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 388؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی؛ ج 1، م 447 و 448 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 360.

توجه: حضرت آقا: اگر مکلف شک کند در غسل هایی که قبلاً انجام داده آب را به کف پاها رسانده یا خیر، چون در هنگام غسل طرف راست و چپ بدن، به طور معمولی آب به کف پا نیز می رسد؛ از این رو در صورت احتمال رسیدن آب به کف پا، غسل های گذشته او درست است و لازم نیست نماز و روزه های گذشته را قضا کند.

آیت الله مکارم: اگر بعد از غسل ترتیبی، بفهمد مقداری از بدن را نشسته، کافی است همان قسمت را به نیت غسل بشوید؛ در این صورت غسل او صحیح است؛ اما در غسل ارتماسی باید دوباره غسل کند. [در توضیح المسائل ایشان، صورتی که فرد بعد از غسل ترتیبی، بفهمد مقداری از بدن را نشسته و جای آن را نداند، بیان نشده است].

آیت الله سیستانی:

الف. اگر فرد بعد از غسل ترتیبی بفهمد مقداری از بدن را نشسته، چنانچه آن مقدار در طرف راست یا چپ باشد، شستن همان مقدار کافی است، هر چند احتیاط مستحب آن است که اگر در طرف راست باشد بعد از شستن آن مقدار، تمام طرف چپ را نیز بشوید؛

اما اگر آن مقدار، در سر و گردن باشد، بنابر احتیاط واجب باید بعد از شستن آن مقدار، دوباره تمام بدن را بشوید.

ب. اگر انسان بعد از غسل ترتیبی بفهمد جایی از بدن، غیر از سر و گردن را نشسته و نداند کجای بدن است، دوباره شستن سر و گردن لازم نیست و باید بدن را به نیت غسل بشوید؛

اما چنانچه قسمتی که نشسته از سر و گردن باشد و نداند کدام قسمت از آن است، باید سر و گردن را به نیت غسل شسته، سپس بنابر احتیاط واجب تمام بدن را بشوید و اگر اصلاً نمی داند قسمتی که شسته نشده از سر و گردن است یا سمت راست یا چپ بدن، باید دوباره غسل کند.

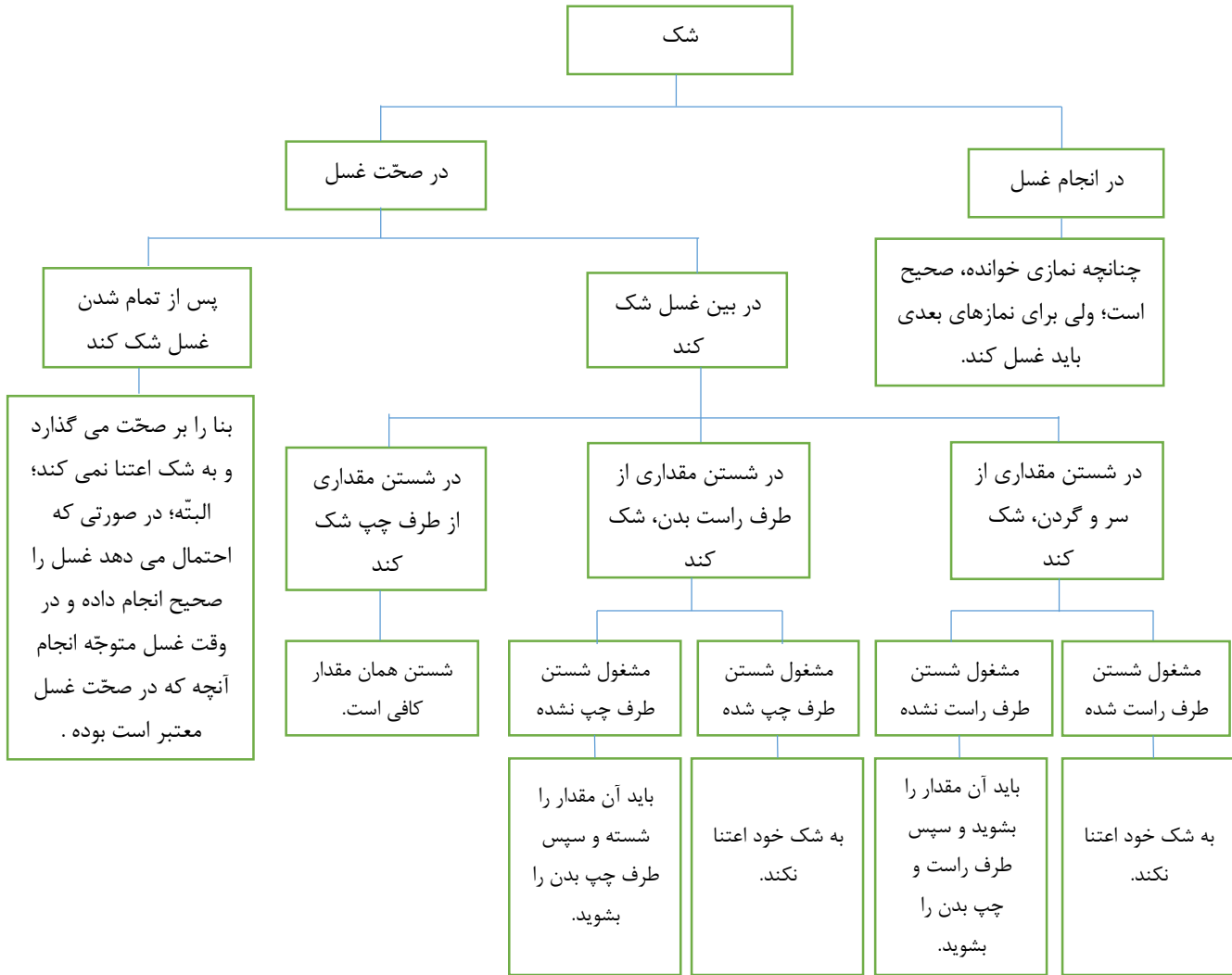
ج. اگر انسان بعد از غسل ارتماسی بفهمد آب به مقداری از بدن نرسیده، چه جای آن را بداند یا نداند، باید دوباره غسل کند.¹

¹ توضیح المسائل امام خمینی، م 364 و 365 و 369 و أيضاً تحرير الوسيلة، ج 1، القول في واجبات الغسل، م 7؛ حضرت آقا، آموزش مصور احکام عبادات، ص 158 و أيضاً رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس هجدهم، ص 68؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 380 و 384؛ توضیح المسائل آیت الله سیستانی، م 467 و 468 و 451 و 460 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 364 و 368.

متن تحرير الوسيلة: "لو تبقن بعد الغسل عدم انفسال جزء من بدنه، وجبت إعادة الغسل في الارتماسي. و أما في الترتيبي فان كان ذلك الجزء من الطرف الأيسر، يكفي غسل ذلك الجزء ولو طال المدة حتى جفت تمام الأعضاء، ولا يحتاج إلى إعادة الغسل، ولا إعادة غسل سائر أجزاء الأيسر، وإن كان من الأيمن يغسل خصوص ذلك الجزء ويعيد غسل الأيسر، وإن كان من الرأس يغسل خصوص ذلك الجزء ويعيد غسل الطرفين". (تحرير الوسيلة، ج 1، القول في واجبات الغسل، م 7)

سؤال: اگر کسی در انجام غسل یا صحت آن شک کند، تکلیف چیست؟

امام خمینی و حضرت آقا:



آیت الله مکارم: [در توضیح المسائل ایشان، فقط همین مقدار بیان شده که:]

الف. اگر بعد از تمام شدن غسل، شک کند که اعضا را درست شسته یا نه، اعتنا نکند.

اگر بعد از غسل یقین کند که مقداری از بدن شسته نشده است، اگر غسل ارتعاسی کرده واجب است دوباره غسل کند.

و اما در غسل ترتیبی در صورتی که این مقدار شسته نشده از نیمه چپ بدن باشد شستن همان مقدار کفایت می کند، هر چند طول کشیده و تمام اعضاء خشک شده باشد و نیازی به اعاده غسل و شستن سایر قسمتهای طرف چپ بدن نیست.

اما اگر مقداری که شسته نشده از طرف راست باشد، همان مقدار و سپس طرف چپ بدن را بشوید. و اگر آن مقدار از سر باشد همان مقدار و سپس دو طرف بدن را بشوید. (ترجمه تحریر الوسيلة، ج 1، واجبات غسل، ص 71، م 7)

ب. هر گاه شك كند غسل كرده يا نه، بايد غسل كند؛ ولي اگر بعد از غسل شك كند غسل او صحيح بوده يا نه، اعتنا به شك نكند.

آيت الله سيستاني:

الف. اگر فرد قبل از تمام شدن غسل ترتيبی، در شستن مقداری از طرف چپ يا طرف راست شك كند، بايد آن مقدار را بشويد و اگر در شستن مقداری از سر و گردن شك كند، بنا بر احتیاط لازم، بايد بعد از شستن آن، دوباره تمام بدن را بشويد.

ب. اگر انسان شك كند غسل كرده يا نه، بايد غسل كند؛ اما اگر بعد از تمام شدن غسل و وقتی كه عرفاً غسل به پايان رسیده، شك كند قسمتی از سر و گردن يا بدن را شسته يا نه، در صورتی كه عادت داشته كارهای غسل را پی در پی و با رعایت موالات انجام دهد و می داند بخش عمده ای از اعضای غسل را شسته، به شكش اعتنا نكند.

ج. اگر بعد از غسل بدانند سر و گردن را شسته، ولي شك كند غسلش درست بوده يا نه و شرایط صحت غسل را رعایت نموده يا نه، لازم نيست دوباره غسل كند و غسلش صحيح محسوب می شود، هر چند هنگام غسل متوجه شرایط صحيح بودن غسل نبوده و غافل باشد؛

بلکه اگر در بين غسل بعد از شستن هر عضوی شك كند شرایط صحيح بودن غسل را در شستن آن رعایت كرده يا نه، بنا بر صحيح بودن می گذارد، هر چند وارد شستن عضو بعد نشده باشد.¹

¹ حضرت آقا، آموزش مصور احكام عبادات، ص 163 و أيضاً رساله آموزشی، ج 1 (احكام عبادات)، درس نوزدهم، ص 71؛ توضیح المسائل امام خمینی، م 366 و 385 [البته؛ ایشان در خصوص کسی كه بعد از غسل در صحت آن شك می کنند، می فرمایند: لازم نيست دوباره غسل كند و قیدی را كه حضرت آقا بيان فرمودند را ذكر نكردند]؛ توضیح المسائل آيت الله مكارم، م 381 و 397؛ توضیح المسائل جامع آيت الله سيستاني، ج 1، م 469 و 470 و 471.

فرمایش امام خمینی در تحرير الوسيلة:

"لو شك في شيء من أجزاء الغسل و قد فرغ من الغسل، بنى على الصحة، وكذا لو شك فيه و قد دخل في جزء آخر على الأقوى؛ وإن كان الأحوط في هذا الفرض التدارك". (تحرير الوسيلة، ج 1، القول في واجبات الغسل، ص 44، م 14)

اگر بعد از فراغ از غسل در بعضی از اجزاء آن شك نهاید، بنا بر صحت آن بگذارد و بنا بر اقوا همچنین است اگر در جزء سابق بعد از آنكه وارد به جزء دیگر شده، شك نهاید اگر چه احتیاط مستحب اینست كه در این فرض قسمت مشکوک را بشويد. (ترجمة تحرير الوسيلة، ج 1، واجبات غسل، ص 73، م 14)

"لو صلى المجنب، ثم شك في أنه اغتسل من الجنابة أم لا، بنى على صحة صلاته، ولكن يجب عليه الغسل للأعمال الآتية. ولو كان الشك في أثناء الصلاة بطلت، والأحوط إتمامها ثم إعادتها مع الغسل". (تحرير الوسيلة، ج 1، القول في واجبات الغسل، ص 46، م 21)

اگر کسی كه جنب بوده نماز بخواند و بعد از نماز شك كند كه غسل كرده يا نه بنا بر صحت نماز می گذارد ولي برای اعمال آینده بايد غسل نهاید و اگر این شك در بين نماز باشد، نمازش باطل می شود و احتیاط مستحب اینست كه نماز را تمام كند و بعد از غسل اعاده نهاید. (ترجمة تحرير الوسيلة، ج 1، واجبات غسل، ص

سؤال: آیا پاک بودن بدن در غسل، لازم است؟

امام خمینی: در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن لازم نیست. و اگر تمام بدن نجس باشد و هر قسمتی را پیش از غسل دادن آن قسمت آب بکشد کافی است.

حضرت آقا: در غسل ارتماسی واجب است تمام بدن قبل از غسل پاک باشد ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمامی بدن قبل از غسل، واجب نیست، بلکه پاک بودن هر عضوی هنگام غسل آن کافی است. بنابراین اگر عضو، قبل از غسل آن، تطهیر شده باشد، غسل و نمازی که با آن خوانده شده، صحیح است. ولی اگر عضو نجس قبل از غسل آن تطهیر نشود، و با یک شستن بخواهد هم آن را پاک کند و هم غسل نماید، غسل باطل است و نمازی که با چنین غسلی خوانده، باطل و قضای آن واجب است.^۱

آیت الله مکارم: در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد (بنابر احتیاط واجب) ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن لازم نیست، همین اندازه که هر عضو پیش از غسل دادن پاک باشد، کافی است.

آیت الله سیستانی: در غسل ارتماسی یا ترتیبی، پاک بودن تمام بدن پیش از غسل، لازم نیست؛ بلکه اگر با فرو رفتن در آب یا ریختن آب به قصد غسل، بدن پاک شود، غسل انجام می شود، به شرط آنکه آبی که با آن غسل می کند، از پاک بودن خارج نشود؛ مثلاً با آب کر یا جاری غسل کند.^۲

سؤال: آیا عرق جنب از حرام، نجس است؟

امام خمینی: عرق جنب از حرام نجس نیست و کسی که از حرام جنب شده اگر با آب گرم هم غسل کند صحیح است.

نکته از امام خمینی: "لو ارتمس في الماء بقصد الاغتسال، وشك في أنه كان ناوياً للغسل الارتماسي حتى يكون فارغاً، أو الترتيبي وكان ارتماسه بقصد غسل الرأس و الرقبة وبقية الطرفان، يحتاط بغسل الطرفين، ولا يجب الاستئناف، بل لا يكفي الارتماسي على الأحوط". (تحرير الوسيلة، ج 1، القول في واجبات الغسل، ص 46، م 20)

اگر به قصد غسل در آب فرو رود و سپس شک کند که به نیت ارتماسی بوده تا اینکه از غسل فارغ شده باشد یا به نیت ترتیبی و به قصد سر و گردن بوده است تا دو طرف بدن باقی مانده باشد، واجب است احتیاط کند و دو طرف را غسل دهد و از سر گرفتن غسل واجب نیست. بلکه بنا بر احتیاط واجب اگر غسل ارتماسی را از سر بگیرد کفایت نمی کند. (ترجمه تحریر الوسيلة، ج 1، واجبات غسل، ص 77، م 20)

^۱ این مسأله پاسخ این سؤال می باشد: یکی از برادران می گوید صحت غسل مشروط به تطهیر بدن از نجاست، قبل از غسل است و اگر تطهیر منی یا غیر آن در اثنا غسل باشد موجب بطلان غسل می شود. بر فرض صحت گفته او و با توجه به این که من جاهل به این مسأله بوده ام، آیا نمازهای گذشته من باطل بوده و قضای آنها واجب است؟

^۲ توضیح المسائل امام خمینی، م 372؛ حضرت آقا، أجوبة الاستفتائات، س 179 و أيضاً رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس نوزدهم، ص 70 و أيضاً آموزش مصور احکام عبادات، ص 161؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 389؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 456 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، 371 م.

آیت الله سیستانی: کسی که از حرام جنب شده، چنانچه با آب گرم غسل کند، هر چند عرق کند، غسل او صحیح است و احتیاط مستحب آن است که با آب سرد یا نیم گرم (وگرم) غسل نماید تا عرق نکند.

آیت الله مکارم: سابقاً گفتیم^۱ عرق جنب از حرام نجس نیست و چنین کسی می تواند با آب گرم غسل کند، ولی بهتر است با آب ملایم غسل کند که عرق ننماید.^۲

سؤال: آیا شستن موها در غسل، لازم است؟

امام خمینی، حضرت آقا: در غسل باید موهای کوتاهی را که جزء بدن حساب می شود، بشوید و بنابر احتیاط شستن موهای بلند هم لازم می باشد.

آیت الله سیستانی: انسان در غسل، باید موهای کوتاه را - که عرفاً از توابع بدن محسوب می شود - بشوید و شستن موهای بلند واجب نیست، هر چند احتیاط مستحب آن است که شسته شود.

بنابراین، اگر آب را طوری به پوست برساند که آنها تر نشود، غسل صحیح است؛ ولی اگر رساندن آب به پوست بدون شستن آنها ممکن نباشد، باید آنها را بشوید تا آب به بدن برسد.

آیت الله مکارم: موهای کوتاه را که جزء بدن حساب می شود باید بشوید، و بنابر احتیاط واجب شستن موهای بلند و زیر آنها هم لازم است.^۳

^۱ منظور، مسأله 131 و 132 توضیح المسائل ایشان می باشد:

مسأله 131: کسی که از طریق حرام جُنب شود، خواه به واسطه زنا باشد، یا لواط و یا استمناء، عرق او نجس نیست، ولی مادام که بدن یا لباس او عرق دارد با آن نماز نخواند بنا بر احتیاط واجب.

مسأله 132: احتیاط مستحب آن است که از عرق جُنب از حرام پرهیز شود و برای رعایت این احتیاط، بهتر است با آب ملایم غسل کند، که به هنگام غسل بدن او عرق نکند، این در صورتی است که با آب قلیل غسل نماید و اگر با آب کر و مانند آن باشد اشکال ندارد، اما بعد از پایان غسل یک بار همه بدن را آب بکشد (بنا بر احتیاط مستحب).

^۲ توضیح المسائل امام خمینی، م 373؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 463؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 390.

^۳ توضیح المسائل امام خمینی، م 379 و أيضاً تحرير الوسيلة، ج 1، القول في واجبات الغسل، ص 42، م 4؛ حضرت آقا، آموزش مصور احکام عبادات، ص 159 و أيضاً رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس هجدهم، ص 68؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 458 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 378 و أيضاً استفتائات ایشان، ج 1، ص 20؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 393.

سؤال: در مسأله 393 توضیح المسائل آیت الله مکارم آمده است: "... بنابر احتیاط واجب شستن موهای بلند و زیر آنها هم لازم است".

آیا احتیاط واجب فقط برای شستن موهای بلند است و شستن زیر آنها واجب است، یا اینکه احتیاط واجب هم برای شستن موهای بلند و هم زیر آنهاست؟

جواب: در هر دو مورد احتیاط واجب است. (پرسش پیامکی از دفتر معظّم له)

متن تحرير الوسيلة: "يجب غسل ما تحت الشعر من البشرة، وكذا الشعر الدقيق الذي يُعدّ من توابع الجسد. والأحوط وجوب غسل الشعر مطلقاً".

سؤال: آیا شرایط صحت غسل، همان شرایط صحت وضو هستند؟

تمام شرطهایی که برای صحیح بودن وضو گفته شد، مثل پاک بودن آب و غصبی نبودن آن، در صحیح بودن غسل هم شرط است ولی در غسل لازم نیست بدن را از بالا به پایین بشوید، و نیز در غسل ترتیبی، لازم نیست بعد از شستن هر قسمت فوراً قسمت دیگر را بشوید [مُوالات شرط نیست]، بلکه اگر بعد از شستن سر و گردن مقداری صبر کند و بعد طرف راست را بشوید و بعد از مدتی طرف چپ را بشوید اشکال ندارد. ولی کسی که نمی تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند، اگر به اندازه ای که غسل کند و نماز بخواند، بول و غائط از او بیرون نمی آید، چنانچه وقت تنگ باشد، باید هر قسمت را فوراً بعد از قسمت دیگر غسل دهد و بعد از غسل هم فوراً نماز بخواند. و همچنین است حکم زن مستحاضه [در خصوص حکم زن مستحاضه به رساله های عملیه مراجعه کنید]؛

علاوه بر موارد فوق، در صورتی که وقت نماز کم باشد و فرد تنها به مقدار غسل و خواندن نماز وقت داشته باشد، لازم است فوراً و بدون فاصله غسل کند و بعد هم فوراً نماز بخواند.¹

(تحریر الوسيلة، ج1، القول فی واجبات الغسل، ص 42، م 4)

شستن پوست زیر مو و همچنین موهای ریزی که تابع بدن حساب می شوند واجب است و احتیاط آنست که شستن مو مطلقاً - ریز و غیر ریز - واجب است.

(ترجمه تحریر الوسيلة، ج1، واجبات غسل، ص 69، م 4)

¹ توضیح المسائل امام خمینی، م 380 و أيضاً تحریر الوسيلة، ج1، القول فی واجبات الغسل، م 5 و 8؛ حضرت آقا، آموزش مصور احکام عبادات، ص 162 و أيضاً رساله آموزشی، ج1 (احکام عبادات)، درس نوزدهم، ص 70؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج1، م 454 و 455 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 379؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 394.

فرمایش امام خمینی در تحریر الوسيلة: "لا ترتیب فی العضو، فیجوز غسله من الأسفل إلى الأعلى و إن كان الأولى البدأ بأعلى العضو فالأعلى..." (تحریر الوسيلة، ج1، القول فی واجبات الغسل، م 5)

در شستن عضو، ترتیب شرط نیست و شستن از پایین به بالای عضو جایز است اگر چه بهتر این است که از بالای عضو شروع کرده و به ترتیب بشوید. (ترجمه تحریر الوسيلة، ج1، واجبات غسل، م 5)

فرمایش امام در تحریر الوسيلة: "لا یجب الموالاة فی الترتیبی، فلو غسل رأسه و رقبتیه فی أوّل النهار، و الأیمن فی وسطه، و الأیسر فی آخره، صح".

(تحریر الوسيلة، ج1، القول فی واجبات الغسل، ص 43، م 8)

در غسل ترتیبی موالات شرط نیست. بنابراین اگر در اول روز سر و گردن و در وسط روز طرف راست و در آخر روز طرف چپ را بشوید غسلش صحیح است.

(ترجمه تحریر الوسيلة، ج1، واجبات غسل، ص 73، م 8)

توجه: در وضو، اگر پوست صورت از لای مو پیدا نباشد، شستن ظاهر موی صورت ابا توضیحاتی که بیان شد، کافی است و رساندن آب به زیر آن لازم نیست، اما در غسل رساندن آب به پوست لازم است.^۱

سؤال: اگر از انسان در حین غسل، حدث اصغر خارج شود، غسل چه حکمی دارد؟

امام خمینی: اگر در بین غسل حَدَث اصغر از او سر زند، مثلاً بول کند، غسل باطل نمی شود.^۲

آیت الله سیستانی: اگر در بین غسل، حدث اصغر از او سر زند، مثلاً بول کند یا باد از او خارج شود، لازم نیست غسل را رها کرده و غسل دیگری انجام دهد، بلکه می تواند غسل خود را تمام نماید و بنابر احتیاط لازم برای انجام کارهایی که نیاز به وضو دارد، باید وضو هم بگیرد؛ البته اگر از ادامه غسل ترتیبی صرف نظر کرده و دوباره غسل را به صورت ارتماسی انجام دهد یا اینکه از ادامه غسل ارتماسی صرف نظر کرده و از ابتدا به غسل ترتیبی پردازد، لازم نیست علاوه بر غسل وضو بگیرد.

آیت الله مکارم: اگر در اثناء غسل، حَدَث اصغر از او سر زند (مثلاً بول کند) ضرری به غسل او نمی زند ولی برای نماز و مانند آن، باید وضو بگیرد.

حضرت آقا: فتوای ایشان در جاهای مختلف:

¹ تحریر الوسيلة، ج 1، القول فی واجبات الغسل، ص 42، مور الثانی؛ حضرت آقا، آموزش مصوّر احکام عبادات، ص 157؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 454

² فرمایش امام خمینی در تحریر الوسيلة: "لو أحدث بالأصغر في أثناء الغسل لم يبطل على الأقوى، لكن يجب الوضوء بعده لكل ما اشترط به، والأحوط استئناف الغسل قاصداً به ما يجب عليه من التمام أو الإتمام والوضوء بعده". (تحریر الوسيلة، ج 1، القول فی واجبات الغسل، ص 46، م 19)

اگر در بین غسل، حدث اصغری خارج شود بنا بر اقوا غسلش باطل نمی شود و لیکن بعد از غسل برای چیزهایی که وضو در آنها شرط است باید وضو بگیرد. و احتیاط مستحب اینست که غسل را به قصد آنچه که بر او واجب است - تمام غسل یا تکمیل آن - از نو شروع کند و بعد از غسل وضو هم بگیرد.

(ترجمه تحریر الوسيلة، ج 1، واجبات غسل، ص 75، م 19)

حاشیه امام خمینی بر این مسأله در عروة الوثقی، چنین است: "إذا أحدث بالأصغر في أثناء غسل الجنابة، الأقوى عدم بطلانه، نعم يجب عليه الوضوء بعده، لكن الأحوط إعادة الغسل بعد إتمامه و الوضوء بعده، أو الاستئناف⁽¹⁾ والوضوء بعده، وكذا إذا أحدث في سائر الأغسال، ولا فرق بين أن يكون الغسل ترتيبياً أو ارتماسياً إذا كان على وجه التدريج، وأما إذا كان على وجه الآتية فلا يتصور فيه حدوث الحدث في أثناءه".

(1) لكن إذا أحدث في أثناء الترتيبی استأنف ترتیباً، بل إذا كان في أثناء الارتماسي استأنفه ارتماساً أيضاً موافق للاحتياط.

(عروة الوثقی با تعلیقات امام خمینی، ج 1، فصل فی مستحبات غسل الجنابة، ص 206، م 8)

حدث اصغر(مثلاً بول کردن یا خروج باد معده) در بین غسل، غسل را باطل نمی کند، ولی با آن غسل نمی تواند نماز بخواند یا کارهایی که نیاز به وضو دارد، انجام دهد؛ بلکه پس از غسل برای این کارها باید وضو بگیرد. (آموزش مصوّر احکام عبادات)

حدث اصغر در اثنای غسل به صحّت غسل ضرر نمی رساند و لازم نیست که غسل را از نو شروع کند، ولی چنین غسلی کفایت از وضو برای نماز و سایر اعمال مشروط به طهارت از حدث اصغر نمی کند. (أجوبة الاستفتاءات)

هرگاه در اثنای غسل، حدث اصغری از او سر بزند (مثلاً بول کند) به صحت غسل ضرر نمی رساند و لازم نیست که غسل را از نو شروع کند و باید آن را ادامه دهد، ولی چنین غسلی اگر غسل جنابت باشد مانند سایر غسلها کفایت از وضو برای نماز و سایر اعمال مشروط به طهارت از حدث اصغر نمی کند. (رسالة آموزشی)¹

¹ توضیح المسائل امام خمینی ، م 386 ؛ آموزش مصوّر احکام عبادات ، حضرت آقا ، ص 163 و أيضاً رساله آموزشی ، ج 1 (احکام عبادات) ، درس نوزدهم ، ص 70 و أيضاً أجوبة الاستفتاءات ، ص 185 ؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم ، م 398 و أيضاً استفتاءات ایشان ، ج 1 ، ص 75 ؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی ، ج 1 ، م 473 و أيضاً توضیح المسائل ایشان ، م 384 .

نکته 1: نظر مراجع دیگر در این مسأله:

مسأله ۳۸۶ اگر در بین غسل حدث اصغر از او سر زند، مثلاً بول کند، غسل باطل نمی شود (۱).

(۱) اراکی: ولی اگر غسل جنابت باشد مانند سایر غسلها برای نماز وضو هم بگیرد.

خوئی: باید غسل را رها کرده و غسل دیگری بنماید و چنانچه بخواهد غسل ترتیبی نماید بنا بر احتیاط مستحبی وضو هم بگیرد.

گلپایگانی، فاضل، صافی: می تواند غسل را تمام نماید و بعد وضو بگیرد؛ و بهتر آن است که غسل را احتیاطاً از سر بگیرد به قصد آن چه بر ذمه او است از اتمام یا اعاده؛ لکن وضو بعد از غسل در این صورت هم واجب است.

نوری: ولی بعد از غسل برای نماز وضو بگیرد.

زنجانی: غسل او صحیح است، ولی باید پس از غسل وضو هم بگیرد و احتیاط مستحب آن است که غسل را نیز مجدداً اعاده کند.

سیستانی: لازم نیست غسل را رها کرده و غسل دیگری بنماید بلکه می تواند غسل خود را تمام نماید و بنا بر احتیاط لازم باید وضو هم بگیرد، ولی اگر از غسل ترتیبی به ارتعاسی و یا از ارتعاسی به ترتیبی عدول نماید، لازم نیست وضو هم بگیرد.

بهجت: اتمام غسل لازم نیست، بلکه کافی است که به قصد وظیفه واقعیّه (اعم از تمام یا اتمام) غسل را دوباره از سر شروع کند و بنا بر احتیاط برای نماز و کاری که وضو لازم دارد وضو بگیرد.

مکارم: بنا بر احتیاط واجب باید غسل را از سر گیرد و برای نماز و مانند آن، وضو نیز بگیرد.

تبریزی: بنا بر احتیاط باید غسل را از سر بگیرد و برای نماز وضو هم بگیرد.

توجه: همانطور که ملاحظه می کنید، نظر آیت الله مکارم در توضیح المسائل مراجع به این نحو بیان شده است: "بنا بر احتیاط واجب باید غسل را از سر گیرد و برای نماز و مانند آن، وضو نیز بگیرد". لکن ما مسأله را در توضیح المسائل و استفتاءات ایشان، به این صورت ندیدیم.

در توضیح المسائل و استفتائات جدید ، نظر ایشان به این صورت می باشد:

توضیح المسائل: اگر در اثناء غسل ، حدّث اصغر از او سر زند (مثلاً بول کند) ضرری به غسل او نمی زند ولی برای نماز و مانند آن ، باید وضو بگیرد.

استفتائات جدید: سؤال: اگر در حین غسل حدث اصغر خارج شود غسل چه حکمی دارد؟

جواب: غسل باطل نمی شود ولی بعد از اتمام غسل برای نماز باید وضو بگیرد.

البته این پرسش را من باب اطمینان ، از دفتر ایشان پرسیدیم:

سؤال: آیا اگر از فردی در حین غسل حدث اصغر خارج شود ، باید غسل را از سر بگیرد؟

جواب: اگر در بین غسل ، حدث اصغر از او سر زند (یعنی کاری که وضو را باطل می کند انجام دهد مثلاً ادرار کند) ضرری به غسل او نمی زند ولی برای نماز و مانند آن باید وضو بگیرد. (پرسش تلفنی و پیامکی از دفتر معظم له)

همچنین این پرسش را از حرم مطهر پرسیدیم:

سؤال: آیا اگر از فردی در حین غسل حدث اصغر خارج شود ، باید غسل را از سر بگیرد؟ (آیت الله مکارم)

جواب: در صورت حدث اصغر بین غسل ، از سر گرفتن غسل لازم نیست و برای نماز باید وضو گرفته شود. (پرسش پیامکی از حرم مطهر)

البته ایشان در حاشیه بر عروة ، احتیاط به از سر گرفتن غسل دادند:

إذا أحدث بالأصغر في أثناء غسل الجنابة ، الأقوى عدم بطلانه⁽¹⁾؛ نعم ، يجب عليه الوضوء بعده ، لكنّ الأحوط إعادة الغسل بعد إتمامه و الوضوء بعده ، أو الاستيناف و الوضوء بعده ، و كذا إذا أحدث في سائر الأغسال. و لا فرق بين أن يكون الغسل ترتيبياً أو ارتماسياً إذا كان على وجه التدرج ، و أمّا إذا كان على وجه الآنية⁽²⁾ فلا يتصوّر فيه حدوث الحدث في أثناءه⁽³⁾.

(1) لا يترك الاحتياط بالاستيناف و الوضوء بعده ؛ و لا وجه لإتمامه ثمّ إعادته

(2) قد عرفت الإشكال فيه عند الكلام في المسألة الرابعة

(3) لكن يمكن فيه المقارنة و حكمه حكم الأثناء

(عروة الوثقى با تعليقات آیت الله مکارم ، ج 1 ، فصل في مستحبات غسل الجنابة ، ص 238 ، م 8)

نکته 2: در کتاب "الروضه البهية" این مسأله به این صورت آمده است:

(و يعاد) غسل الجنابة (بالحدث) الأصغر (في أثناءه على الأقوى)⁽²⁾ عند المصنّف و جماعة. و قيل: لا أثر له مطلقاً. و في ثالث يوجب الوضوء خاصّة ، و قد حقّقنا القول في ذلك برسالة مفردة. أمّا غير غسل الجنابة من الأغسال فيكفي إتمامه مع الوضوء قطعاً ، و ربّما خرّج⁽¹⁾ بعضهم بطلانه كالجنابة ، و هو ضعيف جداً.

(1) يعني أنّ بعض الفقهاء استخرج الحكم بطلان سائر الأغسال بعروض الحدث الأصغر في الأثناء من الحكم بطلان غسل الجنابة.

(وجداني فخر ، قدرت الله. الجواهر الفخرية في شرح الروضة البهية ، ج 1 ، ص 287)

(2) لو وقع الحدث الأصغر في أثناء الغسل الترتيبي أو الارتماسي ففيه أقوال:

الأول: أنه يعيد الغسل كما عن الصدوق في الهداية و الفقيه و الشيخ في المبسوط و العلامة و الشهيد بل عن المحقق الثاني نسبتبه إلى الأكثر ، لمرسل الصدوق عن أبي عبد الله عليه السلام: (لا بأس بتبعض الغسل ، تغسل يدك و فرجك و رأسك ، و تؤخر غسل جسدك إلى وقت الصلاة ، ثم تغسل جسدك إذا أردت ذلك ، فإن أحدثت حدثاً من بول أو غائط أو ریح أو مني بعد ما غسّلت رأسك من قبل أن تغسل جسدك فأعد الغسل من أوله)⁽¹⁾ و مثله ما عن الفقه الرضوي⁽²⁾

سؤال: آیا کسی که چند غسل بر ذمه او می باشد، می تواند به نیت همه آنها یک غسل انجام دهد؟

امام خمینی، حضرت آقا: کسی که غسل های متعددی، اعم از واجب یا مستحب بر ذمه او باشد، اگر به نیت همه آنها یک غسل به جا آورد کافی است.

آیت الله مکارم: هر گاه چند غسل مستحبی، یا چند غسل که بعضی مستحب و بعضی واجب است و یا چند غسل واجب بر کسی باشد می تواند یک غسل به نیت همه آنها به جا آورد، مثلاً اگر یک غسل کند به نیت جنابت و حیض و مس میت و غسل جمعه و مانند آن، از همه کفایت می کند.

آیت الله سیستانی: کسی که چند غسل واجب یا مستحب یا هر دو بر عهده اوست، می تواند به نیت همه آنها یک غسل به جا آورد؛

مگر در غسل هایی که به سبب کاری که مکلف انجام داده بر عهده او ثابت شده، مانند غسل به جهت مس میتی که غسل داده شده؛ در این گونه غسل ها، احتیاط واجب آن است که برای چند سبب مختلف به یک غسل اکتفا نکنند.¹

الثاني: و ذهب جماعة منهم ابن إدريس و المحقق الثاني و ابن البراج و المحقق الداماد و الفاضل الخراساني إلى أنه لا أثر لهذا الحدث فيقتصر على إتمام الغسل فقط ، و دليلهم بأن الحدث الأصغر غير موجب للغسل فلا معنى للإعادة ، و الوضوء منفي مع غسل الجنابة كما في الأخبار الكثيرة منها: خبر عبد الله بن سليمان عن أبي عبد الله عليه السلام: (الوضوء بعد الغسل بدعة)⁽³⁾

الثالث: و ذهب المحقق و الشهيد الثاني و سيد المدارك و المقدس الأردبيلي و الكاشاني و البهائي و والده و الفاضل الهندي و جماعة إلى إتمام الغسل مع وجوب الوضوء للصلاة أما وجوب إتمام الغسل فلأن الحدث الأصغر ليس موجبا للغسل و لا لبعضه قطعاً فيسقط وجوب الإعادة ، و أما وجوب الوضوء فلأن الحدث المتجدد لا بد له من رافع ، و هو إما الغسل بتمامه و إما الوضوء ، و الأول منتف لتقدم بعضه فيتعين الثاني و هو الوضوء ، و أما ما ورد من أن غسل الجنابة لا وضوء معه و أنه بدعة فهو بلحاظ رفع الحدث السابق على الشروع في الغسل ، و لا يدل على رفع ما يكون في أثناءه كما لا يدل على رفع ما يكون بعده و هذا القول الأخير متين لو لا مرسله الصدوق المتقدمة ، و العمل عليها لأنه لا يجوز تركها بعد كون الحجية على خبر موثوق الصدور ، و عمل الصدوق و الشيخ و جماعة بها موجب لوثاقه صدورها.

(1) الوسائل الباب - ٢٩ - من أبواب الجنابة حديث ٤.

(2) مستدرک الوسائل الباب - ٢٠ - من أبواب الجنابة حديث ١.

(3) الوسائل الباب - ٣٣ - من أبواب الجنابة حديث ٦.

(ترجمه عاملی ، سید محمد حسن ، الزبدة الفقهية في شرح الروضة البهية ، ج 1 ، ص 189)

¹ تحرير الوسيلة امام خميني ، ج 1 ، القول في واجبات الغسل ، م 22 و أيضاً توضيح المسائل ايشان ، م 389 و 647 ؛ حضرت آقا ، رساله آموزشی ، ج 1 (احكام عبادات) ، درس نوزدهم ، ص 70 ؛ و أيضاً أجوبة الاستفتاءات ، ص 187 ؛ توضيح المسائل آيت الله مكارم ، م 400 و م 611 ؛ توضيح المسائل جامع آيت الله سيستاني ، ج 1 ، م 464.

ایشان در توضیح المسائل تک جلدی ، م 636 می فرمایند: اگر چند غسل بر کسی مستحب باشد و به نیت همه یک غسل به جا آورد کافی است ، مگر در غسل هایی که به سبب کاری که مکلف انجام داده بر او مستحب شده ، مثل غسل کسی که جایی از بدنش را به بدن میتی که غسل داده شده رسانده باشد ، در این گونه غسل ها اکتفاء به یک غسل برای چند سبب مختلف محل اشکال است.

با توجه به فرمایشات ایشان ، دو ابهام پیش می آید:

سؤال: اگر کسی غسل های متعددی اعم از واجب و مستحب بر ذمه اش باشد، آیا با نیت یکی از آنها، بقیه ساقط می شود؟

امام خمینی، حضرت آقا: کسی که غسل های متعددی، اعم از واجب یا مستحب بر ذمه او باشد، اگر به نیت همه آنها یک غسل به جا آورد کافی است، و اگر در بین آنها غسل جنابت باشد و به نیت آن غسل کند، از بقیه غسل ها هم کفایت می کند، اگر چه احتیاط (مستحب) این است که همه آنها را نیت نماید. و اگر در بین آنها غسل جنابت نباشد، بنابر احتیاط^۱ باید همه آنها را نیت بکند تا غسل های دیگر ساقط شود.

آیت الله سیستانی: کسی که چند غسل واجب یا مستحب یا هر دو بر عهده اوست، چنانچه فقط یک غسل معین از آنها را قصد نماید از بقیه غسل ها نیز کفایت می کند مگر در موارد ذیل:

الف. غسل استحاضه متوسطه؛ که بنابر احتیاط واجب چنانچه فقط این غسل را به جا آورد، آن را نسبت به سایر غسل ها کافی به حساب نیاورد.

ب. تمام غسل ها (غیر از غسل جمعه) نسبت به غسل جمعه بنابر احتیاط واجب؛ به این معنا که اگر فرد غسل یا غسل های دیگری غیر از غسل جمعه را نیت کند، بنابر احتیاط واجب نسبت به غسل جمعه کفایت نمی کند.

ج. تمام غسل ها بنابر احتیاط واجب، نسبت به غسل هایی که برای انجام عمل خاص یا وارد شدن به مکان خاص مستحب است؛ مانند غسل احرام یا غسل برای ورود به حرم مکه یا حرم مدینه یا مسجد پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - با توضیحی نظیر آنچه در مورد «ب» گفته شد.

(1) منظور ایشان از غسل هایی که به سبب کار مکلف، بر عهده او ثابت شده، فقط غسل های مستحبی فعلیه (غسل برای کاری که انجام داده است) است و یا اعم از مستحبی و واجب است؟ زیرا:

الف. در توضیح المسائل تک جلدی ایشان، فقط صحبت از غسل های مستحبی که دارای ویژگی مذکور هستند شده است.

ب. مثالی که در توضیح المسائل جامع بیان می کنند مربوط به غسل های مستحبی است و مثالی برای غسل های واجب بیان نمی کنند.

(2) اگر یک غسل از نوع مذکور باشد، و یک غسل از غیر نوع مذکور، آیا این دو را می توان با هم انجام داد؟ به عنوان مثال، شخصی میتی را بعد از غسل، مس کرده است، و روز جمعه هم می باشد، آیا باید دو غسل جداگانه انجام دهد یا می تواند هر دو را نیت کند و یک غسل انجام دهد؟ (مؤلف)

¹ منظور، احتیاط واجب است. (مؤلف)

د. غسل‌هایی که به سبب کاری که مکلف انجام داده بر او ثابت شده، بنابر احتیاط واجب^۱.

سؤال: آیا با غسل‌های واجب و مستحب، می‌شود اعمالی که مشروط به طهارت می‌باشد را انجام داد؟

با غسل جنابت:

کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز وضو بگیرد. (و اگر بعد از غسل جنابت، عمداً وضو بگیرد، کار حرامی مرتکب شده است، ولی نمازش صحیح است.)^۲

با دیگر غسل‌های واجب و مستحب:

^۱ آیا منظور از مورد «د»، فقط نسبت به نوع خودشان می‌باشد (یعنی اگر شخصی می‌تواند که غسل داده اند مسّ کرده است و برای تماشای دار آویخته رفته و آن را دیده باشد و در حال مستی نیز خوابیده است و روز مبعث هم می‌باشد، که اگر فقط مثلاً غسل مسّ می‌تواند که آن را غسل داده اند را نیت کند (و بقیه را نیت نکند) از غسل خوابیدن در حال مستی و غسل تماشای دار آویخته، کفایت نمی‌کند اما از غسل روز مبعث کفایت می‌کند)، یا منظور اعمّ از نوع خودشان و سایر اغسال می‌باشد (یعنی همان مثال‌های قبلی، که اگر فقط مثلاً غسل مسّ می‌تواند که آن را غسل داده اند را نیت کند، نه از غسل خوابیدن در حال مستی و غسل تماشای دار آویخته کفایت می‌کند و نه از غسل روز مبعث کفایت می‌کند)؟ (مؤلف)

^۲ امام خمینی، تحریر الوسیلة، ج 1، القول فی واجبات الغسل، م 22؛ حضرت آقا، رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس نوزدهم، ص 70 و 71؛ و أيضاً أجوبة الاستفتائات، ص 187 و أيضاً آموزش مصور احکام عبادات، ص 157؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 465.

متن تحریر الوسیلة از این قرار است: "إذا اجتمع عليه أغسال متعددة واجبة أو مستحبة أو مختلفة فإن نوى الجميع بغسل واحد صحّ و كفى عن الجميع مطلقاً، فإن كان فيها غسل الجنابة لا حاجة إلى الوضوء للمشروط به، و إلا وجب الوضوء قبل الغسل أو بعده، و مع عدم نية الجميع ففي الكفاية إشكال، فلا يترك الاحتياط، نعم لا يبعد كفاية نية الجنابة عن سائر الأغسال، لكن لا ينبغي ترك الاحتياط بنية الجميع: اگر غسل‌های متعدّدی به گردن کسی جمع شود، چه همه آنها واجب باشد چه مستحب و چه مختلف، پس اگر با یک مرتبه غسل کردن، همه آنها را نیت کند صحیح است و از همه آنها، هر چه باشند کفایت می‌کند. پس اگر غسل جنابت در بین آنها باشد، نیازی به وضو برای چیزهایی که وضو در آنها شرط است، نیست و اگر نباشد، باید قبل از غسل و یا بعد از آن وضو بگیرد، ولی اگر همه آنها را نیت نکند، در کفایت کردن بعضی از همه آنها مشکل است (مثلاً فقط غسل جمعه را نیت کند و بقیه را نیت نکند و هكذا)، بنابراین احتیاط ترک نشود (و برای آنهایی که نیت نکرده مجدداً غسل کند) البته کفایت نیت غسل جنابت از همه (اگرچه نیت همه را نکرده باشد) بعید نیست، لیکن ترک این احتیاط که همه را در نیت بیاورد سزاوار نیست."

نکته: منظور از "اشکال" در عبارت "ففي الكفاية إشكال"، احتیاط واجب می‌باشد، یعنی اگر همه اغسال را نیت نکند، بنابر احتیاط واجب کفایت نمی‌کند.

منظور از "لا یبعد"، فتوا می‌باشد، یعنی اگر غسل جنابت را نیت کند، از سایر اغسال کفایت می‌کند.

منظور از "لا یترک الاحتیاط" در عبارت "فلا یترک الاحتیاط"، همان احتیاط واجب می‌باشد.

منظور از "لا ینبغي ترک الاحتیاط" در عبارت "لا ینبغي ترک الاحتیاط بنیة الجميع"، احتیاط مستحب می‌باشد، یعنی احتیاط مستحب این است که همه را نیت کنی. (حکیم زاده، سید مرتضی، احکام تقلید، ص 69 و 70 و 71)

^۳ سؤال: شخصی غسل جنابت انجام داد و بعد از گذشت سه - چهار ساعت می‌خواهد نماز بخواند، ولی نمی‌داند غسلش باطل شده است یا خیر، اگر احتیاطاً وضو بگیرد، اشکال دارد یا خیر؟

جواب: حضرت آقا: در فرض مذکور وضو واجب نیست، ولی احتیاط هم مانعی ندارد. (أجوبة الاستفتائات، ص 130 و أيضاً رساله آموزشی ایشان، درس بیستم، ص

امام و حضرت آقا: با غسل های دیگر نمی شود نماز خواند و باید وضو هم گرفت.

آیت الله سیستانی: با غسل های دیگر واجب - غیر از غسل استحاضه متوسطه - و با غسل های مستحبی که استحباب آن ثابت است¹ نیز، می تواند بدون وضو نماز بخواند، هر چند احتیاط مستحب آن است که وضو هم بگیرد؛

اما غسل هایی که رجاء به جا آورده می شود، چنین نیست. بنابراین، برای انجام کاری که وضو لازم دارد، نمی توان به این غسل ها اکتفاء نمود؛ بلکه باید وضو گرفته شود؛ هر چند غسل مستحبی مذکور² با نذر یا عهد - با رعایت شرایط صحت آن - بر وی واجب شده باشد.

آیت الله مکارم: با هر غسلی می توان نماز خواند و وضو واجب نیست، خواه جنابت باشد یا غیر آن، با تمام غسل های واجب و مستحبی که با دلیل معتبر ثابت شده است³ مانند غسل جمعه می توان نماز و کارهایی که مشروط به طهارت می باشد را انجام داد؛ ولی احتیاط مستحب آن است که در غیر غسل جنابت، وضو

¹ توجّه: منظور از این فرمایش - "غسل های مستحبی که استحباب آن ثابت است، کفایت از وضو می کند" -، این است که استحباب آن با دلیل معتبر، ثابت شده باشد. (با توجّه به توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، انتهای مسأله 481)

نکته: چنانچه در توضیح المسائل جامع، ج 1، م 25 آمده است، قاعده "تسامح در ادله سنن" در نزد آیت الله سیستانی ثابت نیست. (مؤلف)

² غسل هایی که استحباب آن ثابت نشده و رجاء انجام می شود.

³ نکته: قاعده "تسامح در ادله سنن" در نزد آیت الله مکارم ثابت نیست؛ لذا می فرمایند با دلیل معتبر ثابت شده باشد. (عروة الوثقی یا تعلیقات آیت الله مکارم، فصل فی الاغسال المندوبه، بعد از م 14).

بگیرد. او نمی توان با غسلی که به امید مطلوب بودن به جا آورده نماز بخواند بلکه باید احتیاطاً وضو نیز بگیرد.^۱

^۱ ظاهراً منظور از عبارت "بلکه باید احتیاطاً وضو نیز بگیرد"، «فتوای به احتیاط» باشد که با «احتیاط در فتوا» تفاوت دارد. قبل از بیان دلایل، ابتدا توضیحی پیرامون این دو اصطلاح بیان می کنیم.

توضیح: فتوای به احتیاط آن است که مجتهد دستور به احتیاط بدهد. مثلاً بگوید: «اگر دو ظرف آب وجود دارد، و می دانی یکی از آن دو نجس است، اما نجس را نمی شناسی باید احتیاط نموده، و از هر دو اجتناب کنی.» ولی احتیاط در فتوا این است که مثلاً بگوید: «جلو سر، که بالای پیشانی است جای مسح است هر جای این قسمت را به هر اندازه مسح کند کافی است، ولی احتیاط آن است که از درازا به اندازه درازای یک انگشت، و از پهنا به اندازه پهنای سه انگشت مسح نماید».

البته راه تشخیص احتیاط مستحب از احتیاط واجب در مسائلی که واژه (واجب، لازم، مستحب) بعد از کلمه (احتیاط) نیامده است آن است که در احتیاط مستحب قبل یا بعد از آن در مورد همان موضوع فتوی ذکر شده است اما در احتیاط واجب قبل یا بعد از آن در مورد همان موضوع فتوایی ذکر نشده است. (حکیم زاده، سید مرتضی، احکام تقلید، ص 69)

بیان دلایل:

دلیل اول: ایشان در تعلیق بر عروه، می فرمایند: غسل هایی که با دلیل معتبر ثابت نشده است و استحباب آنها به خاطر تسامح در ادله استحباب می باشد، کفایت از وضو نمی کند؛ و احتیاطی هم، بیان نمی کنند.

متن عروه: "الأغسال المستحبّة لا تكفي عن الوضوء^۱، فلو كان محدثاً يجب أن يتوضأ للصلاة ونحوها، قبلها أو بعدها، و الأفضل قبلها، و يجوز إتيانها إذا جيء بها ترتيباً.

1. مکارم الشیرازی: قد عرفت في مبحث غسل الجنابة أن الأغسال جميعها تكفي عن الوضوء حتى الأغسال المستحبّة إذا ثبت استحبابها بالدليل المعتبر، لا بمثل التسامح في أدلة السنن.

دلیل دوم: اگر احتیاط باشد، باید منظور از احتیاط، احتیاط مستحب باشد، زیرا این احتیاط همراه با فتواست، یعنی ابتدا آیت الله مکارم فتوا دادند "انسان نمی تواند با غسلی که به امید مطلوب بودن به جا آورده نماز بخواند" و سپس احتیاط را ذکر می کنند. و بدیهی است که اگر احتیاط مستحب باشد، صدر و ذیل مسأله با هم سازگاری ندارد.

دلیل سوم: به فتوای مراجع در کفایت یا عدم کفایت غسل مستحبی از وضو، توجه فرمایید.

مسأله ۶۴۶ توضیح المسائل مراجع:

امام خمینی: انسان نمی تواند با غسل مستحبی کاری که مانند نماز وضو لازم دارد انجام دهد.

بهجت: هیچ يك از غسلهای مستحب، کفایت از وضو نمی کند.

خوئی: مسأله انسان با غسلهای مستحبی که برای خود انجام داده و در مسأله [۶۴۴] ذکر شد، می تواند کاری که مانند نماز، وضو لازم دارد انجام دهد و اما غسلهایی که رجاء به جا آورده می شود از وضو کفایت نمی کند.

تبریزی، نوری: مسأله انسان می تواند با غسلهای مستحبی که در مسأله [۶۴۴] ذکر شد (نوری: یعنی غسل هایی که استحباب آنها به خصوص ثابت است) کاری که مانند نماز، وضو لازم دارد، انجام دهد.

زنجان: مسأله انسان با غسلهای مستحبی که برای خود انجام داده (نه مثلاً غسل میت) و استحبابش ثابت باشد که در مسأله [۶۴۴] گفته شد، می تواند کاری که مانند نماز، وضو لازم دارد انجام دهد، و اما غسلهایی که استحباب آن ثابت نیست و رجاء به جا آورده می شود، از وضو کفایت نمی کند.

سیستانی: مسأله انسان می تواند با غسلهایی که استحباب شرعی آنها ثابت شده مانند آن چه در مسأله [۶۴۴] ذکر شد، کاری که مانند نماز وضو لازم دارد انجام دهد و اما غسلهایی که رجاء به جا آورده می شود مانند آن چه در مسأله [۶۴۵] گذشت از وضو کفایت نمی کند. (توضیح المسائل مراجع، م 646)

سؤال: این جانب مبتلا به بیماری وسواس هستم و متأسفانه بسیار شدید و غیر قابل تحمل است مثلاً در مورد تطهیر و غسل، وسواس من خیلی شدید است به گونه‌ای که گاهی اوقات وقتی شب به حمام می‌روم نزدیک طلوع آفتاب موفق به تطهیر می‌شوم و از حمام بیرون می‌آیم. باور کنید در طول این چند سال به اندازه بیست سال آب مصرف کرده‌ام، برای درمان به نزد بعضی از علمای شهرمان و یکی از مراجع قم رفتم و اذکاری را به من گفتند ولی مؤثر واقع نشد. به خدمت حضرت علی بن موسی الرضا - علیه السلام - در مشهد رفتم با چه گرفتاریهایی که در سفر و هنگام تشرّف داشتم و دعا و تضرّع بسیار کردم ولی متأسفانه شفا نیافتم. این بیماری نزدیک است مرا از پای در آورد نه تنها خود که خانواده را نیز نگران و در زحمت انداخته‌ام بلکه باعث شده است عبادت‌هایم را نتوانم انجام دهم و برای این جهت ماه رمضان را سفر می‌کنم تا مشکل روزه گرفتن نداشته باشم اگر چه در سفر هم هیچ چیز نمی‌خورم. لطفاً مرا راهنمایی کنید تا از این وضع غم بار نجات یابم و از زخم زبانهای اطرافیان آسوده گردم؟

آیت الله مکارم: مشکل شما در واقع از خود شماسست و مقصر اصلی خودتان هستید و به همین دلیل دعای شما هم مستجاب نمی‌شود و علت اصلی آن ندانستن مسأله است. مسأله اصلی این است که بر شما واجب

آیت الله العظمی بروجردی: انسان نمی‌تواند با غسل مستحبی کاری که مانند نماز، وضو لازم دارد انجام دهد. (توضیح المسائل آیت الله العظمی بروجردی، م 653)

آیت الله وحید: انسان با غسل‌های مستحبی که در مسأله « ۶۵۰ » ذکر شد، می‌تواند کاری که مانند نماز وضو لازم دارد انجام دهد، و انا غسلهایی که رجاء به جا آورده می‌شود از وضو کفایت نمی‌کند. (توضیح المسائل آیت الله وحید، م 652)

همانطور که ملاحظه می‌کنید، مراجع در این زمینه دو دسته اند: 1. کفایت نمی‌کند. 2. اغسال مستحبی که استحباب آن ثابت شده است، کفایت می‌کند و غیر از آن، کفایت نمی‌کند.

و هیچکدام از آنها، غسل‌های که رجاء انجام می‌شود را کفایت از وضو نمی‌دانند. این مطلب، می‌تواند مؤید این قضیه باشد که منظور از عبارت "بلکه باید احتیاطاً وضو نیز بگیرد" ظاهراً فتوای به احتیاط است.

دلیل چهارم: پاسخ حرم مطهر.

سؤال: در مسأله 610 توضیح المسائل آیت الله مکارم آمده است: "انسان نمی‌تواند با غسلی که به امید مطلوب بودن به جا آورده نماز بخواند، بلکه احتیاطاً وضو نیز بگیرد" منظور از عبارت "بلکه باید احتیاطاً وضو نیز بگیرد"، آیا فتوای به احتیاط است (یعنی من باب احتیاط باید وضو نیز بگیرد)، یا احتیاط در فتواست (یعنی بنا بر احتیاط باید وضو بگیرد)؟

جواب: فتوا به احتیاط می‌باشد، یعنی باید وضو بگیرد. (پرسش پیامکی از حرم مطهر)

¹ توضیح المسائل امام خمینی، م 391؛ آموزش مصور احکام عبادات، ص 171 و أيضاً رساله آموزشی، ج 1 (احکام عبادات)، درس نوزدهم، ص 71 و درس بیستم، ص 74 و أيضاً أجوبة الاستفتاءات، ص 188؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 466 و 483 و أيضاً توضیح المسائل آیت الله سیستانی، م 389 و 635؛ توضیح المسائل آیت الله مکارم، م 401 و م 610 و ایضا استفتائات جدید، ج 1، م 80.

نیست یقین به طهارت و غسل و مانند آن پیدا کنید، آنچه بر شما به عنوان یک وظیفه شرعی لازم است این است که به مقدار سایر مردم آب بریزید و به همان قناعت کنید هرچند شک در غسل و طهارت داشته باشید و ما مسئولیت شرعی این کار را می‌پذیریم. شما از امروز فقط به مقدار مردم آب بریزید و قناعت کنید و با بدن نجس و حال جنابت (به گمان خودتان) نماز بخوانید و هیچ اشکالی هم ندارد و نماز و روزه شما کاملاً صحیح است و ما به این وسیله بر شما و تمام افراد وسواسی اتمام حجت می‌کنیم و مخالفت با آن گناه است. ما از خداوند می‌خواهیم که به شما توفیق توجه به این مسأله را عنایت کند و از دام شیطانی نجات پیدا کنید.^۱

سؤال: مدتی قبل، تقریباً در همه امور در دام وسواس افتادم. اکنون تا حدودی آن را از خود دور کرده‌ام، ولی مشکلی که هنوز دارم طول کشیدن غسل (در حدود 40 دقیقه) و گاهی هم تکرار الفاظ نماز است. لطفاً مرا راهنمایی کنید.

آیت الله مکارم: بهترین راه برای ترک وسواس، بی‌اعتنایی به آن است؛ یعنی ملاحظه کنید دیگران چه مقداری مثلاً برای غسل معطل می‌شوند، شما هم چنین کنید، مثلاً 10 دقیقه یا حداکثر یک ربع ساعت، اگر شیطان گفت درست نشد، اعتنا نکنید، عمل شما صحیح است و نگران نباشید، و ما مسئولیت آن را بر عهده می‌گیریم.^۲

مستحبات غسل جنابت

سؤال: مستحبات غسل جنابت را بیان نمایید.

آیت الله سیستانی:

موارد ذیل در غسل جنابت، مستحب شمرده شده است:

1. قبل از غسل دست‌ها را سه مرتبه تا آرنج بشوید، هر چند شستن تا مچ دست یا نصف ساعد نیز کافی است.^۳

¹ استفتاءات جدید؛ ج 1؛ س 82.

² استفتاءات جدید؛ ج 2؛ س 88.

³ البته شستن دست‌ها قبل از غسل، کفایت از شستن واجب در غسل نمی‌کند و لازم است به هنگام غسل، مجدداً به نیت غسل شسته شوند. (توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، م 480، پاورقی)

2. بعد از شستن دست ها قبل از شروع در غسل، سه مرتبه مضمضه^۱ و سه مرتبه استنشاق^۲ نماید، هر چند یک بار نیز کافی است.
3. در غسل ترتیبی هر یک از اعضای سه گانه (سر و گردن، طرف راست بدن، طرف چپ بدن) را سه دفعه بشوید.
4. در غسل ترتیبی بعد از شستن سر و گردن، بهتر است شستن طرف راست بدن را بر شستن طرف چپ مقدم نماید.
5. در غسل ترتیبی، موالات را رعایت نماید.^۳
6. در غسل ترتیبی، در شستن هر یک از اعضاء، از بالا شروع کند و به قسمت های پایین عضو ختم کند.
7. به جهت احتیاط بیشتر در رساندن کامل آب به تمام بدن، بر اعضای بدن دست بکشد.^۴
8. در هنگام شروع در غسل، نام خداوند متعال را ببرد به این صورت که بگوید: «بسم الله» و بهتر است بگوید: «بسم الله الرحمن الرحيم».
9. در حال انجام غسل، دعاهایی که نقل شده را بخواند:

الف. «اللهم طهر قلبی و تقبل سعیی و اجعل ما عندک خیراً لی، اللهم اجعلنی من التوابین و اجعلنی من المتطهرین»

ب. «اللهم طهر قلبی و اشرح صدری و اجر علی لسانی مدحتک و الثناء علیک، اللهم اجعله لی طهوراً و شفاءً و نوراً، انک علی کل شیء قدير»

اگر این دعا را بعد از پایان غسل نیز بخواند، بهتر است.
10. بعد از غسل بگوید: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَ بِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَ أُتُوبُ إِلَيْكَ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ وَ أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّكَ وَ خَلِيفَتُكَ بَعْدَ نَبِيِّكَ عَلَى خَلْقِكَ وَ أَنَّ أَوْلِيَاءَهُ خُلَفَاؤُكَ وَ أَوْصِيَاءَهُ أَوْصِيَاءُؤُكَ».

^۱ آب در دهان گرداندن و خالی کردن آن. (توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، م 480، پاورقی)

^۲ آب داخل بینی کشیدن. (توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، م 480، پاورقی)

^۳ رعایت موالات در غسل ارتماسی لازم است. (توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، م 480، پاورقی)

^۴ البته اگر رسیدن آب به بدن به جهت وجود مانع و مانند آن، بدون دست کشیدن ممکن نباشد، انجام آن لازم است. (توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، م 480، پاورقی)

11. آب در غسل ترتیبی به مقدار «یک صاع» باشد که گفته شده تقریباً معادل سه کیلوگرم (سه لیتر) می باشد.^۱

غسل های مستحبی^۲

سؤال: اقسام غسل های مستحبی را به همراه مثال بیان کنید.

قسم اول: غسل های زمانی

چند مثال برای غسل های زمانی:

1. غسل جمعه^۳:

¹ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 480.

² متن عروة فصل في الأقسام المندوبة

و هي كثيرة، و عدّ بعضهم سبعمائة و أربعين، و بعضهم أنهاها إلى خمسين، و بعضهم إلى أزيد من ستين، و بعضهم إلى سبع و ثمانين، و بعضهم إلى مائة⁽¹⁾.

(1) مکارم الشیرازی: لكن المشهورة منها، كما في الجواهر، ثمانية و عشرون غسلًا

(عروة الوثقی با تعلیقات آیت الله مکارم و تعدادی از فقهاء عظام از جمله امام خمینی، ج 1، ص 364؛ عروة الوثقی با تعلیقات امام خمینی، ج 1، ص 326؛ عروة الوثقی با تعلیقات آیت الله سیستانی، ج 1، ص 359)

³ چند نکته از عروة الوثقی [با حواشی امام خمینی، آیت الله سیستانی، آیت الله مکارم] پیرامون غسل جمعه:

نکته 1: أما الزمانیة فأغسال:

أحدها: غسل الجمعة، و رجحانه من الضروریات، و كذا تأكد استجابته معلوم من الشرع؛ و الأخبار في الحثّ عليه كثيرة، و في بعضها: «أنه يكون طهارة له من الجمعة إلى الجمعة»؛ و في آخر: «غسل يوم الجمعة طهور و كفاة لما بينهما من الذنوب من الجمعة إلى الجمعة». و في جملة منها التعبير بالوجوب؛ ففي الخبر: «أنه واجب على كل ذكر أو انثى من حرّ أو عبد»؛ و في آخر عن غسل يوم الجمعة، فقال عليه السلام: «واجب على كل ذكر و انثى من حرّ أو عبد»؛ و في ثالث: «الغسل واجب يوم الجمعة»؛ و في رابع قال الراوي: كيف صار غسل الجمعة واجباً؟ فقال عليه السلام: «إن الله أتمّ صلاة الفريضة بصلاة النافلة - إلى أن قال: - و أتمّ وضوء النافلة⁽¹⁾ بغسل يوم الجمعة»؛ و في خامس: «لا يتركه⁽²⁾ إلا فاسق»؛ و في سادس عمن نسيه حتى صلى قال عليه السلام: «إن كان في وقت فعله أن يغتسل و يعيد الصلاة، و إن مضى الوقت فقد جازت⁽³⁾ صلاته» إلى غير ذلك. و لذا ذهب جماعة إلى وجوبه، منهم الكليني و الصدوق و شيخنا البهائيّ على ما نقل عنهم؛ لكن الأقوى استحبابه، و الوجوب في الأخبار منزل على تأكد الاستحباب، و فيها قرائن كثيرة على إرادة هذا المعنى، فلا ينبغي الإشكال في عدم وجوبه و إن كان الأحوط عدم تركه.

(1) الكلبايگاني: ما وجدته من النسخ: «أتمّ وضوء الفريضة» و في بعض النسخ: «أتمّ الوضوء» و لعلّه قدس سره وجد نسخة غير ما عثرت عليها مكارم الشیرازی: و في بعضها وضوء الفريضة

(2) ترك - (تَرَكَ يَتْرُكُ تَرْكاً، و يَرْكُناً) الشّيء: أن چیز را رها کرد، یله کرد، ترك کرد (تَرَكَ) المَهْمَتُ مالاً: مرده مالی بر جای گذاشت (تَرَكَه) يَفْعَلُ كذا: او را گذاشت که چنین یا چنان کند. (المعجم الوسيط)

"یترك" فعل مضارع می باشد و فعل مضارع دلالت بر استمرار می کند. لذا معنای روایت بیان است از: فقط فرد فاسق، غسل جمعه را ترک می کند. بنابراین اگر فردی غسل جمعه را گاهی ترک کند، یا یک در میان انجام دهد، شامل این روایت نمی شود. (مؤلف)

امام خمینی: وقت غسل جمعه از اذان صبح است تا ظهر، و بهتر است نزدیک ظهر به جا آورده شود، و اگر تا ظهر انجام ندهد بهتر است که بدون نیت ادا و قضا تا عصر^۱ جمعه به جا آورد. و اگر در روز جمعه غسل نکند مستحب است از صبح شنبه تا غروب قضای آن را به جا آورد. و کسی که می ترسد در روز جمعه آب پیدا نکند می تواند روز پنجشنبه غسل را انجام دهد^۲، بلکه اگر در شب جمعه غسل را به امید آن که مطلوب خداوند عالم است به جا آورد صحیح است، و مستحب است انسان در موقع غسل جمعه بگوید:

«أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ»^۳.

(3) جوز. (جَازٌ يَجُوزُ جَوْزاً، وَ جَوَازاً، وَ مَجَازاً) الْقَوْلُ: آن گفتار پذیرفته و اجرا شد (جَازٌ) الْفَعْدُ وَ غَيْرُهُ: پیمان و عقد و غیره نافذ و اجرا شد (جَازٌ) الْدِرْهَمُ: درهم با همان کیفیت که داشت مورد قبول واقع شد (جَازٌ) الْمَوْضِعُ وَ يَه: آن جا را پیمود و از آن رد شد (جَازٌ) بِفَلَانٍ الْمَوْضِعُ: فلانی را از آن جا گذر داد. آن جا را گذر کرد و آن را پشت سر گذاشت. (المعجم الوسيط)

نکته 2: يستحب أن يقول⁽¹⁾ حين الاغتسال: أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و أنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ.

(1) مکارم الشیرازی: بعنوان مطلق الذکر و الدعاء

نکته 3: لا فرق في استحباب غسل الجمعة بين الرجل والمرأة والحاضر والمسافر والحر والعبد ومن يصلي الجمعة و من يصلي الظهر، بل الأقوى استحبابه للصبي المميز⁽¹⁾؛ نعم، يشترط في العبد إذن المولى إذا كان منافياً لحقه، بل الأحوط مطلقاً. و بالنسبة إلى الرجال أكد⁽²⁾؛ بل في بعض الأخبار رخصة تركه للنساء⁽³⁾.

(1) مکارم الشیرازی: بناءً على شرعية عبادات الصبي، كما هو الحق

(2) مکارم الشیرازی: إطلاقه غير معلوم

(3) مکارم الشیرازی: إطلاقه غير ثابت

نکته 4: يستفاد من بعض الأخبار كراهة تركه، بل في بعضها الأمر باستغفار التارك. و عن أمير المؤمنين عليه السلام أنه قال عليه السلام في مقام التوبيخ لشخص: «و الله لأنت أعجز من تارك الغسل يوم الجمعة، فإنه لا تزال في طهر إلى الجمعة الأخرى».

(عروة الوثقى با تعليقات امام خمینی، ج 1، فصل في الأغسال المندوبة، ص 326 و 327 و 328، م 3 و 4 و 5 و قبل از مسأله 1؛ عروة الوثقى با تعليقات آیت الله مکارم، ج 1، فصل في الأغسال المندوبة، ص 364 و 365 و 366، م 3 و 4 و 5 و قبل از مسأله 1؛ عروة الوثقى با تعليقات آیت الله سیستانی، ج 1، فصل في الأغسال المندوبة، ص 360 و 361 و 362، م 3 و 4 و 5 و قبل از مسأله 1)

¹ منظور از عصر، همان غروب است. (پرسش پیامکی از حرم مطهر)

² غسل را در صورت شرط مذکور، با نیت اداء انجام دهد. (پرسش پیامکی از حرم مطهر)

³ توضیح المسائل امام خمینی، م 644.

امام خمینی در تحریر الوسيلة، این مسأله را به صورت مفصل بیان می فرماید: "القول في الأغسال المندوبة؛ و هي أقسام: زمانية و مكانية و فعلية، أما الزمانية فكثيرة، منها غسل الجمعة، و هو من المستحبات المؤكدة، حتى قال بعض بوجوبه، و لكن الأقوى استحبابه، و وقته من طلوع الفجر الثاني إلى الزوال، و بعده إلى غروب الجمعة، و من أول يوم السبت إلى آخره قضاء، و لكن الأحوط فيها بعد الزوال إلى غروب الجمعة أن ينوي القربة من غير تعرض للأداء و القضاء، و أما في ليلة السبت ففي مشروعيتها إتيانه تأمل لا يترك الإحتياط بإتيانه فيه رجاءاً، و يجوز تقديمه يوم الخميس إذا خاف إعواز⁽¹⁾ الماء يوم الجمعة، ثم إن تمكّن منه يومها قبل

حضرت آقا: از میان غسل های مستحب، غسل جمعه از مهم ترین آنهاست که در بسیاری از روایات معصومین - علیهم السلام - بر آن تأکید شده است،

وقت غسل جمعه از اذان صبح است تا ظهر، و بهتر است نزدیک ظهر به جا آورده شود، و اگر تا ظهر انجام ندهد بهتر است که بدون نیت ادا و قضا تا عصر^۱ جمعه به جا آورد. و اگر در روز جمعه غسل نکند مستحب است از صبح شنبه تا غروب قضای آن را به جا آورد.^۲

آیت الله سیستانی: وقت غسل جمعه از اذان صبح جمعه شروع شده و پایان ادای آن بنا بر احتیاط واجب، غروب آفتاب روز جمعه می باشد^۳ و بهتر آن است که نزدیک ظهر به جا آورده شود و اگر تا ظهر جمعه انجام نشود، بهتر آن است که بدون نیت ادا و قضا، تا غروب به جا آورده شود.

نکته^۱: اگر روز جمعه تا پایان روز غسل نکند، مستحب است بعد از آن در شب شنبه یا روز شنبه قضای آن را به جا آورد و پایان وقت قضای آن بنا بر احتیاط واجب، غروب آفتاب روز شنبه است، هر چند بهتر است

الزوال لا بعده يستحب إعادته ، و إن تركه حينئذ يستحب قضاءه بعد الزوال منها و يوم السبت ، و لو دار الأمر بين التقديم و القضاء فالأول أولى ، و في إلحاق ليلة الجمعة بيوم الخميس تأمل ، فالأحوط إتيانه رجاءً كما أن في إلحاق مطلق الأعدار⁽²⁾ بإعواز الماء يوم الخميس وجهاً ، لكن الأحوط تقديمه حينئذ رجاءً :

بیان در در غسل های مستحبی می باشد: این غسل ها چند قسم است: زمانی ، مکانی ، فعلی ، اما غسل های مستحب زمانی ، بسیار است ، از آن جمله ، غسل جمعه است که از مستحبات مؤکد است ، حتی بعضی گفته اند واجب است ولیکن مستحب بودنش اقوی است. و وقت آن از طلوع فجر دوم (فجر صادق) تا ظهر است و از بعد از ظهر تا غروب جمعه و از اول روز شنبه تا آخر آن ، قضاء است ولیکن احتیاط آنست که بعد از ظهر تا غروب جمعه به قصد قربت به جای آورد ، بدون آنکه نیت اداء و قضاء نماید [یعنی همان نیت ما فی الذمه]. و اما در شب شنبه ، شرعی بودن غسل جمعه مورد تأمل است و احتیاط ترک نشود به اینکه به قصد رجاء انجام دهد و اگر ترس نایاب بودن آب در روز جمعه باشد ، جایز است غسل جمعه را جلوتر ، در روز پنجشنبه انجام دهد سپس اگر روز جمعه قبل از ظهر نه بعد از ظهر ، متمکن از آب شد ، اعاده اش مستحب است و اگر با این حال ترک کرد ، قضاء آن بعد از ظهر جمعه و روز شنبه مستحب است ، و اگر امر دایر شد بین تقدیم غسل [در روز شنبه] یا قضای آن ، بهتر آن است که مقدم بدارد ، و در الحاق شب جمعه به روز پنجشنبه تأمل است و احتیاط آنست که در شب جمعه ، به قصد رجاء انجام دهد که اینک الحاق هر عذری در روز پنجشنبه به عذر نایاب بودن آب وجهی است ، لیکن احتیاط آن است که در این صورت به قصد رجاء مقدم بدارد".

(1) إعواز الماء یعنی نایاب شدن آب ؛ در فرهنگ المعجم الوسیط این چنین آمده است: " (أَعَوَزَ يُعَوِزُ إِعْوَاظًا) الشَّيْءُ : أَنْ يَجِيزَ نَائِبًا وَ عَزِيزًا ، مَوْرِدَ نَيْابٍ وَ نَائِبًا شَدَّ (أَعَوَزَ) الشَّيْءُ فَلَانًا: أَنْ يَجِيزَ مَوْرِدَ نَيْابٍ فَلَانِي شَدَّ وَ بَهْ أَنْ دَسْتِ نَيْابَتِ (أَعَوَزَ) الدَّهْرُ فَلَانًا: رَوَازِغًا ، فَلَانِي رَا نَيْابَمَنْدٍ وَ فَقِيرَ كَرْدَ (أَعَوَزَ) الرَّجُلُ: أَنْ مَرَدٌ ، فَقِيرٌ وَ نَيْابَمَنْدٍ شَدَّ (أَعَوَزَ) الْمَطْلُوبُ فَلَانًا: خَوَاسْتَهُ ، فَلَانِي رَا خَسْتَهُ كَرْدَ ، يَعْني: دَنْبَالِ أَنْ كَارِ رَفْتِ وَ تَلَاشِ كَرْدِ وَ خَسْتَهُ شَدَّ .

(2): أَعْدَارٌ ، جَمْعُ عُدْرٍ مِي بَاشَد . (فرهنگ المعجم الوسیط)

¹ منظور از عصر ، همان غروب است . (پرسش از سامانه پیامکی حرم مطهر)

² حضرت آقا ، آموزش مصور احکام عبادات ، ص 165 .

³ شایان توجه است انتهای وقت ادای غسل جمعه ، پایان روز جمعه و انتهای وقت قضای غسل جمعه ، پایان روز شنبه است و در اینکه پایان روز ، غروب آفتاب است یا مغرب ، مسأله محل اشکال است و مراعات مقتضای احتیاط در این مورد ترک نشود. بنا بر این ، کسی که در فاصله زمانی بین غروب و مغرب جمعه ، غسل جمعه انجام می دهد ، بنا بر احتیاط واجب آن را بدون نیت ادا یا قضا به قصد ما فی الذمه به جا آورد ؛

البته ، غسل مذکور کفایت از وضو می کند. همین طور ، کسی که در فاصله زمانی بین غروب و مغرب شنبه ، قضای غسل جمعه انجام می دهد ، احتیاط واجب آن است که آن را رجاء انجام دهد و غسل مذکور در این زمان بنا بر احتیاط واجب کفایت از وضو نمی کند. (توضیح المسائل جامعه آیت الله سیستانی ، ج 1 ، م 481 ،

قضای غسل جمعه را در شب شنبه انجام نداده و آن را در روز شنبه در فاصله زمانی اذان صبح تا غروب به جا آورد.

نکته 2: کسی که می داند روز جمعه، آب پیدا نخواهد کرد، می تواند روز پنجشنبه یا شب جمعه، غسل را رجاء^۱ انجام دهد، ولی این غسل جمعه که رجاء انجام می شود، کفایت از وضو نمی کند.

نکته 3: مستحب است انسان در هنگام غسل جمعه بگوید:

«أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، و أن محمداً عبده و رسوله، اللهم صل على محمد و آل محمد، و اجعلني من التوابين و اجعلني من المتطهرين»^۲.

آیت الله مکارم: غسل جمعه از مهمترین و مؤکدترین غسل های مستحب محسوب می شود و بهتر است حتی الامکان آن را ترک نکنند، وقت آن از اذان صبح روز جمعه است تا ظهر و اگر تا ظهر انجام نشود احتیاط آن است که بدون نیت ادا و قضا و به قصد مافی الذمه تا عصر^۳ جمعه به جا آورند، و اگر در روز جمعه غسل نکنند مستحب است از صبح شنبه تا غروب، قضای آن را به جا آورند و کسی که می ترسد در روز جمعه آب پیدا نکند می تواند روز پنجشنبه غسل را به نیت مقدم داشتن انجام دهد. همچنین در صورتی که احتمال دهد روز جمعه موفق نشود تقدیم آن مانعی ندارد.^۴

به صورت کلی :

غسل جمعه مستحب مؤکد می باشد و بهتر آن است که نزدیک ظهر روز جمعه انجام شود .
انجام آن :

| | | |
|------------------------------|---|--|
| از اذان صبح تا اذان ظهر | : | به نیت ادا |
| از اذان ظهر تا غروب روز جمعه | : | بدون نیت ادا و قضا [یعنی به نیت ما فی الذمه] |
| از اذان صبح تا غروب روز شنبه | : | به نیت قضا |

^۱ سؤال: عملی را رجاء به جا آورد به چه معناست؟

آیت الله فاضل: رجاء به معنای امید و آرزو است ، عملی را رجاء بجا بیاورند یعنی عمل را به امید رسیدن به مطلبی انجام دهد و در شرع جایی این عبارت گفته می شود که معلوم باشد فلان عمل یا فلان دعا حرام نیست (ولی وجوب یا استحباب آن هم ثابت نیست) در چنین مواردی قهراً یا واجب است یا مستحب است یا مباح و یا مکروه ، لذا می فرمایند ، انسان می تواند این عمل یا دعا و ذکر را رجاء ، یعنی به امید این که شاید واجب یا مستحب و دارای ثواب باشد ، انجام دهد. (حکیم زاده ، سید مرتضی ، احکام تقلید ، ص 77)

^۲ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی ، ج 1 ، م 481 .

^۳ منظور از عصر ، همان غروب است . (پرسش پیامکی از دفتر معظم له)

^۴ توضیح المسائل آیت الله مکارم ، م 608 .

2. غسل شب اول و تمام شب های طاق (فرد) و ده شب آخر ماه رمضان؛

امام خمینی: غسل شب اول ماه رمضان و تمام شب های طاق (فرد) مثل شب سوم و پنجم و هفتم، ولی از شب بیست و یکم مستحب است همه شب غسل کند، و برای غسل شب اول و پانزدهم و هفدهم و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم و بیست و پنجم و بیست و هفتم و بیست و نهم بیشتر سفارش شده است. و وقت غسل شب های ماه رمضان تمام شب است، و بهتر است مقارن غروب آفتاب به جا آورده شود ولی از شب بیست و یکم تا آخر ماه بهتر است غسل را بین نماز مغرب و عشاء به جا آورد. و نیز مستحب است در شب بیست و سوم غیر از غسل اول شب، یک غسل هم در آخر شب انجام دهد.¹

¹ نظر امام در تحریر الوسيلة، محث "القول فی الاعسال المندوبة": ومنها: اغسال لیالی شهر رمضان، و هی لیالی الأفراد: الأولى و الثالثة والخامسة وهكذا، و تمام لیالی العشر الأخيرة، و الاكد منها لیالی القدر، ولیلة النصف، ولیلة سبع عشرة و الخمس و العشرين و السبع و العشرين و التسع و العشرين. و يُستحب فی لیلة الثالث و العشرين غسل ثانی آخر اللیل. و وقت الغسل تمام اللیل، و الأولى إتیانها قبیل الغروب، إلا فی لیالی العشر الأخيرة، فإنه لا یبعد رجحانها فیها بین العشاءین.

و از جمله غسل های زمانیه است، غسلهای شبهای ماه رمضان و آن شبها شبهای فرد ماه، شب اول و سوم و پنجم و... و تمام شبهای دهه آخر ماه رمضان می باشند و غسل شبهای قدر، شب نیمه، شب هفدهم، شب بیست و پنجم، شب بیست و هفتم، شب بیست و نهم، تأکید بیشتری دارد. و در آخر شب بیست و سوم، غسل دیگری مستحب است، و وقت غسل، تمام شب است و بهتر آنست که نزدیک غروب آفتاب باشد مگر در شبهای دهه آخر ماه رمضان که بعید نیست در این شبها انجام آن بین نماز مغرب و عشاء رجحان داشته باشد.

نظر امام خمینی در عروة الوثقی - [عروة الوثقی با تعلیقات امام خمینی، ج 1، ص 331، م 16] - : «متن عروة: " وقت غسل اللیالی تمام اللیل و ان كان الأولى إتیانها أول اللیل، بل الأولى إتیانها قبل الغروب أو مقارناً له، لیکون علی غسل من أول اللیل إلى آخره؛ نعم، لا یبعد فی لیالی العشر الأخير رجحان إتیانها بین المغرب و العشاء، لما نقل من فعل النبی صلی الله علیه و آله؛ و قد مر أن الغسل الثانی فی اللیلة الثالثة و العشرين فی آخره."

امام خمینی، بر این متن عروة، حاشیه نمی زند و از عدم حاشیه فهمیده می شود که ایشان با نظر صاحب عروة موافق می باشند.

همینطور که ملاحظه کردید، امام خمینی در تحریر الوسيلة می فرماید: بهتر است غسل های شب های ماه رمضان غیر از دهه آخر را نزدیک غروب انجام دهد"، در توضیح المسائل، می فرماید: "بهتر است مقارن غروب انجام شود" و در حاشیه عروة می فرماید: بهتر است قبل یا مقارن غروب آفتاب انجام شود"

توجه: قبل با قبیل تفاوت دارد.

قبیل: طَرَف زمان مُغْرَب، نحو:

«قَبْل هذه الأحداث، جاء قَبْلَه، مات من قَبْلَه». و قد یُحَدَف المُضَاف فیجوز فیهِ البِناءُ علی الضَّمّ أو الإعراب علی التَّنوین و دونه، نحو: «جاء قَبْل، و سَوِي من قَبْل، و كُنْتُ قَبْلًا، و من قَبْل، و من قَبْلٍ» || «قَبْل التَّأْرِیخ»: سابق للتَّأْرِیخ: «علم آثار قَبْل التَّأْرِیخ» || «قَبْل قَوَات الأوان»: قَبْل أن یُصِخ من المُتَعَدِّر تَدَارِك الأمر || «قَبْل الحَرْب»:

تَصْغیر قَبْل: «قَبْل الحَرْب» * (المنجد فی اللغة العربیة المعاصرة)

توجه: بین قبل با قبیل، عموم و خصوص مطلق جاری است، یعنی هر قبیلی، قبل است، ولی هر قبلی، قبیل نیست. البته احتمال دارد منظورشان از قبل، همان قبیل باشد. (مؤلف)

پیرامون تفاوت نظرات امام خمینی، چند احتمال می شود داد:

احتمال اول: هر سه ، موافق نظر ایشان باشد ؛ یعنی هم قبل و هم نزدیک و هم مقارن غروب آفتاب ، بهتر است ؛ یا اگر منظور از قبل ، همان قبیل است ، هم نزدیک و هم مقارن غروب ، بهتر است .

احتمال دوم: نظری که در تحریر الوسیله است ، مقدّم است . (مؤلف)

چند استفتاء از امام خمینی :

سؤال : آیا حاشیه عروه که به صورت مستقل سال ها پیش طبع شده با فتاوی فعلی حضرت عالی موافق است ؟

جواب : بسمه تعالی ، در موارد اختلاف با تحریر الوسیله ، تحریر مقدم است . (استفتائات امام خمینی ، ج 1 ، ص 78 ، س 161)

سؤال : در مواردی بین مسائل مندرجه در کتاب شریف تحریر الوسیله با رساله های عملیه فارسی اختلاف هست . در چنین مواردی عمل به کدام یک مجزی است ؟

جواب : بسمه تعالی ، تحریر الوسیله مقدم است . (استفتائات امام خمینی ، ج 1 ، ص 80 ، س 162)

سؤال : هل کتابکم (تحریر الوسیله) يجوز العمل به ؟ وما قولکم فی الاختلافات بوجوده فی تحریر الوسیله وفي توضیح المسائل ؟

جواب : بسم الله الرحمن الرحيم ، فی موارد الاختلاف يكون المحکم هو کتابنا تحریر الوسیله . (استفتائات امام خمینی ، ج 1 ، ص 80 ، س 163)

سؤال : در صورتی که حواشی حضرت عالی بر عروه الوثقی احياناً با متن تحریر الوسیله اختلافی داشته باشند ، کدام را مقدم بداریم ؟

بسمه تعالی ، تحریر الوسیله مقدم است . (استفتائات امام خمینی ، ج 1 ، ص 84 ، س 173)

سؤال : اگر احياناً فتوایی را فقط حاشیه بر عروه متعرض بود ، ملاک عمل قرار گیرد یا خیر ؟

بسمه تعالی ، اگر در تحریر نبود معتبر است و باید عمل شود . (استفتائات امام خمینی ، ج 1 ، ص 84 ، س 174)

سؤال : در بعضی مسائل بین عروه الوثقی ، تحریر الوسیله و رساله فارسی اختلاف هست . لطفاً بیان فرمایید که به ترتیب ، کدام یک مقدم است ؟

جواب : بسمه تعالی ، اگر اختلاف دیده شد استفتا شود . (استفتائات امام خمینی ، ج 1 ، ص 84 ، س 175)

نکته : بعضی فقهاء بر این فرمایش صاحب عروه اشکالاتی وارد کردند :

متن عروه : وقت غسل اللبالي تمام الليل ، و إن كان الأولى⁽¹⁾ إتيانها أول الليل ، بل الأولى إتيانها⁽²⁾ قبل الغروب⁽³⁾ أو مقارناً⁽⁴⁾ له ؛ ليكون على غسل من أول الليل إلى آخره ، نعم ، لا يبعد في اللبالي العشر الأخيرة رجحان إتيانها بين المغرب والعشاء ؛ لما نقل من فعل النبي صَلَّى اللهُ عليه وآله ، و قد مرَّ أنّ الغسل الثاني في الليلة الثالثة والعشرين في آخره .

(1) لم تثبت الأولوية فيه و فيما بعده ، بل جواز الغسل قبل الغروب غير ثابت . (تقي القمي).

(2) الأحوط الإتيان بها بعد الغروب . (عبد الهادي الشيرازي).

* عند غروب الشمس قبيله ، كما مرَّ في الخبر الصحيح (الوسائل : باب ١٣ من أبواب الأغمسال المسنونة ، ح ٢) (الحكيم).

* لا وجه للأولوية ، بل للمشروعية قبل الغروب ، بل مع المقارنة الحقيقية بعد عدم النصّ ، و عدم صدق عنوان الليل . (عبد الله الشيرازي).

(3) فيه إشكال . (محمد تقي الخونساري ، الأراكي).

* بل قبيل الغروب . (الروحاني).

(4) و في الصحيح : عند وجوب الشمس قبيله . (الميلاني).

(العروه الوثقی و التعليقات عليها ، ناشر : مؤسسة السبطين عليهما السلام العالمية ، جلد : ٥ ، فصل في الأغمسال الهندوبة ، صفحہ : 308 ، م 16)

آیت الله سیستانی: غسل شب اول و هفدهم و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم و بیست و چهارم ماه رمضان.

اما استحباب غسل تمام شب های فرد ماه رمضان و غسل تمام شب های دهه آخر آن و غسل دیگری در آخر شب بیست و سوم آن، ثابت نیست و کسی که می خواهد آنها را انجام دهد، باید به قصد رجاء به جا آورد.^۱

3. غسل روز عید فطر و عید قربان (أضحی)؛

امام خمینی: وقت آن از اذان صبح است تا غروب و بهتر است آن را پیش از نماز عید به جا آورد، و اگر از ظهر تا غروب به جا آورد، احتیاط آن است که به قصد رجاء انجام دهد.^۲

آیت الله سیستانی: وقت آن از اذان صبح شروع می شود و پایان وقت آن بنا بر احتیاط واجب، غروب آفتاب روز عید است^۳ و بهتر آن است پیش از نماز عید به جا آورده شود.^۴

¹ توجه: در توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی و توضیح المسائل تک جلدی ایشان، صحبتی پیرامون وقت اغسال لیالی شهر رمضان نشده است.

نکته: متن عروءة: وقت غسل اللبالي تمام الليل و إن كان الأولى إتيانها أول الليل، بل الأولى إتيانها قبل الغروب أو مقارنا له ليكون على غسل من أول الليل إلى آخره، نعم لا يبعد في ليالي العشر الأخير رجحان إتيانها بين المغرب والعشاء لما نقل من فعل النبي (صلى الله عليه وآله)، و أما الغسل الثاني في الليلة الثالثة والعشرين فالأولى كونه آخر الليل كما مر. (عروءة الوثقى، با تعليقات آیت الله سیستانی، ج 1، ص 364، م 16)

آیت الله سیستانی بر این مسأله عروءة حاشیه زدند و فهمیده می شود که ایشان با نظر صاحب عروءة، موافق است.

اما همین مسأله را از حرم مطهر به صورت پیامکی سؤال کردیم:

سؤال: چه زمانی، وقت غسل لیالی ماه رمضان می باشد؟ (آیت الله سیستانی)

جواب: وقت غسل شب های ماه رمضان از اول شب تا صبح است؛ گرچه افضل به جا آوردن آن در آغاز شب است؛ بلکه بهتر آن است که نزدیک غروب آفتاب یا مقارن آن انجام گیرد که شب را با غسل آغاز کرده باشد. مستحب است غسل شب های دهه آخر را بین نماز مغرب و عشاء به جا آورد. (سامانه پیامکی حرم مطهر)

² توضیح المسائل امام خمینی، م 644؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 481 و 482 و أيضاً توضیح المسائل ایشان، م 633 و 634.

³ فرمایش امام در تحریر الوسیله: ومنها: غسل یومی العیدین: الفطر والأضحی، والغسل فی هذین الیومین من السنن الأكیده، ووقته بعد الفجر إلى الزوال، ویحتمل امتداده إلى الغروب، والأحوط إتیانه بعد الزوال رجاءً. (تحریر الوسیله، مبحث "القول فی الأغسال المندوبه")

و از جمله غسل های زمانیه است، غسل روز عید فطر و قربان است و غسل در این دو روز از مستحبات مؤکده است و وقت آن بعد از فجر (سفیده صادق) تا ظهر است و احتمال دارد وقت آن تا غروب باشد و احتیاط آنست که بعد از ظهر به قصد رجاء بجای آورده شود. (ترجمه تحریر الوسیله، غسل های مستحب)

⁴ انتهای وقت ادای غسل عید فطر یا قربان، پایان روز عید است و در اینکه پایان روز، غروب آفتاب است یا مغرب، مسأله محل اشکال است و مراعات مقتضای احتیاط در این مورد ترک نشود. بنا بر این، کسی که در فاصله زمانی بین غروب و مغرب عید فطر یا قربان، غسل روز عید را انجام می دهد، احتیاط واجب آن است که آن را رجاءاً انجام دهد و غسل مذکور در این زمان، بنا بر احتیاط واجب کفایت از وضو نمی کند. (توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، ج 1، م 481، پاورقی)

⁵ توضیح المسائل امام خمینی، م 644؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی، م 481.

قسم دوّم: غسل های مکانی

امام خمینی: اما غسلهای مستحب مکانی:

غسلهایی است که برای دخول در بعضی از مکانهای مخصوص مستحب می‌باشند، مانند حرم مکه و شهر مکه و مسجد الحرام و کعبه و حرم مدینه و شهر مدینه و مسجد النبی و اما برای دخول در سایر مشاهد مشرفه به قصد رجاء بجای آورده شود.¹

قسم سوّم: غسل های فعلی

و اما غسلهای مستحب فعلی بر دو قسم است:

اول: غسل برای کاری که می‌خواهد آن را انجام دهد و برای چیزی که دوست دارد واقع شود،

امام خمینی: مانند: غسل احرام، طواف، زیارت، وقوف در عرفات - و اما غسل برای وقوف در مشعر به قصد رجاء بجای آورده می‌شود - غسل برای سر بریدن گاو و گوسفند و برای نحر شتر و برای حلق (تراشیدن سر) و برای اینکه یکی از امامان معصوم - علیهم السلام - را در خواب ببیند - کما اینکه از امام کاظم - علیه السلام - روایت شده است «اگر کسی بخواهد این امر را، سه شب غسل کند و مناجات با آنان داشته باشد پس ایشان را در خواب می‌بیند» - و برای نماز حاجت، و برای استخاره برای انجام عمل استفتاح که به عمل امّ داود معروف است و برای برداشتن تربت شریف امام حسین - علیه السلام - از محل آن، برای اراده مسافرت، خصوصاً برای زیارت ابي عبد الله الحسين - علیه السلام - ، و برای نماز استسقاء، و برای توبه کردن از کفر بلکه از هر معصیتی، و برای تظلم و شکایت به خدای تعالی از ظلم کسی که به او ظلم کرده است، که غسل می‌کند و دو رکعت نماز در زیر آسمان می‌خواند سپس می‌گوید «اللهم ان فلان بن فلان ظلمنی و لیس لی احد اصول به علیه غیرک فاستوف لی ظلامتی الساعة الساعة بالاسم الذی اذا سألك به المضطر اجبته فکشف ما به من ضر

¹ و أمّا المکانیة: فهي ما استُجِبَ للدخول في بعض الأمکنة الخاصة، مثل: حرم مکه وبلدها ومسجدها و الكعبة، و حرم المدينة وبلدتها ومسجدها. و أمّا للدخول في سائر المشاهد المشرفة فيأتي به رجاء. (تحرير الوسيلة، مبحث القول في الأغمسال المندوبية)

نکته: حکي عن بعض العلماء: استحباب الغسل عند إرادة الدخول في كل مكان شريف، و وجهه غير واضح، و لا بأس به لا بقصد الورد.

(عروة الوثقى با تعليقات امام خمینی، ج 1، فصل في الأغمسال المکانیة، ص 334، م 1)

و مکت له فی الارض و جعلته خلیفتک علی خلقک فاسألک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تستوفی ظلامتی الساعۃ الساعۃ» که آنچه را دوست دارد می بیند.

و برای ترس از ظالم، که غسل می کند و نماز می خواند سپس زانوهایش را برهنه نموده و نزدیک جایگاه نمازش قرار می دهد و صد مرتبه می گوید «یا حی یا قیوم یا لا اله الا انت برحمتک استغیث فصل علی محمد و آل محمد و ان تطف لی و ان تغلب لی و ان تمکر لی و ان تخدع لی و ان تکید لی و ان تکفینی مؤنۃ فلان بن فلان بلا مؤنۃ»

دوم: غسل به خاطر کاری که انجام داده است و آن چند غسل است:

امام خمینی: از آن جمله: به خاطر کشتن وزغ [منظور از وزغ، همان چلپاسه و مارمولک است نه قورباغه که در بعضی رساله ها نوشته اند؛ (سید مرتضی حکیم زاده، احکام قبل از منبر، ج1، ص 76)] و از آن جمله، به خاطر دیدن به دار آویخته در صورتی که عمداً برای دیدن او تلاش کرده باشد و از آن جمله، به خاطر کوتاهی کردن در ادای نماز، ماه یا خورشید گرفتن خسوف و کسوف در صورتی که تمام قرص ماه و خورشید گرفته باشد که مستحب است در وقت قضای آنها غسل نماید بلکه سزاوار نیست در آن احتیاط ترک شود و از آن جمله، به خاطر مس میت، بعد از آنکه او را غسل داده باشند.¹

¹ و أما الفعلية: فهي قسمان:

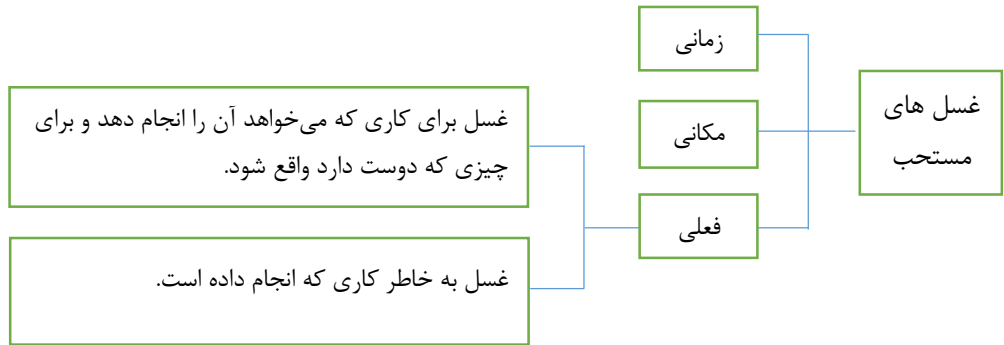
أحدهما: ما يكون لأجل الفعل الذي يبريد إيقاعه ، والأمر الذي يبريد وقوعه ، كفصل الإحرام و الطواف و الزيارة و الوقوف بعرفات ، و أما للوقوف بالمشعر فيؤتى به رجاءً ، والغسل للذبح و النحر و الحلق ، ولرؤية أحد الأئمة عليهم السلام في المنام ، كما روي عن الكاظم عليه السلام: «إذا أراد ذلك يغتسل ثلاث ليال ويتنابهنهم ، فيراهم في المنام» ، ولصلاة الحاجة ، وللاستخارة ، ولعمل الاستفتاح المعروف بعمل أم داود ، ولأخذ التربة الشريفة من محلها ، ولإرادة السفر ، خصوصاً لزيارة أبي عبد الله الحسين عليه السلام ، ولصلاة الاستسقاء ، وللتوبة من الكفر ، بل من كل معصية ، وللتظلم والاشتكاء إلى الله تعالى من ظلم من ظلمه ، فإنه يغتسل ويصلي ركعتين في موضع لا يحجبه عن السماء ، ثم يقول: «اللَّهُمَّ إِنَّ فُلَانًا بَنَ فُلَانٍ ظَلَمَنِي ، وَلَيْسَ لِي أَحَدٌ أَصُولُ بِهِ عَلَيْهِ غَيْرُكَ فَاسْتَوْفِ لِي ظَلَامَتِي السَّاعَةَ السَّاعَةَ بِالْأَسْمِ الَّذِي إِذَا سَأَلْتُكَ بِهِ الْمُضْطَرُّ أَجَبْتَهُ فَكَشَفْتَ مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَمَكَّنْتَ لَهُ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْتَهُ خَلِيفَتَكَ عَلَيَّ خَلْقَكَ ، فَاسْأَلْكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَلِّ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَسْتَوْفِيَ ظَلَامَتِي السَّاعَةَ السَّاعَةَ» ، فيرى ما يحب ، وللخوف من الظالم ، فإنه يغتسل ويصلي ، ثم يكشف زكبيته ويجعلهما قريباً من مصلته ، ويقول مائة مرة:

«يا حيُّ يا قيُّومُ يا لا إله إلا أنت بِرَحْمَتِكَ اسْتَغِيثُ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَلِّ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَلْطَفَ لِي ، وَأَنْ تَغْلِبَ لِي ، وَأَنْ تَمُكِّرَ لِي ، وَأَنْ تَخْدَعَ لِي ، وَأَنْ تَكِيدَ لِي ، وَأَنْ تَكْفِينِي مَوْنَةَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ بِلا مَوْنَةٍ».

ثانيهما: ما يكون لأجل الفعل الذي فعله ، و هي أغسال: منها: لقتل الوزغ. ومنها: لرؤية المصلوب مع السعي إلى رؤيته متعمداً. ومنها: للتفريط في أداء صلاة الكسوفين مع احتراق القرص ، فإنه يُستحب أن يغسل عند قضائها ، بل لا ينبغي ترك الاحتياط فيه. ومنها: لمس الميت بعد تغسيله. (تحرير الوسيلة ، محبت القول في الأغسال المندوبة)

سؤال: آیا غسل ، مستحب نفسی می باشد؟ یعنی آیا غسل به خودی خود ، مستحب است؟

به صورت کلی:



سؤال: آیا در مورد قضای غسل جمعه دلیلی داریم؟

آیت الله مکارم: آری در این زمینه روایتی داریم که تا غروب روز شنبه می‌توان آن را قضا کرد.^۲

جواب: ربّما قبل بكون الغسل مستحباً نفسياً، فيشرع الإتيان به في كلّ زمان من غير نظر إلى سبب أو غاية، و وجهه غير واضح، و لا بأس به لا بقصد الورد.

(عروة الوثقى با تعلیقات امام خمینی، ج 1، فصل فی الأغسال المندوبة، ص 333، م 20؛ عروة الوثقى با تعلیقات آیت الله سیستانی، ج 1، فصل فی الأغسال المندوبة، ص 366، م 20؛ عروة الوثقى با تعلیقات آیت الله مکارم، ج 1، فصل فی الأغسال المندوبة، ص 371، م 20)

نقل عن جماعة كالمفيد و المحقق و العلامة و الشهيد و المجلسي - قدس سرهم - استحباب الغسل نفساً و لو لم يكن هناك غاية مستحبة أو مكان أو زمان. و نظرهم في ذلك إلى مثل قوله [تعالى]: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» و قوله عليه السلام: «إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ عَلَى طَهَارَةٍ فَافْعَلْ» و قوله عليه السلام: «أَيُّ وُضوءٍ أَطَهَرَ مِنَ الْغَسْلِ» و «أَيُّ وُضوءٍ أَنْقى مِنَ الْغَسْلِ» و مثل ما ورد من استحباب الغسل بماء الفرات من دون ذكر سبب أو غاية، إلى غير ذلك، لكن إثبات المطلب بمثلها مشكل.

(عروة الوثقى با تعلیقات امام خمینی، ج 1، فصل فی الأغسال الفعلية، ص 339، م 6؛ عروة الوثقى با تعلیقات آیت الله سیستانی، ج 1، فصل فی الأغسال الفعلية، ص 373، م 6؛ عروة الوثقى با تعلیقات آیت الله مکارم، ج 1، فصل فی الأغسال الفعلية، ص 377، م 6)

¹ مؤلف.

² استفتاآت جدید، ج 1، ص 42.

سؤال: آیا اغسال زمانیه، قضاء دارند؟

جواب: "الاقضاء للأغسال الزمانية إذا جاز وقتها كما لا تتقدم على زمانها مع خوف عدم التمكن منها في وقتها إلا غسل الجمعة كما مر، لكن عن المفيد استحباب قضاء غسل يوم عرفة في الأضحى، و عن الشهيد استحباب قضائها أجمع و كذا تقدیمها مع خوف عدم التمكن منها في وقتها و وجه الأمرين غير واضح، لكن لا بأس بهما لا بقصد الورد."

سؤال: آیا استحباب غسل زیارت، ثابت است؟

آیت الله سیستانی: استحباب غسل برای زیارت معصومین - علیهم السلام - از دور یا نزدیک، ثابت نیست و کسی که می خواهد آن را انجام دهد، باید به قصد رجاء به جا آورد.¹

آشنایی با کتب علماء

سؤال: توضیحی پیرامون کتاب "مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیلة من الواجبات و المستحبات" بیان کنید.

معرفی اجمالی

« مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیلة من الواجبات و المستحبات » تألیف شیخ بهایی، محمد بن حسین حارثی، متوفای 1031 ق در موضوع اعمال واجب و مستحب برای یک مسلمان در یک شبانه روز می باشد.

انگیزه نگارش

شیخ بهایی - رحمه الله علیه - کتاب خود را به این انگیزه نوشته که یک مسلمان بتواند در یک شبانه روز تمام اعمال خود را بر طبق آن انجام دهد؛ لذا نمازهای واجب و مستحب، وضو، طهارت و... را نیز در کتاب خود ذکر کرده است.

روش تألیف

(عروة الوثقی با تعلیقات امام خمینی ، ج 1 ، فصل فی الأغسال المندوبة ، م 19 ؛ عروة الوثقی با تعلیقات آیت الله سیستانی ، ج 1 ، فصل فی الأغسال المندوبة ، م 19 ؛ عروة الوثقی با تعلیقات آیت الله مکارم ، ج 1 ، فصل فی الأغسال المندوبة ، م 19)

¹ توضیح المسائل امام خمینی ، م 645 ؛ توضیح المسائل جامع آیت الله سیستانی ، ج 1 ، م 482 و أيضاً توضیح المسائل ایشان ، م 634.

سؤال: حکم غسل برای زیارت پیامبر و ائمه معصومین - علیهم السلام - (از راه دور یا نزدیک) چه حکمی دارد؟

آیت الله مکارم: در فرض سؤال مستحب است غسل انجام بدهد. (وبگاه آیت الله مکارم ، غسل های مستحب)

سؤال: آیا استحباب غسل زیارت معصومین از دور یا نزدیک، ثابت است؟ و کفایت از وضو می کند؟ (آیت الله مکارم)

جواب: در فرض سؤال مستحب است غسل انجام بدهد و کفایت از وضو می کند. (پرسش پیامکی از دفتر معظم له)

مصنف در لابلاي ابواب كتاب بحث‌هاي دقيق علمي و روايي مطرح کرده و به نفي و اثبات نظريه‌هاي گوناگون پرداخته است.

از جمله، شيخ بهايي در مورد تسبيح حضرت زهرا - سلام الله عليها - بحث مفصلي دارد.

بحث‌هايي مانند آداب لباس پوشيدن و خوردن و آشاميدن و راه شناختن زوال آفتاب و آداب مسواک و... را نيز در فصول مختلف و در مناسبت‌هاي گوناگون مطرح کرده است.

شيخ بهايي - رحمه الله عليه - در هر فصل از كتاب، پس از ذکر چند روايت و مطالب مختلف، شروع به توضيح الفاظ روايات کرده و بعضي مطالب مبهم يا دشوار آن فصل را تبیین نموده است.

ترتيب مطالب

ترتيب كتاب بر اساس گذران يك شبانه روز است، به اين صورت كه كتاب 6 باب است:

باب اول در اعمالی است كه بين الطلوعين انجام می‌شود اعم از واجب و مستحب.

باب دوم اعمال مختص به طلوع آفتاب تا ظهر شرعی و زوال آفتاب است.

باب سوم شامل اعمال زوال آفتاب تا غروب آن است.

باب چهارم اختصاص به اعمال غروب خورشید تا وقت خواب دارد.

باب پنجم شامل اعمال وقت خواب تا نیمه شب است كه آداب خواب و تسبيح حضرت زهرا - سلام الله عليها - را هم در اين قسمت ذكر نموده.

باب ششم اعمال بين نیمه شب تا طلوع فجر است.

خاتمه كتاب كه شامل تفسير سوره حمد است.

مقبولیت

كتاب شريف مفتاح الفلاح به لحاظ دسته‌بندی زیبا، خلوص از زوائد، صحت و اعتبار مطالب و آواز مؤلف شريف آن، خیلی سریع جایگاه خود را در بين اقشار مختلف جامعه به دست آورد و هر خانواده متعبد مسلمان يك نسخه از آن را در کنار قرآن مجید برای استفاده روزانه در خانه خود نگه می‌داشت.

ترجمه

این کتاب شریف به خاطر همگانی بودن و استفاده عموم مردم از آن، بارها ترجمه شده تا منفعت آن عام‌تر شود. از جمله ترجمه‌ها:

1- ترجمه کتاب توسط مرحوم آقا جمال خوانساری، متوفای 1125 هجری

2- ترجمه‌ای از محمد شریف بن احمد جیلانی که با نام عروۃ النجاح منتشر شده و در آن خاتمه کتاب را که تفسیر سوره حمد بوده حذف کرده و در عوض دعا‌های ایام هفته و زیارات معصومین و ادعیه مشهوری مانند کمیل و سمات و... را به آخر آن افزوده است.

3- ترجمه کتاب با نام آداب عباسی از صدر الدین محمد بن محب تبریزی، که شاگرد شیخ بهایی بوده و در زمان حیات مؤلف کتاب را ترجمه کرده است.

یک نسخه از کتاب نیز به صورت خلاصه آداب عباسی که حواشی و بیان‌های شیخ بهایی را حذف کرده موجود است.

4- ترجمه‌ای با نام التحفة النوابیة از سید محمد جعفر حسینی که در 9 باب تنظیم شده، 6 باب اول آن بر طبق مفتاح الفلاح است و سه باب به آخر آن افزوده که شامل اعمال ماه‌های رجب، شعبان و رمضان و آداب دعا و زیارات و... می‌باشد.

شرح

کتاب شریف مفتاح الفلاح یک بار توسط آقا جمال خوانساری شرح شده و یک بار نیز توسط شیخ سلیمان بن عبد الله بحرانی، متوفای 1121 هجری شرح شده و با «نام فلق الصباح فی شرح مفتاح الفلاح» منتشر گشته است.

تلخیص

کتاب فتح المفتاح که توسط یکی از شاگردان شیخ بهایی - رحمه الله علیه - تألیف شده منتخب و خلاصه‌ای است از مفتاح الفلاح استاد.

حواشی

از جمله حاشیه‌های نوشته شده برای کتاب حاضر است:

1- حاشیه‌ای توسط مولا اسماعیل بن محمد حسین خواجوی، متوفای 1173 هجری

2- حاشیه‌ای به وسیله سید حسین حسینی مرعشی، معروف به خلیفه سلطان، که از شاگردان شیخ بهایی است و حواشی مفصلی بر کتاب زده که حجم آن از حجم کتاب نیز بیشتر است.

آشنایی با زندگی نامه بزرگان

سؤال: توضیحی پیرامون زندگی "شیخ بهایی" بیان کنید.

ولادت

محمد بن حسین بن عبد الصمد حارثی، معروف به شیخ بهایی در سال 953 هجری در شهر بعلبک لبنان به دنیا آمد.

نسب

نسب شیخ به حارث همدانی، صحابی جلیل القدر امیر المؤمنین - علیه السلام - می‌رسد.

حارث همدانی در جنگ صفین و جمل از یاوران استوار امیر مؤمنان بود و تا پایان جنگ ایستادگی نمود.

زندگی‌نامه

شیخ بهایی در دوران کودکی همراه پدر بزرگوار خود، که از علمای مبرّز جهان تشیع بود و نزد سلاطین نیز از موقعیت ممتازی برخوردار بود، به ایران سفر کرد.

مقداری از تحصیلات خود را در وطن فرا گرفته بود که به اصفهان وارد شد و در آنجا نیز با جدیت تمام به تحصیل علوم مختلف پرداخت شیخ ظرف مدت کوتاهی مقبولیت عام یافت و از سوی شاه عباس صفوی نهایت احترام برای او رعایت می‌شد.

شیخ بهایی پس از شیخ علی فشار، منصب شیخ الاسلامی دولت صفویه را عهده‌دار شد و از امکانات این دولت شیعی نهایت استفاده را برای ترویج تشیع نمود.

وی پس از مدتی قصد سفر کرد و مسافرتی طولانی را آغاز نمود.

یکی از عواملی که باعث این سفر شد علاقه شیخ به سیاحت و دیدن و تجربه اندوزی بود. عامل دیگر که سهم مهمی در این سفرها داشت حسادت اطرافیان بود که نمی‌توانستند موقعیت و احترام شیخ را در دربار صفوی تحمل کنند. (او در بعضی نوشته‌های خود به این مطلب اشاره کرده است.) شیخ که اوضاع را چنین می‌دید برای رهایی از حسادت اطرافیان یا عزلت اختیار می‌کرد یا برای مدتی دست به سفر می‌زد.

سفرها

بهایی - رحمه الله علیه - حدود 30 سال از عمر خود را در سفر گذراند و به شهرها و کشورهای گوناگون سفر نمود، از جمله:

- 1- اولین سفر او از بعلبک به اصفهان بود که تا رسیدن به مراتب بالای علمی در آنجا سکنی گزید.
 - 2- به سبب عواملی که ذکر شد از اصفهان به عراق و حجاز رفت و عتبات عالیات را زیارت نموده و حج خانه خدا را نیز به انجام رساند.
 - 3- در سفری به مشهد مقدس همراه شاه عباس کبیر فاصله اصفهان تا مشهد رضوی را پیاده طی نمود.
 - 4- سفری به کشور مصر داشت و در آنجا کتاب معروف خود، کشکول را تألیف کرد.
 - 5- سفر به کشورهای روم و شام و بیت المقدس را پس از مراجعت از مصر در دستور کار خود قرار داد.
 - 6- از شام عازم حلب شد و در پایان عمر خویش به اصفهان برگشت و سالیانی چند در آن دیار ساکن شد.
- متأسفانه جز چند یادداشت مختصر توسط بعضی اطرافیان و همراهان شیخ، سفرنامه‌ای از این سفر 30 ساله شیخ به دست ما نرسیده، در حالی که اگر شیخ در طول سفرهای خود سفرنامه‌ای تهیه می‌نمود یکی از گرانقدرترین و با ارزش‌ترین اسناد تاریخی گشته و سفرنامه‌ای منحصر به فرد می‌شد.
- شیخ در این سفرها بیشتر به لباس سیاحان و مردم عادی سفر می‌کرد و ناشناس بود.

روایاتی چند از بزرگان حلب و شام و... در دست است که شیخ را در لباس سیاحان دیده‌اند و هنگامی که شیخ در جلسه‌ای لب به سخن گشوده، از فضائلش او را شناخته‌اند و شیخ فوراً آن شهر را ترک گفته که نزد عموم شناخته نشود.

جامعیت

یکی از خصایص شیخ بهایی جامعیت اوست در علوم و فنون مختلف و شیخ در زمینه‌های گوناگون تألیفاتی نیز دارد.

علاوه بر آن، جامعیت در شخصیت داشته که بسیار مهم‌تر از جامعیت در علوم است.

شیخ بهایی آنچنان بود که اهل تسنن او را سنی می‌دانستند و صوفیه او را از بزرگان تصوف می‌پنداشتند و...

اساتید

متأسفانه از اساتید شیخ بهایی اطلاع چندانی در دست نیست جز آنکه او شاگرد پدر خویش، حسین بن عبد الصمد بوده و از او اجازه روایت دارد.

استاد دیگر او نیز شهید ثانی است.

شاگردان

اسامی شاگردان شیخ به ده‌ها نفر می‌رسد که در بین آنان علمایی والا مقام دیده می‌شود، از جمله:

- 1- ملا محسن فیض کاشانی، که نظیر شیخ و استاد خود مشربی عرفانی دارد 2- مولا محمد صالح مازندرانی
- 3- مرحوم محمد تقی مجلسی، معروف به مجلسی اول 4- سلطان العلماء، صاحب حاشیه بر معالم و شرح
- لمعه 5- سید حسن بن سید حیدر کرکی و...

تألیفات

با وجود سفرهای طولانی و منصب‌های اجرایی که شیخ با استفاده از آنها به ترویج مکتب تشیع مبادرت می‌ورزید و کارهای عمرانی فراوان مانند بناهای به یاد ماندنی در شهرهای مختلف از جمله مرقد امیر المؤمنین علیه السلام، مسجد امام اصفهان و...؛ شیخ بهایی هیچ‌گاه از امر مهم تألیف و تصنیف غافل نمانده به طوری که در علوم مختلف تألیفاتی دارد که رقم آنها به 60 عنوان می‌رسد.

از جمله تألیفات وی می‌توان به:

- 1- مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیلة 2- العروة الوثقی، در تفسیر سوره حمد 3- شرح چهل حدیث، که به اعتقاد صاحب نظران از نظر علمی بهترین کتابی است که تا کنون با عنوان چهل حدیث تألیف شده است.
- 4- مشرق الشمسین، در تفسیر آیات الأحکام 5- حدائق المقربین، در شرح صحیفه سجادیه 6- جامع عباسی، کتابی است فقهی تا پایان بحث حج 7- الاثنی عشریات الخمس، کتابی فقهی است که بحث‌های طهارت تا حج را ذکر کرده و در هر موضوع دوازده باب دارد و در هر باب دوازده فصل و در هر فصل دوازده مطلب و...
- 8- الفوائد الصمدیة در نحو، که برای برادر خود عبد الصمد نوشته است 9- بحر الحساب، کتابی مفصل در علم حساب است.
- 10- خلاصه الحساب، تلخیص بحر الحساب و بهترین تألیف در علم حساب قدیم است و بارها شرح شده و بر آن حاشیه نوشته‌اند و علاوه بر فارسی به زبان‌های دیگری مانند آلمانی نیز ترجمه شده است.
- 11- کشکول، اولین کتاب با نام کشکول از شیخ بوده و پس از او این نام برای کتب بسیاری انتخاب شد.
- 12- دیوان اشعار عربی و فارسی.

قدرت شیخ بهایی در شعر عربی و فارسی با نگاهی و لو گذرا به دیوان شعر او کاملاً مشهود است.

وفات

مردان الهی با رفتن از دنیا نمی‌میرند بلکه تا ابد در یاد و خاطر آیندگان زنده‌اند و برکات آنان خلاصه در ایام زندگی‌شان نیست بلکه پس از وفات نیز بواسطه تألیفات و شاگردان و باقیات الصالحاتی که بر جای گذارده‌اند منشأ بسیاری از عنایات الهی بر مردم هستند.

شیخ بهایی نیز از آن جمله است که در عمری سراسر تلاش در راه رضای حضرت حق شاگردانی تربیت نمود و آثاری از خود برجای گذارد که هر یک باقیات الصالحاتی برای او هستند. او بی‌صبرانه دعوت حق را لبیک گفت و در سال 1031 هجری به دیار جاوید شتافت.

بدن مطهر او را از اصفهان به مشهد مقدس انتقال داده و در جوار امام رضا - علیه السلام - به خاک سپردند.

در نماز او که شاگرد بزرگوارش مجلسی اول آن را اقامه کرد نزدیک به 50 هزار نفر شرکت داشتند.

سؤال: توضیحی پیرامون زندگی آیت الله سیستانی بیان نمایید.

سیستانی، علی

آیت الله سید علی حسینی سیستانی (زاده ۱۳ مرداد ۱۳۰۹ در مشهد)، فقیه، اصولی، از مراجع عظام تقلید شیعه در عراق، نقش آفرین در عرصه سیاسی و اجتماعی عراق او در ۱۳ مرداد ۱۳۰۹ شمسی (۹ ربیع الاول ۱۳۴۹ قمری) در مشهد زاده شد. پدرش سید محمدباقر، از عالمان شیعه و مادرش فرزند سید رضا مهربانی سرابی بود. جد او سید علی سیستانی، از شاگردان میرزای شیرازی در نجف بود که در سال ۱۳۱۸ قمری به مشهد بازگشت.

خاندان

خاندان ایشان که از سادات علوی حسینی هستند، در سده یازدهم هجری در اصفهان می زیستند. از سرشناسان آن خاندان در روزگار یادشده می توان به فیلسوف پرآوازه، محمدباقر داماد صاحب کتاب «قبسات» اشاره نمود. یکی از نوادگان وی به نام «سید محمد» در عهد پادشاهی سلطان حسین صفوی به مقام شیخ الاسلامی سرزمین سیستان رسیده و به آن دیار انتقال یافته و از آن پس، او و خانواده اش در همان جا سکنا گرفته اند. نخستین فرد از این خاندان که به مشهد رضوی رهسپار شد، مرحوم «سید علی» بود که برهه ای را در مدرسه مرحوم ملا محمدباقر سبزواری ماند و برای ادامه تحصیل، ابتدا به نجف اشرف رفت و سپس رهسپار سامرا شد.

تحصیلات

آیت الله سیستانی در زادگاه خود پرورش یافت و دروس ابتدایی و مقدمات را همان جا فراگرفت. وی در پنج سالگی به فراگیری قرآن پرداخت و پس از آن برای یادگیری خواندن و نوشتن و دروس ابتدایی، به مدرسه دارالتعلیم دینی رفت و همزمان با تحصیل در آن مدرسه، هنر خوشنویسی را نزد استادش «میرزا علی آقای ناظم» آموخت.

اساتید

در نخستین ماه های سال ۱۳۶۰ ق، با راهنمایی پدر بزرگوارش به فراگیری مقدمات علوم حوزوی پرداخت و شماری از کتاب های ادبی مانند شرح الفیه سیوطی، مغنی ابن هشام، مطول تفتازانی، مقامات حریری و شرح نظام را نزد مرحوم ادیب نیشابوری و دیگر استادان فن خواند و شرح لمعه و قوانین را از مرحوم سید احمد مدرس یزدی معروف به «نهنگ» فراگرفت. تعدادی از کتب سطوح عالیّه همچون مکاسب و رسائل و کفایه را

از آیت‌الله میرزا هاشم قزوینی آموخت و چند کتاب فلسفی مانند شرح منظومه سبزواری و شرح حکمة الإشراف و اسفار را در محضر مرحوم ایسی خواند. شوارق الإلهام را از شیخ مجتبی قزوینی فراگرفت و برای تحصیل معارف و حیانی در حوزه درس مرحوم آیت‌الله میرزا مهدی اصفهانی (متوفای اواخر سال ۱۳۶۵ق) حاضر شد. وی همچنین در حوزه درس خارج میرزا مهدی آشتیانی صاحب تعلیقه بر شرح منظومه و مرحوم آیت‌الله میرزا هاشم قزوینی (قدس سرهما) حضور یافت.

مهاجرت به قم

ایشان در اواخر سال ۱۳۶۸ق، راهی حوزه علمیه شهر مقدس قم شد و در بحث‌های خارج فقه و اصول مرجع بزرگوار آیت‌الله سید حسین طباطبایی بروجردی شرکت نمودند و بسیاری از مهارت‌های فقهی و دیدگاه‌های رجالی و حدیثی را از ایشان فراگرفتند و افزون بر این، از حوزه درس فقیه بزرگوار سید محمد حجت کوه‌کمره‌ای نیز بهره فراوان بردند. در سال‌های اقامت در قم، با مرحوم علامه سید علی بهبهانی عالم معروف شهر اهواز که از پیروان مکتب فقهی محقق تهرانی بود، پیرامون برخی از مسائل قبله‌شناسی، نامه‌نگاری‌هایی انجام داد و در نامه‌های خود، به‌رغم دفاع سید بهبهانی از دیدگاه‌های محقق تهرانی، برخی از دیدگاه‌های وی را به نقد کشید. این مکاتبات تا آنجا ادامه یافت که مرحوم سید بهبهانی نامه‌ای در ۷ رجب ۱۳۷۰ق، به ایشان که در آن تاریخ جوانی بیست‌ویک ساله بود نوشت و در آن مهارت علمی وی را با تعبیر «عمدة العلماء المحققین و نخبة الفقهاء المدققین» ستود و ادامه بحث در خصوص موضوع قبله را به دیدار حضوری با ایشان در هنگام تشریف به زیارت امام رضا(ع) موکول کرد.

مهاجرت به نجف

در اوایل سال ۱۳۷۱ق، آیت‌الله سیستانی شهر مقدس قم را به قصد اقامت در نجف اشرف، کانون علم و فضیلت حوزه‌های علمیه ترک کرد. ایشان سالگرد اربعین امام حسین(ع) را در کربلا ماندند و آنگاه راهی نجف شدند و در مدرسه علمیه بخارائی اقامت گزیدند. در نجف اشرف، حوزه درس فقه و اصول دو تن از بزرگان، یعنی آیت‌الله سید ابوالقاسم موسوی خوئی و شیخ حسین حلی را درک کردند و زمانی طولانی را در محضر ایشان گذراند و در همان ایام، از مباحث برخی دیگر از سرشناسان حوزه از جمله مرحوم آیت‌الله حکیم و مرحوم آیت‌الله شاهرودی نیز بهره برد.

گرفتن اجازه اجتهاد

آیت‌الله سیستانی در حلقه درس استادان خویش، با طرح اشکالات قوی، درک سریع مطلب، تحقیق و تتبع بسیار و تلاش پیگیر علمی و آگاهی از دیدگاه‌های گوناگون در زمینه‌های مختلف علوم حوزوی، درخششی چشمگیر یافت. گواه این مطلب آن است که ایشان در سال ۱۳۸۰ق، درحالی که سی‌ویک ساله بود، موفق به دریافت گواهی اجتهاد مطلق از سوی دو استاد خود، یعنی آیت‌الله خوئی و شیخ حسین حلی شد. این در حالی بود که از یک‌سو، آیت‌الله خوئی، جز برای اندکی از شاگردان خود هرگز چنین اجازه‌ای صادر نفرموده است که یکی از آن‌ها آیت‌الله سیستانی و دیگری مرحوم آیت‌الله میرزا علی فلسفی از علمای مشهد مقدس بوده و از سوی دیگر تنها کسی که موفق به دریافت اجازه اجتهاد مطلق از شیخ حسین حلی شده، آیت‌الله سیستانی است. علامه شیخ آقابزرگ تهرانی استاد محدثان روزگار خویش نیز در نوشته‌ای به تاریخ ۱۳۸۰ق، مهارت و توانمندی ایشان در علم رجال و حدیث را گواهی کرده است.

تدریس

آیت‌الله سیستانی، از اوایل سال ۱۳۸۱ق، درس خارج فقه خود را بر مبنای کتاب مکاسب شیخ انصاری آغاز کرد و پس از آن به شرح کتاب عروۃ الوثقی پرداخت و شرح کتاب طهارت، بخش زیادی از کتاب صلاة، بخشی از کتاب خمس، تمام کتاب صوم و اعتکاف را به پایان برد و شرح کتاب زکات را شروع نمود. در همان سال‌ها، به درس‌های فقهی دیگری پیرامون مباحث کتاب قضا و بحث‌های «ربا» و «قاعده الزام» و «قاعده تقیه» و دیگر قواعد فقهی نیز پرداخت و مباحث رجالی شامل «حجیت مراسیل ابن ابی‌عمیر» و «شرح مشیخه تهذیبین» (تهذیب و استبصار) و غیر آن را نیز در برنامه خود قرار داد. درس خارج علم اصول را از شعبان سال ۱۳۸۴ق، آغاز کرد و دوره سوم آن را در شعبان سال ۱۴۱۱ق، به پایان برد.

شاگردان

در طول سال‌های یادشده، بسیاری از فضایی برجسته در بحث‌های پربار و ارزنده ایشان شرکت نمودند که برخی از آنان در شمار استادان بحث خارج شمرده می‌شوند؛ مانند حضرات آیات شیخ مهدی مروارید، سید مرتضی مه‌ری، مرحوم سید حبیب حسینیان، سید احمد مددی، شیخ مصطفی هرنندی، سید هاشم هاشمی و تنی چند از دیگر اساتیدی که در حوزه‌های علمیه به تدریس اشتغال داشته و دارند.

اقامه نماز جماعت بعد از آیت‌الله خویی

در ۲۹ ربیع‌الثانی سال ۱۴۰۹ق، هنگامی که استاد بزرگوارشان مرحوم آیت‌الله خویی دچار بیماری شد، ایشان بر بالینش حاضر شد، آن مرحوم از وی خواست که به‌جایشان، نماز جماعت را در مسجد خضرا اقامه کند. پس از عدم موافقت اولیه ایشان، آیت‌الله خویی بر خواسته خود پافشاری کرد و فرمود: «اگر می‌توانستم، مانند مرحوم حاج آقا حسین قمی، به لزوم پذیرش این دستور بر شما حکم می‌کردم». با این جمله، ایشان چند روز فرصت خواستند و سرانجام خواسته ایشان را پذیرفته و از روز جمعه ۵ جمادی‌الثانی ۱۴۰۹ق تا آخرین جمعه ماه ذوالحجه سال ۱۴۱۴ق، که درهای مسجد یادشده از طرف رژیم بعث بسته شد، امامت نمازگزاران را برعهده داشتند.

مبارزات سیاسی

در سال ۱۴۱۱ق، هنگامی که رژیم بعثی، «انتفاضه شعبانیه» را سرکوب کرد، ایشان همراه جمعی از علما، از جمله «شهید شیخ مرتضی بروجردی» و «شهید میرزا علی غروی» بازداشت شدند و در هتل «السلام»، اردوگاه «رزازه»، بازداشتگاه «رضوانیه» مورد ضرب و جرح و بازجویی قرار گرفتند. ایشان از اواخر سال ۱۴۱۸ق، به حصر در خانه خود محکوم شد؛ به‌گونه‌ای که در این سال‌ها حتی از تشریف به زیارت جد بزرگوارشان حضرت امیرالمؤمنین(ع) نیز محروم ماندند. ایشان همواره از سوی سازمان‌های اطلاعاتی و مزدوران رژیم تحت فشار قرار داشت، ولی در برابر همه این زورگویی‌ها پایداری کرد.

مرجعیت

در واپسین سال‌های زندگی آیت‌الله خویی میان بسیاری از فضلا، دغدغه‌های فراوانی برای یافتن شخصی به‌عنوان جانشین آیت‌الله خویی و انتخاب مرجعی برای شیعیان مطرح بود که بتواند با حمایت از حوزه علمیه، استقلال مرجعیت دینی را پاس دارد. نگاه بسیاری از فضلا به ایشان معطوف بود، او کسی بود که آیت‌الله خویی وی را برای امامت جماعت به‌جای خود در مسجد خضرا برگزیده و آوازه این اقدام در میان توده‌های مردم پیچید. این در حالی بود که از یک ربع قرن پیش از آن، در محافل علمی و حوزوی از ایشان به‌عنوان استادی توانا در بحث خارج یاد می‌شد. با درگذشت آیت‌الله خویی در ۸ صفر ۱۴۱۳ق، گروهی از علمای اعلام و پیشاپیش همه آنان، آیت‌الله سید علی بهشتی و آیت‌الله شیخ مرتضی بروجردی، مردم را به تقلید از آیت‌الله سیستانی ارجاع دادند و در پی آن بود که بسیاری از مؤمنان در عراق و دیگر کشورهای اسلامی به‌سوی او روی آوردند

آثار و تألیفات

تعلیقہ علی العروۃ الوثقی؛ الرآفد فی علم الأصول؛ قاعدة لا ضرر و لا ضرار؛ مناسک حج؛ المسائل المنتخبیة؛ ملحقات مناسک حج؛ منهاج الصالحین؛ مختصر توضیح المسائل؛ توضیح المسائل؛ احکام نوجوانان و جوانان؛ فقه برای غرب نشینان (الفقه للمغربیین)؛ الفقه المیسر؛ فی ما إذا اختلف المجتهدان المتساویان فی الفتوی؛ رسالہ فی قاعدة الید؛ رسالہ فی قاعدة الإلزام؛ رسالہ فی قاعدة التجاوز و الفراغ؛ رسالہ فی قاعدة القرعة؛ رسالہ فی قاعدة لا ضرر و لا ضرار؛ رسالہ فی اللباس المشکوک فیہ؛ رسالہ فی الربا؛ رسالہ فی حجیة مراسیل ابن اَبی عمیر؛ رسالہ فی تاریخ تدوین الحدیث فی الإسلام؛ رسالہ فی تحقیق نسبه کتاب العلل إلى الفضل بن شاذان؛ رسالہ فی الاجتهاد و التقليد؛ رسالہ فی التقیة؛ رسالہ فی القبلة؛ رسالہ فی صلاة المسافر؛ رسالہ فی صیانة الكتاب العزیز عن التحریف؛ رسالہ فی اختلاف الآفاق فی رؤیة الهلال؛ مسالک القدماء فی حجیة الأخبار؛ شرح العروۃ الوثقی؛ البحوث الأصولیة؛ الفوائد الغرویة؛ الفوائد الفقھیة؛ الفوائد الرجالیة؛ شرح مشیخة الفقیه؛ شرح مشیخة التّهذیبین؛ کتاب القضاء؛ کتاب البیع؛ نقد تصحیح الأسانید.

سؤال: خلاصه ای از زندگی نامه آیت الله مکارم بیان نماید.

آغاز پربرکت

حضرت آیه الله العظمی مکارم شیرازی در سال 1345 هجری قمری در شهر شیراز در میان یک خانواده مذهبی که به فضائل نفسانی و مکارم اخلاقی معروفند دیده به جهان گشود. معظم له تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی خود را در شیراز به پایان رسانید. هوش و حافظه قوی و استعداد ممتاز، وی را در محیط مدرسه در ردیف شاگردان بسیار ممتاز قرار داده بود.

حیات علمی

با اینکه هیچ یک از افراد خانواده معظم له در کسوت روحانیت نبود، تنها عشق شدید به معارف اسلامی (طی حوادث جالبی) سرانجام ایشان را به این رشته پرافتخار کشانید. معظم له در حدود 14 سالگی رسماً دروس دینی را در «مدرسه آقا باباخان شیراز» آغاز کرد و در مدت اندکی نیازهای خود را از علوم: صرف، نحو، منطق، معانی، بیان و بدیع به پایان رسانید. سپس توجه خود را به رشته فقه و اصول معطوف ساخت و به خاطر نبوغ فوق العاده ای که داشت. مجموع دروس مقدماتی و سطح متوسط و عالی را در مدتی نزدیک به چهار سال! به

پایان رساند. در همین سالها گروهی از طلاب حوزه علمیه شیراز را نیز با تدریس خود بهره‌مند می‌ساخت، و گاه در یک روز- علاوه بر درسهایی که خود می‌خواند- هشت جلسه تدریس داشت!

ایشان در 18 سالگی وارد حوزه علمیه قم شدند و قریب پنج سال از جلسات علمی و درس اساتید بزرگ آن زمان مانند حضرت آیه‌الله العظمی بروجردی و آیات بزرگ دیگر رضوان الله علیهم بهره گرفتند.

هجرت در جوانی

معظم‌له برای آشنایی با نظرات و افکار اساتید بزرگ یکی از حوزه‌های عظیم شیعه در سال 1369 ه- ق وارد حوزه علمیه نجف اشرف گردیدند و در آنجا در دروس اساتید عالی مقام و بزرگی همچون آیات عظام آقای حکیم و آقای خوئی و آقای سید عبدالهادی شیرازی و اساتید برجسته دیگر- قدس الله اسرارهم- شرکت جستند.

رسم دیرینه حوزه

معظم‌له در سن 24 سالگی به اخذ درجه اجتهاد مطلق از محضر دو نفر از آیات بزرگ نجف نائل شدند.

رجعتی پس از هجرت

معظم‌له در ماه شعبان سال 1330 هجری شمسی به ایران بازگشت و در شهر مقدس قم که آن روز مشتاق رجال علمی بود مأوا گزید و در جمعی که باید بعداً اثری بس عظیم بوجود آورند وارد شد.

حوزه‌ای دیگر، درسی

دیگر حضرت آیه‌الله العظمی مکارم شیرازی بعد از بازگشت به ایران به تدریس سطوح عالی و سپس خارج اصول و «فقه» پرداختند و قریب 50 سال است که حوزه گرم درس خارج ایشان مورد استقبال طلاب و فضلاست؛ بسیاری از کتب مهم فقهی را تدریس کرده و به رشته تحریر درآورده‌اند. در حال حاضر حوزه درس خارج ایشان یکی از پرجمعیت‌ترین دروس حوزه‌های علمیه شیعه است و قریب به دو هزار نفر از طلاب و فضلاء عالیقدر از محضر ایشان استفاده می‌کنند. ایشان از آغاز دوران جوانی به تألیف کتاب در رشته‌های مختلف عقاید و معارف اسلامی و مسأله ولایت و سپس تفسیر و فقه و اصول پرداختند، و یکی از مؤلفان بزرگ جهان اسلام محسوب می‌شوند.

حیات سیاسی

معظم‌له در انقلاب اسلامی حضور فعال داشتند و به همین دلیل چند بار به زندان طاغوت افتادند و به سه شهر «چابهار»، «مه‌باد» و «انارک» تبعید شدند، در تدوین قانون اساسی در خبرگان اول نیز نقش مؤثری داشتند.

خدمات ارزنده معظم‌له:

در رژیم طاغوت احساس می‌شد که حوزه علمیّه قم نیازمند یک نشریه عمومی است تا بتواند با نشریات گمراه‌کننده‌ای که بدبختانه تعداد آنها نیز کم نبود مبارزه نماید.

معظم‌له با همکاری جمعی از دانشمندان برای انتشار نشریه ماهانه «مکتب اسلام» که با کمک بزرگان حوزه علمیّه قم تأسیس شده بود، همکاری نمود. این نشریه در جهان شیعه بی‌سابقه بود و شاید از نظر وسعت انتشار- در میان مجلات علمی و دینی- در تمام جهان اسلام، جزء درجه اولها بود.

پایان جزوه اول